

سوکند به قلم و آنچه می نویسند

موفقیت در آزمون های حقوقی آرزوی شیرینی است؛ شوق
برای قبولی در آزمون وکالت راه اعاشه ای برای مؤسسات و
مدرسینی را فراهم کرده که با تبلیغات فریبا سعی در جذب
دانشجویان دارند. این موفقیت هیچ معجون جادویی یا
فرمول سری ندارد! این نخستین بار است که کامل ترین و
ساده ترین جزوه حقوق جزای عمومی ۳ به صورت رایگان
قابل دریافت است. این جزوه به روشی ساده - اما
شگفت انگیز - موفقیت شما را تضمین می کند.

آخرین بروزرسانی: ۱۴۰۲

جزوه حقوق جزای عمومی ۳

دکتر امید ملاکریمی

(وکیل پایه یک دادگستری و عضو هیأت علمی دانشگاه)

به کوشش انور یوسفی

بسیاری از اوونهایی که می خوان در آزمون های حقوقی قبول بشن در انبوه کتاب های موجود در آشفته بازار حقوقی و همچنین شمار زیاد مؤسسات آموزشی، سردرگم هستند و نمی دانند چگونه تصمیم بگیرند و یا نمی توانند به یک تصمیم قطعی برسند. این سردرگمی، طبیعی ست اما فقط یک روز آن! انتخاب هم جزوه و هم کتاب مرجع، انتخاب خوبی نیست؛ نباید دور خود را شلوغ کنیم! تضمین می کنم این جزوه، برای آزمون های حقوقی، کافی است. یه تیکه از کتاب «کیمیایاگر» نوشته پائولو کوئیلو رو براتون می آرم: «وقتی با تمام وجود و از درون، چیزی را می خواهید تمام کائنات دست در دست هم می دهند تا خواسته شما را اجابت کنند. آرزوها زبان خداوند هستند، در این جهان حقیقتی بزرگ وجود دارد، هر کس که باشی یا هر عملی که از تو سر می زند و وقتی چیزی را از ته قلبت بخواهی آنگاه این خواسته تو از وجود این جهان سرچشمه می گیرد و تو مأمور انجام آن می شوی» خواستم بگویم که اگر این جزوه به دست شما رسیده، حکمتی در آن است!

حیرت‌انگیزی که دنبالش بودید این جزوه است!

درس حقوق جزا با این که از جرم، جنایت و مجازات بحث میشه اما جذابیت‌های خاص خودش داره و از شیرین‌ترین درس‌های حقوق و البته از مهم‌ترین دروس در همه آزمون‌های حقوقی وکالت، ارشد و قضاوته! در این جزوه از ورود به مباحث حاشیه‌ای و بعضاً زائد پرهیز شده و فقط به نکات و مباحث اصلی و مهم پرداخته شده. به طوری که با خوندن این جزوه مطالب حقوق جزا به صورت مُدَوْن در ذهن شما شکل میگیره. مطالعه‌ی این جزوه به دانشجویان دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد و علی‌الخصوص داوطلبان شرکت در آزمون‌های تخصصی حقوقی مانند آزمون‌های کارشناسی ارشد، وکالت، قضاوت، توصیه می‌شود. ضمناً باید بگم: ده‌ها جزوه سَبُک و روانِ حقوقی که به طور شگفت‌انگیزی شیوا و گیرا و رسا توضیح دادم و قول می‌دم که اگه فقط یکی از اوونها رو از سایتتم (www.mollakarimi.ir) بگیرید و مطالعه کنید به جزواتم اعتیاد پیدا می‌کنید.

ما در سایت فوق، کانال تلگرام و صفحه اینستاگراممون، هر آنچه برای قبولی در آزمون‌های حقوقی نیاز است را به شما خواهیم داد! می‌دانیم که داوطلبان آزمون‌های حقوقی، زمانی که تصمیم می‌گیرند که شروع به خواندن نمایند در انتخاب منابع سردرگم هستند؛ کاری که ما انجام می‌دهیم این است که اوون منابعی رو که برای قبولی کفایت می‌کند رو به طور رایگان در اختیارتون می‌گذاریم و بهتون اطمینان می‌دیم که نیاز به خواندن منابع متعدد نخواهید داشت. در واقع، صدها داوطلبی که از این خدمات استفاده کردند و جواب گرفتن رو می‌تونیم شاهد عملکرد مثبتمون بدونیم.

توجه: این جزوه برای تدریس در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی توسط معلم (امید ملاکریمی) تهیه و تکثیر شده و جنبه انتفاعی نداشته و تکثیر و نسخه‌برداری از آن، بدون قصد سودجویی و «تنها با ذکر منبع» مجاز می‌باشد، در غیر این صورت، قانوناً ضمان‌آور است. نگارندگان، سپاسگزار خوانندگانی خواهد بود که نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود را پیرامون این نوشتار از راه‌های فوق یا ایمیل «mollakarimi.omid@gmail.com» بیان فرمایند. به صورت مُدَوْن و منظم، کل حقوق جزا را آموزش خواهیم داد به گونه‌ای که بعد از مطالعه این جزوه احاطه کامل بر مباحث حقوق جزا داشته باشید. مفاهیم و مباحث حقوق جزا اگر بدون اسلوب مُدَوْن توضیح داده بشه فهم آن دشوار و غیرقابل تحمل است ما در این نوشته، مطالب حقوق جزا را به نحو طبقه‌بندی شده نگاشته‌ایم به صورتی که شما با خواندن این جزوه نیاز به خواندن هیچ کتاب و جزوه دیگری ندارید جزا رو به طور کامل می‌گم و شما رو معتاد به روش خودم می‌کنم؛ قول می‌دم! البته بگم که حقوق مدنی و آیین دادرسی مدنی، آیین دادرسی کیفری و همینطور دروس دیگه رو هم با همین روش گفته‌ام.

در آخر، باید بگم که جزوات سایت MollaKarimi.ir و حتی این نوشته دائماً با توجه به سرفصل‌های جدید و آخرین تغییرات قوانین و تست‌های آزمون‌های هر سال، به روز می‌شه و چنانچه پی.دی.اف یا نسخه چاپ‌شده جزوه رو در دست دارید بهتره مجدداً از سایت، نسخه به روز رو دانلود کنید. ضمناً ما کارگاهی داریم که متفاوت از بقیه کارگاه‌هاست! اسم کارگاه ما، «کارگاه تولید محتوای حقوقی» است که می‌تونید اینستاگرام ([@vekalatyar](https://www.instagram.com/vekalatyar)) و تلگرام ما ([@omidmollakarimi](https://www.t.me/omidmollakarimi)) رو دنبال کنید تا کلی محتوای حقوقی خوب رو مشاهده و دریافت کنید.

داستان من: امید ملاکریمی هستم مدرس دانشگاه، عضو هیأت علمی و وکیل پایه یک دادگستری و همینطور تدوین کننده جزوات آزمون‌های حقوقی. می‌خواهم داستان جالب براتون تعریف کنم، یادمه زمانی که مدرک کارشناسیم رو گرفتم خبر اوون موقع مثل الان اینجوری در فضای مجازی فایل‌های صوتی یا جزوات در دسترس نبود؛ به دوستی داشتم که توی کلاسای یکی از مؤسسات آموزشی که توی تهران بود شرکت کرده بود و سر کلاس جزواتی را که اساتید می‌گفتن رو با یه خط خیلی بدی نوشته بود؛ خلاصه من هم که توان شرکت در اوون کلاس‌ها در اون زمان نداشتم ازش خواهش کردم که کپی اون‌ها رو در اختیارم بگذاره، بهم گفت که من اوومدم توی یه خونه‌ای که در شهرستان دارم و برای آزمون وکالت می‌خونم و دسترسی و امکان تهیه کپی ندارم؛ گفت که برو فلان آدرس توی تهران (که آدرس همون مؤسسه آموزشی بود) برو واحد انتشاراتش و جزوات رو بخر! خوشحال شدم و رفتم اونجا، یه آقای مُسِنی توی قسمت تکثیر یا همون واحد انتشارات اون مؤسسه نشسته بود و تا گفتم جزوه فلان اساتید رو می‌خواهم بهم گفت دانشجوی مؤسسه هستی؟ گفتم که نه! گفت بین پسر جون! اینجا به مؤسسه است که داره کار تجاری انجام می‌ده اینجوری که مثلاً استاد به جزوه ۲۰۰ صفحه‌ای میده به من که تکثیر کنم و بدم به دانشجویهای همین مؤسسه که کلاس‌های اوون استاد در اوون درس خاص رو شرکت کردن؛ حرفش رو قطع کردم بهش گفتم: «می‌تونم خواهش کنم که همین جزوه‌ها رو به من بدین؟» گفت: «وایسا هنوز حرفم تموم نشده!»؛ گفتم: «ببخشید، بفرمایید!» ادامه داد که «اون استاده که جزوه ۲۰۰ صفحه‌ای تایی رو در اختیار دانشجویها قرار داده اینجوری نیست که کل کلید یا فرمول یا دستورالعمل قبولی رو بده به دست من که تکثیر شه!» ادمه داد که: «همون استاد به بچه‌ها سر کلاس جزوه هم می‌گه که بنویسن و جزوه دست‌نویس می‌شه مکمل این جزوه تایی و گفت جالب‌تر اینکه در همین جزوه تایپ‌شده هم ایراداتی وجود داره که سرکلاس به بچه‌ها می‌گه که اصلاحش کن!» ادامه داد: «بعله اینجوریاس!»؛ خیلی ناراحت شدم از اینکه چرا باید اوون‌هایی که به این کلاس دسترسی دارن یا توان مالی دارن قبول بشن، از طرف دیگه هم از اون دوستم ناراحت شدم که چرا منو پیچوند! زنگ زدم بهش گفتم ماجرا از این قراره؛ متوجه کاری که باهام انجام داده بود شد، خواست جبران کنه، بهم گفت پاشو بیا اینجا و از جزوات نت‌برداری کن، البته باز نگفت که بهت کپی‌ها رو می‌دم! شاید حق داشت چون هزینه کرده بود و نمی‌خواست یه رقیب اضافه بشه! منم که «مُصِر بودن» و «پیگیر بودن» اَصَن تو ذاتمه کوبیدم رفتم اونجا؛ پنج ساعت توی راه بودم و خلاصه بهم محبت کرد و سه شبانه روز ازم پذیرایی کرد و یک دونه از این میزهایی که مُلا‌ها دارن بهم داد که بنشینم و یادداشت‌برداری کنم؛ بعد از اینکه کارم تموم شد و با اتوبوس در مسیر برگشت بودم در حالی که داشتم به انگشت بزرگ دست راستم که کبود شده بود (اینقدر که نوشته بودم!) نگاه می‌کردم توی این فکر بودم که اگه یکی این رفیقی که من داشتم رو نداشتم و امکان حضور در این کلاس‌ها رو هم به جهت عدم توانایی مالی نداشتم مسلماً از پیشرفت باز می‌موند و البته نتیجه، این می‌شد که فقر و زندگی کردن توی نقاط دورافتاده و محروم باعث باز موندن آدم‌های مُستعد می‌شه، البته بگذریم که معدود اساتیدی هم هستند که همه چیز رو در مادیات می‌دونن و اون‌ها هم در خصوص عدم پیشرفت این آدم‌های مستعد مسؤولند؛ تو همین فکر بودم که یهو یه جمله از یکی از معلم‌هام یادم اومد، گفته بود که: «اگر با خدا وعده کنی که یه بخشی از کارت رو در آینده به اون‌هایی که نیاز به خدمت تو دارن تَبَرُّعاً خیر کنی جواب خوبی می‌گیری»، خلاصه به اون بزرگ‌بابا («خدا» رو می‌گم) قول دادم که اگه قبول بشم یک به ده پول حاصله از وکالت یا قضاوت و همینطور یک‌دهم از زمانم رو به تدوین جزوات رایگان اختصاص بدم؛ اینجوری شد که سال بعدش، خبر شیرین قبولیم رو بعد از مادرم، به خودش (یعنی خدا) دادم و گفتم بهش که: «از فردا، اجرای وعده‌م رو شروع می‌کنم الان نه سال از اون روز می‌گذره و من تمام جزوات مورد نیاز برای قبولی در آزمون‌های حقوقی رو کامل کردم؛ البته بگم که من نه یک به ده؛ بلکه نه به ده مالم و وقتم رو به این مهم اختصاص دادم و البته خدا در تمام این سال‌ها آدم‌هایی رو سرِ راهم گذاشت که بهم کمک کردن و وجودشون مایه رحمت بود؛ خلاصه اینکه به گفته قرآن «رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است!» و من دست‌های او را در کلیه امورم دیدم؛ امروز که این متن را برای اولین بار می‌خونید خرسندم از اینکه جزواتم روزانه صدها مرتبه داندود می‌شود و خدا را شاکرم که داوطلبان از کامل بودن و بی‌نقص بودن اون‌ها صحبت می‌کنن؛ من تردید ندارم که مطالعه جزواتم برای موفقیت در آزمون‌ها (البته در کنار خواندن قانون) کافی است. این جزوات کاملاً رایگان است (و دائماً بروز می‌شه) و یه خواهش از شما دارم که فقط یکی از جزوات رو داندود کنید و اگه به معجزه اون‌ها پی بردین اون‌ها رو به دوستان‌تون معرفی کنین، من برای گسترش این کار خیر به کمک شما نیاز دارم؛ بدون وجود شما محاله که به این منابع کنکوری دست پیدا کنند. البته بدونید این کار خیر شما هم بهتون برمی‌گرده!

تقدیم به تمام کسانی که تابه حال هیچ به آن تقدیم نشده است؛ تقدیم به کنمان!

واکنش جامعه در برابر رفتار مجرمانه

با وقوع رفتار مجرمانه، عکس‌العمل جامعه، به صورت مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی است:

✓ وقتی ارتکاب جرم همراه با تقصیر مرتکب آگاه و آزاد باشد، عکس‌العمل به صورت مجازات است.

✓ اگر مرتکب در معرض سقوط در ارتکاب جرم در آینده باشد، عکس‌العمل جامعه به صورت اقدامات تأمینی و تربیتی است.

مجازات

مجازات عبارت است از آزاری که قاضی به علت ارتکاب جرم و به نشانه نفرت جامعه از رفتار مجرمانه و مرتکب رفتار مجرمانه، برای شخصی که مقصّر است بر طبق قانون تعیین می‌کند و آزار عبارت است از صدمه‌ای که متوجه حقی از حقوق مجرم مثل حیات، آزادی، مال و حیثیت می‌شود. مجازات عبارت است از عکس‌العمل اجتماعی به صورت رنج و سختی که بر مجرم (بزهکار) اعمال می‌شود؛ هدف اصلی کیفر، مبارزه علیه بزهکاری و ایجاد نظم و امنیت در جامعه است.

اهداف و ویژگی‌های مجازات

اهداف مجازات

آزار را که صدمه‌ای به حقی از حقوق مجرم وارد می‌آورد، نباید هدف مجازات تلقی کرد؛ بلکه هدف مجازات اصلاح مجرم، دفاع اجتماعی و اجرای عدالت است. آزار وسیله رسیدن به این هدف‌های عالی است.

اهداف اختصاصی مجازات

۱. اصلاح بزهکار
 ۲. حمایت از جامعه
 ۳. ارباب بزهکار (پیشگیری فردی)
 ۴. ارباب دیگران (پیشگیری عمومی)
 ۵. جلب رضایت بزه‌دیده
- ✓ مقصود از کیفر، هم پیشگیری از وقوع جرم و هم تنبیه بزهکار است.

ویژگی‌های مجازات

۱. **آزردگی:** مجازات درد و رنجی است که مجرم باید با تمام وجود آن را تحمل کند. در گذشته، کیفری مانند حبس، مجازاتی تهریبی بود؛ به عبارت دیگر هدف آن بود که آزار بسیاری از مجازات، برای مجرم حاصل شود؛ اصولاً مجازات‌های تهریبی، مجازات‌های بدنی هستند؛ مانند اعدام، قطع عضو، شلاق و ... اینها تهریبی‌ترین مجازات‌ها هستند.
۲. **بدنام کردن مجرم:** اجرای مجازات، مجرم را در میان مردم انگشت‌نما می‌سازد. مجازات تزدیلی؛ یعنی مجازات خوار و خفیف‌کننده که آبروی فرد را ببرد؛ مانند انتشار حکم در رسانه‌ها.
۳. **معین بودن مجازات:** یکی دیگر از اهداف مجازات به ویژه ارباب و مکافات مجرمان، هنگامی تحقق خواهد یافت که مجازات ثابت و مشخص باشد.
۴. **قطعی بودن مجازات:** یعنی پس از رسیدگی به دعوای کیفری و پیمودن مراحل تجدیدنظر و یا گذشتن مهلت‌های قانونی، اصولاً رسیدگی مجدد امکان‌پذیر نیست؛ مگر در موارد استثنایی مانند اعاده دادرسی.

اصول حاکم بر مجازات‌ها

۱. **اصل قانونی بودن مجازات‌ها:** حکم به مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی و اجرای آنها باید از طریق دادگاه صالح، که به موجب قانون و با رعایت شرایط و کیفیات مقرر در آن باشد صادر شود.
۲. **اصل شخصی بودن مجازات‌ها:** فقط مجرم به خاطر جرمی که مرتکب شده، مجازات می‌شود؛ ماده ۱۴۱ ق.م.ا در خصوص این اصل چنین بیان داشته است: «مسئولیت کیفری، شخصی است» و بر طبق ماده ۱۴۲ ق.م.ا: «مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری تنها در

صورتی ثابت است که شخص به طور قانونی مسؤول اعمال دیگری باشد یا در رابطه با نتیجه رفتار ارتكابی دیگری، مرتكب تقصیر شود» مسؤولیت عاقله در پرداخت دیه استثنایی است بر اصل شخصی بودن مجازات‌ها.

۳. اصل فردی سازی مجازات‌ها: یعنی متناسب بودن مجازات با شرایط فردی بزه‌کار؛ به عبارت دیگر یعنی تناسب مجازات با ویژگی‌های جسمی و سن و سال و قوت و ضعف مرتكب، که از طریق تعیین مجازات بین حداقل و حداکثر و همچنین اعمال کیفیات مخففه، مجازات‌های جایگزین حبس و ... قابل اعمال است. فردی کردن مجازات در تناسب مجازات با ویژگی‌های مرتكب مطرح می‌شود؛ هر مجرمی استحقاق آن را دارد که میزان مجازات او در محدوده قانونی با توجه به خصوصیات او تعیین شود.

۴. اصل تساوی مجازات‌ها (اصل عدم تبعیض یا عدم رجحان): تمام انسان‌ها در برابر قانون و مجازات یکسان هستند و چند نوع مجازات نداریم؛ به عبارت دیگر عواملی مانند مذهب یا جنسیت یا نژاد نباید باعث این شود که رفتار جامعه با انسان متفاوت باشد؛ البته این تساوی قانونی، تساوی نظری است، نه تساوی عملی؛ چون فردی کردن مجازات به دنبال این است که مجازات مناسب را برای فرد تعیین کند.

اقدامات تأمینی و تربیتی

تدابیر رسمی لازم برای جلوگیری از تکرار جرم با هدف اصلاح و تربیت کنشگران ضد اجتماعی دارای حالت خطرناک؛ مثل مرتکبین جرائم کم‌اهمیت یا بزه‌کاران زیر ۱۸ سال که توسط دادگاه اتخاذ می‌شود.

اهداف و ویژگی‌های اقدامات تأمینی و تربیتی

اهداف اقدامات تأمینی و تربیتی

۱. حمایت از فرد
 ۲. حفاظت از جامعه
 ۳. پیشگیری از وقوع جرم
- پیشگیری با درمان و بازسازگاری بزه‌کار
 - پیشگیری با بی‌اثر ساختن و مراقبت

ویژگی‌های اقدامات تأمینی و تربیتی

۱. **عدم رسوایی مرتكب:** بهتر است اجرای اقدامات تأمینی به گونه‌ای سازمان‌دهی شود که اکثریت مردم تصور نکنند که تبعیت از محکومیت به اقدامات تأمینی و تربیتی، مایه رسوایی و سرافکندگی است.
۲. **نامعین بودن مدت:** برای تأمین هدف‌های تأمینی مدت آن باید نامعین باشد. نه قانونگذار و نه قاضی می‌توانند از قبل، زمانی برای حصول نتیجه‌ای که می‌خواهد به دست آورند، تعیین کنند.
۳. **تجدیدنظرپذیری:** اقدامات تأمینی و تربیتی برخلاف مجازات که به میزان ثابتی معین می‌شود و محکومیت به آن دارای اعتبار امر قضاوت‌شده دارد، باید همواره قابل بازنگری و تغییر باشد؛ زیرا فلسفه اقدامات تأمینی و تربیتی کاستن از حالت خطرناک و محو آن است. ✓

مقایسه مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی

مجازات	اقدامات تأمینی و تربیتی
علیه مجرمین مسؤول اعمال می‌شود	علیه مجرمین مسؤول و غیرمسؤول اعمال می‌شود
برای انتقام‌جویی اعمال می‌شود	برای پیشگیری از سقوط افراد در ارتكاب جرم اعمال می‌شود.
ثابت است	متغیر است
قطعی است	قابل تجدیدنظر است
مدّت و میزان آن معین است	مدّت آن نامعین است

طبقه‌بندی مجازات‌ها

طبقه‌بندی مجازات‌ها بر حسب قانون مجازات اسلامی

«مجازات‌های مقرر در این قانون چهار قسم است: ۱- حد ۲- قصاص ۳- دیه ۴- تعزیر» (ماده ۱۴ ق.م.ا)

۱. **حد:** حد مجازاتی است که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدّس، تعیین شده است. (ماده ۱۵ ق.م.ا)
 - ✓ موجب حد، علتی است که باعث اجرای مجازات می‌شود.
 - ✓ نوع حد ماهیت آن اعم از شلاق، اعدام، رجم و ... می‌باشد.
 - ✓ میزان حد مثلاً در شلاق حدی تعداد آن می‌باشد.
 - ✓ کیفیت اجرای حد؛ یعنی شدت و ضعف اجرای مجازات.
 - ✓ چون مجازات‌های حدی برگرفته از شرع اسلام می‌باشد، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدّس، تعیین شده است و به همین دلیل قاضی اختیاری در کاهش یا افزایش این دسته از مجازات‌ها را ندارد؛ همچنین اعمال تخفیف مجازات، تعویق صدور حکم، تعلیق مجازات، آزادی مشروط و ... نیز در حدود ممنوع است.
 - ✓ حدود مقرر در قانون مجازات اسلامی عبارتند از: «زنا، لواط، تخیذ، مساحقه، قوادی، قذف، سبّ‌النبی، مصرف مسکر، سرقت حدی، مُحاربه، بُغی، إفساد فی الارض»
 - ✓ علاوه بر دوازده مورد فوق، تعداد دیگری از جرائم حدی وجود دارند که با وجود تصریح شارع، در قانون ذکر نشده است، در این موارد، علی‌رغم سکوت قانونگذار، دادگاه موظف است با مراجعه به منابع شرعی، حکم قضیه را مشخص ساخته و مرتکب را به مجازات مقرر در شرع محکوم نماید؛ به استناد ماده ۲۲۰ ق.م.ا: «در مورد حدودی که در این قانون ذکر نشده است طبق اصل یکصد و شصت و هفتم (۱۶۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عمل می‌شود»^۱ بدین ترتیب ارتداد، سحر، ادّاعای نبوّت و بدعت در دین نیز علی‌رغم عدم تصریح در قانون، به دلیل پیش‌بینی در شرع قابل مجازات هستند و قاضی موظف است به استناد به منابع شرعی برای آنها حد اعدام تعیین کند.
 - ✓ جرائم حدی جزء حقوق‌الله به شمار می‌روند و برای تعقیب آنها نیازی به شکایت شاکی خصوصی نیست و با گذشت او نیز تعقیب یا مجازات موقوف نمی‌شود، مگر حد قذف که استثنائاً جزء حق الناس بوده و تعقیب و اجرایی مجازات منوط به شکایت شاکی و عدم گذشت اوست. همچنین در سرقت حدی نیز شرط اجرای حد، شکایت صاحب مال و عدم گذشت او تا پیش از اثبات جرم است و گرنه به جای حد سرقت، مجازات سرقت تعزیری اجرا می‌شود.
 - ✓ دادگاه نمی‌تواند کیفیت، نوع و میزان حدود شرعی را تغییر یا مجازات را تقلیل دهد یا تبدیل یا ساقط نماید. این مجازات‌ها تنها از طریق توبه و عفو به کیفیت مقرر در این قانون قابل سقوط، تقلیل یا تبدیل است. (ماده ۲۱۹ ق.م.ا)
 - ✓ فقط مباشرت در جرائم حدی، جرم حدی است و معاونت و شروع به این جرائم تعزیری محسوب می‌شود.
۲. **قصاص:** قصاص مجازات اصلی جنایات عمدی بر نفس، اعضاء و منافع است که به شرح مُندَرَج در کتاب سوّم این قانون اعمال می‌شود. (منظور از جنایت، جرائم علیه تمامیت جسمی اشخاص است) (ماده ۱۶ ق.م.ا)
 - ✓ قصاص یک حق شخصی می‌باشد که متفاوت با اعدام است.
 - ✓ در جنایات غیرعمدی امکان قصاص نیست.
 - ✓ همه جنایات عمدی لزوماً منتهی به قصاص نمی‌شود و در بعضی موارد به دلیل عدم امکان اجرای قصاص، مرتکب به دیه و تعزیر بدل از قصاص، محکوم می‌شود. تساوی در دین، تساوی در عقل و فقدان رابطه پدر و فرزندی از شرایط عمومی قصاص می‌باشد.
 - ✓ قصاص، مجازات جنایت عمدی بر انسان زنده است و شامل جنین یا میت نمی‌شود.

^۱ اصل ۱۶۷ قانون اساسی: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدوّنه بیاید و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقش یا اجمال یا تعارض قوانین مدوّنه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.»

- ✓ قصاص بر خلاف حدود، از حقوق الناس می‌باشد و در صورت عدم مطالبه صاحب حق یا گذشت او، قصاص ساقط و مرتکب به دیه و تعزیر مقرر در قانون (مواد ۶۱۲ و ۶۱۴ ق.م.ا تعزیرات) محکوم خواهد شد.
- ✓ قصاص منافع مانند زوال عقل، از بین بردن حس بویایی یا چشایی.
۳. **دیه:** دیه، اعم از مُقَدَّر و غیر مقَدَّر، مالی است که در شرع مُقَدَّس برای ایراد جنایت غیر عمدی بر نفس، اعضاء و منافع و یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد به موجب قانون مُقَرَّر می‌شود. (ماده ۱۷ ق.م.ا)
- ✓ با وجود اینکه قانونگذار دیه را در شمار مجازات‌ها آورده است، ولی ماهیت مستقل دارد و بر خلاف جنبه کیفری آن، از حیث آثار و احکام همچون دین است. از این رو قانونگذار به جای «مجازات مالی» به «مالی» اشاره کرده است.
- ✓ منظور از دیه غیر مقَدَّر ارش است، که میزان آن در شرع مشخص نشده است و دادگاه با توجه به شرایط موجود و جلب نظر کارشناس، میزان آن را تعیین می‌کند.
- ✓ با توجه به مواد ۷۱۴ و ۷۱۵ ق.م.ا حداقل شرط تعلّق دیه یا ارش، تورم یا تغییر رنگ پوست است، وگرنه ضمانی متوجه مرتکب نخواهد بود، مگر آن که ضربه عمدی بوده باشد که در این صورت با توجه به ماده ۵۶۷ ق.م.ا به حبس یا شلاق تعزیری درجه هفت محکوم خواهد شد.
- ✓ در رابطه با دیه زنان و مردان قابل ذکر است که دیه نفس زنان نصف دیه مردان است و در مورد دیه اعضاء نیز با توجه به ماده ۵۶۰ ق.م.ا در صورتی که میزان دیه زن به ثلث دیه کامل یا بیش از آن برسد، نصف می‌شود، البته قانونگذار برای جلوگیری از تضییع حقوق بزه‌دیده و جبران کامل خسارت وارده بر او، مازاد بر دیه زنان را به عنوان خسارت، از صندوق تأمین خسارت‌های بدنی قابل جبران دانسته است.
- ✓ دیه جنایت بر نفس (اعم از عمدی یا غیر عمدی) که در ماه‌های حرام (محرم، رجب، ذی القعدة و ذی الحجه) یا در محدوده حرم مکه (نه شهر مکه) واقع شود تا یک‌سوم، تغلیظ می‌شود؛ مشروط بر آن که جنایت و نتیجه آن، هر دو در یکی از ماه‌های حرام یا حرم مکه اتفاق افتاده باشد.
۴. **تعزیر:** تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب مُحَرَّمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد. نوع، مقدار، کیفیت اجراء و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می‌شود.
- ✓ مجازات‌های تعزیری، برخلاف حدود، میزان ثابتی نداشته و از این رو قاضی می‌تواند با لحاظ اصل فردی کردن مجازات‌ها، (بِمَا يَرَاهُ الْحَاكِمُ) مجازاتی متناسب با شرایط متهم و اوضاع و احوال او، تعیین نماید.
- ✓ در نظام حقوقی ایران اصل فردی کردن مجازات فقط در تعزیرات وجود دارد؛ اما اصل شخصی بودن در تمام جرائم (حدود، قصاص، دیات و تعزیرات) جاری است مگر در مواردی که صراحتاً استثناء شده است.
- ✓ تعزیرات در یک دسته‌بندی کلی به ۲ دسته منصوص شرعی و غیرمنصوص تقسیم می‌شوند.
- ✓ مطابق ماده ۲ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، اصل بر تعیین حداقل مدّت قانونی حبس است و در صورتی که قاضی قصد تعیین حبس بیش از حداقل قانونی را داشته باشد، می‌بایست علت آن را مستدلاً در رأی خود بیان نماید، در غیر این صورت به مجازات انتظامی درجه ۴ محکوم خواهد شد.
- ✓ دادگاه در صدور حکم تعزیری، با رعایت مقررات قانونی، موارد زیر را مورد توجه قرار می‌دهد:
- الف - انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم
ب - شیوه ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیان‌بار آن
پ - اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم
ت - سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی

انواع مجازات‌های حدی با لحاظ جرم ارتكابی	
حد اعدام	۱- در انواع زنای مستوجب حد اعدام (ماده ۲۲۴ ق.م.ا): ۱. زنا با محارم نسبی، ۲. زنا با زن پدر که موجب اعدام زانی است، ۳. زناي مرد غیرمسلمان با زن مسلمان که موجب اعدام زانی است ۴. زنای به عنف یا اکراه از سوی زانی که موجب اعدام زانی است. ۲- برای فاعل لواط (در صورت لواط به عنف یا وجود شرایط احصان) (ماده ۲۳۴ ق.م.ا) ۳- برای فاعل لواط (اگر فاعل غیرمسلمان و مفعول مسلمان باشد) (تبصره ماده ۲۳۴ ق.م.ا) ۴- برای مفعول لواط (اعم از وجود یا عدم وجود شرایط احصان) (ماده ۲۳۴ ق.م.ا) ۵- برای فاعل تفخیز (اگر فاعل غیرمسلمان و مفعول مسلمان باشد) (تبصره ماده ۲۳۶ ق.م.ا) ۶- سُبَّالنبي (دشنام یا قذف پیامبران) (ماده ۲۶۲ ق.م.ا) ۷- مرتبه چهارم سرقت حدی (بند ت ماده ۲۷۸ ق.م.ا) ۸- محاربه (بند الف ماده ۲۸۲ ق.م.ا) ۹- افساد فی الارض (ماده ۲۸۶ ق.م.ا) ۱۰- بَغْي (ماده ۲۸۷ ق.م.ا) ۱۱- تکرار جرم حدی واحد برای بار چهارم (ماده ۱۳۶ ق.م.ا)
شلاق حدی	۱- قَوادی: ۷۵ ضربه (ماده ۲۴۳ ق.م.ا) ۲- قذف: ۸۰ ضربه (ماده ۲۵۰ ق.م.ا) ۳- مصرف مُسکِر: ۸۰ ضربه (ماده ۲۶۵ ق.م.ا) ۴- زناي غیر مُحَصِّنَه: ۱۰۰ ضربه (ماده ۲۳۰ ق.م.ا) ۵- زنا با محارم نسبی اگر زانیه بالغ و زانی نابالغ باشد: ۱۰۰ ضربه برای زانیه (ماده ۲۲۸ ق.م.ا) ۶- در زناي مُحَصِّنَه اگر زانیه بالغ و زانی نابالغ باشد: ۱۰۰ ضربه برای زانیه (ماده ۲۲۸ ق.م.ا) ۷- در صورتی که مرد متأهلی قبل از دخول زنا کند: ۱۰۰ ضربه برای زانی (ماده ۲۲۹ ق.م.ا) ۸- برای فاعل لواط، اگر لواط به عنف نباشد و فاعل فاقد شرایط احصان باشد: ۱۰۰ ضربه (م ۲۳۴) ۹- برای فاعل و مفعول مساحقه: هر کدام ۱۰۰ ضربه (ماده ۲۳۹ ق.م.ا) ۱۰- برای فاعل و مفعول تفخیز: هر کدام ۱۰۰ ضربه (ماده ۲۳۶ ق.م.ا)
حد قطع عضو	۱- مرتبه اول سرقت حدی، قطع چهار انگشت دست راست سارق از انتهای آن است، به طوری که انگشت شست و کف دست باقی بماند. (بند الف ماده ۲۷۸ ق.م.ا) ۲- مرتبه دوم سرقت حدی، قطع پای چپ سارق از پایین برآمدگی است، به نحوی که نصف قدم و مقداری از محل مسح باقی بماند (بند ب ماده ۲۷۸ ق.م.ا) ۳- قطع دست راست و پای چپ مُحارِب (بند پ ماده ۲۸۲ ق.م.ا)
حد حبس ابد	مرتبه سوم سرقت حدی (بند پ ماده ۲۷۸ ق.م.ا)
حد نفی بلد	برای مُحارِب حداقل یک سال (مود ۲۸۲ و ۲۸۴ ق.م.ا)
حد تبعید	۱- در صورتی که مرد متأهلی قبل از دخول زنا کند، تبعید به مدت یک سال قمری (ماده ۲۲۹ ق.م.ا) ۲- در صورتی که قَواد مرد باشد و برای بار دوم قَوادی کند، تبعید به مدت یک سال قمری (ماده ۲۴۳ ق.م.ا)
تراشیدن سر	در صورتی که مرد متأهلی قبل از دخول زنا کند (ماده ۲۲۹ ق.م.ا)
حد رَجْم	زناي مُحَصِّنَه (ماده ۲۲۵ ق.م.ا)
حد صَلْب	محاربه (بند ب ماده ۲۸۲ ق.م.ا)

تقسیم تعزیرات	
تعزیرات حکومتی (غیرمنصوص)	مجازات‌های هستند که قانونگذار جامعه اسلامی بنا بر شرایط زمان و مکان و مقتضیات جامعه آنها را برای سرپیچی از مقررات موضوعه خود وضع کرده و با هدف مدیریت جامعه اسلامی و در راستای جواز جرم‌نگاری اقدام به وضع آنها کرده است و بنابراین مبنایی در خصوص شرعی نداشته و مبنای آنها قانونگذاری در حکومت اسلامی است و از این رو آنها را تعزیرات حکومتی و یا احکام سلطانیه می‌نامند.
تعزیرات منصوص شرعی	مجازات‌هایی هستند برای متخلفان از واجبات و محرمات شرعی که موجب، نوع و میزان آنها را بر اساس نصوص شرعی می‌توان محرز دانست.
انواع تعزیرات منصوص شرعی	
تعزیرات منصوص شرعی مُقَدَّر نامعین	تعزیراتی هستند که در شرع برای یک عمل معین، کیفر مشخص شده باشد؛ به این نحو که در شرع به طور کلی برای خطای تعزیر (تنبيه و تأديب) مقرر شده ولی نوع و میزان آن معین نشده باشد.
تعزیرات منصوص شرعی مُقَدَّر معین	تعزیراتی هستند که در شرع برای یک عمل معین، کیفر مشخص شده باشد؛ به این نحو که در قرآن و روایات نوع و میزان آن معین شده باشد.

درجه جرم	جرایم و مجازات تعزیری	مجازات دیگر
۱	بیش از ۲۵ سال	دو میلیارد و هشتصد میلیون (۲/۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال
۲	بیش از ۱۵ تا ۲۵ سال	از یک میلیارد و پانصد میلیون (۱/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا دو میلیارد و هشتصد میلیون (۲/۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال
۳	بیش از ۱۰ تا ۱۵ سال	از یک میلیارد (۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا یک و نیم میلیارد (۱/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال
۴	بیش از ۵ تا ۱۰ سال	از پانصد میلیون (۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا یک میلیارد ریال (۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال
۵	بیش از ۲ تا ۵ سال	از دویست و چهل میلیون (۲۴۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا پانصد میلیون (۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال
۶	بیش از ۶ ماه تا ۲ سال	از شصت میلیون (۶۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا دویست و چهل میلیون (۲۴۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال
۷	از ۹۱ روز تا ۶ ماه	از سی میلیون (۳۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا شصت میلیون (۶۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال
۸	تا ۳ ماه	تا سی میلیون (۳۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال

طبقه‌بندی مجازات‌ها بر حسب موضوع

بر این اساس می‌توان مجازات‌ها را به مجازات بدنی، سالب یا محدودکننده آزادی، مالی، سالب حق، سالب حیثیت، ممنوعیت از اشتغال به کسب یا حرفه تقسیم کرد.

۱. مجازات‌های بدنی: مجازات بدنی در قوانین جزایی ایران محدود و منحصر به ۳ نوع مجازات است:

۱- سالب حیات (اعدام، قصاص، صلب و رجم) ۲- مجازات‌های قطع عضو ۳- مجازات‌های تازیانه (شلاق)

- **مجازات سالب حیات:** مجازاتی که به منظور پایان دادن به حیات محکوم اعمال و اجرا می‌شود؛ از قبیل اعدام و قصاص نفس (بند ت ماده ۱ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... مورخ ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه)

- **قصاص عضو:** قطع یا جرح هر یک از اعضای بدن یا ازاله منافع آن با رعایت شرایط قانونی (بند ث ماده ۱ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه)

- **قطع عضو:** قطع هر یک از اعضای بدن در جرائم حدی با رعایت شرایط قانونی (بند ج ماده ۱ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه)
- **نحوه اجرای مجازات‌های سالب حیات، رجم، قصاص عضو و قطع عضو**
 - ✓ مجازات‌های اعدام و قصاص نفس به صورت حلق‌آویز و از طریق طناب دار و یا به شیوه دیگری که کمترین آزار را برای محکوم داشته باشد، اجرا می‌شود و زمان اجرای مجازات سالب حیات حین طلوع آفتاب است؛ مگر آن‌که دادگاه زمان دیگری را تعیین کرده باشد (مواد ۴۰ و ۴۱ ماده ۱ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه)
 - ✓ اجرای قصاص نفس با درخواست اولیای دم و پس از طی مراحل استیذان و اذن مقام رهبری یا نماینده او صورت می‌پذیرد. (ماده ۳۳ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه)
 - ✓ اجرای مجازات‌های سالب حیات، رجم، قصاص عضو و قطع عضو تحت نظارت مستمر و مستقیم دادستان به عمل می‌آید. دادستان مکلف است یک هفته پیش از اجرای مجازات‌های مذکور، مراتب را به رئیس کل دادگستری استان اطلاع دهد. (ماده ۳۱ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه)
 - ✓ چنانچه حدّ قتل یا رجم فقط با اقرار ثابت شده باشد و محکوم در هر مرحله و از جمله هنگام اجرای حکم از اقرار سابق عدول کند و مُنکر بزه انتسابی شود، قاضی اجرای احکام کیفری در اجرای ماده (۱۷۳) قانون مجازات اسلامی پرونده را به دادگاه صادرکننده حکم ارسال می‌کند تا ضمن صدور قرار سقوط مجازات، بر اساس مجازات مقرر در این ماده حکم صادر نماید. همچنین قاضی اجرای احکام کیفری پیش از شروع مرحله اجرای حکم، مفاد ماده مذکور را به محکوم تفهیم می‌کند. (ماده ۳۲ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه)
 - ✓ چنانچه پس از اجرای حکم اعدام یا قصاص نفس، مرگ قطعی محکوم، به تأیید پزشک حاضر در محل نرسد یا حیات وی احراز شود، اجرای حکم تا سلب کامل حیات ادامه می‌یابد. در صورتی که مرگ محکوم، به تأیید پزشک حاضر برسد و سپس حیات وی احراز گردد، حکم اعدام اجرا می‌شود و در قصاص نفس با درخواست اولیای دم، محکوم مجدد قصاص می‌شود. در فرض اخیر چنانچه ولی دم قاتل را به گونه‌ای که جایز نیست قصاص کرده باشد و نحوه قصاص منتهی به آسیب محکوم شده باشد، قاضی مجری حکم مفاد ماده (۴۳۸) قانون مجازات اسلامی در خصوص حقّ متقابل قاتل بر قصاص عضو یا جرح را به طرفین تفهیم می‌کند. هرگاه ولی دم بر اجرای قصاص اصرار داشته باشد، به شرح ذیل اقدام می‌شود: الف - اگر محکوم، از استیفای حق خود منصرف شود، قصاص نفس مجدداً اجرا می‌شود؛ ب - اگر محکوم، متقاضی قصاص عضو یا جرح باشد، قاضی اجرای احکام کیفری پیش از اجرای مجدد قصاص نفس، پرونده را برای تعیین تکلیف به مرجع ذی صلاح ارسال می‌کند. (ماده ۴۸ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه)
- **نحوه اجرای مجازات رجم**
 - ✓ در مواردی که به تشخیص دادستان اجرای مجازات رجم میسر نباشد و دادگاه نیز وفق ماده (۲۲۵) قانون مجازات اسلامی پیشنهاد تبدیل مجازات را به رئیس قوه قضاییه نداده باشد، دادستان مراتب را به دادگاه پیشنهاد می‌دهد. دادگاه در صورت تأیید، پرونده را از طریق رئیس کل دادگستری استان به معاونت قضایی ارسال می‌کند. در صورت موافقت رئیس قوه قضاییه با تبدیل مجازات رجم، پرونده جهت صدور حکم جدید به دادگاه ارسال می‌شود و در صورت عدم موافقت، مقدمات اجرای مجازات رجم فراهم می‌شود. (ماده ۵۰ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه)
 - ✓ در صورت رضایت محکوم و ساعاتی پیش از اجرای حکم رجم و ترجیحاً در شب اجرا، مراسم مذهبی توسط فرد بصیر و آگاه به مسائل مذهبی و در غیاب وی توسط قاضی اجرای احکام کیفری انجام و به وی تفهیم می‌شود تا چنانچه اظهاراتی مانند توبه یا وصیت دارد اعلام کند. همچنین انجام غسل میت و تحنيط و تکفین توسط محکوم را به وی یادآوری می‌کند. (ماده ۵۱ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه)

- ✓ مرد را هنگام رجم تا نزدیکی کمر و زن را تا سینه در گودال قرار می‌دهند به نحوی که دست‌ها خارج از گودال و آزاد باشد. (ماده ۵۱ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه)
- ✓ در اجرای مجازات رجم بزرگی سنگ نباید به اندازه‌ای باشد که محکوم با اصابت یک یا دو عدد کشته شود. همچنین کوچکی آن نباید به اندازه‌ای باشد که عنوان سنگ بر آن صدق نکند. (ماده ۵۳ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه)
- ✓ قاضی اجرای احکام کیفری پیش از اجرای مجازات رجم با هماهنگی مأموران ذی‌ربط اقدامات انجام‌یافته به شرح مواد فوق را بررسی کرده و در صورت تأیید، مراتب را برای ضبط در پرونده صورت‌مجلس می‌کند. (ماده ۵۴ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه)
- ✓ هرگاه زنای محصنه با اقرار یا علم قاضی ثابت شده باشد، هنگام رجم ابتدا قضات صادرکننده حکم بدوی سنگ می‌زنند و سپس دیگران و در صورتی که با شهادت شهود ثابت شده باشد، ابتدا شهود و سپس قضات صادرکننده حکم بدوی و پس از آن دیگران سنگ می‌زنند. (ماده ۵۵ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه)
- ✓ حضور شهود هنگام اجرای حد رجم ضروری است؛ اما غیبت یا عدم اقدام آنان به زدن سنگ، موجب سقوط حد نیست. (ماده ۵۶ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه)
- ✓ هرگاه محکوم به رجم از گودالی که در آن قرار گرفته فرار کند، در صورتی که زنا یا او با شهادت ثابت شده باشد، برای اجرای حد رجم برگردانده می‌شود و اگر با علم قاضی یا اقرار ثابت شده باشد، محکوم برگردانده نمی‌شود. (ماده ۵۷ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه)

• نحوه اجرای مجازات صلب

- ✓ در اجرای حد صلب محکوم را در فضای باز به چوبه دار که شبیه صلیب است آویزان می‌کنند؛ به نحوی که پشت به صلیب و رو به قبله بوده و پاهایش مقداری از زمین فاصله داشته باشد. همچنین دست‌های محکوم را به دو چوبه افقی و پاهایش را به چوبه عمودی بسته و به مدت سه روز تحت حفاظت و مراقبت مأموران به همان حال رها می‌کنند. تبصره ۱- نحوه بستن محکوم نباید به گونه‌ای باشد که موجب مرگ مصلوب شود. (ماده ۵۸ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه)
- ✓ اگر مصلوب پس از سه روز فوت نکرده باشد، او را رها می‌کنند و چنانچه نیازمند ارائه خدمات پزشکی باشد، اقدامات درمانی بلامانع است و در صورت فوت مطابق ماده (۴۹) آیین‌نامه اقدام می‌شود. (ماده ۵۹ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه)

• نحوه اجرای مجازات محارب

- ✓ نحوه اجرای حد قطع دست و پای محارب همان است که در ماده (۲۷۸) قانون مجازات اسلامی برای سارق پیش‌بینی شده است. (ماده ۹۴ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه)

• نحوه اجرای مجازات شلاق

- ✓ اجرای مجازات شلاق به وسیله نوار چرمی به هم تاییده شده به طول یک‌صد الی یک‌صد و بیست سانتی‌متر و به قطر تقریبی یک و نیم سانتی‌متر که فاقد گره باشد انجام می‌شود. (ماده ۱۲۲ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه)
- ✓ نحوه اجرای شلاق باید به گونه‌ای باشد که ضربات به جلوی بدن و سر، صورت، گردن و عورت اصابت نکند. (ماده ۱۲۳ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه)
- ✓ استفاده از هرگونه داروی بی‌حسی و ضد درد پیش از اجرای شلاق ممنوع است. (ماده ۱۲۶ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه)
- ✓ در صورت بیهوش شدن محکوم هنگام اجرای مجازات شلاق، اجرای حکم متوقف می‌شود و تا بهبودی وی به تأخیر می‌افتد. در این صورت چنانچه محکوم به علت دیگری در بازداشت نباشد، قاضی اجرای احکام کیفری در اجرای ماده (۵۰۷) قانون آیین دادرسی کیفری در مورد وی قرار تأمین متناسب صادر می‌کند. (ماده ۱۲۸ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه)

✓ هرگاه فرد به دو یا چند محکومیت شلاق حدی و یا محکومیت حدی و تعزیری محکوم شود، پس از اجرای محکومیت اولیه، اجرای حکم دوم تا بهبودی محل اصابت ضربات شلاق به تأخیر می‌افتد؛ مگر آن‌که محکوم خواهان اجرای حکم دوم پیش از بهبودی باشد و به تشخیص پزشکی قانونی اجرای حکم دوم بدین نحو برای سلامتی محکوم مخاطره‌آمیز نباشد. در فرض تأخیر در اجرای شلاق، قرار تأمین متناسب صادر می‌شود. (ماده ۱۲۹ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه)

✓ قاضی اجرای احکام کیفری در صورت ادعای محکوم دایر بر وجود مانع پزشکی برای اجرای مجازات شلاق، وی را به پزشکی قانونی معرفی می‌کند. هرگاه به تشخیص پزشک قانونی امید به رفع مانع باشد، تا زمان بهبودی اجرای مجازات شلاق به تعویق می‌افتد و در غیر این صورت، در شلاق تعزیری وفق ماده (۵۰۲) قانون آیین دادرسی کیفری^۲ اقدام می‌شود و در شلاق حدی به دستور دادگاه با یک دسته ترکه یا شلاق (ضغث^۳) که به تعداد ضربات حد است، فقط یک‌بار به محکوم زده می‌شود؛ هرچند همه آن‌ها به بدن او نرسد. (ماده ۱۳۰ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه)

✓ ضربات شلاق حدی محکومان زن، از شانه تا پایین کمر و به صورت مساوی و غیر متمرکز در تمام نقاط مذکور نواخته می‌شود. محکوم باید پوششی داشته باشد که بدن وی نمایان نشود و حکم توسط مأمور زن مجرب و بدون حضور مردان اجرا می‌شود. (ماده ۱۳۱ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه)

✓ شلاق حدی محکوم مرد به نحو ایستاده از شانه تا مچ پا به صورت مساوی و غیر متمرکز در تمام نقاط مذکور اجرا می‌شود و در حد زنا، لواط، تفخیز و شرب خمر در حالی که پوشاکی غیر از ساتر عورت نداشته باشد و در حد قوادی و قذف از روی لباس متعارف اجرا می‌شود. تبصره - حد شلاق زنا و تفخیز شدیدتر از حد شرب خمر و حد شرب خمر شدیدتر از حد قذف و قوادی است. (ماده ۱۳۲ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه)

✓ پوشش محکوم حین اجرای شلاق تعزیری باید متعارف باشد و تشخیص آن با قاضی اجرای احکام کیفری است. (ماده ۱۳۳ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه)

✓ شلاق تعزیری در حالتی که محکوم بر روی شکم خوابیده و پوشش او لباس متعارف است، به پشت بدن و به جز سر و صورت، گردن و عورت زده می‌شود. ضربات شلاق به نحو یکنواخت در یک مجلس و با شدت متوسط به گونه‌ای که موجب خطر جانی یا نقص عضو محکوم نشود، نواخته می‌شود. (ماده ۱۳۴ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه)

۲. مجازات سالب آزادی: مجازات سالب آزادی حبس است؛ حبس یعنی سلب آزادی رفت و آمد از محکوم علیه به موجب حکم قطعی.

✓ حبس به دو صورت حبس دائم یا موقت است.

✓ آزادی محکوم علیه با نگهداری وی در مکانی به نام زندان از او سلب می‌شود.

• مواد و نکات مرتبط با مجازات حبس

✓ چنانچه دادگاه در حکم صادره مجازات حبس را بیش از حداقل مجازات مقرر در قانون تعیین کند، باید مبتنی بر بندهای مقرر در این ماده و یا سایر جهات قانونی، علت صدور حکم به بیش از حداقل مجازات مقرر قانونی را ذکر کند. عدم رعایت مفاد این تبصره موجب مجازات

^۲ ماده ۵۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری: هرگاه محکوم علیه به بیماری جسمی یا روانی مبتلا باشد و اجرای مجازات موجب تشدید بیماری و یا تأخیر در بهبودی وی شود، قاضی اجرای احکام کیفری با کسب نظر پزشکی قانونی تا زمان بهبودی، اجرای مجازات را به تعویق می‌اندازد. چنانچه در جرائم تعزیری امیدی به بهبودی بیمار نباشد، قاضی اجرای احکام کیفری، پس از احراز بیماری محکوم علیه و مانع بودن آن برای اعمال مجازات، با ذکر دلیل، پرونده را برای تبدیل به مجازات مناسب دیگر با در نظر گرفتن نوع بیماری و مجازات به مرجع صادرکننده رأی قطعی ارسال می‌کند. تبصره - هرگاه حین اجرای مجازات، بیماری حادث شود و تعویق اجرای مجازات فوریت داشته باشد، قاضی اجرای احکام کیفری، ضمن صدور دستور توقف اجرای آن، طبق مقررات این ماده اقدام می‌کند.

^۳ ضغث: دسته‌ای از چوب است که یکبار بر بدن مجرم زده می‌شود. مقدار چوب‌ها به تعداد ضربات تازیانه‌ای است که به موجب حد باید بر متهم زده شود به عنوان مثال اگر حد وی صد تازیانه است تعداد چوب‌ها صد عدد خواهد بود. اصابت همه چوب‌ها بر بدن بزه‌کار الزام ندارد و همچنین می‌توان تعداد چوب‌ها را به چند دسته نیز تقسیم کرد.

انتظامی درجه چهار می‌باشد. (تبصره ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی الحاقی به موجب ماده ۲ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳)

✓ تمام حبس‌های ابد غیرحدی مقرر در قانون به حبس درجه یک تبدیل می‌شود. (تبصره ۶ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی الحاقی به موجب ماده ۳ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳)

✓ اشخاص محکوم به حبس با ذکر مشخصات کامل، نوع جرم، میزان محکومیت، ایام بازداشت قبلی و مرجع صادرکننده حکم در برگه مخصوص، برای تحمل کیفر به زندان همان حوزه قضایی یا نزدیک‌ترین حوزه قضایی آن استان، حسب مورد، به همراه مأمور بدرقه زن و یا مرد و با رعایت موازین مراقبتی، اعزام و معرفی می‌شوند. (ماده ۵۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری)

✓ در صورتی که محل اقامت محکوم به حبس، خارج از حوزه دادگاه صادرکننده حکم باشد، نامبرده برای تحمل ادامه حبس به زندان محل اقامت خود منتقل می‌شود؛ مگر اینکه این امر موجب مفسده باشد که در این صورت با تشخیص قاضی صادرکننده رأی قطعی به نزدیک‌ترین زندان به محل اقامت خود منتقل می‌شود. هزینه انتقال از محل اعتبارات قوه قضاییه پرداخت می‌شود. (تبصره ۳ ماده ۵۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری)

✓ مدت تمام کیفرهای حبس از روزی شروع می‌شود که محکوم علیه به موجب حکم قطعی لازمالاجراء، حبس شود. چنانچه محکوم علیه پیش از صدور حکم به علت اتهام یا اتهاماتی که در همان پرونده مطرح بوده تحت نظر یا بازداشت شده باشد، مدت بازداشت قبلی از میزان حبس او کسر می‌شود تبصره - اگر مدت زمان تحت نظر یا بازداشت شدن متهم کمتر از ۲۴ ساعت باشد، در احتساب ایام بازداشت، یک روز محاسبه می‌شود. (ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری) این حکم در ماده ۲۷ قانون مجازات اسلامی نیز پیش‌بینی شده است: «مدت حبس از روزی آغاز می‌شود که محکوم، به موجب حکم قطعی لازم الاجراء حبس می‌گردد. در صورتی که فرد، پیش از صدور حکم به علت اتهام یا اتهاماتی که در پرونده مطرح بوده بازداشت شده باشد، مدت بازداشت قبلی در حکم محاسبه می‌شود. در صورتی که مجازات مورد حکم، شلاق تعزیری یا جزای نقدی باشد، هر روز بازداشت، معادل سه ضربه شلاق یا یک میلیون (۱/۰۰۰/۰۰۰) ریال است. چنانچه مجازات متعدد باشد به ترتیب نسبت به حبس، شلاق و جزای نقدی محاسبه می‌گردد. حکم این ماده شامل تعزیرات منصوص شرعی نمی‌شود (تبصره ۲ ماده ۱۱۵ ق.م.ا) همان طور که ملاحظه می‌شود در خود ماده نیز تصریح شده که احتساب ایام بازداشت در مورد مجازات شلاق، فقط شلاق تعزیری را در بر می‌گیرد؛ لذا شامل شلاق حدی نمی‌شود.

✓ لازم به ذکر است که جرم رابطه نامشروع کمتر از زنا موضوع ماده ۶۳۷ ق.م.ا تعزیرات، جزء جرائم تعزیرات منصوص شرعی نبوده؛ لذا اگر مرتکبین این جرائم (تعزیرات منصوص شرعی) قبل از صدور حکم قطعی در بازداشت به سر برده باشند؛ ایام بازداشت قبلی در مقدار مجازات تعیین شده باید محاسبه شود؛ یعنی حکم ماده ۲۷ قانون مجازات اسلامی، نسبت به محکومیت موضوع ماده ۶۳۷ ق.م.ا تعزیرات اعمال می‌شود و از حکم تبصره ۲ ماده ۱۱۵ ق.م.ا خارج خواهد بود.

✓ هرگاه بازداشت بدل از جزای نقدی توأم با مجازات حبس باشد بازداشت بدل از جزای نقدی از تاریخ اتمام حبس شروع می‌شود ... و در هر حال مدت بازداشت بدل از جزای نقدی نباید از سه سال تجاوز کند. (ماده ۲۹ ق.م.ا)

✓ در خصوص اعمال ماده ۲۷ ق.م.ا از اداره حقوقی قوه قضاییه پرسش‌هایی مطرح شده که بدین شکل پاسخ داده‌اند:

* با عنایت به اینکه ماده ۳۱ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر میزان حبس بدل از جزای نقدی را در جرائم مربوطه به ازای هر روز حداکثر ۵۰ هزار ریال اعلام کرده است و ماده ۲۷ قانون مجازات اسلامی یک میلیون ریال؛ در خصوص جرائم مواد مخدر کدام ماده ملاک عمل است؟

* نظر به اینکه تبصره ۲ ماده ۳۱ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مقرر داشته است، طول مدت حبس بدل از جزای نقدی به هر حال بیشتر از ۱۰ سال نخواهد بود و ماده ۲۹ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته است ... در هر حال مدت بازداشت بدل از جزای نقدی نباید از ۳ سال تجاوز کند؛ در مورد جرائم مواد مخدر ده سال ملاک عمل است یا سه سال؟

- ✓ **پاسخ:** به موجب تبصره ماده ۸ دستورالعمل ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها مورخ ۱۳۹۸/۶/۶: رئیس قوه قضاییه «حکم ماده ۲۷ و ۲۹ ق.م.ا در مورد محکومان به ارتکاب کلیه جرائم مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان به استثنای محکومان موضوع ماده ۶۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ جاری می‌باشد.»
- ✓ چنانچه محکوم علیه قبل از صدور حکم محکومیت قطعی به جزای نقدی، به دلیل اتهام یا اتهامات مطرح در پرونده در بازداشت بوده باشد، دادگاه پس از تعیین مجازات، ایام بازداشت قبلی را در ازای هر سیصد هزار ریال یک‌روز از مجازات تعیین شده کسر می‌کند. قضات اجرای احکام موظفند رعایت مراتب فوق را به هنگام اجرای حکم، مراقبت نمایند و در صورت عدم رعایت خود اقدام کنند. (تبصره ۱ ماده ۵۲۹ ق.آ.د.ک)
- ✓ چنانچه قاضی صادرکننده حکم، ایام بازداشت قبلی را محاسبه نکرده باشد، قاضی اجرای احکام کیفری به احتساب این ایام، حسب ملاک‌های موضوع مواد فوق اقدام می‌کند. (ماده ۵۱۷ ق.آ.د.ک)
- ✓ قاضی اجرای احکام کیفری مکلف است دستور تعیین وقت پرونده محکوم به حبس را به گونه‌ای صادر کند که حداقل ده روز پیش از اتمام مدت حبس، پرونده تحت نظر قرار گیرد تا با تعیین تاریخ اتمام مدت حبس محکوم علیه، دستور آزادی وی را در تاریخ یادشده صادر و به زندان اعلام کند. رئیس زندان نیز مکلف است پس از اتمام مدت حبس چنانچه محکوم علیه به اتهام دیگری در بازداشت نباشد، فوری برای آزادی زندانی اقدام نماید و نتیجه اقدامات را بلافاصله به قاضی اجرای احکام کیفری اعلام کند تبصره - در صورتی که تخلف از این ماده منجر به حبس بیش از مدت مقرر در رأی گردد، قاضی اجرای احکام کیفری علاوه بر محکومیت انتظامی تا درجه چهار، طبق مواد (۱۴) و (۲۵۵) این قانون مسؤول پرداخت خسارت حبس اضافی به محکوم علیه است. (ماده ۵۱۸ ق.آ.د.ک)
- ✓ رئیس زندان مکلف است هرگونه انتقال یا اعزام زندانی به زندان یا حوزه‌های قضایی دیگر و نیز بازگشت وی را بلافاصله و حسب مورد، به قاضی اجرای احکام کیفری یا مرجع قضایی مربوط به طور کتبی و با ذکر ادله و سوابق اطلاع دهد. (ماده ۵۱۹ ق.آ.د.ک)
- ✓ محکومان می‌توانند در صورت رعایت ضوابط و مقررات زندان و مشارکت در برنامه‌های اصلاحی و تربیتی و کسب امتیازات لازم پس از سپردن تأمین مناسب، ماهانه حداکثر ۳ روز از مرخصی برخوردار شوند. در موارد بیماری حاد یا فوت بستگان نسبی و سببی درجه یک از طبقه اول یا همسر و یا ازدواج فرزندان، زندانی می‌تواند به تشخیص دادستان حداکثر تا پنج روز از مرخصی استفاده نماید. تعیین مقررات موضوع این ماده و امتیاز هر یک از برنامه‌های اصلاحی و تربیتی، چگونگی انطباق وضعیت زندانیان با شرایط تعیین شده و نحوه اعطای مرخصی به آنان به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور تهیه و به تصویب رئیس قوه قضاییه می‌رسد. (ماده ۵۲۰ ق.آ.د.ک)
- ✓ در موارد شمول قسمت دوم (نکته فوق)، در صورت عجز از فراهم نمودن تأمین، اعزام محکوم تحت مراقبت مأموران، یک روز در ماه و به مدت ده ساعت بلامانع است. (تبصره ۱ ماده ۵۲۰ ق.آ.د.ک)
- ✓ اعزام متهمان بازداشت‌شده به مرخصی تنها به مدت و به شرح مقرر در تبصره فوق و با نظر مرجع صدور قرار جایز است. (تبصره ۲ ماده ۵۲۰ ق.آ.د.ک)
- ✓ در مواردی که زندانی دارای شاکی خصوصی است و بنا به تشخیص دادستان یا قاضی اجرای احکام، اعطای مرخصی می‌تواند در جلب رضایت شاکی مؤثر باشد، زندانی می‌تواند علاوه بر مرخصی مذکور در این ماده (ماده ۵۲۰ ق.آ.د.ک) پس از سپردن تأمین مناسب، در طول مدت حبس یک نوبت دیگر و حداکثر به مدت هفت روز از مرخصی استفاده نماید. در صورتی که محکوم بتواند بخشی از خسارت شاکی را پرداخت یا رضایت او را جلب کند، این مرخصی فقط برای یک‌بار دیگر به مدت هفت روز تمدید می‌شود. (تبصره ۳ ماده ۵۲۰ ق.آ.د.ک)
- ✓ محکومانی که به موجب قانون مشمول مقررات تعلیق اجرای مجازات نمی‌شوند، پس از تحمل یک سوم از میزان مجازات با رعایت شرایط مندرج در صدر ماده و به تشخیص دادستان می‌توانند در هر چهار ماه حداکثر پنج روز از مرخصی برخوردار شوند. (تبصره ۴ ماده ۵۲۰ ق.آ.د.ک)

- ✓ رئیس قوه قضاییه می‌تواند به مناسبت‌های ملی و مذهبی علاوه بر سقف تعیین‌شده در این قانون، حداکثر دو بار در سال به زندانیان واجد شرایط، مرخصی اعطا کند. (تبصره ۵ ماده ۵۲۰ ق.آ.د.ک)
- ✓ مواردی که شخص باید به موجب مقررات شرعی به‌طور دائم در زندان باشد از شمول مقررات این ماده و تبصره‌های آن خارج است. (تبصره ۶ ماده ۵۲۰ ق.آ.د.ک)
- ✓ در صورتی که مجازات حبس با انفصال موقت از خدمت توأم باشد، اجرای مجازات انفصال موقت از زمان پایان یافتن مجازات حبس شروع می‌شود. (ماده ۵۲۱ ق.آ.د.ک)
- ✓ مدت زمانی که محکوم‌علیه پیش از صدور حکم قطعی به موجب الزامات قانونی از خدمت معلق شده است، از میزان محکومیت وی به انفصال موقت کسر می‌شود. (تبصره ماده ۵۲۱ ق.آ.د.ک)
- ✓ در صورتی که مداوای محکوم به حبس در خارج از زندان ضروری باشد، قاضی اجرای احکام کیفری، مدت زمان مورد نیاز برای مداوا را با توجه به نظر پزشکی قانونی تعیین می‌کند و با اخذ تأمین متناسب، اجرای حبس را به تعویق می‌اندازد و هرگاه محکوم‌علیه تأمین متناسب ندهد، معالجه وی در بیمارستان تحت نظر ضابطان صورت می‌گیرد و مدت معالجه جزء محکومیت وی محسوب می‌شود. (ماده ۵۲۲ ق.آ.د.ک)
- ✓ مفاد ماده فوق از جهت اعزام برای مداوای سایر افرادی که در حبس به سر می‌برند، نیز اجراء می‌شود. (تبصره ماده ۵۲۲ ق.آ.د.ک)
- ✓ زندان‌ها به زندان بسته، نیمه‌باز، مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال و مراکز اقدامات تأمینی و تربیتی از جمله کانون اصلاح و تربیت برای اطفال و نوجوانان تقسیم می‌شود. (تبصره ۱ ماده ۵۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری)

تقسیم‌بندی زندان‌ها
۱. زندان بسته
۲. زندان باز
۳. مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال
۴. مراکز اقدامات تأمینی و تربیتی (از جمله کانون اصلاح و تربیت برای اطفال و نوجوانان)

- ✓ به جز مواردی که در قانون یا در حکم دادگاه تصریح شده است، محکومان با توجه به نوع و مدت محکومیت، پیشینه و شخصیت‌شان، بر اساس تصمیم شورای طبقه‌بندی و تأیید قاضی اجرای احکام در یکی از بخش‌های فوق نگهداری می‌شوند. (تبصره ۲ ماده ۵۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری)
- ۳. **مجازات‌های محدودکننده آزادی:** گاهی مجازات تحمیلی، آزادی تحرک و جابه‌جایی بزهار را محدود می‌کند، ولی محکوم‌علیه ادامه امکان زندگی عادی را از نظر خانوادگی و شغلی از دست نمی‌دهد. این قبیل مجازات‌ها ماهیتاً اقدام تأمینی هستند. مصادیق این گونه مجازات‌ها عبارتند از:
 - محرومیت از اقامت در نقطه معین یا اجبار به اقامت در نقطه معین (ماده ۲۳ و بند ب ماده ۴۳ ق.م.ا)
 - تبعید، که مدت آن از قرار ذیل است:
 - * از یک سال (ماده ۲۲۹ ق.م.ا)
 - * تا یک سال (ماده ۲۴۳ ق.م.ا)
 - * یک سال و بیش از آن (ماده ۲۸۴ ق.م.ا)
 - محدود کردن رفت‌وآمد (بند ب ماده ۴۳ و ماده ۶۰ و ۶۲ ق.م.ا).
- ✓ **تبعید:** طرد فرد از محل زندگی خود و الزام وی به سکونت در مکان خاص در موارد مذکور در قانون؛ به نحوی که به طور مستمر تحت مراقبت باشد (بند چ ماده ۱ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه)

✓ **نَفی بلد:** طرد فرد از محل زندگی خود و الزام وی به سکونت در مکان خاص؛ به نحوی که به طور مستمر تحت مراقبت بوده و مجاز به ترک محل و مراد و معاشرت با کسی نباشد. این مجازات وفق مقررات قانونی در جرم محاربه قابل اعمال است. (بند ح ماده ۱ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه)

✓ **اقامت اجباری در محل معین:** الزام فرد به اقامت در محل معین در مدتی که به موجب حکم دادگاه تعیین می‌شود. (بند خ ماده ۱ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه)

✓ **منع از اقامت در محل معین:** اخراج و ممنوعیت فرد از اقامت در محل یا محل‌های معین در مدتی که به موجب حکم دادگاه تعیین می‌شود. (بند د ماده ۱ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه)

• نحوه اجرای مجازات‌های محدودکننده آزادی

✓ اعزام محکوم به تبعید یا نفی بلد به محل تعیین شده، پس از تنظیم نیابت قضایی توسط قاضی اجرای احکام کیفری به عهده نیروی انتظامی یا دیگر ضابطان دادگستری مربوط است. در این صورت، قاضی اجرای احکام کیفری با صدور قرار نیابت قضایی، اجرای حکم را از دادسرا یا دادگاه عمومی بخش مجری نیابت درخواست می‌کند و نسخه‌ای از مفاد قرار نیابت را از طریق سامانه رایانه‌ای مربوط به آن مرجع ارسال می‌نماید. نتیجه آن نیز از همین طریق به مرجع مُعطی نیابت گزارش می‌شود. (ماده ۱۳۷ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه)

✓ شروع محکومیت تبعید یا نفی بلد از روز حضور محکوم در محل خواهد بود. (تبصره ۵ ماده ۱۳۷ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه)

✓ قاضی مجری نیابت با حضور محکوم در دادسرای محل تبعید یا نفی بلد، وی را به نیروی انتظامی محل معرفی و ضمن اعلام کیفیت اجرای حکم به نحو مندرج در قرار نیابت، نتیجه را به مرجع مُعطی نیابت اعلام می‌کند. (ماده ۱۳۹ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه)

✓ ممنوعیت مراد و معاشرت با دیگران در نفی بلد شامل حال خانواده محکوم نمی‌باشد. جدا کردن کودک تحت حضانت زن محکوم به نفی بلد، جز در فرض احراز عدم صلاحیت وی ممنوع است. در صورت احراز این امر، وفق قوانین مربوط اقدام می‌شود. (تبصره ماده ۱۴۲ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه)

✓ چنانچه امکان جلوگیری از مراد و معاشرت محکوم با دیگران نباشد، قاضی اجرای احکام کیفری مراتب را جهت اتخاذ تصمیم به دادگاه منعکس می‌نماید تا در اجرای حکم حکومتی مقام معظم رهبری (حس در تبعید) تصمیم مقتضی اتخاذ کند. (ماده ۱۴۳ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه)

۴. مجازات‌های مالی

✓ شامل جزای نقدی، ضبط و مصادره اموال است.

• جزای نقدی

جزای نقدی در زمره مجازات‌های تعزیری اصلی و یا تکمیلی است و عبارت است از، الزام محکوم علیه به پرداخت مبلغی وجه نقد به نفع دولت به استناد حکم محکومیت.

جزای نقدی برخلاف دیه، دین نیست که بر ذمه محکوم علیه مستقر شود و بتوان پس از فوت از ترکه او استیفاء کرد. علاوه بر آن جزای نقدی قابل مصالحه نیست و به مجنی علیه یا وارث او تعلق نمی‌گیرد.

تفاوت خسارت با جزای نقدی (غرامت)	
خسارت	جزای نقدی (غرامت)
از طرف شاکی خصوص (مدّعی خصوصی) مطالبه می‌شود.	از طرف دادستان مطالبه می‌شود.
خسارت از وزّات قابل مطالبه است.	پرداخت جزای نقدی شخصی است، بنابراین هرگاه مجرم قبل از پرداخت آن فوت کند، از وزّات قابل مطالبه نیست.
خسارت بر طبق اصول کلی مطالبه می‌شود، به عبارت دیگر شاکی خصوصی باید دادخواست بدهد	مطالبه جزای نقدی محتاج متن خاصّ قانونی است و در متن قانونی مزبور باید لزوماً عناصر تشکیل‌دهنده جرم تعیین شده و غرامت به عنوان مجازات پذیرفته شده باشد.

مزایا و معایب جزای نقدی	
معایب جزای نقدی	مزایای جزای نقدی
جزای نقدی برخلاف اصل شخصی بودن مجازات‌هاست (این ایراد چندان وارد نیست)	جزای نقدی فساد و تباهی رفتار بزهکار را نمی‌کاهد
در اجرای جزای نقدی، برابری که اصلی پذیرفته شده در تعیین مجازات‌ها است رعایت نمی‌شود (بین فقیر و ثروتمند)	جزای نقدی هر چند بار که اجرا شود، همچنان آزاردهنده است
اجرای جزای نقدی هیچ گاه حتمی نیست. (اعسار مانع وصول جزای نقدی است.)	ایجاد تناسب میان جرم و جزای نقدی از هر مجازات دیگری آسان‌تر است.
در بسیاری از نظام‌های کیفری تأدیه جرمه نقدی به جای محکوم‌علیه، در صورت عجز او از پرداخت، متداول است. این روش خالی کردن مفهوم مجازات از محتوای واقعی خود و بی‌تأثیر کردن آن است.	جزاهای نقدی بهترین پادزهر برای جرائم علیه اموال و مالکیت است
اثر رسواکنندگی جزاهای نقدی کافی نیست.	مجازات نقدی نه تنها برای دولت هزینه‌ای در بر ندارد، بلکه منبع درآمد هم هست.

انواع جزای نقدی

- ۱. جزای نقدی ثابت:** چنانچه قانونگذار میزان جزای نقدی را در قبال یک جرم به مقداری ثابت و یا با حداقل و حداکثر مشخص تعیین نماید، جزای نقدی ثابت مطرح است. مهم‌ترین عیب این شیوه، تأثیرپذیری جزای نقدی از نوسان‌های ارزش پول رایج است.
- ۲. جزای نقدی نسبی:** جزای نقدی وقتی نسبی است که میزان آن بر اساس و مبنای خاص، محاسبه و معین شود. مثل پرداخت جریمه‌ای معادل دو برابر قیمت اموال موضوع قاچاق یا جریمه مذکور در مجازات جرم کلاهبرداری موضوع ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری.

● مواد و نکات مرتبط با جزای نقدی

- ✓ مطابق رأی وحدت رویه شماره ۷۵۹ مورخ ۱۳۹۶/۴/۲۰، مجازات جرائمی که طبق قانون، جزای نقدی نسبی است، با توجه به حکم مقرر در تبصره ماده ۳ قانون حفظ کاربری اراضی زراعی، و باغ‌ها، تعزیر درجه هفت محسوب می‌شود و رسیدگی به آن به موجب ماده ۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴ در صلاحیت دادگاه کیفری دو می‌باشد و رأی این دادگاه قابل تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر استان است.
- ✓ هرگاه بازداشت بدل از جزای نقدی توأم با مجازات حبس باشد بازداشت بدل از جزای نقدی از تاریخ اتمام حبس شروع می‌شود. (ماده ۲۹ ق.م.ا)
- ✓ بازداشت بدل از جزای نقدی نباید از حداکثر مدت حبس مقرر در قانون برای آن جرم بیشتر باشد. (ماده ۲۹ ق.م.ا)
- ✓ مدت بازداشت بدل از جزای نقدی نباید از ۳ سال تجاوز کند. (ماده ۲۹ ق.م.ا)
- ✓ مدت ۳ ساله فوق مختص آن دسته از جرائمی است که حداکثر مجازات قانونی آن بیش از سه سال حبس است (مثلاً دو تا ده سال حبس) و در مواردی که حداکثر مدت حبس، کمتر از سه سال باشد، مدت حبس بدل از جزای نقدی نباید از حداکثر مدت حبس مقرر در قانون تجاوز کند، برای مثال اگر مجازات جرمی حبس درجه شش (شش ماه تا ۲ سال حبس) شصت میلیون (۶۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا دویست و چهل میلیون (۲۴۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال جزای نقدی باشد، حداکثر مدت حبس بدل از جزای نقدی ۲ سال خواهد بود.
- ✓ در مواردی که در قوانین خاص برای حداکثر مدت حبس بدل از جزای نقدی، میزان دیگری در نظر گرفته شده باشد، باید به همان قوانین مراجعه نمود؛ برای مثال مطابق ماده ۶۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مدت حبس بدل از جزای نقدی در این موارد حداکثر پانزده سال می‌باشد. در تبصره ۱ ماده ۳۱ قانون مبارزه با مواد مخدر نیز حداکثر مدت حبس بدل از جزای نقدی ده سال دانسته شده که این تبصره با توجه به تبصره ماده ۸ دستورالعمل ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها در سال ۱۳۹۸ بلااثر شده و در جرائم مربوط به مواد مخدر نیز همچون دیگر جرائم، مدت حبس بدل از جزای نقدی حداکثر سه سال خواهد بود؛ مطابق تبصره ماده ۸ دستورالعمل ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها در سال ۱۳۹۸: «حکم موضوع مواد ۲۷ و ۲۹ قانون مجازات اسلامی در مورد محکومان به ارتکاب کلیه جرائم از جمله جرائم مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان به استثنای محکومان موضوع ماده ۶۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ جاری می‌باشد»
- ✓ مطابق ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۳ در مواردی که محکوم علیه بی‌آن که مُعسر باشد، از پرداخت دین (محکوم به نظیر دیه، مهریه و ...) امتناع نماید، به جهت عدم پرداخت، به حبس محکوم می‌شود. در رابطه با حبس ناشی از امتناع از پرداخت محکوم به باید خاطر نشان ساخت که، حبس مزبور برخلاف حبس بدل از جزای نقدی مقید به مهلت نیست و "محکوم علیه به تقاضای محکوم له تا زمان اجرای حکم یا پذیرفته شدن ادعای اعسار او یا جلب رضایت محکوم له حبس می‌شود" و از سوی دیگر حبس مزبور چیزی از اصل دین کم نمی‌کند؛ ناگفته نماند با توجه به تبصره ۲ ماده فوق: «مقررات راجع به تعویق و موانع اجرای مجازات حبس (مانند جنون محکوم علیه یا بارداری او) در خصوص کسانی که به استناد این ماده حبس می‌شوند نیز مجری است.»
- ✓ بازداشت، مابه‌ازای جزای نقدی، مجازات حبس نیست که مشمول قواعد محکومیت‌های کیفری سالب آزادی، نظیر آزادی مشروط گردد. بلکه ضمانت اجرا و وسیله وصول مطالبات دولت است.
- ✓ هرکس به موجب حکم قطعی دادگاه به پرداخت جزای نقدی محکوم گردد و آن را نپردازد، اموال وی به وسیله مرجع اجرای حکم، شناسایی، توقیف و با رعایت مقررات راجع به مستثنیات دین از محل فروش آنها نسبت به اجرای حکم اقدام می‌شود. در صورت فقدان مال یا عدم شناسایی آن، مرجع اجرای حکم می‌تواند با توقیف بخشی از حقوق طبق قانون اجرای احکام مدنی و یا تمام یا بخشی از سایر درآمدهای محکوم علیه برای وصول جزای نقدی اقدام مقتضی به عمل آورد. در صورت تقاضای تقسیط از جانب محکوم علیه و احراز قدرت وی به پرداخت اقساط، دادگاه نخستین که رأی زیر نظر آن اجراء می‌شود می‌تواند با اخذ تضمین مناسب امر به تقسیط نماید. (ماده ۵۲۹ ق.آ.د.ک)
- ✓ هرگاه اجرای حکم به طرق مذکور ممکن نگردد با رعایت مقررات مربوط به مجازات‌های جایگزین حبس به ترتیب زیر عمل می‌شود:
الف - در جزای نقدی تا پانزده میلیون (۱۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال، هر سی هزار ریال به یک ساعت انجام خدمات عمومی رایگان تبدیل می‌شود.

ب- در جزای نقدی بالای پانزده میلیون (۱۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال، همچنین در صورت عدم شرایط اجرای بند (الف) این ماده، هر سیصد هزار ریال به یک روز حبس تبدیل می‌شود. (ماده ۵۲۹ ق.آ.د.ک)

✓ چنانچه محکوم علیه قبل از صدور حکم محکومیت قطعی به جزای نقدی، به دلیل اتهام یا اتهامات مطرح در پرونده در بازداشت بوده باشد، دادگاه پس از تعیین مجازات، ایام بازداشت قبلی را در ازای هر سیصد هزار ریال یک‌روز از مجازات تعیین شده کسر می‌کند. قضات اجرای احکام موظفند رعایت مراتب فوق را به هنگام اجرای حکم، مراقبت نمایند و در صورت عدم رعایت خود اقدام کنند. (تبصره ۱ ماده ۵۲۹ ق.آ.د.ک)

✓ اجرای جرمه نقدی درباره محکومان موضوع قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن تابع قواعد خاصی است. «محکومانی که قادر به پرداخت تمام یا بخشی از جرمه نقدی مورد حکم نباشند باید به ازای روزی ده هزار ریال در زندان‌های نیمه باز و یا مراکز اشتغال و حرفه‌آموزی اقامت نمایند، در صورتی که طرز کار و رفتار محکومان در مدت اقامت مذکور شایسته باشد بنا به تقاضا و تشخیص مسئولان اداره مراکز و موافقت اجرای احکام، مبلغ فوق به ازای روزی بیست تا پنجاه هزار ریال محاسبه می‌شود. تبصره ۱- تقسیط جزای نقدی مورد حکم پس از اجرای مدت حبس توسط اجرای احکام، منوط است به اخذ وثیقه‌ای معادل آن و تضمین معتبر از طرف شخص ثالث که مدت آن بیش از سه سال نباشد. تبصره ۲- طول مدت حبس بدل از جزای نقدی به هر حال بیشتر از ده سال نخواهد بود.» (ماده ۳۱ قانون مبارزه با مواد مخدر)

✓ صدور حکم تقسیط جزای نقدی یا تبدیل آن به مجازات دیگر مانع استیفای مابه‌ازای بخش اجرا نشده آن از اموالی که بعداً از محکوم علیه به دست می‌آید، نیست. (تبصره ۲ ماده ۵۲۹ ق.آ.د.ک)

✓ هرگاه محکوم علیه ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ احضاریه قاضی اجرای احکام کیفری برای پرداخت جزای نقدی حاضر شود، قاضی اجرای احکام می‌تواند او را از پرداخت بیست درصد (۲۰٪) جزای نقدی معاف کند. دفتر قاضی اجرای احکام کیفری مکلف است در برگه احضاریه محکوم علیه معافیت موضوع این تبصره را قید کند. (تبصره ۳ ماده ۵۲۹ ق.آ.د.ک)

✓ در صورت محکومیت اشخاص به جزای نقدی در مرحله بدوی، محکوم علیه می‌تواند قبل از قطعیات حکم از دادگاه صادرکننده تقاضای تقسیط کند. درخواست مذکور به منزله اسقاط حق تجدیدنظرخواهی نیست. (ماده ۵۳۰ ق.آ.د.ک)

✓ دعوای تقسیط جزای نقدی در هر مورد باید به صورت مستقل مطرح شود. (تبصره ماده ۵۳۰ ق.آ.د.ک)

✓ هرگاه محکوم علیه در زمان صدور حکم نخستین مبنی بر تقسیط از بابت مجازات بدل از جزای نقدی در حبس باشد بلافاصله به وسیله دادگاه صادرکننده رأی آزاد می‌شود. در هر صورت، قابلیت تجدیدنظرخواهی از رأی صادره درباره تقسیط مانع از اجرای رأی بدوی دایر بر تقسیط نیست. (ماده ۵۳۱ ق.آ.د.ک)

✓ در صورت صدور حکم مبنی بر تقسیط جزای نقدی و عدم پرداخت به موقع اقساط از سوی محکوم علیه، با اعلام قاضی اجرای احکام، حکم تقسیط به وسیله دادگاه صادرکننده حکم قطعی لغو می‌شود و برای اجرای حکم اقدام قانونی مقتضی انجام می‌گیرد. (ماده ۵۳۲ ق.آ.د.ک)

✓ پس از صدور حکم تقسیط، در صورت حصول تمکن مالی، محکوم علیه مکلف است مراتب را حداکثر ظرف سه ماه به قاضی مجری حکم اعلام نماید تا نسبت به وصول محکوم به اقدام شود. در غیر این صورت با اعلام قاضی اجرای احکام، دادگاه صادرکننده حکم قطعی نسبت به لغو حکم تقسیط اقدام می‌نماید. (ماده ۵۳۳ ق.آ.د.ک)

✓ دادخواست تقسیط جزای نقدی از تاجر پذیرفته نمی‌شود. تاجری که متقاضی تقسیط محکوم به است باید مطابق مقررات قانون تجارت، دادخواست ورشکستگی دهد. کسبه جزء، مشمول این ماده نیستند. (ماده ۵۳۹ ق.آ.د.ک)

ضبط یا مصادره اموال

ضبط یا مصادره اموال عبارت است از، استیلاي دولت بر تمام یا قسمتی از دارایی موجود محکوم علیه به موجب حکم دادگاه.

در تفاوت این دو اصطلاح باید توجه داشت که مصادره به معنی محرومیت دائمی مالک از ملک خود به موجب حکم یا دستور دادگاه و نوعی مجازات مالی محسوب می‌شود؛ در حالی که ضبط به معنای ممنوعیت از مداخله و تصرف در مال به صورت موقت است که گاه به مصادره آن

می‌انجامد و در مواردی می‌توان حکم به ضبط مال داد که مال در نتیجه رفتار مجرمانه تحصیل شده باشد یا وسیله ارتکاب جرم بوده باشد (موضوع ماده ۲۱۵ ق.م.ا) یا وجود آن مال ایجاد خطر کند. مصادره کل اموال به استناد ماده ۱۹ ق.م.ا جزء مجازات‌های درجه یک می‌باشد.

انواع مصادره اموال

۱. **مصادره عام:** توقیف تمام اموال موجود محکوم علیه، اعم از نقدی و غیرنقدی، منقول و غیرمنقول است.
 ۲. **مصادره خاص:** مالکیت دولت بر بخشی از اموال که گاه موضوع جرم یا محصول جرم و گاه ابزار و آلت جرم به شمار می‌رود. موضوع جرم مثل اسلحه غیرمجاز در قاچاق اسلحه، آلت جرم مثل وجه یا مالی که راشی به مرتشی (در جرم رشاء) می‌پردازد.
- ماده ۲۱۵ قانون مجازات اسلامی:** بازپرس یا دادستان در صورت صدور قرار منع یا موقوفی تعقیب باید تکلیف اشیاء و اموال کشف شده را که دلیل یا وسیله ارتکاب جرم بوده و یا از جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب، استعمال و یا برای استعمال اختصاص داده شده است تعیین کند تا حسب مورد، مسترد، ضبط یا معدوم شود. در مورد ضبط، دادگاه تکلیف اموال و اشیاء را تعیین می‌کند. همچنین بازپرس و یا دادستان مکلف است مادام که پرونده نزد وی جریان دارد به تقاضای ذینفع و با رعایت شرایط زیر دستور رد اموال و اشیاء مذکور را صادر نماید:
- الف - وجود تمام یا قسمتی از آن اشیاء و اموال در بازپرسی یا دادرسی لازم نباشد.
- ب - اشیاء و اموال، بلامعارض باشد.

پ - جزء اشیاء و اموالی نباشد که باید ضبط یا معدوم گردد.

در کلیه امور جزایی دادگاه نیز باید ضمن صدور حکم یا قرار یا پس از آن اعم از اینکه مبنی بر محکومیت یا برائت یا موقوفی تعقیب متهم باشد، در مورد اشیاء و اموالی که وسیله ارتکاب جرم بوده یا در اثر جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب، استعمال و یا برای استعمال اختصاص یافته است، باید رأی مبنی بر استرداد، ضبط یا معدوم شدن آن صادر نماید.

تبصره ۱- متضرر از قرار بازپرس یا دادستان یا قرار یا حکم دادگاه می‌تواند از تصمیم آنان راجع به اشیاء و اموال مذکور در این ماده شکایت کند و طبق مقررات در دادگاه‌های جزایی شکایت خود را تعقیب و درخواست تجدیدنظر نماید هر چند قرار یا حکم دادگاه نسبت به امر جزایی قابل شکایت نباشد.

تبصره ۲- مالی که نگهداری آن مستلزم هزینه نامتناسب برای دولت است یا موجب خرابی یا کسر فاحش قیمت آن می‌گردد و حفظ مال هم برای دادرسی لازم نیست و همچنین اموال ضایع‌شدنی و سریع‌الفساد حسب مورد به دستور دادستان یا دادگاه به قیمت روز فروخته می‌شود و وجه حاصل تا تعیین تکلیف نهایی در صندوق دادگستری به عنوان امانت نگهداری می‌گردد.

در هر مورد که حکم به مصادره اموال صادر می‌شود باید هزینه‌های متعارف زندگی محکوم و افراد تحت تکفل او مستثنی شود. (تبصره ۵ ماده ۱۹ ق.م.ا)

تصمیم‌گیری نسبت به ضبط اموال در هر صورت بر عهده دادگاه است و بازپرس صرفاً نسبت به استرداد یا معدوم نمودن آنها اظهارنظر می‌نماید.

استرداد اموال و یا اشیاء ناشی از جرم و جبران خسارت

✓ مجرم باید مالی را که در اثر ارتکاب رفتار مجرمانه تحصیل کرده است، اگر موجود باشد عین آن را و اگر موجود نباشد مثل آن را و در صورت عدم امکان ردّ مثل، قیمت آن را به صاحبش رد کند و عهده خسارات وارده برآید. هرگاه از حیث جزایی، وجهی به عهده مجرم مانند جزای نقدی تعلق گیرد، استرداد اموال یا تأدیه خسارت شاکیان خصوصی بر آن مقدم است.

✓ اگر عین اموال موجود باشد نیاز به دادخواست نیست؛ ولی اگر تقاضای ضرر و زیان شود، باید دادخواست تقدیم کرد. یکی از نظریات اداره حقوقی قوه قضاییه به شماره ۷/۸۹۶۹ مورخ ۱۳۷۹/۹/۱۲ در این باره چنین است: «طبق ماده ۲۱۴ ق.م.ا در دعوی جزایی، دادگاه ضمن تعیین مجازات مجرم، باید دستور ردّ مال تحصیل شده از جرم را (در صورت وجود عین مال) بر حسب مورد بدهد و در صورت عدم وجود مال باید حکم به ردّ مثل یا قیمت آن بدهد، مشروط بر آن که دادخواست ضرر و زیان داده شده باشد»

✓ قانونگذار در بعضی جرائم مانند کلاهبرداری یا سرقت دادگاه مکلف نموده است، تا علاوه بر تعیین مجازات اصلی، حکم به ردّ مال صادر نماید و نیازی به رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی یعنی تقدیم دادخواست و هزینه دادرسی نیست؛ اما سؤال این است که آیا تکلیف فوق

صرفاً ناظر بر جرائم مصرّح در قانون است یا در سایر جرائم نیز دادگاه مکلف است حکم به ردّ مال صادر نماید؟ از ظاهر مواد ۱۴۸ ق.آ.دک و ۲۱۵ ق.م.ا چنین برمی‌آید که در مورد ردّ اموال موجود (مکشوف) در هر جرمی مرجع کیفری مکلف است، نسبت به ردّ مال نیز تعیین تکلیف نماید و نیازی به رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی نیست؛ مگر آنکه اصل مال موجود نباشد که در این صورت برای مطالبه مثل یا قیمت مال باید دادخواست داده شود؛ در غیر این دو صورت تصریح قانونی برخلاف آن داشته باشد، برای مثال مطابق ماده ۶۶۷ ق.م.ا تعزیرات: «در کلیه موارد سرقت و ربودن اموال مذکور در این فصل دادگاه علاوه بر مجازات تعیین شده سارق یا رباینده را به ردّ عین و در صورت فقدان عین به ردّ مثل یا قیمت مال مسروقه یا ربوده شده و جبران خسارت وارده محکوم خواهد نمود»

✓ حقّ طرح دعوی مدنی نزد مرجع کیفری تنها مربوط به دعوی ضرر و زیان ناشی از جرم است و شامل سایر دعاوی حقوقی ناشی از جرم که بزه‌دیده حقّ اقامه آن را داشته باشد نمی‌گردد، برای مثال در اتهام جعل سند مالکیت، بزه‌دیده نمی‌تواند افزون بر شکایت کیفری، دعوی ابطال سند مجعول را هم اقامه نماید و برای این امر باید دادخواست خود را تقدیم دادگاه حقوقی نماید. البته اداره حقوقی قوه قضاییه نظر دیگری دارد و امکان صدور حکم بطلان سند مجعول را هم از سوی مرجع کیفری امکان‌پذیر دانسته است؛ مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۹۲/۱۰۴۸ مورخ ۹۲/۶/۴: «انتقال مال غیر از مصادیق بیع فاسد است و طبق قانون مدنی بیع فاسد اثری در تملک ندارد و سند مالکیت ناشی از بیع فاسد نیز معتبر نیست و باید باطل شود؛ بنابراین دادگاه پس از احراز وقوع جرم انتقال مال غیر ولو مکرراً باید اولاً متهم را به مجازات قانونی کلاهبرداری و ردّ مال غیر به صاحب آن محکوم و در صورت لزوم حکم ابطال اسناد غیرمعتبر را نیز صادر نماید»

۵. **مجازات‌های ممنوعیت از اشتغال به کسب یا شغل یا حرفه:** هدف مهم از ممنوعیت شغلی، پیشگیری از تکرار جرم است که بیش از همه به اقدام تأمینی شباهت دارد. به عنوان مصداق این مجازات می‌توان از «انفصال» نام برد؛ یعنی قطع رابطه استخدامی کارمند یا مأمور دولت یا سازمان یا نهاد و تشکیلات دولتی، خواه به طور موقت خواه به طور دائم؛ مانند تعطیل کردن واحد صنفی و لغو یا تعلیق پروانه. خودداری از اشتغال به کار یا حرفه معین ممکن است در اجرای دستور دادگاه، ضمن قرار تعلیق اجرای مجازات و یا اعطای آزادی مشروط، به محکوم علیه تکلیف شود که این ممنوعیت تا پایان مدت تعلیق یا آزادی مشروط ادامه دارد.

ماده ۳۰ قانون مجازات اسلامی: «منع از اشتغال به شغل، کسب، حرفه یا کار معین مستلزم لغو جواز کار یا پروانه کسب، حرفه یا کار است مشروط به اینکه جرم به سبب اشتغال به شغل، کسب، حرفه یا کار ارتکاب یابد یا آن اشتغال وقوع جرم را تسهیل نماید.»

✓ ممنوعیت از اشتغال به شغل، کسب، حرفه یا کار معین به عنوان یکی از مجازات‌های تکمیلی تنها در صورتی امکان‌پذیر است که جرم به سبب آن شغل ارتکاب یافته یا وقوع جرم را تسهیل نموده باشد.

✓ مطابق ماده ۹ آیین‌نامه راجع به نحوه اجرای مجازات‌های تکمیلی موضوع ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱: «چنانچه حکم دادگاه مستلزم محکومیت به منع از اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین باشد، اگر محکوم اشتغال به آن داشته باشد، قاضی اجرای احکام مراتب حکم را حسب مورد به کارفرما و یا بالاترین مدیر یا مسؤول محل اشتغال محکوم ابلاغ می‌نماید. اشخاص یادشده موظفند ضمن رعایت دستور قضایی مراتب را به قاضی اجرای احکام اعلام نمایند. چنانچه محکوم دارای جواز کار یا پروانه اشتغال باشد، با رعایت ماده ۳۰ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲/۲/۱، جواز کار یا پروانه اشتغال وی از طریق مرجع مربوط و با اعلام قاضی اجرای احکام لغو می‌گردد. در صورتی که محکوم اشتغال نداشته باشد، قاضی اجرای احکام به وی ابلاغ می‌کند، از اشتغال به شغل یا حرفه یا کاری که به موجب حکم دادگاه منع گردیده، خودداری نماید.»

۶. **مجازات‌های سالب حق:** حق یا حقوقی که محکوم علیه به موجب حکم دادگاه از داشتن آن محروم می‌گردد؛ عبارت است از بعضی حقوقی که قانون اساسی برای شهروندان ایرانی به رسمیت شناخته است، مانند محرومیت از حقوق اجتماعی. هدف از محرومیت مجرم از حقوق اجتماعی ۲ امر است: ۱- جامعه در امان بماند. ۲- در فرضی که محرومیت از حقوق اجتماعی مجازات تکمیلی یا تبعی باشد، کمک به تأثیر مجازات اصلی است. مجرم ممکن است از کلیه حقوق اجتماعی و یا بعضی از آن حقوق محروم شود و محرومیت از حقوق اجتماعی ممکن است دائمی یا موقت باشد.

انواع محرومیت از حقوق اجتماعی

✓ **منع از رانندگی و تصدی وسیله نقلیه موتوری (ماده ۳۱ ق.م.ا)**

مطابق ماده ۱۱ آیین‌نامه راجع به نحوه اجرای مجازات‌های تکمیلی موضوع ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱: «در مورد حکم به محکومیت منع از رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و یا تصدی وسایل موتوری، قاضی اجرای احکام مطابق رأی دادگاه مراتب را به معاونت راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی جهت ابطال گواهینامه ابلاغ می‌کند. مرجع مذکور پس از اجرای دستور قضایی نتیجه را به مرجع مجری حکم اعلام می‌کند. هرگاه نیروی انتظامی تخلف محکوم از مفاد حکم را در هریک از نقاط کشور مشاهده کند، مراتب را جهت اتخاذ تصمیم مقتضی به مرجع مجری حکم اعلام می‌کند»

✓ منع از اصدار چک مستلزم ابطال برگه‌های سفید دسته چک و انسداد حساب جاری و ممنوعیت از درخواست مجدد افتتاح حساب جاری (ماده ۳۲ ق.م.ا)

مطابق ماده ۱۲ آیین‌نامه راجع به نحوه اجرای مجازات‌های تکمیلی موضوع ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱: «هرگاه محکومیت مبنی بر منع از داشتن دسته چک باشد، قاضی اجرای احکام مراتب را به منظور عدم صدور دسته چک به بانک مرکزی اعلام می‌کند. در صورت صدور حکم محکومیت مبنی بر منع از اصدار چک قاضی اجرای احکام مراتب را به بانک یا بانک‌های مربوط جهت انسداد حساب جاری وی اعلام می‌کند. ضمناً مراتب به بانک مرکزی اعلام می‌شود تا به بانک‌ها اعلام نماید از افتتاح مجدد حساب جاری برای محکوم خودداری کنند. همچنین، قاضی اجرای احکام به محکوم اخطار می‌کند برگ یا برگ‌های سفید دسته چک را که در اختیار دارد، جهت ابطال برگه‌ها به مرجع مجری حکم تحویل دهد. با تحویل برگه یا برگه‌های مذکور، قاضی اجرای احکام با تنظیم صورت‌جلسه‌ای که به امضای وی و محکوم می‌رسد، مبادرت به ابطال آنها می‌کند. چنانچه محکوم اعلام نماید برگه چک در اختیار ندارد، به ترتیب فوق صورت‌جلسه می‌گردد. در مورد صدور حکم مبنی بر منع از اصدار سایر اسناد تجارتي قاضی اجرای احکام مفاد حکم را به محکوم ابلاغ و تفهیم می‌کند که از اصدار آنها خودداری کند. تبصره - بانک مرکزی مکلف است مشخصات محکومان موضوع این ماده را از طریق سامانه به کلیه بانک‌ها اعلام کند.»

✓ منع از حمل اسلحه مجاز (ماده ۳۳ ق.م.ا)

مطابق ماده ۱۳ آیین‌نامه راجع به نحوه اجرای مجازات‌های تکمیلی موضوع ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱: «در مورد محکومیت به منع حمل سلاح، قاضی اجرای احکام موظف است مفاد حکم دادگاه مبنی بر ممنوعیت از حمل سلاح را به مرجع صادرکننده پروانه حمل و سایر مراجعی که مجاز به صدور پروانه حمل سلاح هستند، اعلام کند. همچنین، قاضی مذکور موظف است به محکوم اخطار نماید، سلاح خود را جهت توقیف به اجرای احکام تحویل دهد. پس از ارائه سلاح به اجرای احکام، قاضی اجرای احکام با تنظیم صورت‌جلسه‌ای که به امضای وی و محکوم می‌رسد، سلاح را تحویل گرفته و آن را جهت توقیف به مرجع ذی‌ربط ارسال می‌کند. مرجع صادرکننده پروانه حمل سلاح، مطابق رأی دادگاه، موظف به ابطال پروانه مذکور می‌باشد.»

✓ منع از خروج اتباع ایران از کشور (ماده ۳۴ ق.م.ا)

- ممنوع‌الخروج ساختن اتباع ایران از کشور، مقید به مهلت بوده و ممنوعیت دائمی از خروج امکان‌پذیر نیست.
 - ممنوعیت خروج از کشور تنها مختص محکومان نبوده و قاضی می‌تواند متهمان را پس از تفهیم اتهام و صدور قرار نظارت قضایی تا شش ماه ممنوع‌الخروج سازد که این مدت قابل تمدید است.
 - مطابق ماده ۱۴ آیین‌نامه راجع به نحوه اجرای مجازات‌های تکمیلی موضوع ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱: «در صورت صدور حکم مبنی بر منع از خروج تبعه ایران از کشور، قاضی اجرای احکام موظف است اقدامات زیر را انجام دهد:
- الف - مراتب محکومیت محکوم را با ذکر مشخصات کامل و شماره ملی به انضمام گزارشی از مفاد حکم قطعی و مدت زمان محکومیت جهت اعلام به مراجع ذی‌ربط قانونی به دادستان کل کشور اعلام کند.
- ب - به اداره گذرنامه نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران اعلام کند تا پایان مدت محکومیت از پذیرش درخواست صدور گذرنامه برای وی مطابق حکم دادگاه خودداری کند.
- پ - به محکوم اخطار کند در صورتی که گذرنامه برای وی صادرگردیده آن را به قاضی اجرای احکام تحویل دهد. در صورت تحویل، گذرنامه را جهت ابطال به اداره گذرنامه نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران ارسال کند.»

✓ اخراج موقت یا دائم بیگانگان محکوم به مجازات از کشور پس از اجرای مجازات (ماده ۳۵ ق.م.ا)

– اخراج اتباع بیگانه به طور دائم امکان‌پذیر است.

– مطابق ماده ۱۵ آیین‌نامه راجع به نحوه اجرای مجازات‌های تکمیلی موضوع ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱: «در مورد حکم به محکومیت اخراج تبعه خارجی از کشور، قاضی اجرای احکام پس از اجرای مجازات اصلی، از طریق مرجع انتظامی نسبت به اخراج وی اقدام می‌کند. هرگونه تردد یا اقامت تبعه مذکور در قلمرو جمهوری اسلامی ایران در مدت مقرر در حکم ممنوع است. مرجع مذکور موظف است پس از اجرای دستور قضایی مراتب را به مرجع مجری حکم اعلام کند.»

۷. مجازات‌های سالب حیثیت: رسوا کردن محکوم علیه و آبروی او را نزد عام و خاص ریختن، کیفر خاصی است که همواره در تکمیل مجازات اصلی، اعتبار اجتماعی بزهدار را تهدید می‌کند؛ مانند اعلان حکم به وسیله نصب پارچه در محل وقوع جرم، اعلام نام در جرایم. ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی: «حکم محکومیت قطعی در یکی از روزنامه‌های محلی، در مورد جرائم موجب حد، محاربه و افساد فی الارض یا تعزیر تا درجه چهار و نیز کلاهبرداری بیش از یک میلیارد (۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال در صورتی که موجب اخلال در نظم یا امنیت نباشد در یکی از روزنامه‌های محلی در یک نوبت منتشر می‌شود.

تبصره - انتشار حکم محکومیت قطعی در جرائم زیر که میزان مال موضوع جرم ارتكابی، یک میلیارد (۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا بیش از آن باشد، الزامی است و در رسانه ملی یا یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر می‌شود:

۱. رشاء و ارتشاء

۲. اختلاس

۳. اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال توسط مجرم یا دیگری

۴. مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری

۵. تبانی در معاملات دولتی

۶. أخذ پورسانت در معاملات خارجی

۷. تعدیات مأموران دولتی نسبت به دولت

۸. جرائم گمرکی

۹. قاچاق کالا و ارز

۱۰. جرائم مالیاتی

۱۱. پولشویی

۱۲. إخلال در نظام اقتصادی کشور

۱۳. تصرف غیرقانونی در اموال عمومی یا دولتی

✓ انتشار حکم محکومیت به عنوان مجازات تکمیلی از اختیارات دادگاه به شمار می‌رود و در کلیه محکومیت‌ها به استثنای دیه امکان‌پذیر است؛ اما انتشار حکم محکومیت به عنوان مجازات اصلی از تکالیف دادگاه به شمار می‌رود و تنها در جرائم موضوع ماده ۳۶ ق.م.ا امکان‌پذیر است.

✓ انتشار مراتب اجرای حکم، مُشتمل بر مشخصات محکوم، نوع جرم و خلاصه حکم، در صورتی ممکن است که انتشار مفاد حکم به موجب قانون مجاز باشد. در غیر احکام موضوع ماده (۳۶) قانون مجازات اسلامی، انتشار مفاد حکم سالب حیات و مراتب اجرای آن به تشخیص دادستان و بدون ذکر مشخصات محکوم بلامانع است. (ماده ۴۶ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه)

✓ علاوه بر انتشار حکم محکومیت قطعی، امکان انتشار حکم برائت قطعی در کلیه جرائم به درخواست متهم وجود دارد؛ مطابق ماده ۵۱۲ ق.آ.د.ک: «شخصی که به موجب حکم قطعی، برائت حاصل کند، می‌تواند حداکثر ظرف مدت شش ماه از تاریخ ابلاغ رأی، از دادگاه

صادرکننده حکم نخستین درخواست نماید که حکم براءت از محلب اعتبارات مربوط به قوه قضاییه در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر می‌شود»

انتشار حکم محکومیت (ماده ۳۶ ق.م.ا و تبصره آن)	
جرائم مندرج در صدر ماده ۳۶ ق.م.ا	جرائم مندرج در تبصره ماده ۳۶ ق.م.ا
مجازات تکمیلی است و در یک روزنامه محلی منتشر می‌شود.	مجازات اصلی است و در یک رسانه ملی یا روزنامه کثیرالانتشار منتشر می‌شود.
انتشار حکم محکومیت قطعی، مشروط به آن است که انتشار حکم، موجب اخلال در نظم یا امنیت نباشد؛ وگرنه انتشار ممنوع است.	انتشار حکم محکومیت در هر حال الزامی است.
تنها برای یک مرتبه منتشر می‌شود.	دفعات انتشار به تشخیص دادگاه است.

نهادهای مرتبط با مجازات حبس

نهادهای مرتبط با مجازات حبس، ۳ مورد است:

۱- نظام نیمه آزادی ۲- آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی ۳- مجازات‌های جایگزین حبس

نظام نیمه آزادی

نظام نیمه آزادی یکی از راهکارهای کاهش جمعیت زندان‌ها و حضور مرتکب در جامعه برای اصلاح و بازپروری اوست که به موجب آن، مرتکب ساعاتی از محکومیت خود را در زندان سپری می‌کند و ساعاتی دیگر را خارج از زندان به انجام خدمات و فعالیت‌های تعیین شده از سوی دادگاه می‌پردازد، تا با این شیوه هم مجازات خود را تحمل کرده باشد و هم از تبعات سوئی که به دلیل حضور دائم در محیط زندان و دوری از جامعه به بار می‌آید، در امان بماند.

ماده ۵۶ قانون مجازات اسلامی: «نظام نیمه آزادی، شیوه‌ای است که بر اساس آن محکوم می‌تواند در زمان اجرای حکم حبس، فعالیت‌های حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، درمانی و نظایر اینها را در خارج از زندان انجام دهد. اجرای این فعالیت‌ها زیر نظر مراکز نیمه آزادی است که در سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی تأسیس می‌شود»

✓ فعالیت‌های مندرج در ماده ۵۶ ق.م.ا حصری می‌باشد و منظور از عبارت «و نظایر اینها» در ماده ۵۶ ق.م.ا سایر اقداماتی است در ماده ۵۷ ق.م.ا به آنها اشاره شده است.

✓ منظور از «یک فعالیت» در ماده فوق یک نوع خاص از همان دسته است، مثلاً یک نوع فعالیت شغلی، یک نوع فعالیت آموزشی و ... بنابراین دادگاه می‌تواند مرتکب را هم به فعالیت شغلی وادار نماید و هم به فعالیت آموزشی، اما تحمیل دو فعالیت شغلی مختلف بر او ممنوع است.

✓ زندان‌ها با توجه به شیوه‌های اجرای مجازات حبس، به چهار بخش تقسیم می‌شوند؛ مطابق تبصره ۱ ماده ۵۱۳ ق.آ.د.ک: «زندان‌ها به زندان بسته، نیمه‌باز، مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال و مراکز اقدامات تأمینی و تربیتی از جمله قانون اصلاح و تربیت برای اطفال ونوجوانان تقسیم می‌شود.»

✓ در ماده ۱۱ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ در مورد جرائم خاص نظامیان نیز نهادی تحت عنوان «حبس توأم با خدمت» را مورد پیش‌بینی قرار داده است، که تا حدی مشابه با نظام نیمه آزادی می‌باشد؛ مطابق این ماده: «دادگاه‌های نظامی می‌توانند به درخواست محکوم علیه و پیشنهاد دادستان و رعایت مقررات مربوط به زندان باز و نیمه باز مدت حبس وی را که بیش از یک سال نباشد به حبس با خدمت تبدیل نمایند. در این صورت محکومان مذکور به یگان مربوط یا مراکزی که نیروهای مسلح برای خدمت تعیین می‌کنند معرفی شده و پس از پایان خدمت روزانه در بازداشتگاه یگان یا مرکزی که تعیین شده نگهداری می‌شوند»

ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی: «در حبس‌های تعزیری درجه پنج تا هفت دادگاه صادرکننده حکم قطعی می‌تواند مشروط به گذشت شاکی و سپردن تأمین مناسب و تعهد به انجام یک فعالیت شغلی، حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی یا درمان اعتیاد یا بیماری که در فرایند اصلاح یا جبران خسارت وارد بر بزه‌دیده مؤثر است، محکوم را با رضایت خود او، تحت نظام نیمه آزادی قرار دهد. همچنین محکوم می‌تواند در طول دوره تحمل مجازات در صورت دارا بودن شرایط قانونی، صدور حکم نیمه آزادی را تقاضا نماید و دادگاه موظف به رسیدگی است.

تبصره - مقررات این ماده در مورد حبس‌های تعزیری درجه دو، درجه سه و درجه چهار، در صورت گذراندن یک‌چهارم مدت حبس قابل اعمال است. (الحاقی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳)

- ✓ حکم نیمه آزادی ممکن است هم‌زمان با صدور حکم، در مورد کل دوران حبس یا در زمان اجرای مجازات، صادر گردد.
- ✓ در رابطه با اینکه برای اعطای نظام نیمه آزادی پس از صدور حکم محکومیت، چه مدت از مجازات باید بگذرد، تصریحی وجود ندارد و ظاهراً به نظر می‌رسد حتی دادگاه یک روز پس از محکومیت متهم نیز می‌تواند، حکم به نیمه آزادی صادر نماید.
- ✓ در مواردی که دادگاه بخواهد هم‌زمان با صدور حکم محکومیت اقدام به صدور حکم نیمه آزادی نماید، رأساً تصمیم‌گیری می‌کند؛ ولی در صورتی که بخواهد حین اجرای مجازات چنین تصمیمی را اتخاذ کند، مستلزم پیشنهاد دادستان یا قاضی اجرای احکام است.
- ✓ صدور حکم نیمه آزادی از اختیارات دادگاه صادرکننده حکم قطعی می‌باشد.
- ✓ با توجه به قسمت اخیر ماده ۹۰ ق.م.ا امکان صدور حکم نیمه آزادی در مورد اطفال و نوجوانانی که به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت محکوم شده‌اند، وجود دارد؛ مطابق قسمت اخیر ماده ۹۰ ق.م.ا: «این امر مانع استفاده از آزادی مشروط و سایر تخفیفات قانونی با تحقق شرایط آنها نیست»
- ✓ از شرط گذشت شاکی خصوصی، در می‌یابیم که صدور حکم نیمه آزادی فقط در جرائم غیرقابل گذشت امکان‌پذیر است؛ زیرا در جرائم قابل گذشت با گذشت شاکی خصوصی قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود و دیگر نوبت به حکم نیمه آزادی نمی‌رسد.
- ✓ نظام نیمه آزادی تنها نهاد ارفاقی است که لازمه استفاده از آن سپردن تأمین کیفری مناسب است^۴، صدور قرار تأمین کیفری با هدف بازگشت به موقع مرتکب به زندان، انجام می‌گیرد و نه با هدف تضمین اجرای دستورات و فعالیت‌های مورد نظر دادگاه؛ بنابراین ضبط تأمین کیفری به دلیل استتکاف محکوم علیه از اجرای فعالیت‌هایی که از سوی دادگاه تعیین شده است، امکان‌پذیر نیست و تنها زمانی می‌توان تأمین کیفری را ضبط نمود که مرتکب در زمان تعیین شده، حضور نیابد.
- ✓ در مواردی که حکم نیمه آزادی هم‌زمان با صدور حکم محکومیت قطعی صادر می‌شود، مرجع صدور قرار تأمین کیفری دادگاه صادرکننده حکم محکومیت قطعی است؛ اما در مواردی که حکم نیمه آزادی پس از صدور حکم محکومیت و حین اجرای مجازات صادر می‌شود، مرجع صدور قرار تأمین کیفری، قاضی اجرای احکام کیفری می‌باشد. (مطابق ماده ۵۵۴ ق.آ.د.ک)
- ✓ اصولاً دادگاه در استفاده از نهادهای ارفاقی به تشخیص خود عمل می‌کند و موافقت مرتکب نقشی در تصمیم دادگاه ایفا نمی‌کند؛ اما استثنائاً در «نظام نیمه آزادی، آزادی توأم با نظارت الکترونیکی و خدمات عمومی رایگان به عنوان یکی از جایگزین‌های حبس» موافقت قبلی مرتکب ضروری است و در صورتی که مرتکب با اتخاذ این تصمیمات موافق نباشد، مجازات حبس به اجرا گذاشته می‌شود؛ همچنین صرف موافقت مرتکب برای استفاده از نظام نیمه آزادی کفایت نمی‌کند و مرتکب باید تعهد بدهد که فعالیت‌های تعیین شده از سوی دادگاه را به درستی اجرا می‌نماید.

✓ صدور حکم نیمه آزادی، منافاتی با اجرای مجازات‌های تکمیلی و تبعی نداشته و در صورت پایان مدت نیمه آزادی، مرتکب برای مدت معین از حقوق اجتماعی محروم خواهد شد.

✓ در جرائم مشمول نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی، قاضی اجرای احکام کیفری می‌تواند پس از وصول گزارش شورای طبقه‌بندی زندان و نظریه مددکاران اجتماعی معاونت اجرای احکام کیفری، مبنی بر آنکه اجرای یک فعالیت شغلی یا حرفه‌ای،

^۴ در قرار تعویق صدور حکم دادگاه به تشخیص خود و نه لزوماً اقدام به اخذ تأمین کیفری می‌نماید.

آموزشی، حرفه‌آموزی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی و یا درمان پزشکی، از سوی محکوم علیه در خارج از محیط زندان، در فرآیند اصلاح وی و یا جبران ضرر و زیان بزه‌دیده مؤثر است، به دادگاه صادرکننده حکم، پیشنهاد اجرای نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی را طبق مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی دهد و مطابق تصمیم این دادگاه اقدام کند. (ماده ۵۵۳ ق.آ.د.ک)

✓ در مواردی که حکم نیمه آزادی هم زمان با صدور حکم محکومیت قطعی صادر می‌شود، مرجع صدور قرار تأمین کیفری، دادگاه صادرکننده حکم محکومیت قطعی است؛ اما در مواردی که حکم نیمه آزادی پس از صدور حکم محکومیت و حین اجرای مجازات صدر می‌شود، مرجع صدور قرار تأمین کیفری، قاضی اجرای احکام کیفری می‌باشد. مطابق ماده ۵۵۴ ق.آ.د.ک: «(در نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی، پس از صدور حکم محکومیت) قاضی اجرای احکام کیفری، پس از موافقت دادگاه با پیشنهاد موضوع ماده فوق، با أخذ تأمین متناسب از محکوم علیه، دستور اجرای تصمیم دادگاه را صادر و مراتب را به زندان اعلام می‌کند.»

✓ محکوم علیه یا متهم مکلف است حسب مورد در طول دوره تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، تعویق صدور حکم و نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی، امکان نظارت مأمور مراقبتی را به شیوه‌ای که قاضی اجرای احکام کیفری مشخص می‌نماید، فراهم آورد و هرگونه اقدامی از قبیل تغییر شغل یا محل اقامت، که اجرای کامل نظارت را با دشواری مواجه می‌سازد از قبل به اطلاع قاضی اجرای احکام کیفری برساند. (ماده ۵۵۶ ق.آ.د.ک)

✓ چنانچه اقامتگاه اشخاص مشمول ... نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی، درحوزه قضایی دیگری غیر از حوزه قضایی دادگاه صادرکننده رأی باشد، اشخاص مذکور می‌توانند اجرای تصمیم مذکور را در محل اقامت خود تقاضا نمایند. در این صورت قاضی مجری حکم با اعطای نیابت به قاضی اجرای احکام حوزه اقامت آنان، تمامی دستورهای دادگاه و واحد اجرای احکام و شرایط مقرر در رأی را به قاضی مجری نیابت اعلام می‌نماید و موارد مذکور، تحت نظارت قاضی مرجوع‌الیه اجراء می‌شود. (ماده ۵۵۸ ق.آ.د.ک)

شرایط صدور حکم نیمه آزادی

۱. نظام نیمه آزادی در مورد محکومین به حبس‌های تعزیری درجات ۲ تا ۷ قابل اعمال است:

* در مورد محکومین به حبس‌های تعزیری درجه ۵ تا ۷ هم‌زمان با صدور حکم محکومیت قابل اعمال است. (ماده ۵۷)

* در مورد محکومین به حبس‌های تعزیری درجه ۲ تا ۴ پس از گذراندن یک چهارم مجازات‌های حبس قابل اعمال است. (تبصره الحاقی

ماده ۵۷ ق.م.ا به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳)

۲. برای اعمال نظام نیمه آزادی جمع شرایط ذیل الزامی است:

* گذشت شاکی خصوصی

* سپردن تأمین مناسب

* تعهد به انجام یک فعالیت شغلی، حرفه‌ای، آموزشی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی، درمان اعتیاد یا بیماری که در فرآیند اصلاح یا جبران خسارت بزه‌دیده مؤثر باشد.

* رضایت محکوم علیه به دریافت نظام نیمه آزادی.

آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی

آزادی با استفاده از روش‌های نظارت الکترونیکی یکی از روش‌های نوین در عرصه حقوق کیفری است که برای کنترل جمعیت زندان‌ها و جلوگیری از آثار زیان‌باری که در نتیجه اجرای حبس بر مرتکب و دولت تحمیل می‌شود، مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ بر مبنای این روش، مرتکب به جای تحمّل دوران محکومیت خود در زندان، با سیستم‌های الکترونیکی (مانند مچ‌بند الکترونیکی) تحت کنترل قرار می‌گیرد تا در محدوده‌ای که دادگاه تعیین می‌کند، مجازات حبس خود را سپری کند.

ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی: «در جرائم تعزیری از درجه پنج تا درجه هشت، دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر در تعویق مراقبتی، محکوم به حبس را با رضایت وی در محدوده مکانی مشخص تحت نظارت سامانه (سیستم)‌های الکترونیکی قرار دهد.

تبصره ۱- دادگاه در صورت لزوم می‌تواند محکوم را تابع تدابیر نظارتی یا دستورهای ذکرشده در تعویق مراقبتی قرار دهد.

تبصره ۲- مقررات این ماده در مورد حبس‌های تعزیری درجه دو، درجه سه و درجه چهار نیز پس از گذراندن یک چهارم مجازات‌های حبس قابل اعمال است. (الحاقی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳)

تبصره ۳- قوه قضائیه می‌تواند برای اجرای تدابیر نظارتی موضوع این ماده یا سایر مقرراتی که به موجب آن متهم یا محکوم تحت نظارت الکترونیکی قرار می‌گیرد، با نظارت سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور از ظرفیت بخش خصوصی استفاده کند. آیین‌نامه اجرایی این تبصره توسط معاونت حقوقی قوه قضائیه با همکاری مرکز آمار و فناوری و سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد. (الحاقی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳)

✓ ملاک برای امکان استفاده از آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی مجازات قانونی است، نه مجازات قضایی.

✓ در مواردی که مجازات قانونی جرم، حبس تعزیری درجه هشت است، دادگاه موظف به تعیین مجازات جایگزین حبس می‌باشد و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی منتفی است؛ مگر در مواردی که به دلایلی (مانند جرائم علیه امنیت یا داشتن اتهامات متعدد) امکان تعیین مجازات جایگزین حبس وجود نداشته باشد.

✓ استفاده از آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی مستلزم رضایت قبلی مرتکب است و در صورتی که مرتکب با اتخاذ چنین تصمیمی موافق نباشد، مجازات حبس اجرا می‌شود.

✓ استفاده از آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی، مستلزم وجود شرایط مقرر در تعویق مراقبتی است؛ بنابراین آزادی همراه با نظارت الکترونیکی همچون قرار تعویق صدور حکم مستلزم وجود جهات تخفیف و فقدان سابقه محکومیت کیفری مؤثر است.

✓ در تعزیرات منصوص شرعی استفاده از آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی ممنوع است.

✓ یکی دیگر از شروط استفاده از آزادی توأم با نظارت الکترونیکی، سپردن وثیقه است؛ وثیقه یکی از قرارهای تأمین کیفری است که با هدف جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و تضمین حقوق بزه‌دیده صادر می‌شود. البته با توجه به ماده ۹ آیین‌نامه اجرایی «مراقبت‌های الکترونیکی» مصوب رئیس قوه قضائیه، به نظر می‌رسد وثیقه در اینجا ماهیتی جدا از تأمین کیفری داشته باشد و هدف از اخذ آن جبران خسارت وارده به تجهیزات (نه تضمین حقوق بزه‌دیده) است؛ تا در صورتی که به تجهیزات مزبور آسیبی وارد شود، خسارت از محل وثیقه جبران گردد.

✓ دادگاه باید محل مراقبت را در رأی خود تعیین نماید تا مأمور مراقبت مرکز با مراجعه به محل تعیین شده و رعایت نکات فنی، اقدام به نصب تجهیزات نماید؛ در صورتی که اجرای تمام یا بخشی از مراقبت الکترونیکی مربوط به حوزه قضایی دیگری باشد، قاضی مربوطه با اعطای نیابت قضایی اجرای آن را از حوزه دیگر درخواست می‌نماید. البته با توجه به ماده ۲۲ آیین‌نامه اجرایی تغییر محل مراقبت از سوی دادگاه پس از پیشنهاد قاضی اجرای احکام یا شورای طبقه‌بندی زندانیان، امکان‌پذیر است، در صورتی که تقاضای مزبور، رد شود، هر دو ماه یک بار مجدداً می‌توان اقدام به طرح آن نمود.

شرایط اعطای آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی

۱. این نحوه آزادی در مورد محکومین به حبس‌های تعزیری درجه ۲ تا ۸ قابل اعمال است:

* در مورد محکومین به حبس‌های تعزیری درجه ۵ تا ۸ هم‌زمان با صدور حکم محکومیت قابل اعمال است (ماده ۶۲)

* در مورد محکومین به حبس‌های تعزیری درجه ۲ تا ۴ پس از گذراندن یک چهارم مجازات‌های حبس قابل اعمال است. (تبصره الحاقی

ماده ۶۲ ق.م.ا به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳)

۲. محدوده مکانی تحت نظارت باید مشخص گردد.

۳. این نحوه آزادی مستلزم اخذ رضایت محکوم‌علیه است.

۴. برای اعمال این نوع آزادی شرایط مقرر در تعویق مراقبتی باید احراز گردد. (مواد ۴۰ و ۴۱ ق.م.ا)
۵. در طول مدت نظارت، محکوم‌علیه می‌تواند تابع تدابیر نظارتی مربوط به قرار تعویق مراقبتی گردد. (ماده ۴۲ ق.م.ا)

مجازات‌های جایگزین حبس

ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی: «مجازات‌های جایگزین حبس عبارت از دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی است که در صورت گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف با ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه‌دیده و سایر اوضاع و احوال، تعیین و اجراء می‌شود. تبصره - دادگاه در ضمن حکم، به سختی و تناسب مجازات مورد حکم با شرایط و کیفیات مقرر در این ماده تصریح می‌کند. دادگاه نمی‌تواند به بیش از دو نوع از مجازات‌های جایگزین حکم دهد»

با توجه به اینکه مجازات حبس، مجازات مناسبی نیست و در برخی موارد آثار زیان‌بار آن از منافعی که از اجرای آن انتظار داریم، بیشتر است؛ لذا قانونگذار مجازات‌هایی را به عنوان جایگزین مجازات حبس پیش‌بینی کرده است.

انواع مجازات‌های جایگزین حبس: ۱- دوره مراقبت ۲- خدمات عمومی رایگان ۳- جزای نقدی ۴- جزای نقدی روزانه ۵- محرومیت از حقوق اجتماعی؛ به این موارد باید ۲ مورد دیگر؛ یعنی اقامت در منزل و نگهداری آخر هفته را افزود که اکنون فقط به نوجوانان بزه‌کار اختصاص دارد.

شرایط عمومی اعمال مجازات‌های جایگزین حبس (ماده ۶۴ ق.م.ا)

۱. گذشت شاکی خصوصی

۲. احراز جهات تخفیف: با لحاظ موارد هشت‌گانه مذکور در ماده ۳۸ ق.م.ا

الف - گذشت شاکی یا مدعی خصوصی

ب - همکاری مؤثر متهم در شناسایی شرکا یا معاونان، تحصیل ادله یا کشف اموال و اشیاء حاصله از جرم یا به کار رفته برای ارتکاب آن

پ - اوضاع و احوال خاص مؤثر در ارتکاب جرم، از قبیل رفتار یا گفتار تحریک آمیز بزه‌دیده یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم

ت - اعلام متهم قبل از تعقیب یا اقرار مؤثر وی در حین تحقیق و رسیدگی

ث - ندامت، حسن سابقه و یا وضع خاص متهم از قبیل کهولت یا بیماری

ج - کوشش متهم به منظور تخفیف آثار جرم یا اقدام وی برای جبران زیان ناشی از آن

چ - خفیف بودن زیان وارده به بزه‌دیده یا نتایج زیان‌بار جرم

ح - مداخله ضعیف شریک یا معاون در وقوع جرم

۳. ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن

۴. ملاحظه آثار ناشی از جرم

۵. ملاحظه سن، مهارت، شخصیت، سابقه مجرم

۶. ملاحظه وضعیت بزه‌دیده و سایر اوضاع و احوال

✓ همان گونه که ملاحظه می‌شود، تعیین مجازات جایگزین حبس مستلزم گذشت شاکی و احراز جهات تخفیف است؛ ولی با توجه به رأی وحدت رویه ۷۴۶ مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۹ که چنین بیان داشته است: «از مجموع مقررات مربوط به مجازات‌های جایگزین حبس، موضوع فصل نهم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به ویژه اطلاق مواد ۶۵، ۶۶، ۶۸ و ۶۹ قانون مذکور چنین مستفاد می‌گردد که تعیین و اعمال مجازات جایگزین حبس به شرح مندرج در مواد فوق‌الاشاره الزامی بوده و مقید به رعایت شرایط مقرر در ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی از قبیل گذشت شاکی یا وجود جهات تخفیف نمی‌باشد» با توجه به این رأی وحدت رویه، در جایگزین‌های الزامی حبس رعایت شرایط گذشت شاکی و احراز جهات تخفیف الزامی نیست و این شرایط مختص جایگزین‌های اختیاری حبس است. بنابراین در جرم عمدی با مجازات تا سه ماه حبس، دادگاه بدون نیاز به وجود شرائط مقرر در ماده ۶۴ ق.م.ا اقدام به تعیین مجازات جایگزین حبس می‌نماید؛ در حالی که در جرم عمدی با مجازات تا یک سال حبس، بدون رعایت این شرایط نمی‌توان از مجازات جایگزین حبس بهره‌مند شد.

✓ با توجه به ضرورت گذشت شاکی در جایگزین‌های اختیاری حبس متوجه می‌شویم که جایگزین‌های اختیاری حبس تنها در جرائم غیرقابل گذشت امکان‌پذیر است؛ زیرا در جرائم قابل گذشت با گذشت شاکی قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود و دیگر نوبت به تعیین مجازات‌های جایگزین حبس نمی‌رسد؛ اما در جایگزین‌های الزامی با توجه به عدم ضرورت گذشت شاکی امکان تعیین این مجازات‌ها هم در جرائم قابل گذشت و هم در جرائم غیرقابل گذشت وجود دارد.

عطف بماسبق نشدن قوانین راجع به جایگزین‌های حبس به احکام قطعی سابق

ماده ۷۴ قانون مجازات اسلامی: «مقررات این فصل در مورد احکام قطعی (مربوط به جایگزین‌های حبس در قانون مجازات اسلامی) که پیش از لازم‌الاجرا شدن این قانون صادر شده است اجرا نمی‌شود»

مطابق بند (الف) ماده ۱۰ ق.م.ا قوانین خفیف، عطف بماسبق می‌شوند و اشخاصی که سابقاً در مورد آنها حکم محکومیت قطعی صادر شده است، نیز از تخفیف بهره‌مند می‌گردند، حکم مقرر در ماده فوق استثنایی است بر اصل اثر فوری قوانین خفیف یا مساعد؛ زیرا مجازات‌های جایگزین حبس با وجود آنکه نسبت به مجازات حبس، مساعدتر محسوب می‌شود؛ ولی نسبت به کسانی که پیش از لازم‌الاجرا شدن این قانون برایشان حکم محکومیت قطعی صادر شده است، تسری نمی‌یابد.

دوره مراقبت

ماده ۸۳ قانون مجازات اسلامی: «دوره مراقبت دوره‌ای است که طی آن، محکوم به حکم دادگاه و تحت نظارت قاضی اجرای احکام، به انجام یک یا چند مورد از دستورات مندرج در تعویق مراقبتی به شرح ذیل محکوم می‌گردد:

الف - در جرائمی که مجازات قانونی آنها حداکثر سه ماه حبس است، تا شش ماه
ب - در جرائمی که مجازات قانونی آنها نود و یک روز تا شش ماه حبس است و جرائمی که نوع و میزان تعزیر آنها در قوانین موضوعه تعیین نشده است، شش ماه تا یک سال

پ - در جرائمی که مجازات قانونی آنها بیش از شش ماه تا یک سال است، یک تا دو سال
ت - در جرائم غیرعمدی که مجازات قانونی آنها بیش از یک سال است، دو تا چهار سال»

منظور از دستورهای مندرج در تعویق مراقبتی، دستورات مندرج در ماده ۴۳ ق.م.ا می‌باشد، که دادگاه با توجه به جرم ارتكابی و خصوصیات مرتکب و شرایط زندگی او به نحوی که در زندگی وی یا خانواده‌اش اختلال اساسی و عمده ایجاد نکند، اقدام به تعیین آن می‌نماید.

سؤالی که در این جا ممکن است، مطرح شود آن است که جرائم غیرقانونی با مجازات قانونی کمتر از یک سال حبس، مشمول کدام یک از بندهای ماده فوق است؟ از اطلاق «جرائم» در بندهای (الف) تا (پ) ماده فوق چنین برداشت می‌شود که قانونگذار در این زمینه تفاوتی میان جرائم عمدی و غیرعمدی نگذاشته است و برای مثال در جرائم مجازات قانونی تا یک سال حبس، طول دوره مراقبت دو سال است، اعم از آنکه جرم عمدی یا غیرعمدی باشد، هر چند بهتر بود میان جرائم عمدی و غیرعمدی از این جهت، تفاوت گذاشته شود و میزان مجازات جایگزین حبس در جرائم غیرعمدی کمتر از جرائم عمدی باشد.

خدمات عمومی رایگان

ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی: «خدمات عمومی رایگان، خدماتی است که با رضایت محکوم برای مدت معین به شرح ذیل مورد حکم واقع می‌شود و تحت نظارت قاضی اجرای احکام اجراء می‌گردد:

الف - در جرائمی که مجازات قانونی آنها حداکثر سه ماه حبس است تا دویست و هفتاد ساعت (تا ۲۷۰ ساعت)
ب - در جرائمی که مجازات قانونی آنها نود و یک روز تا شش ماه حبس است و جرائمی که نوع و میزان تعزیر آنها در قوانین موضوعه تعیین نشده است دویست و هفتاد تا پانصد و چهل ساعت (۲۷۰ تا ۵۴۰ ساعت)

پ - در جرائمی که مجازات قانونی آنها بیش از شش ماه تا یک سال است پانصد و چهل تا هزار و هشتاد ساعت (۵۴۰ تا ۱۰۸۰ ساعت)
ت - در جرائم غیرعمدی که مجازات قانونی آنها بیش از یک سال است هزار و هشتاد تا دو هزار و صد و شصت ساعت (۱۰۸۰ تا ۲۱۶۰ ساعت)

- تبصره ۱-** ساعات ارائه خدمت عمومی برای افراد شاغل بیش از چهار ساعت و برای افراد غیرشاغل بیش از هشت ساعت در روز نیست. در هر حال ساعات ارائه خدمت در روز نباید مانع امرار معاش متعارف محکوم شود.
- تبصره ۲-** حکم به ارائه خدمت عمومی مشروط به رعایت همه ضوابط و مقررات قانونی مربوط به آن خدمت از جمله شرایط کار زنان و نوجوانان، محافظت‌های فنی و بهداشتی و ضوابط خاص کارهای سخت و زیان‌آور است.
- تبصره ۳-** دادگاه نمی‌تواند به بیش از یک خدمت عمومی مقرر در آیین‌نامه موضوع این فصل حکم دهد. در هر حال در صورت عدم رضایت محکوم، به انجام خدمات عمومی، مجازات اصلی مورد حکم واقع می‌شود.
- تبصره ۴-** قاضی اجرای احکام می‌تواند بنا به وضع جسمانی و نیاز به خدمات پزشکی یا معذوریت‌های خانوادگی و مانند آنها، انجام خدمات عمومی را به طور موقت و حداکثر تا سه ماه در طول دوره، تعلیق نماید یا تبدیل آن را به مجازات جایگزین دیگر به دادگاه صادرکننده حکم پیشنهاد دهد.»
- ✓ خدمات عمومی رایگان به خدماتی گفته می‌شود که محکوم‌علیه ساعات معینی از روز را خارج از محیط زندان، به دولت یا مؤسسات عمومی خدمت می‌کند و قبال خدمت خود، دستمزدی دریافت نمی‌کند.
- ✓ خدمات عمومی رایگان در ماده ۲ «آیین‌نامه اجرایی ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی» احصا شده‌اند که با توجه به تبصره ۳ ماده ۸۴ ق.م.ا. دادگاه تنها می‌تواند حکم به یک مورد از آنها صادر نماید و صدور حکم به دو یا چند مورد از این خدمات ممنوع است.
- ✓ با توجه به تبصره ۱ ماده ۸۴ ق.م.ا. ساعات ارائه خدمت عمومی برای افراد شاغل بیش از چهار ساعت و برای افراد غیرشاغل بیش از هشت ساعت در روز نیست. در هر حال ساعات ارائه خدمت در روز نباید مانع امرار معاش متعارف محکوم شود.
- ✓ مطابق تبصره ۱ ماده ۸۹ ق.م.ا. در مورد نوجوانان، مدت این خدمات در هر حال حداکثر چهار ساعت خواهد بود، همچنین خدمات عمومی رایگان در مورد افراد پانزده تا هجده سال تمام شمسی مجازات اصلی است که در مورد جرائم درجه پنج یا شش آنان تعیین می‌شود و نیازی به موافقت محکوم‌علیه ندارد.
- ✓ از میان مجازات‌های جایگزین حبس، خدمات عمومی رایگان تنها موردی است که مستلزم رضایت محکوم‌علیه می‌باشد و به نظر می‌رسد حتی در جایگزین‌های الزامی حبس نیز، چنانچه مرتکب به انجام خدمات عمومی رایگان رضایت ندهد، مجازات حبس به اجرا گذاشته می‌شود؛ برای مثال در فرضی که شخصی به یک ماه حبس محکوم و به جای آن حکم به خدمات عمومی رایگان داده شده باشد، در صورت عدم رضایت محکوم‌علیه، رأی به جایگزین حبس صادر نمی‌شود و مجازات اصلی یعنی حبس اجرا می‌شود؛ البته همان گونه که بیان شد خدمات عمومی رایگان در جرائم تعزیری درجه پنج یا شش افراد پانزده تا هجده سال تمام شمسی با توجه به ماده ۸۹ ق.م.ا. در زمره مجازات‌های اصلی محسوب شده و نیازی به موافقت مرتکب ندارد.
- ✓ متوقف ساختن مجازات در تبصره ۴ ماده فوق به دلایلی نظیر بیماری، شرایط جسمی، خانوادگی و ... رأساً از سوی قاضی اجرای احکام کیفری، صورت می‌گیرد؛ اما تبدیل آن به مجازات جایگزین حبس دیگر، از سوی دادگاه صادرکننده حکم قطعی صورت می‌گیرد. البته در مواردی که مانع مذکور به طور عمدی ایجاد شده باشد (مثلاً مرتکب عمداً به خودش آسیبی وارد کند) مجازات جایگزین حبس، لغو و مجازات اصلی به اجرا می‌شود.
- ✓ خدمات عمومی رایگان، صرفاً به عنوان مجازات جایگزین حبس مورد استفاده قرار نمی‌گیرد و در مورد جرائم تعزیری درجه پنج و شش نوجوانان پانزده تا هجده سال، مجازات اصلی محسوب می‌شود؛ همچنین مطابق بند (الف) ماده ۵۲۹ ق.آ.د.ک در جای نقدی تا یک میلیون و پانصد هزار تومان، در صورت عجز محکوم‌علیه از پرداخت جزای نقدی، به خدمات عمومی رایگان تبدیل می‌شود و هر ساعت از خدمات عمومی رایگان به میزان سه هزار تومان (۳۰/۰۰۰ ریال) از جزای نقدی کسر می‌کند، در واقع در اینجا خدمات عمومی رایگان، مجازات بدل از جزای نقدی است، نه مجازات جایگزین حبس.
- ✓ حکم به ارائه خدمت عمومی مشروط به رعایت همه ضوابط و مقررات قانونی مربوط به آن خدمت از جمله شرایط کار زنان و نوجوانان، محافظت‌های فنی و بهداشتی و ضوابط خاص کارهای سخت و زیان‌آور است.

جزای نقدی روزانه

ماده ۸۵ قانون مجازات اسلامی: «جزای نقدی روزانه عبارت است از یک هشتم تا یک چهارم درآمد روزانه محکوم که به شرح زیر مورد حکم واقع می‌شود و با نظارت اجرای احکام وصول می‌گردد:

- الف - در جرائمی که مجازات قانونی آنها حداکثر سه ماه حبس است تا یکصد و هشتاد روز (تا ۱۸۰ روز)
 - ب - در جرائمی که مجازات قانونی آنها نود و یک روز تا شش ماه حبس است و جرائمی که نوع و میزان تعزیر آنها در قوانین موضوعه تعیین نشده است، یکصد و هشتاد تا سیصد و شصت روز (۱۸۰ تا ۳۶۰ روز)
 - پ - در جرائمی که مجازات قانونی آنها بیش از شش ماه تا یک سال است سیصد و شصت تا هفتصد و بیست روز (۳۶۰ تا ۷۲۰ روز)
 - ت - در جرائم غیرعمدی که مجازات قانونی آنها بیش از یک سال است، هفتصد و بیست تا هزار و چهارصد و چهل روز (۷۲۰ تا ۱۴۴۰ روز)
- تبصره -** محکوم موظف است در پایان هر ماه ظرف ده روز مجموع جزای نقدی روزانه آن ماه را پرداخت نماید.»
- ✓ جزای نقدی روزانه به معنای پرداخت بخشی از درآمد روزانه محکوم علیه به عنوان جزای نقدی به دولت تعلق دارد؛ بنابراین برخلاف جزای نقدی که میزان مشخصی دارد، میزان جزای نقدی روزانه نامشخص بوده و بستگی به درآمد مرتکب، از یک هشتم تا یک چهارم درآمد او تعیین می‌شود.

جزای نقدی جایگزین حبس

ماده ۸۶ قانون مجازات اسلامی: «میزان جزای نقدی جایگزین حبس به شرح زیر است:

- الف - در جرائمی که مجازات قانونی آنها حداکثر سه ماه حبس است، تا پانزده میلیون (۱۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال
- ب - در جرائمی که مجازات قانونی آنها نود و یک روز تا شش ماه حبس است و جرائمی که نوع و میزان تعزیر آنها در قوانین موضوعه تعیین نشده است، از پانزده میلیون (۱۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا بیست و پنج میلیون (۲۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال
- پ - در جرائمی که مجازات قانونی آنها بیش از شش ماه تا یک سال است، از بیست و پنج میلیون (۲۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا هفتاد میلیون (۷۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال
- ت - در جرائم غیرعمدی که مجازات قانونی آنها بیش از یک سال است، از هفتاد میلیون (۷۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا صد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال.

✓ جزای نقدی، مبلغ مشخصی است که میزان آن در قانون تعیین شده است و دادگاه با توجه به نوع جرم ارتكابی، حکم به پرداخت آن صادر می‌نماید.

✓ مقررات مربوط به جزای نقدی به عنوان یکی از مجازات‌های جایگزین حبس، همچون جزای نقدی به عنوان مجازات اصلی است؛ یعنی امکان تقسیط آن وجود داشته و در صورتی که محکوم علیه ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ احضاریه قاضی اجرای احکام کیفری برای پرداخت جزای نقدی حاضر شود، قاضی اجرای احکام می‌تواند او را از پرداخت بیست درصد از مبلغ جزای نقدی معاف کند.

محرومیت از حقوق اجتماعی

ماده ۸۷ قانون مجازات اسلامی: «دادگاه می‌تواند ضمن حکم به مجازات جایگزین حبس، با توجه به جرم ارتكابی و وضعیت محکوم، وی را به یک یا چند مورد از مجازات‌های تبعی و یا تکمیلی نیز محکوم نماید. در این صورت مدت مجازات مذکور نباید بیش از دو سال شود»

✓ منظور از حقوق اجتماعی، حقوق مندرج در ماده ۲۶ ق.م.ا هستند که دادگاه می‌تواند آن را به عنوان یکی از مجازات‌های جایگزین حبس انتخاب نماید و مرتکب به جای تحمل حبس، برای مدت معین از این حقوق محروم می‌شود.

✓ در رابطه با مدت این محرومیت‌ها به عنوان مجازات جایگزین حبس، در قانون سخنی به میان نیامده است، ولی به نظر می‌رسد مدت آن نباید از مدت مجازات اصلی یعنی حبس تجاوز کند؛ برای مثال در حبس با مجازات قانونی، شش ماه مدت محرومیت از از حقوق اجتماعی، حداکثر شش ماه خواهد بود.

✓ از سوی دیگر قانونگذار مشخص نکرده است که آیا مرتکب در این موارد از همه حقوق اجتماعی مقرر در ماده ۲۶ ق.م.ا محروم می‌شود یا فقط بعضی از آنها، که به نظر می‌رسد با توجه به اختیار دادگاه در انتخاب این نوع از مجازات‌های جایگزین حبس، موارد محرومیت از حقوق اجتماعی نیز به تشخیص دادگاه باشد.

✓ به نظر می‌رسد بحث تعیین مجازات‌های تبعی در مجازات‌های جایگزین حبس، ناظر بر مواردی است که دادگاه محرومیت از حقوق اجتماعی را به عنوان یکی از مجازات‌های حبس تعیین نکرده باشد، وگرنه بحث مجازات تبعی در این موارد منتفی است.

● محرومیت از حقوق اجتماعی متناسب با شرایط و مقررات خاص تقنین شده در یکی از حالت‌های زیر قابل تصور می‌باشد:

✓ به عنوان مجازات‌های اصلی از نوع تعزیر درجه ۵ یا ۶ یا ۷ (ماده ۱۹ ق.م.ا)

✓ به عنوان مجازات‌های تکمیلی (بندهای ماده ۲۳ ق.م.ا)

✓ به عنوان مجازات‌های تبعی (مواد ۲۵ و ۲۶ ق.م.ا)

✓ به عنوان مجازات جایگزین حبس (ماده ۶۴ ق.م.ا)

میزان مجازات‌های جایگزین حبس		
جرائمی که مجازات قانونی آنها حداکثر سه ماه حبس است (حداکثر ۳ ماه)	دوره مراقبت	تا ۶ ماه
	خدمات عمومی رایگان	تا ۲۷۰ ساعت
	جزای نقدی روزانه	تا ۱۸۰ روز
	جزای نقدی جایگزین حبس	تا پانزده میلیون (۱۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال
	محرومیت از حقوق اجتماعی	مدت آن نباید بیش از ۲ سال باشد
جرائمی که مجازات قانونی آنها نود و یک روز تا شش ماه حبس است و جرائمی که نوع و میزان تعزیر آنها در قوانین موضوعه تعیین نشده است (۹۱ روز تا ۶ ماه)	دوره مراقبت	۶ ماه تا ۱ سال
	خدمات عمومی رایگان	۲۷۰ تا ۵۴۰ ساعت
	جزای نقدی روزانه	۱۸۰ تا ۳۶۰ روز
	جزای نقدی جایگزین حبس	از پانزده میلیون (۱۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا بیست و پنج میلیون (۲۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال
	محرومیت از حقوق اجتماعی	مدت آن نباید بیش از ۲ سال باشد
جرائمی که مجازات قانونی آنها بیش از شش ماه تا یک سال است (بیش از ۶ ماه تا ۱ سال)	دوره مراقبت	۱ تا ۲ سال
	خدمات عمومی رایگان	۵۴۰ تا ۱۰۸۰ ساعت
	جزای نقدی روزانه	۳۶۰ تا ۷۲۰ روز
	جزای نقدی جایگزین حبس	از بیست و پنج میلیون (۲۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا هفتاد میلیون (۷۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال
	محرومیت از حقوق اجتماعی	مدت آن نباید بیش از ۲ سال باشد
جرائم غیر عمدی که مجازات قانونی آنها بیش از یک سال است (بیش از ۶ ماه تا ۱ سال)	دوره مراقبت	۲ تا ۴ سال
	خدمات عمومی رایگان	۱۰۸۰ تا ۲۱۶۰ ساعت
	جزای نقدی روزانه	۷۲۰ تا ۱۴۴۰ روز
	جزای نقدی جایگزین حبس	از هفتاد میلیون (۷۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا صد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال
	محرومیت از حقوق اجتماعی	مدت آن نباید بیش از ۲ سال باشد

تکلیف دادگاه نسبت به تبدیل مجازات حبس به مجازات جایگزین حبس

• تبدیل الزامی مجازات حبس به مجازات‌های جایگزین حبس

۱. مرتکبان جرائم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها ۳ ماه حبس است، به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند. (چنانچه در اجرای مقررات ماده ۳۷ ق.م.ا یا سایر مقرراتی که به موجب آن مجازات تخفیف می‌یابد، حکم به حبس کمتر از ۹۱ روز صادر شود، به مجازات جایگزین مربوط تبدیل می‌شود. تبصره الحاقی ماده ۳۷ به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳)
۲. ماده ۶۶ ق.م.ا: مرتکبان جرائم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها ۹۱ روز تا ۶ ماه حبس است به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند مگر اینکه به دلیل ارتکاب جرم عمدی دارای سابقه محکومیت کیفری به شرح زیر باشند و از اجرای آن ۵ سال نگذشته باشد:

* بیش از یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس تا ۶ ماه

* بیش از یک فقره سابقه محکومیت قطعی به جزای نقدی بیش از ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال

* بیش از یک فقره سابقه محکومیت قطعی به شلاق تعزیری

* یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس بیش از ۶ ماه

* یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حد

* یک فقره سابقه محکومیت قطعی به قصاص

* یک فقره سابقه محکومیت قطعی به پرداخت بیش از یک پنجم دیه

۳. در جرائم غیرعمدی با مجازات حبس ۲ سال و کمتر از آن اعمال مجازات‌های جایگزین حبس الزامی است. (ماده ۶۸ ق.م.ا)

۴. مرتکبان جرائمی که نوع یا میزان تعزیر آنها در قوانین موضوعه تعیین نشده است به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند. (ماده ۶۹ ق.م.ا)

• تبدیل اختیاری مجازات حبس به مجازات‌های جایگزین حبس

۱. جرائم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها بیش از ۶ ماه تا ۱ سال حبس است؛ (ماده ۶۷ ق.م.ا) مگر اینکه به دلیل ارتکاب جرم عمدی دارای سابقه محکومیت کیفری به شرح زیر باشند و از اجرای آن ۵ سال نگذشته باشد که در این صورت اعمال مجازات‌های جایگزین حبس ممنوع است:

* بیش از یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس تا ۶ ماه

* بیش از یک فقره سابقه محکومیت قطعی به جزای نقدی بیش از ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال

* بیش از یک فقره سابقه محکومیت قطعی به شلاق تعزیری

* یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس بیش از ۶ ماه

* یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حد

* یک فقره سابقه محکومیت قطعی به قصاص

* یک فقره سابقه محکومیت قطعی به پرداخت بیش از یک پنجم دیه

۲. در جرائم غیرعمدی با مجازات حبس بیش از ۲ سال اعمال مجازات‌های جایگزین حبس اختیاری است (ماده ۶۸ ق.م.ا)

• ممنوعیت تبدیل مجازات حبس به مجازات‌های جایگزین حبس

۱. اعمال مجازات‌های جایگزین حبس در مورد جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور ممنوع است. (ماده ۷۱ ق.م.ا)
۲. در تعدد جرائم عمدی که مجازات قانونی حداقل یکی از آنها بیش از ۱ سال حبس باشد. (ماده ۷۲ ق.م.ا اصلاحی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳)
۳. در جرائم عمدی که مجازات قانونی آنها بیش از ۱ سال حبس است در صورت تخفیف مجازات به کمتر از ۱ سال، دادگاه نمی‌تواند به مجازات جایگزین حبس حکم نماید (ماده ۷۳ ق.م.ا)
۴. در جرائم عمدی با حداکثر مجازات قانونی ۹۱ روز تا ۶ ماه حبس یا حداکثر مجازات قانونی بیش از ۶ ماه تا ۱ سال حبس که محکوم سابقه محکومیت به جرائم عمدی با مجازات‌های ذیل را داشته و از اجرای آن مدت ۵ سال نگذشته باشد:

* بیش از یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس تا ۶ ماه

* بیش از یک فقره سابقه محکومیت قطعی به جزای نقدی بیش از ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال

* بیش از یک فقره سابقه محکومیت قطعی به شلاق تعزیری

* یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس بیش از ۶ ماه

* یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حد

* یک فقره سابقه محکومیت قطعی به قصاص

* یک فقره سابقه محکومیت قطعی به پرداخت بیش از یک پنجم دیه

منظور از جرائمی که نوع یا میزان تعزیر آنها در قوانین موضوعه تعیین نشده است، چیست؟

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۲/۱۴۰۵ مورخ ۱۳۹۲/۷/۲۲ اداره حقوقی قوه قضاییه: «نظر به اینکه اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها به موجب اصل ۳۶ قانون اساسی و ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، به عنوان یکی از اصول اساسی حاکم بر امور کیفری و نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران پذیرفته شده است و به موجب ماده ۱۰ قانون مرقوم نیز بر آن تأکید گردیده و در ماده ۱۸ همان قانون مقرر شده است: تعزیر و کیفیت و نوع و میزان آن باید به موجب قانون باشد، لذا ماده ۶۹ نمی‌تواند معارض با این قوانین باشد، بلکه این ماده نیز هماهنگ با مقررات فوق تنها ناظر به مواردی است که قانونگذار به جرم بودن عملی تصریح نموده لکن بدون تعیین نوع و میزان مجازات، مقرر نموده است که مرتکب با رعایت دفعات و مراتب جرم و مراتب تادیب از وعظ و توبیخ و تهدید به مجازات تعزیری محکوم می‌شود مانند تبصره ۲ قانون الحاق ماده واحده به قانون گذرنامه و یا مواد ۳۰ الی ۳۳ و ۳۶ قانون همه‌پرسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸»
در مورد مجازات‌های جایگزین حبس نکات ذیل قابل توجه است:

- ✓ اعمال مجازات جایگزین حبس مقید به گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف نمی‌باشد (رای وحدت رویه شماره ۷۴۶ مورخ ۹۴/۱۰/۲۹)
- ✓ مجازات جایگزین حبس با ملاحظه نوع جرم، کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهرات، وضعیت، شخصیت و سلیقه مجرم و وضعیت بزه‌دیده و سایر اوضاع و احوال تعیین و اجرا می‌شود (ماده ۶۴ ق.م.ا)
- ✓ دادگاه نمی‌تواند به بیش از دو نوع مجازات‌های جایگزین حکم دهد.
- ✓ در صورت عدم رضایت محکوم به انجام خدمات عمومی، مجازات اصلی مورد حکم واقع خواهد شد. (تبصره ۳ ماده ۸۴ ق.م.ا)
- ✓ همراه بودن سایر مجازات‌ها با مجازات حبس، مانع از صدور حکم به مجازات جایگزین حبس نیست. در این صورت دادگاه می‌تواند به مجازات‌های مذکور همزمان با مجازات جایگزین حبس حکم دهد. (ماده ۷۵ ق.م.ا)
- ✓ ملاک تعیین صلاحیت دادگاه و تجدیدنظرخواهی از حکم محکومیت به مجازات جایگزین حبس، مجازات قانونی جرم ارتكابی است. (ماده ۷۶ ق.م.ا)
- ✓ دادگاه ضمن تعیین مجازات جایگزین، مدت مجازات حبس را نیز تعیین می‌کند تا در صورت تعدد اجرای مجازات جایگزین، تخلف از دستورها یا عجز از پرداخت جزای نقدی، مجازات حبس اجرا شود. (ماده ۷۰ ق.م.ا)

- ✓ قاضی اجرای احکام می‌تواند با توجه به وضعیت محکوم و شرایط و آثار اجرای حکم، تشدید، تخفیف، تبدیل یا توقف موقت مجازات مورد حکم را به دادگاه صادرکننده رأی پیشنهاد کند. (ماده ۷۷ ق.م.ا)
 - ✓ محکوم در طول دوره محکومیت باید تغییراتی نظیر تغییر شغل و محل اقامت را که مانع یا مٌخِلّ اجرای حکم باشد به قاضی اجرای احکام اطلاع دهد. (ماده ۷۸ ق.م.ا)
 - ✓ چنانچه رعایت مفاد حکم دادگاه از سوی محکوم، حاکی از اصلاح رفتار وی باشد دادگاه می‌تواند به پیشنهاد قاضی اجرای احکام برای یکبار بقیه مدت مجازات را تا نصف آن تقلیل دهد. (ماده ۸۰ ق.م.ا)
- ضمانت اجرای عدم انجام مجازات‌های جایگزین حبس**

- ✓ چنانچه محکوم از اجرای مفاد حکم یا دستورهای دادگاه تخلف نماید، به پیشنهاد قاضی اجرای احکام و رأی دادگاه برای بار نخست یک چهارم تا یک دوم به مجازات مورد حکم افزوده می‌شود و در صورت تکرار، مجازات حبس اجرا می‌گردد. (ماده ۸۱ ق.م.ا)

ضمانت اجرای تخلف از اجرای مفاد حکم یا دستورهای دادگاه راجع به مجازات‌های جایگزین حبس	
تخلف برای بار اول	یک چهارم تا یک دوم به مجازات مورد حکم افزوده می‌شود.
در صورت تکرار تخلف	مجازات حبس اجرا می‌گردد.

- ✓ دادگاه در متن حکم، آثار تبعیت و تخلف از مفاد حکم را به طور صریح قید و به محکوم تفهیم می‌کند. (تبصره ماده ۸۱ ق.م.ا)
- ✓ چنانچه اجرای تمام یا بخشی از مجازات‌های جایگزین حبس با مانعی مواجه گردد، مجازات مورد حکم یا بخش اجرانشده آن بعد از رفع مانع اجرا می‌گردد. چنانچه مانع مذکور به واسطه رفتار عمدی محکوم و برای متوقف کردن مجازات ایجاد گردد مجازات اصلی اجرا می‌شود. (ماده ۸۲ ق.م.ا)
- ✓ دادگاه می‌تواند ضمن حکم به مجازات جایگزین حبس، با توجه به جرم ارتكابی و وضعیت محکوم، وی را به یک یا چند مورد از مجازات‌های تبعی و یا تکمیلی نیز محکوم نماید. در این صورت مدت مجازات مذکور نباید بیش از دو سال شود. (ماده ۸۷ ق.م.ا)
- ✓ در مورد محکومیت به مجازات‌های جایگزین حبس، شلاق و جزای نقدی، ایام بازداشت قبلی موضوع ماده (۵۱۵) به شرح زیر محاسبه می‌شود:

- الف - به ازای هر روز بازداشت قبلی، یک روز جزای نقدی روزانه، هشت ساعت خدمات عمومی و پنج روز از دوره مراقبت کسر می‌شود.
- ب - در مورد محکومیت به ۷ شلاق به عنوان مجازات تعزیری به ازای هر روز بازداشت قبلی، سه ضربه از شلاق کسر می‌شود.
- پ - در مورد محکومیت به جزای نقدی، مطابق مقررات فصل مربوط به نحوه اجرای محکومیت‌های مالی اقدام می‌شود. (ماده ۵۱۶ ق.آ.د.ک)

طبقه‌بندی مجازات‌ها بر حسب نسبت آنها با یکدیگر

- مجازات‌ها را با در نظر گرفتن نسبتی که با یکدیگر دارند می‌توان به سه دسته مجازات‌های اصلی، تکمیلی و تبعی تقسیم کرد.
- مجازات اصلی:** تعریف مجازات اصلی در نظر دکتر ملاکریمی: «در صورتی که قانونگذار مجازات واحدی برای رفتار مجرمانه‌ای خاص معین کرده باشد، دادرس (قاضی) ناگزیر از صدور حکم محکومیت نسبت به آن خواهد بود.» این مجازات، ضمانت اجرای خاص اوامر و نواهی قوانین جزایی است و اجرای آن مستلزم صدور حکم قطعی دادگاه است که ضمن آن، مجازات از نظر نوع و مقدار و مدت تعیین می‌شود.
- مجازات اصلی ممکن است به یکی از صورت‌های زیر در قانون پیش‌بینی شده باشد:

- ✓ برای یک جرم یک مجازات اصلی تعیین شده باشد، قاضی باید محکوم علیه را به همان مجازات محکوم کند؛ مثل مجازات خیانت در امانت موضوع ماده ۲۷۴ ق.م.ا تعزیرات که مرتکب آن به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.
- ✓ برای یک جرم، دو مجازات اصلی تعیین شده باشد، قاضی باید محکوم علیه را به هر دو مجازات محکوم کند؛ مثل مجازات جرم سرقت تعزیری موضوع ماده ۶۵۱ ق.م.ا تعزیرات که مرتکب آن به پنج تا بیست سال حبس و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌گردد.

✓ برای یک جرم دو مجازات اصلی تعیین شده باشد، قاضی می‌تواند محکوم‌علیه را به هر مجازاتی که بخواهد محکوم کند؛ مثل جرم ارتشاء موضوع ماده ۵۸۸ ق.م.ا تعزیرات که مرتکب آن به حبس از شش ماه تا دو سال یا مجازات نقدی از بیست و پنج (۲۵/۰۰۰/۰۰۰) تا صد (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) میلیون ریال محکوم... خواهد شد. قاضی مُخیر است تا هر یک از ۲ مجازات فوق را که مایل است انتخاب.

مجازات اصلی برای اشخاص حقیقی و حقوقی

● **مجازات اصلی برای اشخاص حقیقی:** مجازات‌های اصلی در مورد اشخاص حقیقی مطابق ماده ۱۴ ق.م.ا عبارت است از: حد، قصاص، دیه و تعزیر.

● **مجازات اصلی برای اشخاص حقوقی:** مجازات‌های اصلی در مورد اشخاص حقوقی مطابق ماده ۲۰ ق.م.ا، عبارت است از:

الف - انحلال شخص حقوقی

ب - مصادره کل اموال

پ - ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال

ت - ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال

ث - ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری حداکثر برای مدت پنج سال

ج - جزای نقدی

چ - انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه‌ها

مجازات تکمیلی: تعریف مجازات تکمیلی در نظر دکتر ملاکریمی: «مجازات‌هایی که برای تکمیل مجازات اصلی به آن افزوده می‌شود مجازات تکمیلی، نام دارد.» مجازات تکمیلی باید در دادنامه تصریح شود و هیچ‌گاه به تنهایی نمی‌تواند مورد حکم دادگاه قرار گیرد.

ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی: «دادگاه می‌تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری محکوم کرده است، با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات‌های تکمیلی بندها و تبصره‌های این ماده محکوم نماید. (الحاقی به موجب ماده ۴ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳)

الف - اقامت اجباری در محل معین

ب - منع از اقامت در محل یا محل‌های معین

پ - منع از اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین

ت - انفصال از خدمات دولتی و عمومی

ث - منع از رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و یا تصدی وسایل موتوری

ج - منع از داشتن دسته چک و یا اصدار اسناد تجاری

چ - منع از حمل سلاح

ح - منع از خروج اتباع ایران از کشور

خ - اخراج بیگانگان از کشور

د - الزام به خدمات عمومی

ذ - منع از عضویت در احزاب، گروه‌ها و دستجات سیاسی یا اجتماعی

ر - توقیف وسایل ارتكاب جرم یا رسانه یا مؤسسه دخیل در ارتكاب جرم

ز - الزام به یادگیری حرفه، شغل یا کار معین

ژ - الزام به تحصیل

س - انتشار حکم محکومیت قطعی

تبصره ۱- مدت مجازات تکمیلی بیش از دو سال نیست مگر در مواردی که قانون به نحو دیگری مقرر نماید.

تبصره ۲- چنانچه مجازات تکمیلی و مجازات اصلی از یک نوع باشد، فقط مجازات اصلی مورد حکم قرار می‌گیرد.

تبصره ۳- آیین‌نامه راجع به کیفیت اجرای مجازات تکمیلی ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط وزیر دادگستری تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

● در مورد مجازات تکمیلی نکات ذیل قابل توجه است:

✓ همان گونه که از نام این مجازات‌ها پیداست، جنبه تکمیلی دارند و لزوماً همراه با مجازات اصلی مورد حکم، قرار می‌گیرند و دادگاه نمی‌تواند منفرداً حکم به این مجازات‌ها بدهد؛ بنابراین در مواردی که مجازات اصلی به هر دلیل (مانند عفو، نسخ و ...) موقوف یا برای متهم حکم به معافیت از کیفر صادر شود، مجازات تکمیلی نیز ساقط می‌شود؛ البته این حکم شامل مواردی که دادگاه در مجازات اصلی تخفیف داده یا آن را به حالت تعلیق درآورده، نمی‌شود و در این موارد مجازات تکمیلی به قوت خود باقی است؛ زیرا مجازات‌های مذکور جنبه اصلاحی داشته و تخفیف یا تعلیق مجازات اصلی تأثیری در آن نخواهد داشت. با توجه به مطلب فوق درمی‌یابیم که در مواردی که دادگاه با وجود احراز مجرمیت متهم اقدام به صدور قرار تعویق صدور حکم از کیفر نماید، امکان تعیین مجازات تکمیلی وجود ندارد؛ زیرا در این موارد اساساً حکم محکومیتی صادر نمی‌شود، تا بتوان حکم به مجازات تکمیلی صادر نمود.

✓ بندهای پانزده‌گانه مقرر در ماده فوق جنبه حصری داشته و دادگاه مکلف است نوع و میزان آن را در حکم قید کند. حصری بودن این مجازات‌ها، مانع دستورات دیگر (مثلاً الزام به ترک اعتیاد) به عنوان مجازات تکمیلی خواهد بود.

✓ موارد مندرج در ماده فوق قابل جمع هستند و دادگاه می‌تواند مرتکب را به یک یا چند مورد از مجازات‌های فوق محکوم نماید؛ البته در نظامیان وضعیت متفاوت است و به صراحت ماده ۱۵ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ دادگاه نظامی می‌تواند حکم به یکی از مجازات‌های تکمیلی مندرج در قانون صادر نماید. نکته دیگر آن که در مورد نظامیان، تعیین مجازات‌های تکمیلی تنها در مجازات‌های تعزیری مورد پیش‌بینی قرار گرفته است، در حالی که در سایر افراد علاوه بر محکومیت‌های تعزیری، در حدود و قصاص نیز می‌توان از این مجازات‌ها استفاده نمود.

✓ شرایط امکان صدور مجازات تکمیلی مطابق ماده ۲۳ ق.م.ا، محکومیت بزهکار به مجازات حد، قصاص یا تعزیر است؛ با آنکه محکومیت به مجازات حد و یا قصاص فقط در جرائم عمدی مصداق دارد، در قلمرو مجازات تعزیری از درجه شش تا درجه یک، این محکومیت ممکن است در جرائم غیرعمدی نیز مصداق داشته باشد (برای مثال مواد ۵۴۸ و ۷۱۴ ق.م.ا تعزیرات) از این رو در جرائم غیرعمدی نیز دادگاه می‌تواند به صدور مجازات تکمیلی مبادرت نماید.

✓ امکان اعمال مجازات تکمیلی فقط در مورد اشخاص حقیقی میسر است؛ زیرا قانونگذار از واژه «فرد» در متن ماده ۲۳ ق.م.ا استفاده کرده است و نه واژه شخص که اعم است از شخص حقیقی و حقوقی.

✓ امکان اعمال مجازات تکمیلی در جرائم دارای مجازات‌های حد، قصاص و مجازات‌های تعزیری از درجه ۱ تا ۸ وجود دارد. فقط در محکومیت به دیه بحث مجازات تکمیلی منتفی است.

✓ دادگاه متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات مرتکب جرم می‌تواند یک یا چند مورد از مجازات تکمیلی را همراه با مجازات اصلی حکم دهد.

● مجازات تکمیلی ممکن است به یکی از صورت‌های زیر در قانون پیش‌بینی شده باشد:

✓ **مجازات تکمیلی اختیاری:** در جرائم عمدی قاضی مُخیر است علاوه بر مجازات اصلی، بزهکار را به این مجازات نیز محکوم کند؛ به عبارت دیگر حکم به مجازات تکمیلی به اختیار قاضی واگذار شده است. به بیان دیگر در برخی موارد قانونگذار به قاضی اختیار می‌دهد که در جهت تکمیل مجازات اصلی، مجازات دیگری تعیین نماید. «دادگاه می‌تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری محکوم کرده است، با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات‌های تکمیلی بندها و تبصره‌های این ماده محکوم نماید.»

✓ **مجازات تکمیلی اجباری:** در این موارد قاضی حتماً باید بزهکار را علاوه بر مجازات اصلی به این مجازات هم محکوم کند. مثل ضبط اشیاء و اموالی که یا از راه رفتار مجرمانه تحصیل شده و یا وسیله ارتكاب جرم بوده، مجازات (اقدام تأمینی عینی) تکمیلی اجباری است؛ مانند

اموالی که از راه تكدّی و كالاشی به دست آمده (ماده ۷۱۲ ق.م.ا تعزیرات) و همچنین مثل مورد پیش‌بینی شده در ماده ۶ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوّب ۱۳۹۵/۱۱/۱۳ که چنین مقرّر داشته است: «دادگاه مکلف است علاوه بر مجازات‌های مقرّر در ماده ۲ این قانون، مرتکب را متناسب با جرم ارتكابی حداکثر به دو مورد از مجازات تکمیلی محرومیت از حقوق اجتماعی مطابق قانون مجازات اسلامی محکوم نماید.» یعنی در برخی از موارد قانونگذار برای تکمیل مجازات اصلی، مجازات دیگری را نیز تعیین می‌کند

● مطابق تبصره ۱ ماده فوق مدّت مجازات تکمیلی حداکثر دو سال است؛ مگر:

✓ تخلف از دستورات دادگاه، مطابق ماده ۲۴ ق.م.ا: «چنانچه محکوم طی مدت اجرای مجازات تکمیلی، مفاد حکم را رعایت ننماید، دادگاه صادرکننده حکم به پیشنهاد قاضی اجرای احکام برای بار اول مدت مجازات تکمیلی مندرج در حکم را تا یک سوم افزایش می‌دهد» بنابراین در فرضی که دادگاه، مدّت مجازات تکمیلی را دو سال تعیین کرده باشد، در صورت تخلف مرتکب تا هشت ماه به مدّت آن، افزوده خواهد شد؛ لازم به ذکر است از ظاهر ماده فوق چنین برداشت می‌شود که دادگاه رأساً حقّ افزایش مدّت مجازات‌های تکمیلی را نداشته و این امر، مستلزم پیشنهاد قاضی اجرای احکام است.

✓ موارد خاص: در مورد بعضی جرائم، قانونگذار مدّت بیشتری را برای مجازات‌های تکمیلی در نظر گرفته است؛ مانند ماده ۷۱۸ ق.م.ا تعزیرات در رابطه با محرومیت از رانندگی با وسایل نقلیه موتوری یا ماده ۷۵۵ ق.م.ا تعزیرات در رابطه با محرومیت از خدمات الکترونیکی عمومی که در هر دو مورد مدّت مجازات تکمیلی حداکثر ۵ سال است.

● مجازات تکمیلی قابل تخفیف (کاهش و لغو) و همچنین تشدید (افزایش و یا تبدیل) است.

✓ **تشدید مجازات تکمیلی (افزایش یا تبدیل مجازات تکمیلی):** چنانچه محکوم طی مدت اجرای مجازات تکمیلی، مفاد حکم را رعایت ننماید، دادگاه صادرکننده حکم به پیشنهاد قاضی اجرای احکام برای بار اول مدت مجازات تکمیلی مندرج در حکم را تا یک سوم افزایش می‌دهد و در صورت تکرار، بقیه مدت محرومیت را به حبس یا جزای نقدی درجه هفت یا هشت تبدیل می‌کند (ماده ۲۴ ق.م.ا).

- منظور از دادگاه صادرکننده حکم، دادگاه صادرکننده حکم قطعی است.
- با عفو عمومی، مجازات تکمیلی منتفی می‌شود.

— مجازات‌های (تکمیلی) به ضرورت حفظ نظم و مصلحت اجتماع در باره کسانی اِعمال می‌شود که مرتکب جرم عمدی شده و تعیین مجازات تعزیرات مقرر در قانون برای تنبیه و تنبّه مرتکب کافی نباشد که در این صورت دادگاه می‌تواند به طبق ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی، مجازات (تکمیلی) را هم به عنوان تتمیم مجازات در حکم خود قید نماید و تعیین حداکثر مجازات تعزیری مانع تعیین مجازات (تکمیلی) نمی‌باشد. (رای وحدت رویه شماره ۵۹۰ مورخ ۱۳۷۲/۱۱/۵)

ضمانت اجرای عدم رعایت مفاد حکم مجازات تکمیلی طی مدّت اجرای آن		
افزایش مدّت مجازات تکمیلی مندرج در حکم تا یک سوم		برای بار اوّل
حبس درجه ۷ یا ۸	تبدیل بقیه مدّت محکومیت به	برای بار دوّم
جزای نقدی درجه ۷ یا ۸		

✓ **تخفیف مجازات تکمیلی (کاهش و یا لغو مجازات تکمیلی):** بعد از گذشتن نیمی از مدت مجازات تکمیلی، دادگاه می‌تواند با پیشنهاد قاضی اجرای احکام در صورت اطمینان به عدم تکرار جرم و اصلاح مجرم، نسبت به لغو یا کاهش مدت زمان مجازات تکمیلی وی اقدام کند. (ماده ۲۴ ق.م.ا) چنانچه مجازات تکمیلی و مجازات اصلی از یک نوع باشد، فقط مجازات اصلی مورد حکم قرار می‌گیرد (تبصره ۲ ماده ۲۳ ق.م.ا) مثل مجازات محرومیت از داشتن دسته چک به مدّت ۲ سال (موضوع ماده ۷ قانون صدور چک)

● شرایط لغو یا کاهش مدّت زمان مجازات تکمیلی:

۱. گذشت نیمی از مدّت مجازات تکمیلی
۲. پیشنهاد قاضی اجرای احکام
۳. اطمینان به عدم تکرار جرم و اصلاح مجرم

مجازات تبعی: تعریف مجازات تبعی از نظر دکتر ملاکریمی: «مجازات‌هایی که از آثار و تبعات مجازات اصلی ناشی می‌شود، مجازات تبعی می‌باشد» برخلاف مجازات اصلی و تکمیلی لازم نیست که مجازات تبعی در حکم دادگاه قید شود. مجازات تبعی در مورد همه جرائم وجود ندارد؛ بلکه در مورد برخی از آنهاست که توسط قانونگذار پیش‌بینی شده است. قانونگذار در ماده ۲۵ ق.م.ا نوعی از مجازات را نسبت به جرائمی خاص پیش‌بینی کرده که محرومیت از حقوق اجتماعی است.

ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی: «محکومیت قطعی کیفری در جرائم عمدی، پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان، در مدت زمان مقرر در این ماده محکوم را از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی محروم می‌کند:

- الف - هفت سال در محکومیت به مجازات‌های سالب حیات و حبس ابد از تاریخ توقف اجرای حکم اصلی
- ب - سه سال در محکومیت به قطع عضو، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده بیش از نصف دیه مجنی‌علیه باشد، نفی بلد و حبس تا درجه چهار
- پ - دو سال در محکومیت به شلاق حدی، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده نصف دیه مجنی‌علیه یا کمتر از آن باشد و حبس درجه پنج»

● در مورد مجازات تبعی نکات ذیل قابل توجه است:

- ✓ حکم محکومیت قطعی در جرائم عمدی باعث محرومیت از حقوق اجتماعی می‌شود؛ بنابراین در جرائم غیرعمدی محرومیت از حقوق اجتماعی وجود ندارد.
- ✓ محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی در مورد تمام محکومین قطعی در جرائم عمدی اعمال نمی‌شود، بلکه فقط در مورد محکومیت‌های مذکور در ماده ۲۵ ق.م.ا اعمال می‌شود.
- ✓ محکومیت‌های کیفری اطفال و نوجوانان فاقد آثار کیفری است. (ماده ۹۵ ق.م.ا)
- ✓ محکومیت‌های اشخاص حقوقی فاقد آثار تبعی است؛ زیرا هیچ یک از مجازات‌هایی که در ماده ۲۵ ق.م.ا به آن اشاره شده است، در مورد اشخاص حقوقی متصور نیست؛ بنابراین در مورد اشخاص حقوقی بحث مجازات تکمیلی و تبعی منتفی است.
- ✓ محرومیت از حقوق اجتماعی بعد از اجرای حکم، محکوم‌علیه را از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی محروم می‌کند و اگر اجرای حکم مشمول مرور زمان شده باشد، بعد از انقضای مدت مرور زمان، وی را از حقوق اجتماعی محروم می‌نماید. البته به استناد ذیل تبصره ۳ ماده ۲۵ ق.م.ا در زمان اجرای حکم نیز از حقوق اجتماعی محروم می‌گردد.
- ✓ جرائم غیرعمدی، شلاق تعزیری، جزای نقدی به هر میزان، حبس‌های درجه ۶ تا ۸، جرائم مشمول انفصال، شامل مجازات تبعی نمی‌شوند.
- ✓ محکومیت به قصاص عضو در صورتی دارای آثار تبعی است که اجرای آن متوقف شده باشد.
- ✓ در صورت اجرای مجازات سالب حیات محکوم زنده نیست که آثار تبعی در مورد وی صدق کند اما به موجب بند الف ماده ۲۵ ق.م.ا مجازات سالب حیات صورت نگرفته است و اجرای حکم متوقف شده است.
- ✓ در مجازات‌های تبعی ملاک، مجازات مقرر در دادنامه یا مجازات قضایی است، نه مجازاتی که در قانون برای آن جرم تعیین شده است؛ برای مثال چنانچه در یک جرم درجه چهار با رعایت جهات تخفیف، دادگاه حکم به حبس درجه پنج صادر نماید، مدت محرومیت از حقوق اجتماعی دو سال است نه سه سال، یا چنانچه دادگاه یک جرم درجه پنج را با رعایت جهات تخفیف، به حبس درجه شش تبدیل کند، مجازات تبعی منتفی است.
- ✓ برای اعمال مجازات تبعی باید حکم محکومیت قطعی کیفری از دادگاه صادر شده باشد. حکم محکومیت قطعی در جرائم عمدی باعث محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی محروم می‌کند و اگر اجرای حکم مشمول مرور زمان شده است بعد از انقضای مدت مرور زمان، وی از حقوق اجتماعی محروم می‌ماند.

- ✓ مبدأ مجازات‌های تبعی از تاریخ خاتمه مجازات اصلی یا شمول مرور زمان اجرای مجازات است؛ برای مثال در جرم تعزیری درجه چهار، مدت مرور زمان اجرای مجازات پانزده سال است و پس از گذشت مدت مزبور، مجازات‌های تبعی آغاز می‌شود که در این مورد سه سال است؛ بنابراین پس از مجموع هجده سال اعاده حیثیت صورت می‌پذیرد.
- ✓ در صورت اعطای عفو یا صدور حکم آزادی مشروط، مبدأ مجازات‌های تبعی، از تاریخ اعطای عفو یا اتمام مدت آزادی مشروط خواهد بود. برای مثال اگر در حبس تعزیری درجه چهار برای پنج سال حکم آزادی مشروط صادر شود، پس از خاتمه این پنج سال، باید سه سال دیگر بگذرد تا از محکوم علیه اعاده حیثیت شود.
- ✓ منظور از «عفو» در تبصره ۳ ماده ۲۵ ق.م.ا، عفو خاص است، نه عفو عام؛ زیرا در عفو عام همانند نسخ قانون جزا، عنوان مجرمانه زایل شده و در نتیجه آن آثار محکومیت کیفری هم زایل می‌شود. هرچند عفو خاص اصولاً تأثیری در مجازات تبعی ندارد ولی به نظر می‌رسد در مواردی که در خود دستور عفو از سوی رهبری به امکان عفو مجازات تبعی همراه مجازات اصلی اشاره شده باشد، امکان لغو یا کاهش مجازات تبعی وجود خواهد داشت.
- ✓ هر کس به عنوان مجازات تبعی از حقوق اجتماعی محروم گردد پس از گذشت مواعد مقرر در ماده (۲۵) قانون مجازات اسلامی اعاده حیثیت می‌شود و آثار تبعی محکومیت وی زائل می‌گردد. (تبصره ۲ ماده ۲۶ ق.م.ا) به عبارت دیگر پس از گذشت زمان معین شده، محکوم علیه خود به خود حقوق اجتماعی را به دست می‌آورد و «باز اجتماعی» می‌شود و برای این امر نیازی به حکم دادگاه نیست.
- ✓ حقوق اجتماعی مذکور در بندهای (الف)، (ب) و (پ) ماده ۲۵ ق.م.ا محرومیت دائمی را در پی دارد. (تبصره ۲ ماده ۲۶ ق.م.ا)
- ✓ مستخدمان دستگاه‌های حکومتی در صورت محرومیت از حقوق اجتماعی، خواه به عنوان مجازات اصلی و خواه مجازات تکمیلی یا تبعی، حسب مورد در مدت مقرر در حکم یا قانون، از خدمت منفصل می‌شوند. (تبصره ۱ ماده ۲۶ ق.م.ا)
- ✓ در مورد جرائم قابل گذشت، بعد از گذشت شاکی خصوصی یا مدعی خصوصی، اثر محکومیتی کیفری زایل می‌شود؛ یعنی نیاز به سپری شدن مدت مقرر نیست.
- ✓ در مواردی که مرتکب دارای چند فقره سابقه محکومیت قطعی است، ملاک برای احتساب مجازات تبعی، محکومیت شدیدتر است و مدت‌های مجازات تبعی با هم جمع نمی‌شود. برای مثال در فرضی که مرتکب دارای یک فقره محکومیت به حبس درجه چهار با سه سال مجازات تبعی و یک فقره محکومیت به حبس درجه پنج با دو سال مجازات تبعی است، با توجه به اجرای مجازات اشد، مدت محرومیت از حقوق اجتماعی، سه سال خواهد بود.
- ✓ مطابق بند (ح) ماده ۱۲ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳، در مواردی که مرتکب دارای چند فقره محکومیت باشد که مجازات اشد فاقد آثار تبعی و مجازات جرم خفیف‌تر، دارای آثار تبعی باشد، علاوه بر مجازات جرم اشد، مجازات تبعی جرم خفیف‌تر هم به اجرا در می‌آید، برای مثال در فرضی که شخصی مرتکب جرمی با مجازات تعزیری درجه ۳ بدون آثار تبعی و جرم تعزیری درجه ۴ با آثار تبعی شده باشد، مجازات اشد یعنی درجه ۳ همراه با محرومیت از حقوق اجتماعی درجه ۴ به اجرا گذاشته می‌شود.
- ✓ مطابق قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳، در فرض تعدد جرم، دیگر بحث جمع مجازات‌ها در کلیه جرائم تعزیری منتفی است؛ ولی این حکم شامل مجازات‌های تکمیلی و تبعی مقرر در مواد ۲۳ و ۲۶ ق.م.ا که به عنوان مجازات اصلی تعیین شده‌اند، نمی‌گردد و مجازات‌های مذکور در این موارد با سایر مجازات‌ها جمع می‌شود، ولو آنکه مربوط به جرم غیر اشد باشد.
- ✓ به استناد بند الف ماده ۱۰ ق.م.ا نسخ مجازات موجب زوال مجازات تبعی است.

• محرومیت از حقوق اجتماعی ذیل به موجب مجازات تبعی

- الف - داوطلب شدن در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس خبرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا
- ب - عضویت در شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام یا هیأت دولت و تصدی معاونت رئیس جمهور
- پ - تصدی ریاست قوه قضائیه، دادستانی کل کشور، ریاست دیوان عالی کشور و ریاست دیوان عدالت اداری
- ت - انتخاب شدن یا عضویت در انجمن‌ها، شوراهای احزاب و جمعیت‌ها به موجب قانون یا با رأی مردم

ث - عضویت در هیأت‌های مُنصفه و اُمّاء و شوراهاى حَلّ اختلاف

ج - اشتغال به عنوان مدیر مسؤول یا سردبیر رسانه‌های گروهی

چ - استخدام و یا اشتغال در کلیه دستگاه‌های حکومتی اعم از قوای سه‌گانه و سازمان‌ها و شرکت‌های وابسته به آنها، صداوسیماى جمهوری اسلامی ایران، نیروهای مسلح و سایر نهادهای تحت نظر رهبری، شهرداری‌ها و مؤسسات مأمور به خدمات عمومی و دستگاه‌های مستلزم تصریح یا ذکر نام برای شمول قانون بر آنها

ح - اشتغال به عنوان وکیل دادگستری و تصدّی دفاتر ثبت اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفتریاری

خ - انتخاب شدن به سمت قیّم، امین، مُتولّی، ناظر یا مُتصدّی موقوفات عام

د - انتخاب شدن به سمت داوری یا کارشناسی در مراجع رسمی

ذ - استفاده از نشان‌های دولتی و عناوین افتخاری

ر - تأسیس، اداره یا عضویت در هیأت مدیره شرکت‌های دولتی، تعاونی و خصوصی یا ثبت نام تجاری یا مؤسسه آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و علمی

✓ موارد فوق حصری بوده و استفاده از سایر حقوق قانونی از سوی محکوم علیه بلامانع است. (مانند انتخاب شدن به سمت داوری یا کارشناسی در مراجع غیررسمی)

✓ حقوق اجتماعی با حقوق اساسی افراد متفاوت است، حقوق اساسی افراد نظیر حق آزادی حیات و ... را جز در مقام اجرای مجازات نمی‌توان از آنان سلب نمود؛ برای مثال حق رأی در انتخابات و تعیین سرنوشت آینده کشور یکی از حقوق مقرر در اصل ششم قانون اساسی است که محکومان را نمی‌توان از آنان محروم ساخت و استتقرار شعب أخذ رأی در زندان‌ها مؤید همین امر است.

• در موارد ذیل مجازات‌های تبعی اعمال نمی‌شود

۱. کلیّه محکومیت‌های قطعی در جرائم غیرعمدی با هر میزان و نوع مجازات

۲. کلیّه محکومیت‌های قطعی به دیات

۳. کلیّه محکومیت‌های قطعی به حبس‌های درجه ۶ و ۷ و ۸ (حبس ۲ سال و کمتر از آن)

۴. کلیّه محکومیت‌های قطعی به جزای نقدی با هر میزان

۵. کلیّه محکومیت‌های قطعی به شلاق تعزیری با هر میزان

۶. کلیّه محکومیت‌های قطعی به مصادره اموال

۷. کلیّه محکومیت‌های قطعی به انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی

۸. کلیّه محکومیت‌های قطعی به محرومیت از حقوق اجتماعی

✓ کلیّه مجازات‌های حدّی (حدود سالب حیات، اعم از اعدام و صلب، شلاق حدّی، قطع عضو، نفی بلد و حبس ابد) به موجب ماده ۲۵ ق.م.ا دارای مجازات تبعی می‌باشند.

✓ محکومیت‌های کیفری اطفال، فاقد آثار کیفری است. (ماده ۹۵ ق.م.ا)

✓ مستخدمان دستگاه‌های حکومتی در صورت محرومیت از حقوق اجتماعی خواه به عنوان مجازات اصلی خواه به عنوان مجازات تبعی حسب مورد در مدت مقرر در حکم یا قانون از خدمت منفصل می‌شوند.

• موارد رفع اثر تبعی در جرائم قابل گذشت و آزادی مشروط و عفو

✓ در جرائم قابل گذشت، اگر با گذشت شاکی یا مدّعی خصوصی پس از صدور حکم قطعی، اجرای مجازات اصلی موقوف شود، اثر تبعی نیز رفع می‌گردد.

✓ در عفو و آزادی مشروط، با گذشت مدت‌های مقرر در ماده ۲۵ ق.م.ا از زمان عفو یا از زمان اتمام آزادی مشروط، اثر تبعی نیز رفع می‌گردد.

مجازات تبعی و مدت محرومیت و مبدأ محرومیت از حقوق اجتماعی		
نوع مجازات اصلی	مدت محرومیت از حقوق اجتماعی	مبدأ محرومیت از حقوق اجتماعی
مجازات‌های سالب حیات	۷ سال	از تاریخ توقّف اجرای حکم اصلی
مجازات‌های حبس ابد	۷ سال	از تاریخ توقّف اجرای حکم اصلی
قطع عضو	۳ سال	از تاریخ اجرای حکم
قصاص عضو، در صورتی که دیه جنایت وارده بیش از نصف دیه مجنی‌علیه باشد.	۳ سال	از تاریخ اجرای حکم
نَفی بَلَد	۳ سال	از تاریخ اجرای حکم یا شمول مرور زمان
حبس تا درجه ۴ (حبس بیش از ۵ سال)	۳ سال	از تاریخ اجرای حکم یا شمول مرور زمان
شَلّاق حدّی	۲ سال	از تاریخ اجرای حکم
قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارده نصف دیه مجنی‌علیه یا کمتر از آن باشد.	۲ سال	از تاریخ اجرای حکم
حبس درجه پنج (حبس بیش از ۲ تا ۵ سال)	۲ سال	از تاریخ اجرای حکم یا شمول مرور زمان

تفاوت میان مجازات‌های تکمیلی و تبعی	
مجازات تکمیلی	مجازات تبعی
جنبه اختیاری دارد و باید در حکمی دادگاه قید شود.	جنبه الزامی دارد و نیازی به درج در حکم دادگاه نیست.
قابل تشدید یا تخفیف است.	قابل تشدید یا تخفیف نیست.
در جرائم عمدی و غیرعمدی قابل اعمال است	فقط در جرائم عمدی قابل اعمال است.
در کلیه محکومیت‌های تعزیری قابل اعمال است.	فقط در حبس‌های تعزیری درجه یک تا پنج قابل اعمال است

طبقه‌بندی مجازات‌ها	
بر حسب قانون مجازات اسلامی	حد
	قصاص
	دیه
	تعزیر
بر حسب موضوع	مجازات‌های بدنی
	مجازات سالب آزادی
	مجازات‌های محدودکننده آزادی
	مجازات‌های مالی
	مجازات‌های ممنوعیت از اشتغال به کسب یا شغل یا حرفه
	مجازات‌های سالب حق
	مجازات‌های سالب حیثیت
بر حسب نسبت آنها با یکدیگر	مجازات اصلی
	مجازات تکمیلی
	مجازات تبعی

تعیین میزان مجازات

در تعیین نوع و مقدار مجازات برای مرتکب رفتار مجرمانه قواعد متنوع کیفری مانند سبب‌های معافیت، سبب‌های تخفیف و تشدید مجازات مؤثر هستند که در این قسمت به بررسی آنها می‌پردازیم.

مجازات پیش‌بینی شده در قانون یا دارای حداقل و حداکثر یا به صورت ثابت است. در هر دو حالت باید قواعد حاکم بر تعیین مجازات را بدانیم. آنچه قانونگذار پیش‌بینی کرده مجازات در قبال جرم است؛ به عبارت دیگر مجازات را برای عمل تعیین کرده است، نه برای عامل. برای تطبیق مجازات با عامل، قواعد و ضوابطی مانند تخفیف یا تشدید مجازات وجود دارد؛ بنابراین بحث تخفیف یا تشدید مجازات برای تطبیق مجازات با عامل است و گرنه مجازات یکسان است؛ اعم از اینکه دارای حداقل یا حداکثر باشد یا ثابت باشد.

اسباب معافیت از مجازات

سبب‌های معافیت از مجازات متعدّدند، ولی مبنای واحدی ندارند؛ این سبب‌ها به طور حصری در قانون احصاء شده‌اند و هر جا تأثیر بگذارند مانع از اجرای مجازات می‌گردند. سبب‌های مذکور عبارتند از: ۱- عذرهای معاف‌کننده، ۲- معافیت قضایی ۳- مصونیت‌ها و ۴- صغر جزایی

۱. **عذرهای معاف‌کننده:** عذرهای معاف‌کننده تأثیری بر تقصیر و مسؤولیت فاعل ندارد، بلکه بنا بر ملاحظات سیاسی و فایده اجتماعی موجب معافیت بزهکار از مجازات می‌شود. عذرهای معاف‌کننده به جرائم خاصی تعلّق می‌گیرد و به هیچ وجه عمومیت ندارد. عذرهای معاف‌کننده از این قبیل است: ۱- عذر همکاری ۲- عذر ندامت ۳- عذر اطاعت از مافوق ۴- عذر توبه ۵- عذر تحریک

* **عذر همکاری:** همکاری کسی است که عضو دسته یا جمعیتی از بزهکاران بوده و خود در ارتکاب جرم مشارکت یا معاونت داشته است، ولی به دلیل همکاری با مأموران کشف جرم و دادن اطلاعات درباره هویت و مقاصد بزهکاران، معاف از مجازات شناخته شده است. برای مثال ماده ۵۰۷ ق.م.ا تعزیرات: «هر کس داخل دستجات مفسدین یا اشخاصی که علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور اقدام می‌کنند بوده و ریاست یا مرکزیتی نداشته باشد و قبل از تعقیب، قصد جنایت و اسامی اشخاصی را که در فتنه و فساد دخیل هستند به مأمورین دولتی اطلاع دهد و یا پس از شروع به تعقیب با مأمورین دولتی همکاری موثری به عمل آورد از مجازات معاف و در صورتی که شخصاً مرتکب جرم دیگری شده باشد فقط به مجازات آن جرم محکوم خواهد شد.» همچنین ماده ۱۷ قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز مصوّب ۱۳۹۰/۶/۷: «همکاری متهمان و محکومان جرائم موضوع این قانون با مأموران نظامی، انتظامی و امنیتی برای کشف اسلحه، مهمات، اقلام و مواد تحت کنترل و شناسایی و تعقیب معاونین و شرکاء جرائم موضوع این قانون به تشخیص مراجع قضایی رسیدگی‌کننده در مجازات‌های تعزیری درجه یک تا شش، موجب یک درجه تخفیف و در مجازات‌های تعزیری درجه هفت و هشت موجب معافیت از مجازات قانونی می‌شود.»

* **عذر ندامت:** نادم کسی است که از رفتار خود پشیمان شده و از ادامه جرم منصرف شده است؛ برای چنین کوششی قانونگذار وعده معافیت از مجازات به او داده است؛ برای مثال در ماده ۵ قانون مجازات اخلاص‌کنندگان در امنیت پرواز هواپیما و خرابکاری در وسایل و تأسیسات هواپیمایی مصوّب ۱۳۴۹/۱۲/۴: «هر یک از مرتکبین جرائم مذکور (جرائم هواپیماربابی) در این قانون قبل از اتمام عمل خود نادم گردد و از ادامه آن خودداری کند از تعقیب و مجازات معاف خواهد بود مگر آنکه ضمن اقدامات خلاف قانون خود مرتکب جرائم دیگری شده باشد که در اینصورت فقط بمجازات همان جرائم محکوم می‌شود»

* **عذر اطاعت از مافوق:** اطاعت از مافوق یا آمر قانونی اگر بنا بر تکلیف باشد مأمور را گاه از آثار کیفری رفتار مجرمانه معاف می‌دارد. مواردی چند از این گونه معافیت در قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) پیش‌بینی شده است که ماده ۵۸۰ ق.م.ا تعزیرات یک نمونه آن است. در این ماده چنین مقرر شده است: «هر یک از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیر قضایی یا کسی که خدمت دولتی به او ارجاع شده باشد بدون ترتیب قانونی به منزل کسی بدون اجازه و رضای صاحب منزل داخل شود به حبس از یک ماه تا یک سال محکوم خواهد شد مگر این که ثابت نماید به امر یکی از رؤسای خود که صلاحیت حکم را داشته است مکرر به اطاعت امر او بوده، اقدام کرده است که در این صورت مجازات مزبور در حق آمر اجرا خواهد شد ...»

* **عذر توبه:** تائب یعنی کسی که از گناه بازگردد و از آنچه مرتکب شده اظهار ندامت و پشیمانی کند. توبه از بنیادهای حقوق جزای اسلامی است. توبه در این مبحث هنگامی عذر محسوب می‌گردد که پیش از اثبات جرم و یا دستگیری متهم باشد. توبه پس از اقرار یا

اقامه شهادت تابع احکام دیگری است که هر چند در مورد اقرار ممکن است مُسقط مجازات باشد، ولی به عنوان عذر معاف‌کننده نیست؛ بنابراین اگر برای مثال سارق، قبل از اثبات جرم از این گناه توبه کند حد بر او جاری نمی‌شود (ماده ۱۱۴ ق.م.ا) حتی بعید است مجازات دیگری او را تهدید کند، مشروط بر اینکه مال را به هر طریق به صاحب آن مسترد کرده باشد.

*** عذر تحریک:** تحریک به معنای برانگیختن انسان به ارتکاب جرم است که گاه عذر محسوب و مانع اجرای مجازات می‌شود. نمونه بارز عذر برانگیختگی ماده ۶۳۰ ق.م.ا تعزیرات است. به موجب این ماده: «هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تمکین زن داشته باشد می‌تواند در همان حال آنان را به قتل برساند و در صورتی که زن مُکره باشد فقط مرد را می‌تواند به قتل برساند. حکم ضرب و جرح در این مورد نیز مانند قتل است.» مبنای معافیت مذکور از لحاظ شخصی همان حالت هیجان‌آنی و پریشانی روانی مرد از مشاهده صحنه واقعه است.

✓ **اثر عذرهای معاف‌کننده:** معافیت از مجازات وقتی دلیل عذر در دادگاه اقامه شود، قاضی را به پذیرش آن مجبور کند. در این حال حکم دادگاه نه بر براءت بزهکار بلکه بر بخشودگی یا معذوریت او دلالت دارد.

اثر عذرهای معاف‌کننده یکسان نیست؛ یعنی درست است که عذر سبب معافیت از مجازات می‌گردد، لیکن قاضی می‌تواند اگر اوضاع و احوال وقوع جرم و یا حالت خطرناک بزهکار ایجاب کند در مواردی به صدور حکم اقدامات تأمینی مبادرت ورزد. برای مثال حکم به اقامت اجباری مُفسدِ نادم پس از اثبات تقصیر و ثبوت جرم او بی‌اشکال است، مشروط بر آنکه با توجه به رفتار او حالتی خطرناک مشهود باشد، ولی در مواردی دیگر نظیر وضع مأمور معذور، قاضی ممکن است کمتر مناسبتی برای صدور حکم اقدام تأمینی بیابد.

۲. **معافیت قضایی:** در آیین دادرسی اسلام که قانون مجازات اسلامی نیز بر پایه آن نهاده است، قاضی می‌تواند در مواردی از مجازات بزهکار چشم‌پوشی کند. این اختیار در باب صدور حکم مجازات تعزیری بیش از دیگر مجازات‌ها است. ولی این اختیار چون در چارچوب اصولی که قانونگذار تعیین کرده محصور است، دستور کلی در این باب وجود ندارد و قاضی ناگزیر باید به قانون استناد کند. در این باره ماده ۳۹ قانون مجازات اسلامی به دادگاه چنین اجازه داده است: «در جرائم تعزیری درجه‌های هفت و هشت در صورت احراز جهات تخفیف چنانچه دادگاه پس از احراز مجرمیت، تشخیص دهد که با عدم اجرای مجازات نیز مرتکب، اصلاح می‌شود در صورت فقدان سابقه کیفری مؤثر و گذشت شاکی و جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران آن می‌تواند حکم به معافیت از کیفر صادر کند»

معافیت قضایی در ماده ۴۰ تحت عنوان تعویق صدور حکم چنین مقرر شده است: «در جرائم موجب تعزیر درجه شش تا هشت دادگاه می‌تواند پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است در صورت وجود شرایط زیر صدور حکم را به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق اندازد: الف - وجود جهات تخفیف ب - پیشبینی اصلاح مرتکب پ - جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران ت - فقدان سابقه کیفری مؤثر»

ماده ۳۹ قانون مجازات اسلامی: «در جرائم تعزیری درجه‌های هفت و هشت در صورت احراز جهات تخفیف چنانچه دادگاه پس از احراز مجرمیت، تشخیص دهد که با عدم اجرای مجازات نیز مرتکب، اصلاح می‌شود در صورت فقدان سابقه کیفری مؤثر و گذشت شاکی و جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران آن می‌تواند حکم به معافیت از کیفر صادر کند.»

شرایط صدور حکم معافیت از کیفر

۱. در صورت احراز جهات
۲. تشخیص اصلاح بزهکار در صورت عدم اجرای مجازات
۳. فقدان سابقه کیفری مؤثر (با لحاظ ماده ۲۸ ق.م.ا)
۴. گذشت شاکی و جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران

✓ حکم به معافیت از کیفر یکی از دستاوردهای قانونی است که به موجب آن دادگاه می‌تواند به جای تخفیف مجازات، مرتکب را از مجازات مقرر در قانون معاف نماید. معافیت از کیفر نیز همچون تخفیف از اختیارات دادگاه به شمار می‌رود؛ مگر آن که در قوانین خاص به الزامی بودن آن، تصریح شده باشد، در این موارد نیازی به رعایت شرایط مقرر در ماده ۳۹ ق.م.ا نیست و حتی با وجود سابقه محکومیت کیفری مؤثر و بدون توجه به درجه جرم، دادگاه مرتکب را از مجازات قانونی معاف می‌سازد، برای مثال مطابق ماده ۷۲ قانون مبارزه با

قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲: «هرگاه اشخاصی که مرتکب جرائم موضوع این قانون شده‌اند، در مراحل تحقیقات مقدماتی، با اقرار خود موجبات کشف کالا و ارز و یا دستگیری سرشبه‌های قاچاق و سایر متهمان را فراهم کنند، بنا به تشخیص مرجع رسیدگی، ضمن ضبط کالا و ارز قاچاق از کیفرهای موضوع این قانون معاف یا در مجازات آنان تخفیف متناسب داده می‌شود.»

✓ حکم به معافیت از کیفر در ۲ مرحله قابل صدور است:

۱. حین صدور حکم: در این حالت صدور معافیت از کیفر تنها در جرائم تعزیری درجه ۷ و ۸ امکان‌پذیر است.
۲. متعاقب قرار تعویق صدور حکم: مطابق ماده ۴۵ ق.م.ا در جرائم تعزیری درجه ۶ تا ۸ دادگاه می‌تواند به جای محکوم ساختن متهم، اقدام به صدور قرار تعویق صدور حکم نماید تا در صورتی که پس از سپری شدن ایام تعویق، متهم از دستورات دادگاه تبعیت نموده و مجدداً مرتکب جرم نشود آن گاه برای وی حکم به معافیت از کیفر صادر نماید، مطابق ماده ۴۵ ق.م.ا: «پس از گذشت مدت تعویق با توجه به میزان پایبندی مرتکب به اجرای دستورهای دادگاه، گزارش‌های مددکار اجتماعی و نیز ملاحظه وضعیت مرتکب، دادگاه حسب مورد به تعیین کیفر یا صدور حکم معافیت از کیفر، اقدام می‌کند.»

✓ با توجه به ماده فوق، صدور حکم به معافیت از کیفر، تنها پس از احراز مجرمیت متهم، مقدور است و بنابراین اتخاذ این تصمیم نه پس از تفهیم اتهام بلکه پس از آخرین دفاع از متهم امکان‌پذیر است. گفتنی است در جرائم تعزیری درجه ۷ و ۸، در صورتی که دادگاه بخواهد در همان ابتدای رسیدگی و پس از تفهیم اتهام، فرایند دادرسی را خاتمه داده می‌تواند با رعایت شرایط ماده ۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری قرار بایگانی پرونده صادر نماید.

✓ یکی از شرایط صدور حکم معافیت از کیفر، فقدان سابقه محکومیت کیفری مؤثر است، منظور از محکومیت مؤثر، محکومیت‌های مندرج در ماده ۲۵ ق.م.ا است که مرتکب را برای مدت معین از حقوق اجتماعی مقرر در قانون محروم می‌سازد؛ البته در صورتی که این ایام سپری شده و به اصطلاح اعاده حیثیت صورت گرفته باشد، صدور حکم به معافیت از کیفر امکان‌پذیر است. در قرارهای تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات چنانچه پس از صدور قرار مشخص شود که مرتکب دارای سابقه محکومیت کیفری مؤثر بوده است، دادگاه اقدام به لغو آن می‌نماید؛ اما در مورد حکم معافیت از کیفر، چنین تصریحی وجود ندارد و با توجه به ضرورت تفسیر به نفع متهم، به نظر می‌رسد، در صورتی که پس از معافیت از کیفر، معلوم شود که متهم دارای سابقه محکومیت کیفری مؤثر بوده است، موجب لغو این تصمیم نخواهد شد.

✓ با توجه به شرط گذشت شاکی خصوصی در ماده فوق، به نظر می‌رسد که صدور حکم به معافیت از کیفر تنها در جرائم غیرقابل گذشت امکان‌پذیر است، چرا که در جرائم قابل گذشت با گذشت شاکی خصوصی قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود و نوبت به معافیت از کیفر نمی‌رسد.

۳. **مصونیت‌ها**: مصونیت امتیازی است که به موجب قانون به بعضی از اشخاص إعطاء شده تا بتوانند در موقعیت اجتماعی خود بهتر ظاهر شوند؛ زیرا حفظ و تقویت چنین موقعیت‌ها موافق با مصالح اجتماعی است. مصونیت‌ها از قرار ذیل است: ۱- مصونیت پارلمانی ۲- مصونیت سیاسی ۳- مصونیت قضایی

* **مصونیت پارلمانی**: به موجب اصل ۸۶ ام قانون اساسی: «نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهارنظر و رأی خود کاملاً آزادند و نمی‌توان آنها را به سبب نظریاتی که در مجلس اظهار کرده‌اند یا آرای که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده‌اند تعقیب یا توقیف کرد» مصونیت نماینده از تعقیب تنها محدود به دوره نمایندگی نیست؛ این مصونیت پس از انقضای دوره نیز همچنان دوام دارد.

* **مصونیت سیاسی**: نمایندگان سیاسی دولت‌های بیگانه هرگاه در قلمرو حاکمیت دولت ایران مرتکب جرم شوند، از تعقیب جزایی مصون‌اند. اثر مصونیت، ممانعت از دستگیری، بازداشت، دادرسی و محکومیت اشخاص مذکور به اتهام تمام جرائمی که ممکن است در ایران مرتکب شوند و عدم صلاحیت دادگاه‌های ایران در این خصوص از قواعد نظم عمومی است. مصونیت‌های مذکور به بعضی از نمایندگان و کارمندان سازمان‌های بین‌المللی به موجب موافقت‌نامه‌های خاص نیز إعطا می‌گردند.

*** مصونیت قضایی:** مصونیت قضایی شامل گفتار و اظهارنظرهای شفاهی و نوشته‌ها و اسناد و مکاتبات تمام کسانی است که در مراجع قضایی دلایلی مبنی بر حقیقت یا دفاع از خود و یا دیگری ابراز می‌دارند یا به طریقی برای آشکار شدن حقیقت مطالبی نزد قاضی بیان می‌دارند که ممکن است جرم باشد؛ بنابراین اگر کسی فعلی را برخلاف واقع به دیگری نسبت دهد و یا در مقام دفاع از خود دیگری را به ارتکاب جرم در دادگاه متهم کند و یا برای کشف حقیقت مطالبی در دادگاه اظهار نماید که توهین‌آمیز تلقی گردد، گفتار و کردار و رفتار او مصون از تعقیب و مجازات است، مشروط بر اینکه در افعال خود عمد نداشته باشد و رفتار مجرمانه مربوط به ماهیت دعوا و موضوع شکایت باشد. مبنای این مصونیت که همه اصحاب دعوا، کارشناسان و گواهان از آن برخوردارند، تسهیل کار دادرسی است؛ یعنی حصولی واقع که از لوازم دادرسی عادلانه و تکمیل علم قاضی است.

۴. صغر جزایی: اطفال و نوجوانان نابالغ در صورت ارتکاب جرم مطلقاً از مسؤولیت مبرا هستند؛ یعنی دادگاه نمی‌تواند درباره آنان هیچ گونه تصمیمی بگیرد. دلیل آن نیز روشن است؛ زیرا تا زمانی که طفل درک درستی از ماهیت رفتار خود نداشته باشد؛ نمی‌تواند او را به تحمل پیامدهای رفتار مجرمانه ملزم کرد. و این درک و شعور زمانی به رشد و کمال خود می‌رسد که به فرض طفل یا نوجوان به حد بلوغ رسیده باشد؛ تصمیم دادگاه در بعضی از موارد نسبت به طفل یا نوجوان جنبه اصلاحی و تربیتی دارد.

اسباب تخفیف مجازات

سبب‌های تخفیف مجازات موجباتی است که هرگاه با اوضاع و احوال وقوع جرم همراه گردد، مجازات بزهکار تخفیف می‌یابد. تخفیف مجازات از این حیث که در قانون وعده داده شده است (هر چند گاه میزان آن معین نیست) و قاضی تکلیف به آن دارد، عذرهای مخفف (قانونی) نام دارد؛ ولی اعطای تخفیف از این حیث که در اختیار قاضی است (هر چند جهات آن در قانون تصریح شده است) کیفیات مخفف (قضایی) گفته می‌شود.

۱. عذرهای تخفیف‌دهنده (قانونی): از ویژگی‌های عذرهای تخفیف‌دهنده، فقدان جنبه کلی و انحصار آن به جرائمی است که در قانون پیش‌بینی شده است. تخفیف مجازات از میزان تقصیر و مسؤولیت بزهکار هیچ گاه نمی‌کاهد، بلکه این تخفیف پاداش مساعدت بزهکار در کشف جرم و یا جبران کوشش بزهکار در ترمیم آثار زیان‌بار و صدمات احتمالی ناشی از جرم است.

*** عذر همکاری:** به موجب ماده ۵۲۱ ق.م.ا تعزیرات: «هرگاه اشخاصی که مرتکب جرائم مذکور (تهیه و ترویج سکه تقلبی) در مواد (۵۱۸) و (۵۱۹) و (۵۲۰) می‌شوند قبل از کشف قضیه، مأمورین تعقیب را از ارتکاب جرم مطلع نمایند یا در ضمن تعقیب به واسطه اقرار خود، موجبات تسهیل تعقیب سایرین را فراهم آورند یا مأمورین دولت را به نحو موثری در کشف جرم کمک و راهنمایی کنند بنا به پیشنهاد رئیس حوزه قضایی مربوط و موافقت دادگاه و یا با تشخیص دادگاه در مجازات آنان تخفیف متناسب داده می‌شود و حسب مورد از مجازات حبس معاف می‌شوند مگر آنکه احراز شود قبل از دستگیری توبه کرده‌اند که در این صورت از کلیه مجازات‌های مذکور معاف خواهند شد.»

*** عذر ترک جرم:** مطابق ماده ۵۸۳ ق.م.ا تعزیرات، مجازات جرم بازداشت یا حبس غیرقانونی اشخاص، یک تا سه سال حبس یا جزای نقدی از هشتاد میلیون (۸۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا دویست و پنجاه میلیون (۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال می‌باشد؛ اما به موجب ماده ۵۸۵ ق.م.ا تعزیرات، مجازات مرتکبانی که جرم را ترک کرده‌اند چنین است: «اگر مرتکب یا معاون قبل از آن که تعقیب شود شخص توقیف‌شده را رها کند یا اقدام لازم جهت رها شدن وی به عمل آورد در صورتی که شخص مزبور را زیاده از پنج روز توقیف نکرده باشد مجازات او حبس از دو تا شش ماه خواهد بود»

*** عذر خانوادگی:** در تبصره ماده ۵۵۴ ق.م.ا تعزیرات چنین مقرّر شده است: «در موارد مذکور در ماده (۵۵۳) و این ماده (اخفاء متهمان و مساعدت در فرار و خلاصی آنان) در صورتی که مرتکب از اقارب درجه اول متهم باشد مقدار مجازات در هر مورد از نصف حداکثر تعیین‌شده بیشتر نخواهد بود.»

*** عذر اعانت:** بر طبق تبصره ۲ ماده ۷۱۹ ق.م.ا تعزیرات: «هرگاه راننده، مصدوم را به نقاطی برای معالجه و استراحت برساند و یا مأمورین مربوطه را از واقعه آگاه کند و یا به هر نحوی موجبات معالجه و استراحت و تخفیف آلام مصدوم را فراهم کند دادگاه مقررات تخفیف را درباره او رعایت خواهد نمود.»

۲. **جهات تخفیف (قضایی):** جهات تخفیف همانند عذرهای مخفف اوضاع و احوالی هستند، که باعث کاهش مجازات می‌گردند، با این تفاوت که هرگاه وجود آنها برای قاضی مُحَرَز گردید در اعطای تخفیف مختار است. کیفیات مذکور به طور حصری در هشت بند در ذیل ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده است و قاضی مکلف است آنها را در حکم محکومیت صریحاً قید کند. (تبصره ۱ ماده ۳۸ ق.م.ا) مهم‌ترین فوایدی که برای جهات تخفیف برشمرده‌اند یکی منطبق کردن مجازات با شخصیت بزهکار و دیگری اجرای عدالت با مد نظر قرارداد افکار عمومی است. جهات تخفیف به قاضی اجازه می‌دهد تا با توجه به روحیات و سوابق و همچنین انگیزه بزهکار در ارتکاب جرم، تصمیم خود را هر چه بهتر با وضع فعلی او متناسب سازد. جهات تخفیف مذکور عبارت است از:

* **گذشت شاکی یا مدعی خصوصی:** هرگاه در جرائم غیرقابل گذشت، شاکی یا مدعی خصوصی شکایت خود را باز پس گیرد، دادگاه می‌تواند مجازات متهم را تخفیف دهد. اگر شکایت‌کنندگان متعدد باشند، گذشت بعضی از آنها کافی است و گذشت همه آنها ضرورتی ندارد؛ همچنین عدول از گذشت در دادگاه مسموع نیست.

* **همکاری مؤثر متهم:** کمک و همکاری متهم با مراجع تعقیب در جهت کشف جرم یا کمک و همکاری با دادگاه در شناسایی شرکاء و معاونان جرمی که خود او به ارتکاب آن متهم است مؤثر باشد همچنین کمک و همکاری در کشف اموال و اشیایی که از جرم تحصیل شده و یا در ارتکاب جرم به کار رفته راه‌گشا باشد، از جهات تخفیف به شمار می‌رود.

* **حالت برانگیختگی و انگیزه شرافتمندانه:** اوضاع و احوالی که متهم را به ارتکاب جرم برانگیخته، مانند رفتار و گفتار تحریک‌آمیز بزه‌دیده، در کاهش میزان تقصیر او بی‌تأثیر نیست. در واقع، عدل و انصاف حکم می‌کند که به نسبتی که خود بزه‌دیده در وقوع جرم سهم داشته است، از میزان مجازات بزهکار کاسته شود. همچنین داشتن انگیزه شرافتمندانه به این معنی است که جرم با نیت حمایت از برخی ارزش‌های عالی انسانی ارتکاب یافته و لذا بزهکار هم‌چندان از احساس مسؤولیت اخلاقی بی‌بهره نیست و قابل اصلاح است.

* **اعلام و اقرار متهم:** اعلام متهم قبل از تعقیب یعنی اطلاع دادن به مأموران از وقوع جرم و یا اقرار او در مرحله تحقیق نزد مقام تحقیق (بازپرس، یا قاضی تحقیق) و یا دادرس که مؤثر در کشف جرم باشد، سبب تخفیف مجازات است.

* **ندامت، حسن سابقه و یا وضع خاص متهم:** اظهار ندامت و پشیمانی متهم ممکن است حاکی از این باشد که در آینده مرتکب جرم دیگر نخواهد شد. دادگاه می‌تواند با توجه به این قول و همچنین جهاتی مانند حسن سابقه متهم مجازات او را تخفیف دهد. وضع جسمانی و روانی متهم مانند کهولت، بیماری و یا از کار افتادگی نیز رمیزان تخفیف و یا استحقاق آن مؤثر است.

* **کوشش متهم پس از جرم:** هرگونه اقدام یا کوشش متهم به قصد تخفیف یا تقلیل آثار جرم چه در اثنای جرم یا پس از آن و نیز جبران زیان مادی و معنوی ناشی از جرم پیش از صدور حکم محکومیت کیفری موجب تخفیف است. مانند تلاش متهم در خاموش کردن آتش‌سوزی عمدی که خود سبب آن بوده و یا جبران خسارت‌هایی که از این جرم حاصل شده است.

* **خفیف بودن زیان واردشده به بزه‌دیده یا نتایج زیان بار جرم:** زیان واردشده در این جا به معنی خسارت اعم از مادی و معنوی است که به تمامیت جسمانی و یا دارایی بزه‌دیده و یا به حیثیت و آبروی او و بستگانش وارد شده است. برای سنجش میزان زیان واردشده، دادگاه پیش از هر چیز ناگزیر است آن را تقویم کند و در نهایت خسارت را با وضعیت مالی زیان‌دیده مقایسه نماید.

* **مداخله ضعیف شرکاء یا معاون در وقوع جرم:** منظور از مداخله ضعیف شرکاء یا معاون در وقوع جرم، تأثیر مادی رفتار هر یک در تحقق جرم است.

✓ **قلمرو قانونی جهات تخفیف:** با اینکه دادگاه علی‌الاصول در اعطای تخفیف به موجب قانون مختار است، ولی تنها به شرط احراز جهات تخفیف نمی‌تواند در همه جرائم نسبت به آن حکم دهد. علاوه بر آن گاهی دادگاه در اعمال تخفیف مجازات مکلف است؛ یعنی تخفیف حق مسلم محکوم علیه محسوب می‌شود و گاهی اعمال تخفیف ممنوع است؛ مانند منع تخفیف نسبت به جرائم کسانی که دارای سه فقره محکومیت قطعی یا بیشتر از آن باشند و به تکرار جرم متهم گردند (تبصره ماده ۱۳۹ ق.م.ا)؛ بنابراین تخفیف مجازات تابع یک سلسله ضوابطی است که اختیار دادگاه را محدود می‌کند؛ این ضوابط عبارت است از:

۱. به موجب ماده ۳۷ ق.م.ا، دادگاه فقط می‌تواند در صورت إحراز جهات تخفیف، مجازات تعزیری را تخفیف دهد. به عبارت دیگر مجازات‌های حدود، قصاص، دیات از قلمرو تخفیف قضایی خارج است. قصاص و دیات از حقوق الناس است و با مطالبه اولیای دم و یا مجنی‌علیه قابل اجرا و یا با تراضی و مصالحه یکدیگر قابل تبدیل و تقلیل و اسقاط است.

همچنین محدود جرائمی در قوانین کیفری می‌توان یافت که قانونگذار اعمال کیفیات مخفف را با آنکه مجازات آنها تعزیری است منع کرده باشد؛ برای مثال تبصره ۵ ماده ۲ قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور (مصوب آذر ۱۳۶۹ با اصلاحات و الحاقات بعدی) هیچ یک از مجازات‌های مقرر در این قانون؛ اعم از اعدام، حبس و کیفرهای مالی را قابل تخفیف یا تقلیل نمی‌شناسد.

۲. بر طبق ماده ۴۴۲ ق.آ.د.ک، در تمام محکومیت‌های تعزیری، هرگاه محکوم‌علیه به حکم دادگاه تسلیم شود و یا حق تجدیدنظرخواهی را از خود ساقط کند و یا آن را مسترد دارد می‌تواند تخفیف در مجازات خود را از دادگاه صادرکننده حکم درخواست کند. در این صورت دادگاه تا یک چهارم از مجازات مندرج در حکم را تخفیف می‌دهد. ماده ۴۴۲ ق.آ.د.ک: «در تمام محکومیت‌های تعزیری در صورتی که دادستان از حکم صادره درخواست تجدیدنظر نکرده باشد، محکوم‌علیه می‌تواند پیش از پایان مهلت تجدیدنظرخواهی با رجوع به دادگاه صادرکننده حکم، حق تجدیدنظرخواهی خود را اسقاط یا درخواست تجدیدنظر را مسترد نماید و تقاضای تخفیف مجازات کند. در این صورت، دادگاه در وقت فوق‌العاده با حضور دادستان به موضوع رسیدگی و تا یک چهارم مجازات تعیین شده را کسر می‌کند. این حکم دادگاه قطعی است.»

حکم دیگری در ماده ۴۸۳ ق.آ.د.ک چنین مقرر شده است: «هرگاه شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم غیرقابل گذشت، پس از قطعی شدن حکم از شکایت خود صرف‌نظر کند، محکوم‌علیه می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، درخواست کند در میزان مجازات او تجدیدنظر شود. در این صورت، دادگاه به درخواست محکوم‌علیه در وقت فوق‌العاده و با حضور دادستان یا نماینده او با رعایت مقررات ماده (۳۰۰) این قانون، رسیدگی می‌کند و مجازات را در صورت اقتضاء در حدود قانون تخفیف می‌دهد یا به مجازاتی که مناسب‌تر به حال محکوم‌علیه باشد، تبدیل می‌کند. این رأی قطعی است.» ظاهراً تخفیف مجازات به لحاظ کیفیات مخفف ارتکاب جرم، مانع استفاده محکوم‌علیه از تخفیف به لحاظ تسلیم به حکم و تخفیف مجدد مجازات به استناد ماده ۴۸۳ ق.آ.د.ک نیست.

۳. اعطای تخفیف به صراحت ماده ۳۷ ق.م.ا با «دادگاه» است. دادگاه اعم از عمومی، انقلاب، نظامی و ویژه روحانیت؛ یعنی مرجع رسیدگی و صدور حکم محکومیت در تعیین جهات و اعمال تخفیف صالح هستند.

۴. هرگاه دادگاه به موجب یکی از جهات تخفیف مندرج در ماده ۳۸ ق.م.ا، مجازات محکوم‌علیه را تخفیف داده باشد، نمی‌تواند به موجب همان جهات که در مواد خاص مقرر شده است، دوباره مجازات محکوم‌علیه را تخفیف دهد؛ این شرط در تبصره ۲ ماده ۳۸ ق.م.ا به این شرح آمده است: «هرگاه نظیر جهات مندرج در این ماده در مواد خاصی پیش‌بینی شده باشد، دادگاه نمی‌تواند به موجب همان جهات، مجازات را دوباره تخفیف دهد.» برای نمونه می‌توان تبصره ۲ ماده ۷۱۹ ق.م.ا تعزیرات را مثال زد. بر طبق این تبصره: «در تمام موارد مذکور هرگاه راننده، مصدوم را به نقایطی برای معالجه و استراحت برساند و یا مأمورین مربوطه را از واقعه آگاه کند و یا به هر نحوی موجبات معالجه و استراحت و تخفیف آلام مصدوم را فراهم کند دادگاه مقررات تخفیف را درباره او رعایت خواهد نمود.» جهات مذکور در این تبصره با سیاق دیگری در ماده ۳۸ ق.م.ا ذکر شده است. بنابراین استناد دادگاه برای تخفیف میزان مجازات صحیح نیست.

۵. درباره تخفیف مجازات حبس ابد بیان چند نکته در اینجا ضروری است:

* حداکثر مجازات حبس (تعزیری) در قانون مجازات اسلامی بیش از ۲۵ سال است و از حبس ابد (تعزیری) در این قانون سخنی نیست.

* در مواردی که مجازات حبس ابد به عنوان حد در قانون مقرر شده است (بند پ ماده ۲۷۸، ماده ۳۷۵، و تبصره ماده ۳۷۵ ق.م.ا) دادگاه در تخفیف این حبس اختیاری ندارد.

* در جرائمی که میزان تخفیف در احکام حبس ابد به موجب قوانین خاص تعیین شده است، دادگاه در صورت وجود جهات تخفیف، در حدود آن قوانین می‌تواند مجازات را تخفیف دهد. برای مثال ماده ۳۸ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر (مصوب ۱۷ آبان ۱۳۷۶) میزان تخفیف در احکام حبس ابد ۱۵ سال خواهد بود.

✓ **آثار جهات تخفیف:** در قلمرو مجازات‌های تعزیری در نظام کیفری کنونی جز در مواردی که قانونگذار خود میزان مجازات را تعیین کرده است، بسیار گسترده است. در این مبحث آثار جهات تخفیف نسبت به مجازات و آثار جهات تخفیف نسبت به اقدامات تأمینی را ذکر می‌کنیم:

* **آثار جهات تخفیف نسبت به مجازات:** با احراز جهات تخفیف، قاضی می‌تواند مجازات قانونی محکوم‌علیه را تخفیف دهد. معمولاً قاضی در تطبیق وضع محکوم‌علیه با مجازات‌هایی که بین حدّ اقل و حدّ اکثر در نوسان است، مانند حبس، جزای نقدی، محرومیت از حقوق اجتماعی و شلاق مشکل ندارد؛ زیرا تعیین مجازات بین حدّ اقل تا حدّ اکثر مجازات قانونی برای هر جرم از اختیارات قاضی است. لیکن منظور از تخفیف مجازات، تعیین مجازات کمتر از حدّ اقل مجازات قانونی است یا تبدیل مجازات به نوع دیگری که با توجه به وضع محکوم‌علیه عرفاً خفیف‌تر باشد. احراز جهات تخفیف به این معنی نیست که تمام جهات هشت‌گانه مذکور در ماده ۳۸ ق.م.ا باید جمع باشد، بلکه با احراز هر یک از جهات مذکور قاضی می‌تواند میزان مجازات را تخفیف دهد.

* **حدود تخفیف مجازات‌های تعزیری (مطابق بندهای پنج‌گانه ذیل ماده ۳۷ ق.م.ا و تبصره آن):**

ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی: «در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، دادگاه می‌تواند مجازات تعزیری را به نحوی که به حال متهم مناسب‌تر باشد به شرح زیر تقلیل دهد یا تبدیل کند: (اصلاحی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳)

الف - تقلیل مجازات حبس به میزان یک تا سه درجه در مجازات‌های درجه چهار و بالاتر؛
ب - تقلیل مجازات حبس درجه پنج و درجه شش به میزان یک تا دو درجه یا تبدیل این مجازات و مجازات حبس درجه هفت حسب مورد به جزای نقدی متناسب با همان درجه؛

پ - تبدیل مصادره کل اموال به جزای نقدی درجه یک تا چهار؛

ت - تقلیل انفصال دائم به انفصال موقت به میزان پنج تا پانزده سال؛

ث - تقلیل سایر مجازات‌های تعزیری به میزان یک یا دو درجه یا تبدیل آن به مجازات دیگر از همان درجه یا یک درجه پایین‌تر؛

تبصره - چنانچه در اجرای مقررات این ماده یا سایر مقرراتی که به موجب آن مجازات تخفیف می‌یابد، حکم به حبس کمتر از نود و یک روز صادر شود، به مجازات جایگزین مربوط تبدیل می‌شود. (الحاقی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳) نکات ماده فوق:

۱. پیش‌بینی جهات تخفیف در قوانین جزایی با اصل فردی کردن مجازات‌ها سازگاری دارد.
۲. تخفیف به معنای تقلیل مجازات به کمتر از حدّ اقل قانونی یا تعدیل آن به مجازاتی مناسب‌تر به حال متهم است. تخفیف میزان مجازات ممکن است در قالب کاهش میزان مجازات یا تبدیل آن به مجازاتی دیگر صورت پذیرد ولی تبدیل و تقلیل مجازات با هم اصولاً امکان‌پذیر نیست.
۳. واژه‌های تقلیل و تبدیل هر دو در معنی تخفیف مجازات در قانون به کار رفته است؛ یکی ناظر به کمیت و دیگری ناظر به کیفیت مجازات‌های قانونی است که سرانجام باید به حال محکوم‌علیه مناسب‌تر باشد؛ یعنی مجازات تخفیف‌یافته از حدّ اقل مجازات قانونی آن جرم کمتر باشد.
۴. قاضی در حالت عادی اختیار دارد که مجازات را میان حدّ اقل و حدّ اکثر تعیین کند پس تخفیف باید کمتر از حدّ اقل قانونی باشد.
۵. دادگاه در مقام تخفیف مجازات، نمی‌تواند مجازاتی را حذف کند، برای مثال در جرمی با دو مجازات حبس و شلاق، نمی‌توان در راستای تخفیف مجازات، شلاق را به طور کلی حذف کند.
۶. در صورتی که دادگاه برخلاف تصریح به جهات تخفیف در رأی خود، حکم به حدّ اقل مجازات قانونی بدهد، از جهات نقض رأی در مرجع تجدیدنظر محسوب می‌شود.
۷. تخفیف به ۲ دسته قضایی (اختیاری) و قانونی (الزامی) تقسیم می‌شود؛ اصل بر اختیاری بودن تخفیف است و عبارت «دادگاه می‌تواند» حاکی از اختیاری بودن تخفیف است. موارد تخفیف قانونی در خود قانون تصریح شده است و تا وقتی که به الزامی بودن تخفیف در

قانون تصریح نشده باشد، اصل بر اختیاری بودن تخفیف است. برای مثال مطابق ماده ۸ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم ۱۳۹۴ هر یک از اعضای گروه‌های حامی مالی تروریسم که پس از شروع به تعقیب با مأموران دولتی همکاری مؤثری داشته باشد، لزوماً در مجازات او تخفیف داده می‌شود.

۸. تخفیف مجازات مختص جرائم تعزیری است و در قصاص، حدود و دیات استفاده از تخفیف امکان‌پذیر نیست؛ مطابق ماده ۲۱۹ ق.م.ا: «دادگاه نمی‌تواند کیفیت، نوع و میزان حدود شرعی را تغییر یا مجازات را تقلیل دهد یا تبدیل یا ساقط نماید. این مجازات‌ها تنها از طریق توبه و عفو به کیفیت مقرر در این قانون قابل سقوط، تقلیل یا تبدیل است»

۹. مطابق رأی وحدت رویه شماره ۷۷۰ - ۱۳۹۷/۴/۲۶، تعزیرات منصوص شرعی را همچون مجازات‌های حدی، غیرقابل تغییر می‌داند، بدین ترتیب به نظر می‌رسد علی‌رغم سکوت قانونگذار استفاده از تخفیف در مورد تعزیرات شرعی بزرگسالان نیز همچون اطفال و نوجوانان ممنوع است.

۱۰. در رابطه با اینکه چه مجازاتی به حال متهم مناسب‌تر است، ضابطه واحدی وجود ندارد و تشخیص آن به قاضی واگذار شده است، برای مثال هرچند ظاهراً شلباق از جزای نقدی خفیف‌تر به نظر می‌رسد؛ اما تبدیل شلاق به جزای نقدی برای شخصی که دچار فقر شدید مالی است، مجازات مناسب‌تری محسوب نمی‌شود.

۱۱. حکم به تخفیف مجازات غالباً هم‌زمان با صدور حکم محکومیت صادر می‌شود و با توجه به قاعده فراغ دادرس، قاضی نمی‌تواند پس از تعیین مجازات، در رأی خود تجدیدنظر کرده و مجازات مرتکب را تخفیف دهد، با این حال استثنائاً در مواردی، تخفیف مجازات پس از صدور حکم محکومیت نیز امکان‌پذیر است؛ از مهم‌ترین این استثنائات، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

* در جرائم تعزیری در صورتی که محکوم علیه، حق تجدیدنظرخواهی یا فرجام‌خواهی خود را اسقاط یا تقاضای مطروحه را مسترد نماید، دادگاه بدوی مکلف می‌شود با رعایت شرایط ماده ۴۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری مجازات تعیین شده را تا یک چهارم کاهش دهد؛ ماده ۴۴۲ ق.آ.د.ک: «در تمام محکومیت‌های تعزیری در صورتی که دادستان از حکم صادره درخواست تجدیدنظر نکرده باشد، محکوم علیه می‌تواند پیش از پایان مهلت تجدیدنظرخواهی با رجوع به دادگاه صادرکننده حکم، حق تجدیدنظرخواهی خود را اسقاط یا درخواست تجدیدنظر را مسترد نماید و تقاضای تخفیف مجازات کند. در این صورت، دادگاه در وقت فوق‌العاده با حضور دادستان به موضوع رسیدگی و تا یک چهارم مجازات تعیین شده را کسر می‌کند. این حکم دادگاه قطعی است.»

* در جرائم غیرقابل گذشت، چنانچه پس از صدور حکم محکومیت قطعی، شاکی گذشت کند، دادگاه صادرکننده حکم قطعی می‌تواند با رعایت شرایط ماده ۸۳ ق.آ.د.ک مجازات تعیین شده را کاهش داده یا به نوع دیگری تبدیل نماید؛ ماده ۸۳ ق.آ.د.ک: «هرگاه شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم غیرقابل گذشت، پس از قطعی شدن حکم از شکایت خود صرف‌نظر کند، محکوم علیه می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، درخواست کند در میزان مجازات او تجدیدنظر شود. در این صورت، دادگاه به درخواست محکوم علیه در وقت فوق‌العاده و با حضور دادستان یا نماینده او با رعایت مقررات ماده (۳۰۰) این قانون، رسیدگی می‌کند و مجازات را در صورت اقتضاء در حدود قانون تخفیف می‌دهد یا به مجازاتی که مناسب‌تر به حال محکوم علیه باشد، تبدیل می‌کند. این رأی قطعی است.»

۱۲. مقصود از دادگاه در ماده ۳۷ ق.م.ا لزوماً دادگاه بدوی نیست و دادگاه تجدیدنظر استان نیز می‌تواند با رعایت شرایط مقرر در قانون در مجازات مرتکب تخفیف بدهد، اعم از آنکه رأی بدوی را تأیید یا نقض نموده باشد و اعم از آنکه قبلاً در مجازات مرتکب تخفیف شده باشد یا نه. ماده ۴۵۹ ق.آ.د.ک: «هرگاه دادگاه تجدیدنظر استان، محکوم علیه را مستحق تخفیف مجازات بداند، ضمن تأیید اساس حکم می‌تواند به نحو مستدل مجازات او را در حدود قانون تخفیف دهد، هرچند محکوم علیه تقاضای تجدیدنظر نکرده باشد»

۱۳. در فهرست مجازات‌های تعزیری (ماده ۱۹ ق.م.ا) از مجازات اعدام نامی برده نشده است، ولی اگر مجازات اعدام عنوان تعزیر داشته باشد، با احرار جهات تخفیف قاضی می‌تواند آن را به حبس تبدیل کند.

۱۴. مطابق تبصره ۶ ماده ۱۹ (الحاقی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳) تمام حبس‌های ابد غیرحدی مقرر در قانون، حبس درجه یک محسوب می‌شوند، از این رو تقلیل آنها به حبس‌های موقت جایز است.

۱۵. اگر میزان مجازات حبس در بعضی از جرائم از درجه یک تا درجه چهار باشد، این حبس‌ها فقط (یک تا سه درجه) تقلیل (تخفیف) پذیرند (بند الف)، ولی اگر چنانچه این مجازات از درجه یا شش باشد هم تقلیل‌پذیر (یک تا دو درجه) و هم تبدیل‌پذیر به جزای نقدی متناسب با همان درجه هستند (بند ب).
۱۶. حبس‌های از درجه هفت (نودویک روز تا شش ماه) در صورت احراز جهات تخفیف فقط قابل تبدیل به جزای نقدی متناسب با همان درجه است (بند ب)، ضمن آن که دادگاه می‌تواند با جمع بودن سایر شروط مندرج در ماده ۳۹ ق.م.ا حکم معافیت از کیفر محکوم‌علیه را صادر کند.
۱۷. اگر با اعمال تخفیف، میزان مجازات حبس به کمتر از نودویک روز کاهش پیدا کند، دادگاه مکلف است آن را به مجازات جایگزین تبدیل کند (تبصره الحاقی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳).
۱۸. در سایر مجازات‌های تعزیری نظیر شلاق و جزای نقدی قانونگذار به قاضی اجازه داده است که مجازات‌های مذکور را به میزان یک تا دو درجه تقلیل دهند؛ یا آنها را به مجازات دیگری از همان درجه یا یک درجه پایین‌تر تبدیل کنند. (بند ث)
۱۹. در آن دسته از جرائمی که چندین مجازات تعیین شده، قاضی می‌تواند در مقام تخفیف و با رعایت قواعد مندرج در ماده ۳۷ ق.م.ا و تبصره آن، همه یا بعضی از مجازات‌ها تخفیف دهد، به گونه‌ای که به حال متهم مناسب‌تر باشد.
۲۰. در خصوص جرائم اطفال و نوجوانان، قانونگذار تخفیف مجازات را پذیرفته، اما به موجب ماده ۹۳ ق.م.ا به قاضی اجازه نداده است در صورت احراز جهات تخفیف، مجازات آنها را کمتر از نصف حداقل تقلیل دهند؛ به عبارت دیگر در مورد افراد زیر ۱۸ سال قواعد کلی تخفیف اعمال نمی‌شود.
۲۱. قاضی نمی‌تواند یک بار مجازات را تخفیف دهد و مجدداً آن را تبدیل کند؛ مگر ابتدا جهات تخفیف قانونی، تخفیف دهد، سپس با اعمال ماده ۳۸ ق.م.ا مجازات تخفیف داده شده را به نوع دیگری تبدیل کند.
۲۲. در مواردی که میزان تقلیل حبس در قوانین خاص مشخص شده است، بایستی به همان قانون مراجعه نمود، برای مثال مطابق ماده ۳۸ قانون مبارزه با مواد مخدر، در جرائم موضوع این قانون قاضی نمی‌تواند میزان حبس را تا سه درجه تقلیل دهد، بلکه تنها می‌تواند مجازات را تا نصف حداقل مجازات آن جرم تخفیف دهد.
۲۳. چنانچه قاضی صرفاً قصد کاهش مجازات را داشته، می‌تواند آن را تا دو درجه تقلیل دهد (مثلاً می‌تواند شلاق تعزیری درجه شش را به شلاق درجه هشت تبدیل نماید) و اگر بخواهد مجازات را تبدیل کند، تنها می‌تواند آن را تا یک درجه کاهش دهد، برای مثال می‌تواند شلاق تعزیری درجه شش را به جزای نقدی درجه شش یا نهایتاً جزای نقدی درجه هفت تبدیل نماید و دیگر امکان تبدیل شلاق درجه شش به جزای نقدی درجه هشت، وجود ندارد.
۲۴. در تعزیرات درجه هشت نیز امکان تخفیف مجازات وجود داشته باشد و دادگاه می‌تواند مجازات تعزیری را به نوع دیگری از درجه هشت، تبدیل نماید و برای مثال می‌تواند شلاق درجه هشت را به جزای نقدی درجه هشت تبدیل کند. البته این حکم شامل حبس تعزیری درجه هشت نمی‌شود و در مورد مجازات مذکور، امکان تخفیف مجازات وجود ندارد؛ زیرا حبس درجه هشت لزوماً به جایگزین حبس تبدیل می‌شود البته دادگاه می‌تواند در این موارد به جای آن با رعایت شرایط ماده ۳۹ ق.م.ا حکم به معافیت از کیفر صادر نماید.
۲۵. اعمال جهات تخفیف هم در جرائم عمدی و هم در جرائم غیرعمدی وجود دارد.
۲۶. دادگاه می‌تواند مجازات را تخفیف دهد و سپس آن را تعلیق نماید؛ ولی نمی‌تواند مجازات را تخفیف دهد، سپس آن را تبدیل نماید.
۲۷. تعلیق اجرای حکم از مصادیق تخفیف نیست و دادگاه نمی‌تواند به عنوان تخفیف، اجرای حکم را معلق نماید.
۲۸. دادگاه حق حذف مجازات قانونی را در مقام تخفیف آن ندارد؛ مگر در جرائم تعزیری درجه هفت و هشت در صورت احراز جهات تخفیف چنانچه دادگاه پس از احراز مجرمیت، تشخیص دهد که با عدم اجرای مجازات نیز مرتکب، اصلاح می‌شود در صورت فقدان سابقه کیفری مؤثر و گذشت شاکی و جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران آن می‌تواند حکم به معافیت از کیفر صادر کند. (ماده ۳۹ ق.م.ا)

تخفیف مجازات (تقلیل و یا تبدیل مجازات) (ماده ۳۷ ق.م.ا)	
حبس درجه ۱ تا ۴	تقلیل به میزان ۱ تا ۳ درجه
حبس‌های درجه ۵ و ۶	تبدیل حبس به میزان ۱ تا ۲ درجه
	تبدیل به جزای نقدی متناسب با همان درجه
حبس درجه ۷	تبدیل به جزای نقدی متناسب با همان درجه
مصادره کل اموال	تبدیل به جزای نقدی ۱ تا ۴
انفصال دائم	تقلیل به انفصال موقت به میزان ۵ تا ۱۵ سال
سایز مجازات‌های تعزیری	تقلیل به میزان ۱ تا ۲ درجه
	تبدیل آن به مجازات دیگر از همان درجه یا یک درجه پایین‌تر

✓ در موارد زیر دادگاه از اعمال جهات تخفیف منع شده است:

- چنانچه مرتکب دارای ۳ فقره محکومیت قطعی مشمول مقررات تکرار جرم یا بیشتر از آن باشد، مقررات تخفیف اعمال نمی‌شود. (تبصره ماده ۱۳۹ ق.م.ا)
- هرگاه مصدوم احتیاج به کمک فوری داشته و راننده با وجود امکان رساندن مصدوم به مراکز درمانی و یا استمداد از مأمورین انتظامی از این کار خودداری کند و یا به منظور فرار از تعقیب محل حادثه را ترک و مصدوم را رها کند حسب مورد به بیش از دوسوم حداکثر مجازات مذکور در مواد (۷۱۴) و (۷۱۵) و (۷۱۶) محکوم خواهد شد. دادگاه نمی‌تواند در مورد این ماده اعمال کیفیت مخففه نماید. (ماده ۷۱۹ ق.م.ا تعزیرات)

✓ برخی از قوانین و مقررات خاص استثنائاً جرائمی را از شمول تخفیف خارج کرده‌اند:

- به موجب ماده ۷ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۱۳۹۴؛ مجازات اشخاصی که مبادرت به اعمال مجرمانه نسبت به آمر به معروف و ناهی از منکر کنند، قابل تخفیف، تعلیق و تعویق نمی‌باشد.
 - به موجب ماده ۷۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ اصلاحی ۱۳۹۴؛ جزای نقدی مقرر در این قانون از سوی مرجع رسیدگی‌کننده قابل تعلیق و تخفیف نیست و مجازات حبس و شلاق در جرائم قاچاق کالاهای ممنوعه، حرفه‌ای و سازمان‌یافته موضوع این قانون نیز قابل تعلیق نمی‌باشد.
 - تبصره ۵ ماده ۲ قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹؛ هیچ یک از مجازات‌های مقرر در این قانون قابل تعلیق نبوده و همچنین اعدام و جزای مالی و محرومیت و انفصال دائم از خدمات دولتی و نهادهای از طریق محاکم قابل تخفیف یا تعلیق نمی‌باشد.
 - مطابق ماده ۳ قانون تشدید مجازات اسیدپاشی مصوب ۱۳۹۸ تخفیف مجازات در جرم مذکور اصولاً ممنوع است؛ مگر آنکه بزه‌دیده یا اولیای دم نسبت به مجازات تعزیری مرتکب نیز اعلام گذشت کرده باشند که در این صورت دادگاه می‌تواند مجازات مرتکب را یک درجه تخفیف دهد.
 - در بعضی جرائم که نسبت به افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی ارتکاب می‌یابد، چنانچه مرتکب با هر سمتی عهده‌دار مراقبت و نگهداری از طفل یا نوجوان بوده یا بزه‌دیده از اطفال و نوجوانانی باشد که موضوع این قانون باشد، دادگاه نمی‌تواند حکم به حداقل مجازات قانونی یا کمتر از آن صادر نماید و حداقل مجازات مرتکب در این موارد بیش از میانگین حداقل تا حداکثر مجازات قانونی آن جرم خواهد بود؛ ماده ۲۲ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳: «در موارد زیر مرتکب جرم به بیش از میانگین حداقل و حداکثر تا حداکثر مجازات مقرر قانونی محکوم خواهد شد:
- الف) مرتکب جرائم موضوع مواد (۱۰)، (۱۱)، (۱۲) و (۱۳) این قانون از افرادی باشد که سمت ولایت، وصایت، قیمومت یا سرپرستی دارد یا به هر نحو مراقبت و نگهداری از طفل و نوجوان بر عهده او می‌باشد.

ب) مرتکب از کم‌توانی ذهنی یا جسمی طفل و نوجوان در جرائم موضوع مواد (۸) تا (۱۶) این قانون سوءاستفاده کرده باشد.

پ) در صورتی که مرتکب به صورت مکرر مرتکب جرم علیه طفل و نوجوان شده باشد.

✓ نحوه اعمال ماده ۳۷ ق.م.ا نسبت به مجازات‌های درجه ۸: با توجه به اینکه مجازات‌های درجه ۸ از حداقل ممکن واحد مجازات شروع می‌شوند، تقلیل موضوع ماده ۳۷ ق.م.ا نسبت به مجازات‌های درجه ۸ منتفی است؛ اما تبدیل آن طبق مقررات مربوط بلامانع می‌باشد؛ مانند مجازات حبس که لازم نیست ماده ۳۷ ق.م.ا در آن اعمال گردد؛ چون مجازات درجه ۸ تا سه ماه حبس است و موضوع از مصادیق تبدیل حبس به جایگزین‌های حبس مطابق مواد ۶۴ و ۶۵ ق.م.ا می‌باشد؛ اما در مورد شلاق به نظر می‌رسد که با توجه به ملاک بند ت ماده ۳۷ ق.م.ا تبدیل شلاق به جزای نقدی مندرج در همان درجه بلامانع است؛ بدیهی است تبدیل جزای نقدی به سایر مجازات‌ها به حال متهم مساعدتر نبوده؛ لذا موضوعاً چنین تبدیلی منتفی است.

✓ تبدیل مجازات مطابق قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸ با آخرین اصلاحات تا تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۸:

- تبدیل الزامی: در هر مورد که در قوانین مجازات تعزیری موضوع تخلفات رانندگی می‌باشد از این پس به جای حبس یا مجازات تعزیری حکم به جزای نقدی از هفتاد هزار و یک (۷۰۰۰۱) ریال تا یک میلیون (۱۰۰۰۰۰۰) ریال صادر می‌شود. (اصلاحی ۱۳۹۹/۲/۲۳) (بند ۱ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین)

- تبدیل اختیاری: هرگاه حداکثر مجازات بیش از نود و یک روز حبس و حداقل آن کمتر از این باشد دادگاه مخیر است که حکم به بیش از سه ماه حبس یا جزای نقدی از هفتاد هزار و یک (۷۰۰۰۱) ریال تا سه میلیون (۳۰۰۰۰۰۰) ریال بدهد. (بند ۲ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین)

- در صورتی که مجازات حبس با جزای نقدی توأم باشد و به جای حبس و مجازات تعزیری جزای نقدی مورد حکم واقع شود هر دو مجازات نقدی جمع خواهد شد. (بند ۳ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین)

✓ نحوه تخفیف مجازات، مطابق ماده ۳۸ قانون مبارزه با مواد مخدر اصلاحی مصوب ۱۳۸۶/۸/۱۷ با آخرین اصلاحات تا ۱۳۹۶/۷/۱۲: دادگاه می‌تواند در صورت وجود جهات مخففه مجازات‌های تعزیری مقرره در این قانون را تا نصف حداقل مجازات آن جرم تخفیف دهد در صورتی که مجازاتی فاقد حداقل باشد همان مجازات تا نصف تخفیف می‌یابد. میزان تخفیف در احکام حبس ابد ۱۵ سال خواهد بود و در مورد مجازات اعدام تقاضای عفو و تخفیف مجازات به کمیسیون عفو ارسال خواهد شد.

تبصره - کلیه محکومینی که پس از صدور حکم به نحوی با نیروی انتظامی یا سازمان عمل‌کننده همکاری نمایند و اقدام آنها منجر به کشف شبکه‌ها گردد دادگاه صادرکننده رأی می‌تواند با تقاضای نیروی انتظامی و یا سازمان عمل‌کننده بر اساس اسناد مربوطه، مجازات وی را ضمن اصلاح حکم سابق صدور تا نصف تخفیف دهد.

با توجه به ماده ۴۵ الحاقی ۱۳۹۶ قانون مبارزه با مواد مخدر که در راستای تعیین مجازات حد اعدام به عنوان افساد فی الارض در مواردی بر آمده است که مجازات قانونی آنها اعدام یا حبس ابد بوده ولی واجد حداقل یکی از شرایط ماده ۴۵ بوده‌اند باید بیان داشت که، اگر شرایط ماده ۴۵ در مورد چنین جرائمی احراز نشود و مجازات قانونی‌شان اعدام باشد به جای اعدام؛ حبس درجه ۱ تا ۳۰ سال و جزای نقدی درجه ۱ تا ۲ برابر حداقل آن و اگر مجازات قانونی‌شان حبس ابد باشد؛ حبس درجه ۲ و جزای نقدی درجه ۲ اعمال می‌شود. همچنین تبصره ماده ۴۵ الحاقی ۱۳۹۶ چنین بیان داشته است: تبصره - در مورد جرائم موضوع این قانون که مجازات حبس بیش از پنج سال دارد در صورتی که حکم به حداقل مجازات قانونی صادر شود، جز در مورد مصادیق تبصره ماده (۳۸)، مرتکب از تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط و سایر نهادهای ارفاقی به‌استثنای عفو مقام معظم رهبری مذکور در بند (۱۱) اصل یکصد و دهم (۱۱۰) قانون اساسی بهره‌مند نخواهد شد و در صورتی که حکم به مجازات بیش از حداقل مجازات قانونی صادر شود دادگاه می‌تواند بخشی از مجازات حبس را پس از گذراندن حداقل مجازات قانونی به مدت پنج تا ده سال تعلیق کند. بنابراین در جرائم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر که مجازات قانونی‌شان بیش از ۵ سال حبس باشد:

۱. اگر مجرم به حداقل مجازات قانونی محکوم شود، از کلیه نهادهای ارفاقی محروم است، جز امکان تخفیف تا نصف حداقل مجازات در صورت همکاری با مأموران (موضوع تبصره ماده ۳۸ قانون مبارزه با مواد مخدر) و امکان عفو رهبری (اصل ۱۱۰ قانون اساسی).
۲. اگر مجرم به بیش از حداقل مجازات قانونی محکوم شود، دادگاه می‌تواند بخشی از مجازات حبس را پس از طی حداقل مجازات قانونی به مدت ۵ تا ۱۰ سال تعلیق کند.

*** آثار جهات تخفیف نسبت به اقدامات تأمینی:** اقدامات تأمینی را تدابیری پیشگیرنده تعریف کرده‌اند که درباره بزهکاران خطرناک به موجب حکم دادگاه اتخاذ می‌شود. در این باره که آیا دادگاه‌ها می‌توانند با احراز جهات تخفیف تدابیر مذکور را تخفیف دهند و اصولاً طبع این تدابیر مستعید تخفیف و تبدیل است، حقوقدانان نظریات مختلفی دارند. علی‌القاعده تصمیم مرجع قضایی به تقلیل یا تبدیل این اقدامات تابع تغییر وضع محکوم‌علیه و در نهایت رفع حالت خطرناک او است. اختیاری که در چنین مواردی به دادگاه داده می‌شود، تجدیدنظر در تصمیم‌های نخستین است؛ زیرا قاعده فراغ دادرسی علی‌الاصول در این جا جاری نیست.

اسباب تشدید مجازات

کیفیات و اوصافی است که قانونگذار تعیین کرده و با احراز آنها به بیش از حداکثر مجازات مقرر در قانونی برای همان جرم و یا به حداکثر مجازات آن جرم حکم داده خواهد شد.

«تشدید مجازات» یعنی افزودن مجازات بر میزانی که در قانون برای آن عمل مشخص شده است. این تشدید در برخی موارد به صورت افزودن به میزان مجازات از حداکثری که قانون تعیین کرده است و در برخی موارد، الزام قاضی به تعیین حداکثر مجازات برای مرتکب ظاهر می‌شود. اصل قانونی بودن مجازات ایجاب می‌کند که نه فقط مجازات توسط قانونگذار تعیین شود، بلکه میزان تشدید مجازات هم توسط قانونگذار تعیین شود.

تقسیم‌بندی جهات تشدید مجازات

۱. جهات تشدید عینی و شخصی

• **جهات تشدید عینی (یا نوعی یا موضوعی یا واقعی):** جهات مذکور وقایع خارجی است که اگر با افعال مادی جرم همراه باشد بر شدت و خطرناکی آن می‌افزاید، بنابراین موجب تشدید مجازات می‌گردد؛ به عبارت دیگر جهات تشدید مجازات عینی، واقعیات خارجی است که توأم با ارتکاب جرم بوده و جرم را به نحو خاصی خطرناک می‌سازد. علل مشدده وقتی نوعی و موضوعی است، که برگشت آنها به عمل است و در مورد مجازات همه مرتکبین مؤثر است؛ برای مثال اگر کسی سرقت مسلحانه از منزلی انجام دهد، مجازات سرقت افزایش پیدا می‌کند. مثال دیگر برای تشدید نوعی، تعدد جرم می‌باشد. انواع کیفیات مشدده عینی:

✓ **تعدد مجرم یا سبق تصمیم:** به استناد ماده ۳ قانون کیفر بزه‌های راه‌آهن: «هر گاه بزه‌های مذکور در ماده یک و دو در اثر توطئه و تبانی دو نفر یا بیشتر انجام یابد یک ثلث از کیفری که قطع نظر از تبانی برای مرتکب منظور می‌شود به کیفر مرتکب افزوده خواهد شد»

✓ **عنف و آزار و جرح:** به استناد ماده ۶۵۲ ق.م.ا. تعزیرات: «هرگاه سرقت مقرون به آزار باشد و یا سارق مسلح باشد به حبس از سه ماه تا ده سال و شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می‌شود و اگر جرحی نیز واقع شده باشد علاوه بر مجازات جرح به حداکثر مجازات مذکور در این ماده محکوم می‌گردد.»

✓ **زمان و مکان:** به دلیل حرمت بعضی ایام، مانند ماه محرم یا مکان‌های شریف مانند مسجدالحرام، در برخی موارد وقوع جرم در این زمان‌ها و یا مکان‌ها موجب تشدید مجازات می‌گردد. (قتل در ماه‌های حرام و حرم مکه موجب تغلیظ دیه است) همچنین ارتکاب سرقت در شب و یا ورود مأمورین دولتی بدون اجازه صاحب منزل، باعث تشدید مجازات است. به کار بردن اسلحه، در جرم ترمذ نسبت به مأمورین دولتی موضوع ماده ۶۰۷ ق.م.ا. تعزیرات، باعث تشدید مجازات است.

• **جهات تشدید شخصی:** این جهات از این جهت شخصی نامیده می‌شود که به اوصاف و صفات بزهکار، اعم از مباشر، معاون و شرکای جرم بستگی پیدا می‌کند؛ به عبارت دیگر جهات تشدید مجازات در صورتی شخصی است که به علت شخصیت مرتکب تشدید شده است. مثل سمت مأموران دولتی در جرم جعل مدارک اشتغال.

انواع کیفیات مشدد شخصی:

* **کفر:** کفر مطابق بند پ ماده ۲۲۴ در جرم زنا «حد زنا در موارد زیر اعدام است: پ- زناي مرد غير مسلمان با زن مسلمان که موجب اعدام زانی است» و تبصره ۱ ماده ۲۳۴ و تبصره ماده ۲۳۶ ق.م.ا در جرائم لواط و تفخیذ، «در صورتی که فاعل غیرمسلمان و مفعول، مسلمان باشد، حد فاعل اعدام است»، باعث اعمال مجازات شدیدتر نسبت به غیرمسلمان در مقایسه به شخص مسلمان است.

* **سردستگی گروه مجرمانه:** هرکس سردستگی یک گروه مجرمانه را بر عهده گیرد به حداکثر مجازات شدیدترین جرمی که اعضای آن گروه در راستای اهداف همان گروه مرتکب شوند، محکوم می‌گردد. (ماده ۱۳۰ ق.م.ا)

۲. جهات تشدید عام و خاص

- **جهات تشدید عام:** اوصافی هستند که با هر جرمی همراه شوند، باعث تشدید مجازات می‌شوند و به جرم خاصی تعلق ندارند؛ به عبارت دیگر جهات تشدید مجازات عام، مختص جرم خاصی نیست؛ بلکه کیفیاتی هست که هرگاه مقارن هر جرمی باشد، موجب تشدید مجازات آنها خواهد بود. مثل تعدد و تکرار جرم.
- **جهات تشدید خاص:** این جهات مخصوص همه جرائم نیستند و قانونگذار آنها را در جرائم خاصی مشخص کرده است؛ مانند تمام مثال‌هایی که پیش از این بیان شد؛ به عبارت دیگر، جهات تشدید مجازات خاص، کیفیاتی است مربوط به جرم مشخص و موجب تشدید مجازات همان جرم است.

۳. جهات تشدید اختیاری و اجباری

- **جهات تشدید اختیاری:** اوصافی هستند که اگر با جرمی همراه شوند، قاضی می‌تواند مجازات را تشدید نماید، یعنی اختیار در تشدید مجازات دارد و مکلف به تشدید مجازات نمی‌باشد؛ به عبارت دیگر کیفیات مشدده اختیاری کیفیاتی است که بر حسب تشخیص قاضی ممکن است موجب تشدید مجازات باشد و رعایت آن در اختیار قاضی است.
- **جهات تشدید اجباری:** اوصافی هستند که اگر با جرمی همراه شوند، قاضی مکلف به تشدید مجازات می‌باشد؛ به عبارت دیگر تشدید اجباری به این معنی است که (این عوامل) بر طبق قانون موجب تشدید مجازات است و قاضی ناگزیر از رعایت آن می‌باشد.

تعدد جرم

تعریف تعدد جرم از نظر دکتر ملاکریمی: «تعدد جرم، عبارت است از ارتکاب جرائم متعدد، بدون صدور حکم محکومیت کیفری قطعی علیه متهم، به سبب اتهامات متعدد او؛ تفاوتی ندارد که جرائم متعدد در فاصله زمانی کوتاه یا فاصله زمانی زیاد اتفاق افتاده باشد، همچنین تفاوتی ندارد که متهم متواری بوده و یا جرائم او به هر دلیلی کشف نشده باشد»؛ به عبارت دیگر تعدد جرم، وضعیت مجرمی است که مرتکب چندین جرم شده ولی هیچ کدام از آنها مورد رسیدگی قرار نگرفته است و به طور کلی هنوز حکم قطعی لازم‌الاجراء صادر نشده است.

تعدد جرم در جرائم موجب حد

ماده ۱۳۲ قانون مجازات اسلامی: «در جرائم موجب حد، تعدد جرم، موجب تعدد مجازات است؛ مگر در مواردی که جرائم ارتكابی و نیز مجازات آنها یکسان باشد.

- تبصره ۱- چنانچه مرتکب به اعدام و حبس یا اعدام و تبعید محکوم گردد، تنها اعدام اجرا می‌شود.
- تبصره ۲- چنانچه دو یا چند جرم حدی در راستای هم و در یک واقعه باشند، فقط مجازات اشد اجرا می‌شود؛ مانند تفخیذ در هنگام لواط که تنها مجازات لواط اجرا می‌شود.

تبصره ۳- اگر مرد و زنی چند بار با یکدیگر مرتکب زنا شوند، چنانچه مجازات اعدام و جلد یا رجم و جلد ثابت باشد، تنها اعدام یا رجم حسب مورد اجرا می‌شود.

تبصره ۴- چنانچه قذف، نسبت به دو یا چند نفر باشد، دو یا چند مجازات اجرا می‌گردد.»

با توجه به ماده فوق، تعدد جرم در جرائم موجب حد ۲ نوع است:

۱. **تعدد در حدود از نوع مختلف:** در مورد جرائم متعدد حدی، از نوع مختلف، قاعده جمع مجازات‌ها اعمال می‌شود؛ به طور مثال اگر کسی مرتکب حد قذف، سرقت حدی و زنا شود، برای ارتکاب هر کدام از این جرائم، مجازات حدی که مقرر است، تعیین و به وی تحمیل می‌شود.

۲. **تعدد در حدود از نوع واحد:** اگر جرائم متعدد مستوجب حدی که فرد مرتکب آنها شده است از نوع جرم و مجازات یکسان (غیرمختلف) باشند، یک مجازات تعیین می‌گردد؛ به طور مثال اگر فردی مرتکب سه فقره سرقت مستوجب حد گردد، و حکم محکومیت کیفری قطعی علیه او صادر نشده باشد، فقط یک حد بر او جاری می‌شود. اگر دو یا چند جرم حدی در راستای هم و در یک واقعه باشد، فقط مجازات جرم اشد اجرا می‌شود؛ مانند تفخید در هنگام لواط که تنها مجازات لواط اجرا می‌شود (تبصره ۲ ماده ۱۳۲ ق.م.ا) در مورد حد زنا اگر مرد و زنی چند بار با یکدیگر مرتکب زنا شوند، چنانچه مجازات اعدام و جلد یا رجم و جلد ثابت باشد، تنها اعدام یا رجم حسب مورد اجرا می‌شود (تبصره ۳ ماده ۱۳۲ ق.م.ا)

تعدد جرم در جرائم موجب حد	
اصل	در جرائم موجب حد، در صورت تعدد جرم، جمع مجازات‌ها اجرا می‌شود. اجرای حد قذف در صورت مطالبه فوری صاحب حق بر اجرای دیگر مجازات‌های حدی مقدم است. (تبصره ۲ ماده ۱۷ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه)
استثنا	اگر نوع جرم حدی و مجازات آنها یکسان باشد، فقط یک حد جاری می‌شود؛ مگر در مورد قذف. (ماده ۱۳۲ ق.م.ا و تبصره ۴ آن) برای مثال شخصی با پنج نفر زنا کرده باشد، فقط به ۱۰۰ ضربه شلاق محکوم می‌شود.
	اگر مجازات اعدام و حبس باشد: فقط اعدام اجرا می‌شود (تبصره ۱ ماده ۱۳۲ ق.م.ا)
	اگر مجازات اعدام و تبعید باشد: فقط اعدام اجرا می‌شود (تبصره ۱ ماده ۱۳۲ ق.م.ا) برای مثال در فرضی که شخصی به دلیل ارتکاب محاربه به تبعید حدی و به دلیل ارتکاب افساد فی الارض به اعدام حدی محکوم شده باشد، تنها اعدام اجرا می‌شود.
	اگر مجازات و اعدام و شلاق باشد: فقط اعدام اجرا می‌شود (تبصره ۳ ماده ۱۳۲ ق.م.ا) برای مثال مرد و زن واحدی، یک مرتبه با رضایت زن مرتکب زنا شده‌اند و مرتبه دیگر با عنف مرتکب زنا شده‌اند، در این صورت فقط اعدام به دلیل زنا با عنف جاری می‌شود و نسبت به زنا اول شلاق جاری نمی‌شود.
	اگر مجازات رجم و شلاق باشد: فقط رجم اجرا می‌شود. (تبصره ۳ ماده ۱۳۲ ق.م.ا) اگر رجم تبدیل به شلاق شود (ماده ۲۲۵ ق.م.ا) مجازات‌ها با هم جمع می‌شوند. (ماده ۲۴ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه)
	اگر دو جرم حدی در راستای هم و در یک واقعه باشد: مجازات اشد اجرا می‌شود، مثل تفخید و لواط که فقط لواط اجرا می‌شود (تبصره ۲ ماده ۱۳۲ ق.م.ا)
نکته	در غیر از فرض قصاص نفس: اگر مجازات سلب حیات همراه با این مجازات‌ها باشد: (ماده ۲۱ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود)
	سلب حیات و حبس: فقط سلب حیات اجرا می‌شود.
	سلب حیات و تبعید: فقط سلب حیات اجرا می‌شود.
	سلب حیات و نفی بلد: فقط سلب حیات اجرا می‌شود.

تعدد در قذف

هر چند اصل بر آن است که در جرائم حدی متعدد که نوع و میزان مجازات آنها یکسان است، تنها یک حد به اجرا درمی‌آید؛ اما استثنائاً در حد قذف شرایط به گونه دیگری است و بابت هر قذف حد جداگانه به اجرا درمی‌آید، حالت‌های قذف و مجازات آن:

۱. قذف یک نفر: در صورتی که شخصی، دیگری را چند مرتبه قذف کند، بابت همه آنها فقط به یک حد محکوم می‌شود، اعم از آن که به همان سبب بوده باشد یا به سبب دیگر؛ برای مثال در فرضی که شخصی یک بار به مخاطب نسبت زنا و یک بار نسبت لواط بدهد، فقط به یک حد قذف محکوم می‌شود؛ مطابق ماده ۲۵۸ ق.م.ا: «کسی که دیگری را به یک یا چند سبب، یکبار یا بیشتر قبل از اجرای حد، قذف نماید فقط به یک حد محکوم می‌شود، لکن اگر پس از اجرای حد، قذف را تکرار نماید حد نیز تکرار می‌شود و اگر بگوید آنچه گفته‌ام حق بود به سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش محکوم می‌گردد.»

۲. قذف دو یا چند نفر: در این صورت بسته به اینکه مرتکب، مخاطبان را با هم قذف کرده باشد یا جداگانه، شرایط متفاوت است:

● اگر هر یک را به طور جداگانه قذف کرده باشد: در هر حال برای هر یک از قذف‌شوندگان، حد مستقلی به اجرا درمی‌آید؛ اعم از آن که با یک لفظ بوده باشد یا با الفاظ متفاوت و اعم از آن که قذف‌شوندگان با هم شکایت کرده باشند یا جداگانه؛ مطابق ماده ۲۵۶ ق.م.ا: «کسی که چند نفر را به طور جداگانه قذف کند خواه همه آنها با هم، خواه جداگانه شکایت کنند، در برابر قذف هر یک، حد مستقلی بر او جاری می‌شود.»

● اگر همه را با هم قذف کرده باشد: در این فرض چنانچه قذف همگی به یک لفظ بوده باشد (مثلاً به همه حاضرین جمع بگوید: «شما زناکارید.») و آنان نیز با هم شکایت کنند، فقط یک حد قذف به اجرا درمی‌آید؛ اما اگر هر یک از آنان به تنهایی شکایت کنند، بابت هر یک از آنان، مستقلاً حد قذف جاری می‌شود، در مواردی که قذف، با لفظ واحد نبوده باشد (مثلاً به بعضی از حاضرین جمع بگوید: «شما زناکارید» و به بعضی دیگر از حاضرین جمع بگوید: «شما لواط‌کارید».) بابت هر یک، به طور جداگانه حد قذف به اجرا درمی‌آید. مطابق ماده ۲۵۷ ق.م.ا: «کسی که چند نفر را به یک لفظ قذف نماید هر کدام از قذف‌شوندگان می‌تواند جداگانه شکایت نماید و در صورت صدور حکم محکومیت، اجرای آن را مطالبه کند. چنانچه قذف‌شوندگان یکجا شکایت نمایند بیش از یک حد جاری نمی‌شود.»

تعدد جرم قذف (مواد ۲۵۶ و ۲۵۷ ق.م.ا)		
بابت همه آنها فقط به یک حد محکوم می‌شود.		شخصی دیگری را چند مرتبه قذف کند
بابت هر قذف حد مستقلی اجرا می‌شود.	هر فرد را به طور جداگانه قذف کرده باشد	شخصی دو یا چند فرد را قذف کند
قذف افراد با یک لفظ باشد و همه با هم شکایت کنند: یک حد قذف اجرا می‌شود	چند فرد را با هم قذف کرده باشد	
قذف افراد با یک لفظ باشد و همه با هم شکایت نکنند: بابت هر قذف حد مستقلی اجرا می‌شود.		
قذف افراد با یک لفظ نباشد: بابت هر قذف حد مستقلی اجرا می‌شود.		

تعدد جرم موجب حد همراه جرم موجب قصاص

در فرض تعدد جرائم موجب حد و قصاص قانونگذار قائل به جمع مجازات‌ها شده است و در ماده ۱۳۳ ق.م.ا چنین مقرر می‌دارد: «در تعدد جرائم موجب حد و قصاص، مجازات‌ها جمع می‌شود. لکن چنانچه مجازات حدی، موضوع قصاص را از بین ببرد یا موجب تأخیر در اجرای قصاص گردد، اجرای قصاص، مقدم است و در صورت عدم مطالبه فوری اجرای قصاص یا گذشت یا تبدیل به دیه، مجازات حدی اجرا می‌شود.»

تعّد جرم مستوجب حد با جرم مستوجب قصاص (ماده ۱۳۳ ق.م.ا)	
اصل	مجازات‌ها با یکدیگر جمع می‌شوند و در مقام اجرا اولویت با اجرای حد است. برای مثال (الف)، (ب) را قذف کرده و انگشت (ج) را قطع کرده است، به علت قذف به شلاق حدی محکوم شده و پس از آن به علت قطع انگشت به قصاص عضو محکوم می‌شود.
استثناء	در یک حالت و با جمع شرایط زیر اجرای قصاص بر مجازات حدی مقدّم خواهد بود: ۱. اجرای مجازات حدی، موضوع قصاص را از بین ببرد یا موجب تأخیر در اجرای قصاص گردد. ۲. صاحب حق قصاص، فوراً تقاضای اجرای آن را بنماید و گرنه مجازات حدی به اجرا درمی‌آید؛ ولو آن که اجرای آن زمینه اجرای قصاص را از بین ببرد برای مثال شخصی به دلیل قطع عضو عمدی و محاربه به ترتیب به قصاص عضو و تبعید حدی محکوم شده باشد، ابتدا قصاص عضو به اجرا در می‌آید؛ زیرا مدت تبعید در محاربه حداقل یک سال است و اجرای آن موجب تأخیر در اجرای قصاص می‌شود.

تعّد جرم در جرائم موجب تعزیر

تعّد جرم در جرائم موجب تعزیر ۲ نوع است: ۱- تعّد واقعی ۲- تعّد اعتباری

۱. تعّد اعتباری (تعّد معنوی یا فرضی) ماده ۱۳۱ ق.م.ا

تعّد اعتباری از نظر دکتر ملاکریمی عبارت است از: «حالت مجرمی که مرتکب رفتاری شده است؛ که این رفتار دارای عناوین متعدّد قانونی است؛ به عبارت دیگر یک رفتار با چند عنوان مجرمانه در قانون منطبق است» به عبارت دیگر هرگاه رفتار واحد دارای عناوین متعدّد مجرمانه باشد، با حالت تعّد اعتباری مواجه هستیم، در این حالت مجرم به مجازات اشد محکوم می‌شود؛ یعنی مجازات جرمی که شدیدتر است. لازم به ذکر است که در این فرض یعنی اعمال مجازات اشد قاضی می‌تواند بین حداقل و حداکثر آن مجازات، انتخاب کند و مکلف به تعیین حداکثر مجازات نیست. در فرض تعّد اعتباری، اگر یکی از عناوین از بین رفت و بر آن عنوان مجرمانه حکم صادر شده بود، دیگر مجرم را نمی‌توان مجازات کرد؛ زیرا دیگر عنوانی برای مجازات وجود ندارد.

ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی: «در جرائم موجب تعزیر هرگاه رفتار واحد، دارای عناوین مجرمانه متعدد باشد، مرتکب به مجازات اشد، محکوم می‌شود.»

✓ حکم مندرج در این ماده ناظر به جرائم تعزیری است.

✓ قانونگذار در ماده فوق به بیان تعّد اعتباری پرداخته است؛ منظور از تعّد اعتباری حالتی است که رفتار واحد متضمّن مصادیق مجرمانه متعدّد باشد و مرتکب با یک رفتار، مرتکب چند جرم می‌شود؛ برای مثال در فرضی که شخصی مال امانی را به فروش می‌رساند، با یک رفتار فروش مال امانی، مرتکب دو جرم انتقال مال غیر و خیانت در امانت شده است، یا در فرضی که شخصی از طریق تلفن با دیگری تماس گرفته و با او دشنام دهد، با یک رفتار؛ یعنی تلفن زدن مرتکب دو جرم توهین و مزاحمت تلفنی شده است. در فرض تعّد اعتباری، مرتکب به مجازات جرم شدیدتر محکوم می‌شود؛ برای مثال در جرم فروش مال امانی، مرتکب به مجازات انتقال مال غیر محکوم می‌گردد؛ زیرا مجازات این جرم یک تا هفت سال حبس بوده و از مجازات جرم خیانت در امانت یعنی شش ماه تا سه سال حبس شدیدتر محسوب می‌شود؛ یا در مثال دوم یعنی توهین و مزاحمت تلفنی، مرتکب به مجازات توهین محکوم می‌شود؛ زیرا توهین یک جرم درجه شش اما مزاحمت تلفنی یک جرم درجه هفت است.

✓ تعّد اعتباری به مجموع جرائم نیز اطلاق می‌شود که در قانون وصف خاصی پیدا کرده است. در مواردی قانونگذار به جای آن که دو یا چند جرم را جداگانه مشمول مجازات قرار دهد، به دلیل جدانپذیری جرائم، یک جرم را کیفیت مشدد جرم دیگر محسوب نموده است. برای مثال شکستن حرز محل سکنی برای سرقت، دو جرم سرقت و ورود غیرمجاز به منزل اشخاص و سرقت تلقی نمی‌شود؛ بلکه یک

جرم سرقت با هتک حرز (ماده ۶۵۶ ق.م.ا تعزیرات) محسوب می‌شود؛ همچنین سرقت مقرون به آزار (ماده ۶۵۲ ق.م.ا تعزیرات) و یا سرقت مسلحانه و قطع الطريق (ماده ۲۸۱ ق.م.ا) هر یک عنوان و وصف خاصی دارند که عموماً قانونگذار جهات تشدید را در تعیین میزان مجازات لحاظ کرده است. از این رو قانونگذار در بند د ماده ۱۳۴ ق.م.ا مقرر نموده است: «در صورتی که مجموع جرائم ارتكایی در قانون عنوان مجرمانه خاصی داشته باشد، مقررات تعدد جرم اعمال نمی‌شود و مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شود»

مصادیق تعدد اعتباری

- استفاده از سند مجعول و کلاهبرداری (ولی جعل و کلاهبرداری تعدد مادی است)
- انتقال سهم الارث با جعل امضاء
- ترک انفاق خانواده (برای ترک انفاق یک خانواده چند نفره، فقط یک مجازات اعمال می‌گردد، نه بیشتر؛ چون از مصادیق تعدد اعتباری است)
- خرید و نگهداری مواد مخدر به مقدار کم جهت استعمال.
- انتقال مال غیر و خیانت در امانت: به طور مثال اگر (الف) مال خود را به عنوان امانت به شخص (ب) بسپارد و این شخص بدون اجازه مالک مال او را بفروشد؛ رفتار واحد او با دو عنوان مجرمانه منطبق است؛ یکی جرم خیانت در امانت و دیگری جرم انتقال مال غیر که در حکم کلاهبرداری است.
- رانندگی بدون گواهینامه و صدمه بدنی غیر عمدی بر اثر نقض قوانین راهنمایی و رانندگی: مطابق رأی وحدت رویه ۶۳۸ - ۱۳۷۸/۶/۹: «به صراحت ماده ۷۱۸ قانون مجازات اسلامی ناظر به مواد ۷۱۴ الی ۷۱۷ قانون که مقرر داشته هر گاه راننده یا متصدی وسایل موتوری که در حین رانندگی مرتکب قتل غیر عمد شده در موقع وقوع جرم مست بوده یا پروانه نداشته باشد... به بیش از دوسوم حداکثر مجازات مذکور در مواد فوق محکوم خواهد شد موضوع از مصادیق بارز تعدد معنوی جرم می‌باشد؛ زیرا چنانچه نظر موقت بر اعمال مقررات مربوط به تعدد مادی جرم بوده که مستلزم تعیین مجازات جداگانه برای هریک از جرائم مزبور می‌باشد. با وجود مواد ۷۱۴ و ۷۲۳ و ۴۷ قانون مجازات اسلامی دیگر نیازی به وضع ماده ۷۱۸ آن قانون نبوده و با این اوصاف نداشتن پروانه رانندگی در چنین وضعیتی از موجبات مشدده جرم است که در خود قانون، مجازات خاصی برای آن در نظر گرفته شده است»

مجازات تعدد اعتباری

همچنان که در تعریف تعدد اعتباری گفته شد، اگر رفتاری واحد، عنصر مادی جرائم متعدد را تشکیل دهد، به اعتبار عنوان‌های مجرمانه متعدد قابل تعقیب کیفری است. مانند فرشی که به عنوان امانت به کسی سپرده شده است و امین از استرداد مال خودداری می‌کند و سپس مال را به شخص ثالث منتقل می‌کند. این رفتار واحد دو عنوان مجرمانه است؛ خیانت در امانت (ماده ۶۷۴ ق.م.ا تعزیرات) و انتقال مال غیر (ماده ۱ قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر مصوب ۱۳۰۸) در این صورت به موجب ماده ۱۳۱ ق.م.ا: «...مرتکب به مجازات اشد محکوم می‌شود» و چون مجازات جرم انتقال مال غیر مصداق کلاهبرداری است (حبس از ۱ تا ۷ سال و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است) اشد از مجازات خیانت در امانت (حبس از ۶ ماه تا ۳ سال) است؛ دادگاه مکلف است مرتکب را به مجازات کلاهبرداری محکوم کند؛ ولی دادگاه در تعیین مجازات کلاهبرداری بین حداقل و حداکثر مجازات مقرر قانونی مختار است.

۲. تعدد واقعی (تعدد مادی) ماده ۱۳۴ ق.م.ا

تعدد واقعی از نظر دکتر ملاکریمی عبارت است از: «حالت مجرمی که مرتکب چند رفتار مجرمانه مستقل شده است، بدون آن که در فاصله مابین آنها تعقیب یا برای اتهامات متعدد پیشین او، علیه‌اش محکومیت کیفری قطعی صادر شده باشد» به عبارت دیگر ارتکاب چند جرم بدون اینکه درباره آنها رسیدگی شده و حکمی صادر شده باشد.

ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی: «در تعدد جرائم تعزیری، تعیین و اجرای مجازات به شرح زیر است: (اصلاحی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳)

الف - هرگاه جرائم ارتكابی مختلف نباشد، فقط يك مجازات تعيين می‌شود و در این صورت، دادگاه می‌تواند مطابق ضوابط مقرر در این ماده که برای تعدّد جرائم مختلف ذکر شده، مجازات را تشدید کند.

ب - در مورد جرائم مختلف، هرگاه جرائم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد، حداقل مجازات هر يك از آن جرائم، بیشتر از میانگین حداقل و حداکثر مجازات مقرر قانونی است.

پ - چنانچه جرائم ارتكابی مختلف، بیش از سه جرم باشد، مجازات هر يك، حداکثر مجازات قانونی آن جرم است. در این صورت دادگاه می‌تواند مجازات هر يك را بیشتر از حداکثر مجازات مقرر قانونی تا يك چهارم آن تعيين کند.

ت - در تعدّد جرائم درجه هفت و درجه هشت با يكديگر، حسب مورد مطابق مقررات این ماده اقدام می‌شود و جمع جرائم درجه هفت و درجه هشت با درجه شش و بالاتر سبب تشدید مجازات جرائم اخیر نمی‌شود. در جمع این جرائم با جرائم درجه شش و بالاتر، به طور جداگانه برای جرائم درجه هفت و درجه هشت مطابق این ماده تعيين مجازات می‌شود و در هر صورت مجازات اشد قابل اجراء است.

ث - در هر يك از بندهای فوق، فقط مجازات اشد مندرج در دادنامه قابل اجراء است و اگر مجازات اشد به يکی از علل قانونی تقلیل یابد یا تبدیل شود یا به موجبی از قبیل گذشت شاکی خصوصی، نسخ مجازات قانونی یا مرور زمان غیرقابل اجراء گردد، مجازات اشد بعدی اجراء می‌شود و در این صورت میزان مجازات اجراء شده قبلی در اجرای مجازات اشد بعدی محاسبه می‌شود. آزادی مشروط، تعلیق اجرای مجازات و عفو در حکم اجراء است.

ج - در هر مورد که مجازات قانونی فاقد حداقل یا ثابت باشد، اگر جرائم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد دادگاه می‌تواند تا يك ششم و اگر بیش از سه جرم باشد تا يك چهارم به اصل آن اضافه کند.

چ - در صورتی که در جرائم تعزیری، از رفتار مجرمانه واحد، نتایج مجرمانه متعدد حاصل شود، مرتکب به مجازات جرم اشد محکوم می‌شود. ح - هرگاه در قانون برای جرمی يکی از مصادیق مجازات‌های مندرج در مواد (۲۳) یا (۲۶) این قانون به‌عنوان مجازات اصلی مقرر شده باشد، آن مجازات در هر صورت اجراء می‌شود، حتی اگر مربوط به مجازات غیر اشد باشد. همچنین اگر مجازات اشد وفق ماده (۲۵) این قانون، فاقد آثار تبعی و مجازات خفیف‌تر دارای آثار تبعی باشد، علاوه بر مجازات اصلی اشد، مجازات تبعی مزبور نیز اجراء می‌شود.

خ - در تعدّد جرم در صورت وجود جهات تخفیف مجازات برای هر يك از جرائم، مطابق مواد (۳۷) و (۳۸) این قانون اقدام می‌شود. د - در صورتی که مجموع جرائم ارتكابی در قانون عنوان مجرمانه خاصی داشته باشد، مقررات تعدّد جرم اعمال نمی‌شود و مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شود.»

✓ حکم مندرج در این ماده ناظر به جرائم تعزیری است.

✓ مقررات ناظر بر تعدّد جرائم موجب تعزیر از يك سو، بر تشدید و از سوی دیگر بر عدم جمع مجازات‌ها استوار است. ز حیث تشدید مجازات، دادگاه مکلف است در مواردی که تا سه جرم ارتکاب یافته باشد، به حداکثر مجازات جرم اشد و در مواردی که متهم بیش از سه جرم مرتکب شده باشد به بیش از حداکثر تا يك چهارم حداکثر مجازات جرم اشد حکم دهد.

✓ هرگاه جرائم ارتكابی همانند (غیرمختلف) باشند، فقط يك مجازات ولو متعدّد (در فرض الزام دادگاه به صدور حکم محکومیت به مجازات‌های ترکیبی) تعیین می‌شود. در این صورت دادگاه می‌تواند مجازات را تشدید کند، به این که به بیش از حداکثر مجازات مقرر تا يك چهارم حداکثر مجازات قانونی حکم دهد.

✓ در فرضی که جرائم ارتكابی ناهمانند (مختلف) باشند، بر حسب تعداد جرائم ارتكابی، احکام مختلفی وارد شده است:

* اگر جرائم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد، دادگاه باید به بیش از میانگین حداقل و حداکثر مجازات قانونی حکم دهد، بدون آنکه از حداکثر مجازات جرم اشد تجاوز کند.

* اگر جرائم ارتكابی بیش از سه جرم باشد، دادگاه باید به حداکثر مجازات قانونی آن جرم حکم دهد، در این صورت نیز دادگاه می‌تواند مجازات هر يك را بیشتر از حداکثر مجازات مقرر قانونی تا يك چهارم آن تعيين کند.

* در هر هر دو صورت فوق مجازات اشد قابل اجرا است.

✓ هرگاه مجازات اشد به علل قانونی مانند گذشت شاکی، مرور زمان، عفو و یا وضع قانون جدید تقلیل یابد یا تبدیل و یا غیرقابل اجرا شود، مجازات اشد بعدی به اجرا گذاشته می‌شود.

✓ تعدد جرائم درجه هفت و درجه هشت با جرائم درجه یک تا شش سبب تشدید مجازات جرائم اخیر نمی‌شود؛ یعنی دادگاه نمی‌تواند بیش از حداکثر مجازات مقرر قانونی به تعیین مجازات بپردازد، در این موارد با فرض اینکه جرائم درجه هفت و هشت مختلف هستند، جداگانه تعیین مجازات می‌گردد و فقط مجازات اشد به اجرا گذاشته می‌شود.

مصادیق تعدد واقعی

- ارتکاب جعل و استفاده از سند مجعول
- ارتکاب جعل و کلاهبرداری
- تخریب منابع طبیعی و محیط زیست به منظور تصرف

مجازات تعدد واقعی

۱. تعدد واقعی در جرائمی که مجازات آنها دارای حداقل و یا حداکثر باشد

- **جرائم متعدّد ارتكابی مختلف نباشد:** فقط یک مجازات تعیین می‌شود و قاضی می‌تواند مجازات را تشدید کند.
- * **تعدد جرائم ۲ یا ۳ فقره باشد:** قاضی می‌تواند حداقل مجازات را افزایش دهد؛ یعنی حداقل مجازات بیش از میانگین حداقل تا حداکثر مجازات مقرر قانونی است. برای مثال اگر کسی سه فقره خیانت در امانت انجام داده باشد، فقط یک مجازات تعیین می‌شود. مجازات خیانت در امانت سه ماه تا یک سال و نیم حبس است و قاضی می‌تواند بیش از ده ماه و نیم مجازات تا یک سال و نیم (۱۸ ماه) حبس تعیین کند.
- * **تعدد جرائم بیش از ۳ فقره باشد:** قاضی می‌تواند حداکثر مجازات را تعیین کند و می‌تواند بیش از حداکثر مجازات مقرر قانونی تا یک چهارم آن تعیین کند. برای مثال اگر کسی چهار فقره خیانت در امانت انجام داده باشد قاضی یک مجازات تعیین می‌کند و می‌تواند همان مجازات قانونی یعنی سه ماه تا یک سال و نیم حبس تعیین کند و می‌تواند حداکثر مجازات را تعیین کند، یعنی یک سال و نیم و حتی می‌تواند بیش از یک سال و نیم، تا یک سال و ده ماه و نیم مجازات تعیین کند.
- **جرائم متعدّد ارتكابی مختلف باشند:** در بعضی موارد حداقل مجازات افزایش می‌یابد در بعضی موارد حداکثر مجازات تعیین می‌شود و قاضی مکلف به تشدید مجازات است.
- * **تعدد جرائم ۲ یا ۳ فقره باشد:** حداقل مجازات افزایش می‌یابد به این صورت که حداقل مجازات در این فرض بیش از میانگین حداقل و حداکثر مجازات مقرر قانونی است (فقط مجازات اشد اجرا می‌شود) برای مثال اگر کسی مرتکب جاسوسی، جعل اسکناس و غصب عناوین دولتی شود، به ترتیب مجازات قانونی این جرائم یک تا پنج سال، یک تا ده سال و شش ماه تا سال حبس می‌باشد؛ که میانگین این جرائم به ترتیب سه سال، پنج سال و نیم، یک سال و سه ماه خواهد بود؛ که در مقام اجرا مجازات اشد؛ یعنی پنج سال و نیم تا ده سال حبس اجرا می‌شود.
- ✓ قاضی برای هر یک از جرائم حداقل مجازات را بیش از میانگین حداقل و حداکثر مجازات قانونی تعیین می‌کند. میانگین حداقل و حداکثر این گونه محاسبه می‌شود:
- برای مثال جرم جاسوسی که حداقل مجازات آن ۱ سال و حداکثر مجازات آن ۵ سال است؛ حداقل و حداکثر مجازات قانونی با هم جمع می‌شوند و تقسیم بر ۲ خواهد شد؛ یعنی ۱ و ۵ با هم جمع می‌شوند تقسیم بر ۲ می‌شوند؛ که عدد ۳ به دست می‌آید؛ بنابراین میانگین حداقل و حداکثر مجازات جرم جاسوسی ۳ تا ۵ سال است.

برای مثال جرم جعل اسکناس حداقل مجازات آن ۱ سال و حداکثر مجازات آن ۱۰ سال است؛ حداقل و حداکثر مجازات قانونی با هم جمع می‌شوند و تقسیم بر ۲ خواهد شد؛ یعنی ۱ و ۱۰ با هم جمع می‌شوند تقسیم بر ۲ می‌شوند؛ که عدد ۵/۵ به دست می‌آید؛ بنابراین میانگین حداقل و حداکثر مجازات جرم جاسوسی ۵ سال و نیم تا ۱۰ سال است.

✓ فقط مجازات اشد از میان ۳ فقره جرم، یعنی مجازات جرم شدیدتر قابل اجرا است و اگر مجازات اشد به یکی از علل قانونی تقلیل یابد یا تبدیل یا غیرقابل اجرا شود، مجازات اشد جرم بعدی اجرا می‌گردد. این نکته در بند ۱ ماده ۱۳۴ ق.م.ا چنین مقرر شده است: «فقط مجازات اشد مندرج در دادنامه قابل اجراء است و اگر مجازات اشد به یکی از علل قانونی تقلیل یابد یا تبدیل شود یا به موجبی از قبیل گذشت شاکی خصوصی، نسخ مجازات قانونی یا مرور زمان غیرقابل اجراء گردد، مجازات اشد بعدی اجراء می‌شود و در این صورت میزان مجازات اجرا شده قبلی در اجرای مجازات اشد بعدی محاسبه می‌شود. آزادی مشروط، تعلیق اجرای مجازات و عفو در حکم اجراء است.»

* **تعدد جرائم بیش از ۳ فقره باشد:** حداکثر مجازات هر جرم تعیین می‌شود و قاضی می‌تواند بیش از حداکثر مجازات تا یک‌چهارم آن تعیین کند (فقط مجازات اشد اجرا می‌شود) برای مثال اگر کسی مرتکب جاسوسی، جعل اسکناس و غصب عناوین دولتی و شهادت کذب شود، به ترتیب مجازات قانونی این جرائم یک تا پنج سال، یک تا ده سال، شش ماه تا دو سال و سه ماه و یک روز تا دو سال حبس می‌باشد؛ قاضی در تعیین مجازات بین حداقل و حداکثر اختیار ندارد و مجازات هر جرم حداکثر مجازات قانونی آن تعیین می‌شود. در این صورت قاضی می‌تواند مجازات هر جرم را بیشتر از حداکثر مجازات مقرر قانونی تا یک‌چهارم آن تعیین کند. برای مثال حداکثر مجازات قانونی جرم جعل اسکناس ۱۰ سال است، قاضی می‌تواند بیش از یک‌چهارم حداکثر آن؛ که از ۱۰ سال و یک روز تا ۱۲ و نیم سال می‌شود مجازات تعیین کند. در این مورد هم فقط مجازات اشد قابل اجرا است و اگر مجازات اشد به یکی از علل قانونی تقلیل یا غیرقابل اجرا شود، مجازات اشد بعدی اجرا می‌گردد.

۲. تعدد واقعی در در جرائمی که مجازات آنها فاقد حداقل و یا حداکثر باشد (مجازات ثابت)

* **تعدد جرائم ۲ یا ۳ فقره باشد:** قاضی می‌تواند تا یک‌ششم به اصل مجازات اضافه کند. برای مثال اگر شخصی مرتکب دو جرم شده باشد که مجازات یکی از آنها، ۶ سال حبس باشد؛ قاضی می‌تواند تا یک‌ششم به مجازات مقرر قانونی (۶ سال) اضافه کند؛ یعنی قاضی می‌تواند بین ۶ سال و یک روز تا ۷ سال مجازات تعیین کند و برای جرم دوم نیز تا یک‌ششم به مجازات قانونی اضافه کند و فقط مجازات اشد اجرا می‌شود.

* **تعدد جرائم بیش از ۳ فقره باشد:** قاضی می‌تواند تا یک‌چهارم به اصل مجازات اضافه کند. برای مثال اگر شخصی مرتکب چهار جرم شده باشد که مجازات یکی از آن جرائم ۱۰ سال حبس باشد، قاضی می‌تواند تا یک‌چهارم مجازات به مجازات مقرر قانونی (۱۰ سال) اضافه کند؛ یعنی قاضی می‌تواند بین ۱۰ سال و یک روز تا ۱۲ سال و ۶ ماه مجازات تعیین کند و برای سه جرم ارتكابی دیگر تا یک‌چهارم به مجازات مقرر قانونی می‌افزاید. سوالی که در این قسمت مطرح می‌شود این است که بعد از تعیین این مجازات‌ها، کدام اجرا می‌شود؟ همه مجازات‌ها؟ یا مجازات اشد؟ قانون در این مورد ساکت است؛ ولی در این مورد نیز باید قائل به اعمال مجازات اشد شد.

مجازات تعدّد واقعی (ماده ۱۳۴ ق.م.ا)			
تعدّد واقعی در جرائمی که مجازات آنها دارای حدّ اقل و یا حداکثر باشد	جرائم متعدّد ارتكابی مختلف نباشد (فقط یک مجازات تعیین و اجرا می‌شود)	تعدّد جرائم ۲ یا ۳ فقره باشد	حداقل مجازات افزایش می‌یابد؛ یعنی حدّ اقل مجازات بیش از میانگین حدّ اقل تا حداکثر مجازات مقررّ قانونی است.
	جرائم متعدّد ارتكابی مختلف باشند (فقط مجازات جرم اشد اجرا می‌شود)	تعدّد جرائم ۲ یا ۳ فقره باشد	حداقل مجازات افزایش می‌یابد؛ یعنی حدّ اقل مجازات بیش از میانگین حدّ اقل و حداکثر مجازات مقررّ قانونی است.
		تعدّد جرائم بیش از ۳ فقره باشد	حداکثر مجازات هر جرم تعیین می‌شود و قاضی می‌تواند بیش از حداکثر مجازات تا یک‌چهارم آن تعیین کند.
تعدّد واقعی در در جرائمی که مجازات آنها فاقد حدّ اقل و یا حداکثر باشد (مجازات ثابت)	تعدّد جرائم ۲ یا ۳ فقره باشد	قاضی می‌تواند تا یک‌ششم به اصل مجازات اضافه کند (فقط مجازات جرم اشد اجرا می‌شود)	
	تعدّد جرائم بیش از ۳ فقره باشد	قاضی می‌تواند تا یک‌چهارم به اصل مجازات اضافه کند. (فقط مجازات جرم اشد اجرا می‌شود)	
مجازات تعدّد واقعی در جرائم تعزیری درجات ۷ و ۸			
درجات ۷ و ۸ با یکدیگر	جرائم متعدّد ارتكابی مختلف نباشد	فقط یک مجازات تعیین می‌شود و قاضی می‌تواند مجازات را تشدید کند	
	جرائم متعدّد ارتكابی مختلف باشد	تعدّد جرائم ۲ یا ۳ فقره باشد	حداقل مجازات افزایش می‌یابد که در این صورت حدّ اقل مجازات بیش از میانگین حدّ اقل و حداکثر مجازات قانونی است، فقط مجازات اشدّ اجرا می‌شود.
		تعدّد جرائم بیش از ۳ فقره باشد	حداکثر مجازات هر جرم تعیین می‌شود و قاضی می‌تواند بیش از حداکثر مجازات تا یک‌چهارم آن تعیین کند، فقط مجازات اشدّ اجرا می‌شود
درجات ۷ و ۸ با درجات دیگر (۱ تا ۶)	این فرض سبب تشدید مجازات درجه ۱ تا ۶ نمی‌شود؛ در این فرض به طور جداگانه برای جرائم تعزیری درجه ۷ و ۸ مطابق ماده ۱۳۴ ق.م.ا مجازات تعیین می‌شود و در هر صورت مجازات اشدّ قابل اجرا است.		

در مورد تعدّد جرم نکات ذیل قابل توجّه است:

- ✓ تنها در صورتی که انجام جرمی جزء جدانشدنی جرم دیگر باشد قواعد تعدّد جرم اعمال نمی‌شود.
- ✓ در صورتی که جرم حدی از جنس جرم تعزیری باشد مانند سرقت حدی و سرقت تعزیری یا مانند زنا و روابط نامشروع کمتر از زنا، مرتکب فقط به مجازات حدی محکوم می‌شود و مجازات تعزیری ساقط می‌گردد به استثناء قذف که می‌تواند نسبت به یکی قذف و نسبت به دیگری توهین باشد که هم به مجازات قذف و هم مجازات توهین محکوم می‌گردد.
- ✓ جرائم مستمر که رکن مادی و روانی جرم در طول زمان بدون انقطاع جریان می‌یابد و استمرار دارد مشمول قواعد تعدّد مادی جرم از نوع مشابه نخواهد شد و در جرائم به عادت که تکرار حداقل دو مرتبه فعل مادی عمل مجرمانه، شرط تحقق جرم به عادت است به دلیل ماهیت خاص این جرائم که تکرار حالت و وضعیت یا افعال خاصی اصل این جرائم را تشکیل می‌دهد مشمول قواعد تعدّد نخواهد بود؛ بنابراین جرم تکدی‌گری حتی اگر پس از مدت زمان مدیدی مورد تعقیب قرار گیرد، فاعل آن را نمی‌توان مستحق تشدید مجازات دانست.
- ✓ گاهی افعال متعدد در قانون عنوان جرمی مستقل می‌یابند که در اینجا بحث تعدّد جرم مطرح نمی‌شود. مثلاً سرقت مسلحانه قابل تجزیه به سرقت و حمله اسلحه نیست و مصداق تعدّد جرم نیست یا سرقت همراه با هتک حرز یا نهب (چپاول) و غارت قابل تجزیه به جرائم سرقت و هتک حرز و یا سرقت و اذیت و آزار و تهدید و تخریب نمی‌باشد چراکه مجموعه این اعمال یک جرم بوده و دارای مجازات مستقلی هستند.
- ✓ هرچند به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوّب ۱۳۹۹، دیگر بحث جمع مجازات‌ها در کلیه جرائم تعزیری (حتی درجه ۷ و ۸) منتفی است، ولی این حکم شامل مجازات‌های تکمیلی و تبعی مقرر در مواد ۲۳ و ۲۶ ق.م.ا که به عنوان مجازات اصلی تعیین شده‌اند، نمی‌گردد و مجازات‌های مذکور در این موارد با سایر مجازات‌ها جمع می‌شود، ولو آنکه مربوط به جرم غیر اشد باشد، برای مثال در فرضی که شخصی به دلیل صدور چک پرداخت‌نشده به دو سال حبس تعزیری و دو سال محرومیت از داشتن دسته چک (بند ج ماده ۲۳ ق.م.ا) و به دلیل ارتکاب جعل حکم دادگاه به ده سال حبس محکوم شده باشد مجازات اشد یعنی ده سال حبس به همراه دو سال محرومیت از داشتن دسته چک اجرا می‌شود. همچنین در مواردی که مجازات اشد، فاقد آثار تبعی و مجازات جرم خفیف‌تر، دارای آثار تبعی باشد، علاوه بر مجازات جرم اشد، مجازات تبعی جرم خفیف‌تر هم به اجرا درمی‌آید. برای مثال در فرضی که شخصی مرتکب جرمی با مجازات درجه ۳ فاقد آثار تبعی و جرمی با مجازات ۴ دارای آثار تبعی باشد، مجازات درجه ۳ به همراه محرومیت از حقوق اجتماعی جرم درجه ۴ محکوم می‌شود.
- ✓ بر اساس بند (د) ماده ۱۳۴ ق.م.ا، در صورتی که مجموع جرائم ارتكابی عنوان مجرمانه خاصی داشته باشد، مقررات تعدّد جرم اعمال نخواهد شد و مرتکب به مجازات مقرر برای همان جرم خاص محکوم می‌گردد؛ برای مثال در فرضی که ۲ نفر با اسلحه شبانه وارد خانه دیگری شده و پس از شکستن گاو صندوق، اموال را سرقت کنند، بحث تعدّد جرم منتفی است؛ یعنی نمی‌توان مرتکبین را علاوه بر مجازات سرقت، به مجازات ورود غیرقانونی به منزل دیگری، حمل اسلحه و تخریب اموال نیز محکوم نمود؛ زیرا جمع این رفتارها دارای عنوان مجرمانه مستقل یعنی سرقت مشدد موضوع ماده ۶۵۱ ق.م.ا تعزیرات می‌باشد. فرار از زندان همراه با شکستن درب زندان نمونه دیگری است که قانونگذار مجموع رفتارهای مرتکب؛ یعنی فرار از زندان و تخریب را جرم خاص موضوع ماده ۵۴۷ ق.م.ا تعزیرات دانسته است. اختلاس همراه با جعل و قلب سکه یا جعل اسکناس گسترده منتهی به اخلال در نظام اقتصادی از دیگر نمونه‌هایی هستند که برای مجموع جرائم، مجازات مستقل (به ترتیب در تبصره ۲ ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین، ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری و ماده ۲ قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور) در نظر گرفته شده است.
- ✓ اگر جرمی مقدمه لازم جرم دیگری باشد، در این حالت حکم به مجازات جرمی می‌شود که مجازات آن اشد است؛ مثل ورود غیرمجاز به منزل دیگری برای سرقت، وارد کردن کالای قاچاق و حمل کالای قاچاق. هرگاه بعضی از جرائم ارتكابی مقدمه بعضی دیگر بوده و یا از لوازم آن به شمار آید و مجموع آنها نیز دارای عنوان خاص جزایی باشد؛ حکم به مجازات جرم اشد داده می‌شود. البته لازم به ذکر است که حکم به مجازات اشد در حالتی است که یک عمل مجرمانه، مقدمه لازم عمل مجرمانه دوم باشد؛ یعنی رابطه لازم و ملزومی بین آنها وجود داشته باشد؛ به عبارت دیگر اگر عمل اول نباشد، عمل دوم نمی‌تواند تحقق پیدا کند؛ مثل ورود غیرمجاز به منزل دیگری و ربودن وسایل خانه که این ربودن مؤکول به ورود غیرمجاز است. البته در برخی موارد ملازمه‌ای بین عمل اول و دوم وجود ندارد؛ مانند قتل از طریق خوراندن سم،

فرض کنید کنید آن سم، ماده مخدر باشد؛ در این مثال قتل یک جرم جداگانه و حمل ماده مخدر نیز جرم جداگانه است که بین آنها ملازمه وجود ندارد؛ بنابراین در این حالت باید دو مجازات برای دو جرم در نظر بگیریم. نظر دکتر اردبیلی در این خصوص چنین است: در جرائم متعدّد تعزیری گاه جرمی جزء جداناپذیر جرم دیگر و از لوازم آن محسوب می‌شود. در این حالت نمی‌توان قواعد تعدّد جرم را به طور کلی جاری دانست. برای مثال، اگر کسی مقداری تریاک با خود وارد کشور کند مطابق ماده ۴ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر قابل تعقیب و مجازات است. از طرف دیگر، چون نگهداری یا حمل این مواد مخدر نیز به موجب ماده ۵ این قانون جرم است به نظر می‌رسد که وارد کننده مرتکب جرم دیگری نیز شده است. در حالی که وارد کردن مواد مخدر به کشور مستلزم حمل و نگهداری است. در این باره دیوان عالی کشور به مناسبت دیگری در حکم شماره ۶۱۸۶ مورخ ۴۳/۱۰/۲۴ چنین اظهار عقیده کرده است: «هر چند فرجام‌خواه اعتراض خاصی نکرده، ولی اشکالی که بر حکم فرجام‌خواسته وارد به نظر می‌رسد این است که دادگاه مواد افیونی مکشوفه (۱۶ گرم) که جزیی بوده و عرفاً از لوازم استعمال محسوب می‌شود، بزه جداگانه تشخیص داده و با رعایت قواعد تعدّد تعیین مجازات نموده است...» اداره حقوقی قوه قضاییه نیز به همین عقیده است و چنین اظهارنظر کرده است (نظریه ۷/۶۳۷۲ - ۷/۱۳۷۴/۹/۲۷): «خرید یا نگهداری مواد مخدر به مقدار کم جهت استعمال جرم مستقّلی محسوب نمی‌شود.»

امکان اعمال جهات تخفیف در تعدّد جرم

بند خ ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی: «در تعدّد جرم در صورت وجود جهات تخفیف مجازات برای هر یک از جرائم، مطابق مواد (۳۷) و (۳۸) این قانون اقدام می‌شود.»
در تعدّد جرم در صورت وجود جهات تخفیف، دادگاه می‌تواند مجازات را تخفیف دهد؛ به عبارت دیگر تعدّد جرم مانع تخفیف مجازات نیست.

تخفیف مجازات (تقلیل و یا تبدیل مجازات) (ماده ۳۷ ق.م.ا)	
تقلیل به میزان ۱ تا ۳ درجه	حبس درجه ۱ تا ۴
تبدیل حبس به میزان ۱ تا ۲ درجه	حبس‌های درجه ۵ و ۶
تبدیل به جزای نقدی متناسب با همان درجه	
تبدیل به جزای نقدی متناسب با همان درجه	حبس درجه ۷
تبدیل به جزای نقدی ۱ تا ۴	مصادره کل اموال
تقلیل به انفصال مؤقت به میزان ۵ تا ۱۵ سال	انفصال دائم
تقلیل به میزان ۱ تا ۲ درجه	سایز مجازات‌های تعزیری
تبدیل آن به مجازات دیگر از همان درجه یا یک درجه پایین‌تر	

نحوه اجرای مجازات‌های متعدّد

ماده ۱۳۵ قانون مجازات اسلامی: «در تعدّد جرائم موجب حد و تعزیر و نیز جرائم موجب قصاص و تعزیر، مجازات‌ها جمع و ابتدا حد یا قصاص اجرا می‌شود مگر حد یا قصاص، سالب حیات و تعزیر، حق الناس یا تعزیر مُعین شرعی باشد و موجب تأخیر اجرای حد نیز نشود که در این صورت ابتداء تعزیر اجراء می‌گردد.

تبصره - در صورتی که جرم حدی از جنس جرم تعزیری باشد مانند سرقت حدی و سرقت غیرحدی یا مانند زنا و روابط نامشروع کمتر از زنا، مرتکب فقط به مجازات حدی محکوم می‌شود و مجازات تعزیری ساقط می‌گردد، مگر در حدّ قذف که اگر قذف نسبت به شخصی و دشنام به دیگری باشد، مرتکب به هر دو مجازات محکوم می‌شود.»

✓ در تعدّد جرائم حدی و تعزیری، قاعده جمع مجازات‌ها اعمال می‌شود که در مقام اجرا، ابتدا مجازاتی حدی و سپس مجازات تعزیری به اجرا درمی‌آید. استثنائاً در یک فرض و با جمع ۳ شرط زیر ابتدا مجازاتی تعزیری اجرا می‌شود:
۱. مجازات حدی سالب حیات باشد.

۲. تعزیر جزء حقوق الناس یا تعزیرات معین شرعی باشد.^۵

۳. اجرای تعزیر موجب تأخیر در اجرای حد نشود؛ زیرا در حدود اصل بر فوریت است.

بنابراین در فرضی که شخصی به دلیل قاچاق اسلحه و محاربه به ترتیب به حبس تعزیری و اعدام حدی محکوم شده باشد، اولویت با اجرای مجازات حدی بوده و نوبت به اجرای مجازات تعزیری نمی‌رسد؛ زیرا قاچاق اسلحه جزء حقوق الناس یا تعزیرات منصوص شرعی به شمار نمی‌رود، هرچند مجازات حدی در این فرض سالب حیات است، اما اولویت با اجرای آن است.

✓ استثنائاً در یک حالت، در تعدد جرائم حدی و تعزیری قاعده جمع مجازات‌ها اعمال نمی‌شود و مرتکب فقط به مجازات حدی محکوم می‌شود و آن هم در فرضی است که عنصر مادی جرم حدی و تعزیری از یک جنس باشد؛ برای مثال در سرقت از منزل دیگری، اگر ربودن بعضی از اقلام مشمول سرقت حدی و بعضی دیگری مشمول سرقت تعزیری باشد، مرتکب فقط به مجازات سرقت حدی محکوم می‌شود. همچنانکه اگر در زنا، زن و مرد مرتکب رابطه نامشروع کمتر از زنا هم شوند، فقط به حد زنا محکوم می‌شوند (مانند بوسیدن، و در یک بستر خوابیدن یا در آغوش گرفتن) البته در حد قذف شرایط به گونه دیگری است و چنانچه قذف کردن کسی، توهین به دیگری نیز محسوب شود، مرتکب به دلیل قذف به مجازات حدی و به دلیل توهین به مجازات تعزیری محکوم شده و هر دو مجازات به اجرا درمی‌آید.

✓ در جمع تعزیرات و قصاص نیز همچون حدود و تعزیرات، قاعده جمع مجازات‌ها اعمال می‌گردد که در مقام اجرا ابتدا قصاص و سپس مجازات تعزیری اجرا می‌شود؛ مگر آنکه:

* قصاص، قصاص نفس (سالب حیات) باشد، قصاص عضو همیشه بر اجرا تعزیرات مقدم است.

* تعزیر جزء حقوق الناس یا تعزیرات منصوص شرعی باشد، با رعایت این دو شرط ابتدا مجازات تعزیری و سپس قصاص نفس به اجرا درمی‌آید.

✓ اگر قذف و توهین یا قذف و افترای موجب تعزیر نسبت به شخص واحد صورت گیرد فقط مجازات حدی (حد قذف) اجرا می‌گردد.

تکرار جرم

تکرار جرم از نظر دکتر ملاکریمی: «تکرار جرم، عبارت است از ارتکاب جرم و صدور حکم قطعی لازم‌الاجرا مبنی بر محکومیت کیفری مؤثر علیه مجرم از دادگاه‌های کیفری و سپس ارتکاب جرمی دیگر توسط همان شخص که مستلزم محکومیت شدید کیفری است.» یکی از جهات تمایز تعدد و تکرار جرم وجود همین سابقه کیفری است که شرط مهم تحقق تکرار جرم محسوب می‌شود.

تکرار جرم در جرائم موجب حد

ماده ۱۳۶ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه کسی سه بار مرتکب یک نوع جرم موجب حد شود و هر بار حد آن جرم بر او جاری گردد، حد وی در مرتبه چهارم اعدام است.» بنابراین در حدودی که مجازات آنها شلاق است، در صورت تکرار، تا سه بار همان مجازات شلاق اجرا می‌شود و در صورت تکرار برای بار چهارم مرتکب اعدام می‌شود. در سرقت حدی، بار اول دست راست سارق قطع می‌شود، بار دوم پای چپ، بار سوم حبس ابد می‌شود و در صورت تکرار سرقت برای بار چهارم، اعدام می‌شود.

شرایط تحقق تکرار جرم در جرائم موجب حد

۱. ۴ بار مرتکب جرم حدی از یک نوع واحد شود، برای مثال شخصی ۴ بار مرتکب شرب خمر شود.

۲. مجازات‌های محکومیت‌های پیشین حدی، باید اجرا شود؛ نه اینکه فقط حکم قطعی صادر شود. بنابراین اگر شخصی مرتکب چهار فقره قذف شود که مجازات هیچ یک از آنها اجرا نشده باشد، فقط یک حد (۸۰ ضربه شلاق) در مورد او اجرا خواهد شد.

✓ در برخی موارد قانونگذار مجازات خاصی را برای تکرار جرم در حدود پیش‌بینی کرده است

۱. مجازات سرقت حدی در هر چهار مرتبه ارتکاب آن: ماده ۲۷۸ ق.م.ا: «حد سرقت به شرح زیر است:

الف - در مرتبه اول، قطع چهار انگشت دست راست سارق از انتهای آن است، به طوری که انگشت شست و کف دست باقی بماند.

^۵ منظور از «تعزیر معین شرعی» همان تعزیری منصوص شرعی است که نوع و میزان مجازات همچون حدود در خود شرع مشخص شده است.

ب- در مرتبه دوم، قطع پای چپ سارق از پایین برآمدگی است، به نحوی که نصف قدم و مقداری از محل مسح باقی بماند.
پ- در مرتبه سوم، حبس ابد است.

ت- در مرتبه چهارم، اعدام است هر چند سرقت در زندان باشد.»

۲. مجازات قوادی برای مرد در صورت ارتکاب در مرتبه اول و دوم: ماده ۲۴۳ ق.م.ا: «حد قوادی برای مرد هفتاد و پنج ضربه شلاق است و برای بار دوم علاوه بر هفتاد و پنج ضربه شلاق به عنوان حد، به تبعید تا یک سال نیز محکوم می‌شود که مدت آن را قاضی مشخص می‌کند و برای زن فقط هفتاد و پنج ضربه شلاق است.»

تکرار جرم در جرائم موجب تعزیر

ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی: «هرکس به علت ارتکاب جرم عمدی به موجب حکم قطعی به یکی از مجازات‌های تعزیری از درجه یک تا درجه پنج محکوم شود و از تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان اجرای مجازات، مرتکب جرم عمدی تعزیری درجه یک تا شش گردد، حداقل مجازات جرم ارتكابی میانگین بین حداقل و حداکثر مجازات قانونی آن جرم است و دادگاه می‌تواند وی را به بیش از حداکثر مجازات تا یک چهارم آن محکوم کند. (اصلاحی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳)»

✓ باید حکم قطعی اولیه در مورد مرتکب صادر شده باشد و بعد از صدور حکم قطعی تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان، مرتکب جرم عمدی جدید تعزیری از درجه ۱ تا ۶ شود؛ بنابراین اگر قبل از صدور حکم قطعی اولیه، مرتکب جرم جدید شود عمل وی مشمول تعدد جرم است نه تکرار جرم و اگر بعد از صدور حکم قطعی اولیه و اجرای آن و حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان، شخص مرتکب جرم جدید شود رفتار وی مشمول تکرار جرم نخواهد بود.

✓ حکم مجازات اول باید از نوع جرم عمدی تعزیری درجه یک تا پنج باشد؛ بنابراین حکم ماده ۱۳۷ ق.م.ا شامل شخصی که محکوم به مجازات حدی یا قصاص یا دیه یا تعزیر درجه ۶ یا ۷ یا ۸ شده و حکم در مورد او اجرا شده و بعد مرتکب جرم تعزیری شده نمی‌شود.

✓ محکومیت اول باید جزء جرائم تعزیری درجه ۱ تا ۵ از نوع حبس باشد؛ زیرا به موجب ماده ۲۵ ق.م.ا در مورد محکومیت بابت ارتکاب جرائم تعزیری فقط در خصوص مجازات حبس قائل به محرومیت از حقوق اجتماعی برای مرتکب شده است؛ به عبارت دیگر محکومیت به جرائم تعزیری درجه ۱ تا ۵ از نوع حبس، محکومیت مؤثر کیفری محسوب می‌شود و سایر محکومیت‌های تعزیری درجه ۱ تا ۵ محکومیت مؤثر کیفری محسوب نمی‌شود.

✓ جرم ارتكابی جدید نیز باید از نوع جرم عمدی تعزیری درجه یک تا شش باشد؛ یعنی مرتکب با وجود سابقه محکومیت قطعی به علت ارتکاب جرم عمدی تعزیری درجه یک تا پنج از تاریخ محکومیت تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان اجرای مجازات، مرتکب جرم تعزیری دیگری از درجه یک تا شش شود.

✓ در صورت تکرار جرم حداقل مجازات افزایش پیدا می‌کند به این صورت که حداقل مجازات جرم ارتكابی میانگین حداقل و حداکثر مجازات قانونی آن جرم است؛ ولی لازم به ذکر است که دادگاه می‌تواند وی را به بیش از حداکثر مجازات تا یک چهارم آن محکوم کند.

✓ در صورت تکرار جرم:

* افزایش از میانگین حداقل تا حداکثر مجازات قانونی از علل اجباری تشدید مجازات است.

* افزایش مجازات از حداکثر مجازات قانونی تا بیش از یک چهارم حداکثر مجازات اختیاری است.

✓ تکرار در جرائم عمدی، سبب تشدید مجازات می‌شود؛ نه در جرائم غیرعمدی. هم جرم قبلی و هم جرم فعلی مرتکب باید از جرائم عمدی باشد.

✓ سابقه محکومیت قطعی به مجازات‌های درجه ۷ و ۸ مشمول قواعد تکرار نیست.

✓ در مواردی که در قوانین خاص برای تعدد و تکرار جرم، مجازات مستقلی در نظر گرفته شده باشد، دادگاه باید بر مبنای همان قوانین رأی صادر نماید.

- ✓ مقررات مربوط به تکرار جرم در جرائم سیاسی و مطبوعاتی و جرائم اطفال اعمال نمی‌شود. (ماده ۱۳۸ ق.م.ا) مفهوم حکم این ماده واضح است. به این معنی که محکومیت به اتهام جرائم سیاسی و مطبوعاتی برای مرتکب سابقه کیفری محسوب نمی‌شود؛ همچنین سابقه محکومیت نسبت به اطفال (کسانی که به حد بلوغ شرعی نرسیده‌اند) لحاظ نمی‌شود.
- ✓ محکومیتی که قطعی نشده یا قطعی شده ولی مدت مجازات اعم از اینکه در حال اجرا باشد یا تمام نشده است، پیشینه کیفری محسوب نمی‌شود.
- ✓ سابقه محکومیت به جرائم حدی در خصوص تکرار جرائم تعزیری بی‌تأثیر است. برای مثال: شخصی سابقه محکومیت قطعی به ۸۰ شلاق جهت شرب خمر دارد که یک سال و نیم پس از اجرای مجازات، مرتکب جرم اخفای مال مسروقه می‌شود که در این صورت فقط مجازات قانونی اخفای مال مسروقه برای وی تعیین می‌شود.
- ✓ مستنبط از مقررات ماده ۹ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶/۸/۱۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام، این است که برای اعمال مقررات تشدید مجازات در اثر تکرار، نسبت به مرتکبین جرائم موضوع بندهای یک تا پنج ماده هشت این قانون، انطباق جرم مذکور در هر بند، با محکومیت سابق مربوط به همان بند، از حیث مقدار مواد مخدر لازم است و با این وصف مقررات عمومی ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در این موارد حاکم نیست (رای وحدت رویه ۷۷۶ - ۱۳۹۸/۲/۱۰)
- ✓ چنانچه مرتکب دارای سه فقره محکومیت قطعی مشمول مقررات تکرار جرم یا بیشتر از آن باشد، مقررات تخفیف اعمال نمی‌شود. (تبصره ماده ۱۳۹ ق.م.ا)
- ✓ اگر موجباتی مانند عفو عمومی یا نسخ قانون اساساً محکومیت نخستین را محو و یا آثار آن را بزداید؛ چون دیگر محکومیت وجود ندارد و یا هیچ گونه اثر کیفری بر آن مترتب نیست (ماده ۹۸ و بند الف ماده ۱۰ ق.م.ا)، در صورت ارتکاب جرم مجدد، قواعد تکرار جرم جاری نخواهد شد (ولی اعطای عفو خصوصی چه راجع به کل اجرای مجازات یا قسمتی از آن موجب از بین رفتن آثار مجازات نمی‌شود؛ یعنی در صورت ارتکاب جرم جدید، سابقه قبلی برای اعمال قاعده تکرار جرم لحاظ خواهد شد؛ مگر اینکه از بین رفتن آثار نیز در متن عفو خصوصی تصریح شده باشد.)
- ✓ در صورتی که دادگاه در صدور حکم مقررات مربوط به تعدد یا تکرار جرم را رعایت ننموده باشد، قاضی اجرای احکام از اجرای آن خودداری نموده و با رعایت مقررات ماده ۵۱۰ ق.آ.د.ک پرونده را برای نقض کلیه احکام و صدور حکم واحد با رعایت مقررات تعدد و تکرار جرم، نزد مرجع صالح می‌فرستد.
- ✓ توبه به عنوان یکی از اسباب سقوط یا تخفیف مجازات در تکرار جرائم پذیرفته نمی‌شود؛ مطابق تبصره ۱ ماده ۱۱۵ ق.م.ا: «مقررات راجع به توبه درباره کسانی که مقررات تکرار جرائم تعزیری در مورد آنها اعمال می‌شود، جاری نمی‌گردد.» البته این حکم شامل تعدد جرم نمی‌شود و در جرائم تعزیری متعدد، توبه مرتکب با رعایت سایر شرایط قانونی مورد پذیرش قرار می‌گیرد.
- ✓ در صورت تکرار جرم برای بیش از دو بار دادگاه می‌تواند مرتکب را از خدمات الکترونیکی عمومی از قبیل اشتراک اینترنت، تلفن همراه، اخذ نام دامنه مرتبه بالای کشوری و بانکداری الکترونیکی محروم کند. (ماده ۲۷ قانون جرائم رایانه‌ای)
- شرایط تحقق تکرار جرم در جرائم موجب تعزیر**
۱. محکومیت سابق باید محکومیت به جرائم عمدی تعزیری درجه ۱ تا ۵ باشد. مهم نیست که محکومیت سابق برای جرمی مشابه با جرم جدید و یا متفاوت با آن صادر شده باشد؛ بنابراین سابقه محکومیت به جرائم تعزیری از درجه شش، هفت یا هشت در تحقق وصف تکرار تأثیرگذار نیست.
 ۲. محکومیت جدید باید محکومیت به جرائم عمدی تعزیری درجه ۱ تا ۶ باشد؛ بنابراین اگر مرتکب به جرائم از درجه ۷ یا ۸ متهم شود؛ ولو اینکه دارای سابقه محکومیت به جرائم تعزیری درجه ۱ تا ۵ باشد، تکرار جرم محقق نمی‌گردد.

۳. محکومیت پیشین قطعی شده باشد؛ یعنی حکم محکومیت اعتبار امر مختومه را پیدا کرده و لازم‌الاجرا گردیده باشد بر احکامی که غیرقطعی و قابل شکایت و تجدیدنظر است از حیث تکرار جرم هیچ اثری بار نیست. تفاوت در تعدد و تکرار جرم در همین شرط نهفته است همچنین مدت مجازات سپری شده باشد. ولی اجرای مجازات شرط نیست؛ بنابراین محکومیتی که قطعی نشده سابقه کیفری محسوب نمی‌شود.
۴. حکم محکومیت کیفری از دادگاه‌های کیفری ایران صادر شده باشد، احکام کیفری که از دادگاه‌های خارجی صادر شده و حتی اگر اجرا شده باشد، در تکرار جرم بی‌اثر است؛ مگر آن که به موجب موافقت‌نامه‌های دوجانبه و یا کنوانسیون‌های بین‌المللی، دولت ایران آثار مترتب بر احکام کیفری خارجی را در قلمرو خود معتبر بشناسد.
۵. حکم محکومیت پیشین باید ماهیتاً تعزیری و به اتهام جرم عمدی باشد؛ بنابراین سابقه محکومیت به مجازات‌هایی همچون حد و قصاص در تشدید مجازات جرم جدید هیچ گاه مؤثر نیست؛ همچنین ارتکاب جرائم غیرعمدی از این حیث سابقه محسوب نمی‌شود.
۶. ارتکاب جرم جدید در مدت معین؛ قانونگذار یک مدتی را از تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان اجرای مجازات برای محکومیت جدید شرط کرده است؛ اگر این مدت سپری شود مانند این است که مرتکب فاقد سابقه کیفری است. برای مثال اگر کسی پس از گذشت زمان پیش‌بینی شده در ماده ۲۵ ق.م.ا به اعاده حیثیت نائل گردد و یا حکم محکومیت قطعی او به علت مرور زمان مقرر در ماده ۱۰۷ ق.م.ا قابل اجرا نباشد، جرم جدیدی که مرتکب شده، تکرار جرم محسوب نمی‌شود.
- ✓ سوالی که در اینجا ممکن است مطرح شود، این است که در مورد آن دسته از محکومیت‌هایی که فاقد آثار تبعی‌اند (مانند حبس تعزیری درجه شش) مقررات تکرار جرم تا چه زمان قابل اعمال است؟ به نظر می‌رسد در این موارد ارتکاب جرم جدید تنها در طول دوران مجازات مشمول تکرار جرم می‌شود و در صورت خاتمه مجازات اصلی، ارتکاب جرم جدید مشمول مقررات تکرار جرم نخواهد شد؛ برای مثال در حبس تعزیری درجه شش، در صورتی که مرتکب در زمان مرخصی از زندان مجدداً مرتکب جرم تعزیری شود، رفتار او تکرار جرم محسوب می‌شود؛ اما در صورتی که پس از خاتمه دوران حبس، مرتکب جرم شود، رفتار او مشمول مقررات تکرار جرم نخواهد بود؛ به عبارتی دیگر، در آن دسته از تعزیراتی که دارای آثار تبعی‌اند (یعنی حبس درجه یک تا پنج) بحث تکرار جرم زمانی منتفی می‌شود که هم مجازات اصلی خاتمه یافته باشد و هم مدت محرومیت از حقوق اجتماعی، اما در مورد جرائمی که فاقد آثار تبعی‌اند (یعنی حبس درجه شش، کلیه محکومیت‌های غیرحبس و کلیه محکومیت‌های نوجوانان) همین که مجازات اصلی خاتمه یابد، بحث تکرار جرم منتفی می‌شود.
۷. اجرای کامل مجازات پیشین شرط نیست، در صورتی که محکوم علیه در اثنای اجرای مجازات یکی از جرائم تعزیری از درجه یک تا پنج، هم‌زمان مرتکب جرم جدیدی از درجه یک تا شش شود، سابقه محکومیت قطعی کافی است تا در معرض اتهام تکرار جرم قرار گیرد؛ بنابراین اجرای کامل مجازات پیشین شرط نیست.

تفاوت تکرار جرم در جرائم موجب حد با جرائم موجب تعزیر

۱. تکرار خاص^۱: در جرائم تعزیری تکرار در معنای عام آن مورد پیش‌بینی قرار گرفته و ضرورتی به ارتکاب همان جرم قبلی نیست، در حالی که در جرائم حدی، تکرار خاص مورد پذیرش قرار گرفته است و شرط تشدید مجازات مرتکب در مرتبه چهارم آن است که سه بار مرتکب همان جرم حدی شده باشد، برای مثال در صورتی که شخصی به دلیل شرب خمر سه بار شلاق خورده ولی اکنون مرتکب قوادی شده باشد، حد اعدام در مورد وی به اجرا در نمی‌آید.
۲. اجرای حکم: شرط اجرای مقررات تکرار جرم در جرائم تعزیری، صدور حکم محکومیت قطعی است ولو آن که مجازات به اجرا درنیامده باشد، در حالی که در حدود شرط تحقق تکرار جرم، اجرای مجازات است، بنابراین اگر شخصی سه فقره سابقه محکومیت قطعی به شرب خمر داشته باشد که فقط برای دو مورد از آنها شلاق خورده است در صورتی که برای بار چهارم مرتکب شرب خمر شود، حد اعدام در مورد وی به اجرا در نمی‌آید.

^۱ تکرار جرم به دو دسته عام و خاص تقسیم می‌شود، در تکرار خاص، شرط تحقق تکرار، ارتکاب جرمی مشابه با همان جرم قبلی است، برای مثال رفتار شخصی که پس از صدور حکم محکومیت قطعی نسبت به اتهام کلاهبرداری، دست به ارتکاب سرقت بزند، تکرار جرم محسوب نمی‌شود؛ اما در تکرار عام، ضرورتی به تکرار همان جرم قبلی نیست و ارتکاب هر نوع جرم جدید، تکرار جرم به شمار می‌رود. تکرار خاص در مورد تکرار جرم حدی و تکرار عام در مورد تکرار جرم تعزیری مصداق دارد.

۳. اعاده حیثیت: چنانچه در جرائم تعزیری نسبت به محکومیت قبلی اعاده حیثیت صورت گرفته باشد، ارتکاب جرم جدید، مشمول تکرار جرم نخواهد شد، اما در جرائم حدی حتی با گذشت مدت‌های مقرر در قانون و حصول اعاده حیثیت، باز هم رفتار مرتکب تکرار جرم محسوب می‌شود. برای مثال چنانچه شخصی که سه سال قبل به دلیل ارتکاب مساحقه به سه بار شلاق حدی محکوم و مجازات در موردی وی به اجرا درآمده باشد، مجدداً مرتکب این عمل شود، حد اعدام اجرا می‌شود، هرچند مدت دو ساله مقرر در ماده ۲۵ ق.م.ا در مورد وی سپری شده باشد.

۴. دفعات ارتکاب: شرط تحقق تکرار جرم در جرائم حدی، سابقه سه فقره اجرای مجازات حدی در یک جرم خاص است، اما در جرائم تعزیری، سابقه یک فقره محکومیت قطعی، برای شمول مقررات تکرار جرم کفایت می‌کند.

امکان اعمال جهات تخفیف در تکرار جرم

ماده ۱۳۹ قانون مجازات اسلامی: «در تکرار جرائم تعزیری، در صورت وجود جهات تخفیف مطابق مواد (۳۷) و (۳۸) این قانون اقدام می‌شود. (اصلاحی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳) تبصره- چنانچه مرتکب دارای سه فقره محکومیت قطعی مشمول مقررات تکرار جرم یا بیشتر از آن باشد، مقررات تخفیف اعمال نمی‌شود»
در خصوص امکان اعمال جهات تخفیف در تکرار جرم، دادگاه می‌تواند مجازات را تخفیف دهد؛ مگر اینکه مرتکب دارای سه فقره، محکومیت قطعی مشمول مقررات تکرار جرم یا بیشتر از آن باشد که در این صورت تخفیف اعمال نخواهد شد.

تخفیف مجازات (تقلیل و یا تبدیل مجازات) (ماده ۳۷ ق.م.ا)	
حبس درجه ۱ تا ۴	تقلیل به میزان ۱ تا ۳ درجه
حبس‌های درجه ۵ و ۶	تبدیل حبس به میزان ۱ تا ۲ درجه
	تبدیل به جزای نقدی متناسب با همان درجه
حبس درجه ۷	تبدیل به جزای نقدی متناسب با همان درجه
مصادره کل اموال	تبدیل به جزای نقدی ۱ تا ۴
انفصال دائم	تقلیل به انفصال موقت به میزان ۵ تا ۱۵ سال
سایر مجازات‌های تعزیری	تقلیل به میزان ۱ تا ۲ درجه
	تبدیل آن به مجازات دیگر از همان درجه یا یک درجه پایین‌تر

وجود جهات تخفیف و تشدید مجازات در متهم

پس از بررسی جداگانه جهات تخفیف و تشدید مجازات، قابل ذکر است که این امکان نیز وجود دارد که هر دو جهات تخفیف و تشدید مجازات در یک نفر وجود داشته باشد؛ در این صورت تکلیف مسئله تابع اصول زیر است:

۱. **تأثیر جهات تشدید و جهات تخفیف**: هر یک از جهات تشدید و تخفیف مجازات در تعیین مجازات مؤثر است و وجود جهات تشدید موجب بی‌اثر شدن جهات تخفیف نمی‌شود و همچنین بالعکس جهات تخفیف مجازات موجب بی‌اثر شدن جهات تشدید نمی‌شود.
۲. **اثر نهایی جهات تخفیف مجازات**: میزان قطعی مجازات نهایی تحت تأثیر جهات تخفیف معلوم می‌شود، در صورتی که دادگاه جهات تشدید مجازات را لحاظ کند و بعداً متوجه جهات تخفیف شود آن را نیز مورد توجه قرار داده و با رعایت آن میزان مجازات را در حکم تعیین می‌کند؛ بنابراین:

- در صورتی که جهات قانونی معافیت از مجازات وجود داشته باشد، حکم دادگاه معافیت از مجازات خواهد بود.
 - در صورتی که جهات تخفیف وجود داشته باشد، تخفیف نسبت به مجازاتی که تحت جهات تشدید به نظر قاضی برسد، اعمال خواهد شد؛ به عبارتی دیگر در ابتدا جهات تشدید، سپس جهات تخفیف اعمال خواهد شد.
۳. **اولویت جهات تخفیف قضایی**: تعیین مجازات مناسب میان حداقل و حداکثر و همچنین با رعایت اوضاع و احوال مقتضیه تخفیف اقدام نهایی و آخرین دادگاه برای تعیین مجازات است با این ترتیب در واقع جهات تخفیف قضایی بر سایر جهات اولویت خواهد داشت.

تعیین میزان مجازات	
اسباب معافیت از مجازات	معافیت قانونی (عذرهای معاف‌کننده): ۱- عذر همکاری ۲- عذر ندامت ۳- عذر اطاعت از مافوق ۴- عذر توبه ۵- عذر تحریک
	معافیت قضایی: ماده ۳۹ قانون مجازات اسلامی
	مصونیت‌ها: ۱- مصونیت پارلمانی ۲- مصونیت سیاسی ۳- مصونیت قضایی
	صغر جزایی: اطفال و نوجوانان نابالغ در صورت ارتکاب جرم مطلقاً از مسؤولیت مبرا هستند
اسباب تخفیف مجازات	عذرهای تخفیف‌دهنده قانونی: ۱- عذر همکاری ۲- عذر ترک جرم ۳- عذر خانوادگی ۴- عذر اعانت
	جهات تخفیف قضایی: ۱- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی ۲- همکاری مؤثر متهم ۳- حالت برانگیختگی و انگیزه شرافتمندانه ۴- اعلام و اقرار متهم ۵- ندامت، حسن سابقه و یا وضع خاص متهم ۶- کوشش متهم پس از جرم ۷- خفیف بودن زیان وارد شده به بزه‌دیده یا نتایج زیان‌بار جرم ۸- مداخله ضعیف شرکاء یا معاون در وقوع جرم
اسباب تشدید مجازات	جهات تشدید عینی: جهات مذکور، وقایع خارجی است که اگر با افعال مادی جرم همراه باشد بر شدت و خطرناکی آن می‌افزاید، بنابراین موجب تشدید مجازات می‌گردد؛ همانند: ۱- تعدد مجرم یا سبق تصمیم ۲- عنف و آزار و جرح ۳- زمان و مکان جهات شخصی: این جهات به اوصاف و صفات بزه‌کار، اعم از مباشر، معاون و شرکای جرم بستگی دارد؛ همانند: ۱- کفر ۲- سردستگی گروه مجرمانه
	جهات تشدید عام: اوصافی هستند که با هر جرمی همراه شوند، باعث تشدید مجازات می‌شوند و به جرم خاصی تعلق ندارند؛ مثل تعدد و تکرار جرم.
	جهات تشدید خاص: این جهات مخصوص همه جرائم نیستند و قانونگذار آنها را در جرائم خاصی مشخص کرده است.
	جهات تشدید اختیاری: اوصافی هستند که اگر با جرمی همراه شوند، قاضی می‌تواند مجازات را تشدید نماید؛ یعنی اختیار در تشدید مجازات دارد. جهات تشدید اجباری: اوصافی هستند که اگر با جرمی همراه شوند، قاضی مکلف به تشدید مجازات می‌باشد؛ یعنی اختیار در تشدید مجازات ندارد.

تأخیر و سقوط اجرای مجازات

پس از صدور حکم محکومیت کیفری نوبت به اجرای آن می‌رسد. علی‌القاعده احکام کیفری همین که قطعی شد بی‌درنگ باید به موقع اجرا گذاشته شود. عملیات اجرای آراء کیفری با دستور و تحت نظارت قاضی اجرای کیفری شروع می‌شود و به هیچ وجه متوقف نمی‌شود؛ مگر در مواردی که قانون مقرر کرده باشد. (ماده ۴۹۴ ق.آ.د.ک)

اجرای مجازات ممکن است به موجب قانون به تعویق بیفتد و یا در مواردی مهلت آن به سرآید. اجرای مجازات گاه در همان آغاز ضمن صدور حکم محکومیت معلق می‌ماند. گاه در اثنای اجرا، اجرای آن را موقوف می‌سازد و سرانجام ممکن است پس از مدتی که از اجرای آن گذشت ادامه آن موقوف شود.

جهات تأخیر مجازات

جهات تأخیر مجازات از قرار ذیل است: ۱- تعویق صدور حکم محکومیت، ۲- تعلیق اجرای مجازات، ۳- نظام نیمه آزادی، ۴- آزادی مشروط ۵- آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی

تعویق صدور حکم محکومیت

تعویق صدور حکم یعنی به تأخیر انداختن صدور حکم می‌باشد. تعویق صدور حکم فرصتی است که دادگاه پس از احراز مجرمیت در بعضی از جرائم به متهم می‌دهد تا اگر در طول مدت بین شش ماه تا دو سال، به تعهدات خود پایبند بماند و از دستورهای دادگاه پیروی نماید، به موجب حکم دادگاه از مجازات معاف گردد. و الا در صورتی که قصوری از متهم مشاهده شد و نقض عهد کرد قاضی اقدام به صدور حکم می‌نماید. رسیدگی کیفری و صدور قرار تعویق تابع مقررات آیین دادرسی کیفری است و با لغو قرار تعویق، حکم محکومیت به اجرا درمی‌آید. با صدور حکم محکومیت، صدور قرار تعلیق اجرای مجازات نیز منتفی است. تعویق صدور حکم یا به شکل ساده یا مراقبتی است.

ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی: «در جرائم موجب تعزیر درجه شش تا هشت دادگاه می‌تواند پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است در صورت وجود شرایط زیر صدور حکم را به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق اندازد:

الف - وجود جهات تخفیف

ب - پیش‌بینی اصلاح مرتکب

پ - جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران

ت - فقدان سابقه کیفری مؤثر

تبصره - محکومیت مؤثر، محکومیتی است که محکوم را به تبع اجرای حکم، بر اساس ماده (۲۵) این قانون از حقوق اجتماعی محروم می‌کند.»

● در خصوص تعویق صدور حکم محکومیت نکات ذیل قابل توجه است:

✓ تعویق صدور حکم فقط در جرائم تعزیری درجه شش تا هشت قابل اعمال است؛ بنابراین تعویق صدور حکم در حدود، قصاص، دیات و تعزیرات از درجه یک تا پنج امکان‌پذیر نیست.

✓ دادگاه می‌تواند در مورد تمام جرائم تعزیری ارتكابی توسط نوجوانان، صدور حکم را به تعویق اندازد یا اجرای مجازات را معلق کند. (ماده ۹۴ ق.ا.م.ا)

✓ جرائم تعزیری منصوص شرعی قابل تعویق نیستند. (تبصره ۲ ماده ۱۱۵ ق.ا.م.ا)

✓ استفاده از تعویق صدور حکم برای دادگاه اختیاری است و دادگاه می‌تواند آن را در حق متهم اعمال نماید یا اعمال ننماید.

✓ تصمیم دادگاه مبنی بر تعویق صدور حکم در قالب «قرار تعویق صدور حکم» صورت می‌گیرد.

✓ بر اساس قسمت اخیر ماده ۵۵ ق.ا.م.ا چنانچه پس از صدور قرار تعویق صدور حکم، معلوم شود که متهم دارای سابقه محکومیت مؤثر کیفری بوده است، دادگاه اقدام به لغو قرار می‌نماید.

✓ مدت تعویق صدور حکم ۶ ماه تا ۲ سال می‌باشد.

✓ در صورتی که قسمتی از مجازات یا یکی از مجازات‌های مورد حکم معلق شود، مدت تعلیق از زمان خاتمه اجرای مجازات غیرمعلق محاسبه می‌گردد. (ماده ۵۳ ق.ا.م.ا)

شرایط صدور قرار تعویق صدور حکم محکومیت

۱. امکان تعویق صدور حکم فقط در جرائم تعزیری درجه ۶ تا ۸ وجود دارد.

۲. زمان امکان تعویق صدور حکم پس از احراز مجرمیت متهم است؛ یعنی دادگاه می‌تواند اقدام به تعویق صدور حکم نماید و دادسرا مجاز به این کار نیست.

۳. برای صدور، قرار تعویق صدور حکم جمع شرایط ذیل الزامی است:

* در نظر گرفتن وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب

* احراز یکی از جهات تخفیف مندرج در بندهای هشت‌گانه ماده ۳۸ ق.ا.م.ا.

* پیش‌بینی اصلاح مرتکب.

* فقدان سابقه محکومیت کیفری مؤثر با لحاظ ماده ۲۵ ق.م.ا، مگر آن که مهلت‌های مندرج در ماده ۲۵ ق.م.ا سپری شده و اعاده حیثیت صورت گرفته باشد

* جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران آن.

✓ جهات تخفیف مندرج در بندهای هشت‌گانه ماده ۳۸ ق.م.ا: (۱- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی ۲- همکاری مؤثر متهم ۳- حالت برانگیختگی و انگیزه شرافتمندانه ۴- اعلام و اقرار متهم ۵- ندامت، حسن سابقه و یا وضع خاص متهم ۶- کوشش متهم پس از جرم ۷- خفیف بودن زیان وارد شده به بزه‌دیده یا نتایج زیان‌بار جرم ۸- مداخله ضعیف شرکاء یا معاون در وقوع جرم)

✓ محکومیت مؤثر، محکومیتی است که محکوم را به تبع اجرای حکم، بر اساس ماده (۲۵) این قانون از حقوق اجتماعی محروم می‌کند. (تبصره ماده ۴۰ ق.م.ا)

✓ دادگاه نمی‌تواند قرار تعویق صدور حکم را به صورت غیابی صادر کند. (تبصره ۱ ماده ۴۱ ق.م.ا) عدم امکان صدور این قرار به طور غیابی به دلیل ضرورت اخذ تعهد کتبی در هر دو شکل قرار تعویق صدور حکم اعم از ساده و مراقبتی است.

✓ مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۹۲/۱۰۲۳ مورخ ۱۳۹۲/۶/۲: «با توجه به ماده ۵۵ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ چنانچه دادگاه صادرکننده قرار تعویق صدور حکم و یا دادستان و قاضی اجرای احکام احراز نمایند که محکوم علیه حائز شرایط مقرر قانونی جهت به تعویق انداختن و یا معافیت از کیفر نبوده، می‌توانند لغو تعویق مجازات و معافیت از کیفر را از دادگاه صادرکننده قرار تقاضا نمایند.

موارد عدم امکان تعویق صدور حکم محکومیت (مواد ۴۰ و ۴۷ ق.م.ا)

۱. حدود (مفهوم مخالف ماده ۴۰ ق.م.ا)
۲. قصاص (مفهوم مخالف ماده ۴۰ ق.م.ا)
۳. دیات (مفهوم مخالف ماده ۴۰ ق.م.ا)
۴. تعزیرات درجه ۱ تا ۵ (مفهوم مخالف ماده ۴۰ ق.م.ا)
۵. تعزیرات منصوص شرعی (تبصره ۲ ماده ۱۱۵ ق.م.ا)
۶. جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور
۷. خرابکاری در تأسیسات آب، برق، گاز، نفت و مخابرات
۸. جرائم سازمان‌یافته
۹. سرقت مسلحانه یا مقرون به آزار
۱۰. آدم‌ربایی
۱۱. اسیدپاشی
۱۲. قدرت‌نمایی و ایجاد مزاحمت با چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر
۱۳. جرائم علیه عفت عمومی
۱۴. تشکیل یا اداره مراکز فساد و فحشا
۱۵. قاچاق عمده مواد مخدر یا روانگردان
۱۶. قاچاق عمده مشروبات الکلی
۱۷. قاچاق عمده سلاح و مهمات
۱۸. قاچاق انسان
۱۹. تعزیر بدل از قصاص نفس
۲۰. معاونت در قتل عمدی
۲۱. معاونت در محاربه
۲۲. معاونت در افساد فی الارض

۲۳. جرائم اقتصادی، با موضوع جرم بیش از یکصد میلیون (۰۰۰/۰۰۰/۱۰۰) ریال از قبیل: ۱- رشاء و ارتشاء ۲- اختلاس ۳- اِعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال توسط مجرم یا دیگری ۴- مداخله وزراء و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری ۵- تبانی در معاملات دولتی ۶- اخذ پورسانت در معاملات خارجی ۷- تعدیات مأموران دولتی نسبت به دولت ۸- جرائم گمرکی ۹- قاچاق کالا و ارز ۱۰- جرائم مالیاتی ۱۱- پولشویی ۱۲- تصرف غیرقانونی در اموال عمومی یا دولتی

۲۴. صدور حکم مجازات اشخاصی که مبادرت به اعمال مجرمانه نسبت به آمر به معروف و ناهی از منکر نمایند، قابل تعویق نمی‌باشد. (ماده ۷ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر)

✓ همچنین شروع به جرائم موارد ۱ تا ۲۳ فوق غیر قابل تعویق صدور حکم محکومیت می‌باشد.

✓ مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۹۲/۸۴۷ مورخ ۱۳۹۲/۵/۷: «با توجه به اینکه مقنن در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ضابطه‌ای برای تشخیص و ملاک «قاچاق عمده» تعیین ننموده است در نتیجه تشخیص مصداق آن به عهده قاضی رسیدگی کننده است که با توجه به اوضاع و احوال پرونده از قبیل میزان، نحوه بسته‌بندی و ... مشخص می‌گردد. با توجه به نحوه نگارش بند (ت) ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قید «عمده» مشروبات الکلی، سلاح و مهمات را نیز در برمی‌گیرد.»

آثار تعویق صدور حکم محکومیت

دادگاه‌ها پس از صدور قرار تعویق حکم، چنانچه متهم در بازداشت باشد در اولین اقدام خود، بی‌درنگ دستور آزادی او را صادر می‌کند. علت این بازداشت ممکن است عجز از معرفی کفیل یا وثیقه و یا قرار بازداشت موقت باشد. دادگاه می‌تواند در تضمین این دستور، تأمین مناسبی که به بازداشت مرتکب منتهی نشود، اخذ کند. (تبصره ۲ ماده ۴۱ ق.م.ا)

در ضمن، پس از گذشت زمان تعیین شده، دادگاه با تشکیل جلسه رسیدگی و با اطمینان از اینکه مرتکب به جرم جدیدی که به لغو قرار تعویق منتهی گردد متهم نیست و با توجه به میزان پابندی مرتکب به اجرای دستورهای گزارش‌های مددکار اجتماعی و همچنین با ملاحظه وضعیت کنونی مرتکب، یا با صدور حکم معافیت از مجازات موافقت می‌کند و یا با تعیین مجازات مناسب مرتکب را محکوم می‌کند. دلایل معافیت و یا محکومیت باید در حکم ذکر شود. این حکم بر طبق مقررات آیین دادرسی کیفری قابل تجدیدنظر است.

انواع تعویق صدور حکم محکومیت

تعویق صدور حکم یا به شکل ساده یا مراقبتی است:

۱. **تعویق ساده:** در تعویق ساده مرتکب به طور کتبی متعهد می‌گردد، در مدت تعیین شده به وسیله دادگاه، مرتکب جرمی نشود و از نحوه رفتار وی پیش‌بینی شود که در آینده نیز مرتکب جرم نمی‌شود. (بند الف ماده ۴۱ ق.م.ا) البته ارتکاب جرائم غیرعمدی مستوجب دیه و تعزیرات درجه هشت موجب لغو قرار تعویق نخواهد بود.

۲. **تعویق مراقبتی:** در تعویق مراقبتی علاوه بر شرایط تعویق ساده، مرتکب متعهد می‌گردد دستورهای و تدابیر مقرر شده به وسیله دادگاه را در مدت تعویق رعایت کند یا به موقع اجرا گذارد. (بند ب ماده ۴۱ ق.م.ا) تدابیر مراقبتی جنبه الزامی و دستورات مقرره در قانون جنبه اختیاری دارد.

• تدابیر و دستورات همراه با قرار تعویق مراقبتی صدور حکم محکومیت (ماده ۴۲ ق.م.ا)

- * حضور به موقع در زمان و مکان تعیین شده توسط مقام قضائی یا مددکار اجتماعی ناظر
- * ارائه اطلاعات و اسناد و مدارک تسهیل کننده نظارت بر اجرای تعهدات محکوم برای مددکار اجتماعی
- * اعلام هرگونه تغییر شغل، اقامتگاه یا جابه جایی در مدت کمتر از پانزده روز و ارائه گزارشی از آن به مددکار اجتماعی
- * کسب اجازه از مقام قضائی به منظور مسافرت به خارج از کشور
- ✓ تدابیر فوق الزامی هستند و جنبه حصری دارد.
- ✓ تدابیر مذکور به صورت عام مجموعی تمامی آنها باید رعایت شود.

- ✓ تدابیر یادشده می‌تواند از سوی دادگاه همراه با برخی تدابیر معاضدتی از قبیل معرفی مرتکب به نهادهای حمایتی باشد. (تبصره ماده ۴۲ ق.م.ا) این تدابیر معاضدتی جنبه حصری نداشته و تعیین نوع آن بستگی به تشخیص دادگاه دارد (الزامی نیست).
- ✓ قانونگذار نسبت به عدم رعایت تدابیر مراقبتی فوق، ضمانت‌اجرایی در نظر نگرفته است و به نظر می‌رسد عدم رعایت این تدابیر، موجب لغو قرار تعویق صدور حکم نخواهد شد؛ برای مثال در صورتی که متهم بدون کسب اجازه از مقام قضایی به کشور دیگر سفر کند، نمی‌توان به صرف مسافرت، قرار تعویق را لغو نمود.

● **الزام مرتکب به یک یا چند موارد از دستورات زیر با نظر قاضی در مدت تعویق صدور حکم محکومیت، (ماده ۴۳ ق.م.ا)**
 با لحاظ شرایط جرم ارتكابی و وضعیت زندگی مرتکب به نحوب که برای او و خانواده‌اش اختلال عمده ایجاد نکند:

- * حرفه‌آموزی یا اشتغال به حرفه‌ای خاص
- * اقامت یا عدم اقامت در مکان معین
- * درمان بیماری یا ترک اعتیاد
- * پرداخت نفقه افراد واجب‌النفقه
- * خودداری از تصدی کلیه یا برخی از وسایل نقلیه موتوری
- * خودداری از فعالیت حرفه‌ای مرتبط با جرم ارتكابی یا استفاده از وسایل مؤثر در آن
- * خودداری از ارتباط و معاشرت با شرکا یا معاونان جرم یا دیگر اشخاص از قبیل بزه‌دیده به تشخیص دادگاه
- * گذراندن دوره یا دوره‌های خاص آموزش و یادگیری مهارت‌های اساسی زندگی یا شرکت در دوره‌های تربیتی، اخلاقی، مذهبی، تحصیلی یا ورزشی.
- ✓ دستورات فوق جنبه حصری دارد.
- ✓ از ظاهر کلام قانونگذار و لفظ «می‌تواند» در عبارت «دادگاه صادرکننده قرار می‌تواند ... مرتکب را به اجرای یک یا چند مورد از دستورهای زیر در مدت تعویق، ملزم نماید» چنین برداشت می‌شود که تعیین این دستورات برخلاف تدابیر مراقبتی، جنبه اختیاری دارد.
- ✓ تحمیل سایر محدودیت‌ها بر متهم، مغایر با قانون است، قانونگذار در رابطه با الزام دادگاه به تصریح این دستورات در رأی و آثار عدم رعایت آن، تعیین تکلیف ننموده است، ولی از نظر اجرایی نمی‌توان به صرف یک دستور شفاهی، از متهم انتظار اجرای آن را به طور دقیق داشت.
- ✓ مسؤولیت نظارت بر اجرای صحیح تدابیر تظارتی با مددکار اجتماعی است و مسؤولیت نظارت بر اجرای صحیح دستورات فوق با قاضی اجرای احکام است.
- ✓ دستورات فوق، قابل جمع بوده و بنا به تشخیص دادگاه، متهم موظف به اجرای یک یا چند مورد از این دستورات است، بدیهی است، دادگاه در تعیین این دستورات می‌بایست شرط تناسب را رعایت نماید و با توجه به جرم ارتكابی، خصوصیات مرتکب و شرایط زندگی او به نحوی که در زندگی وی یا خانواده‌اش اختلال اساسی و عمده ایجاد نکند، اقدام به تعیین آنها می‌نماید.

ضمانت اجرای تخلف مرتکب در مدت تعویق صدور حکم محکومیت

۱. **افزایش مدت تعویق:** در صورت عدم اجرای دستورات دادگاه، قاضی می‌تواند برای یک بار تا نصف مدت مقرر در قرار، به مدت تعویق افزوده یا نسبت به صدور حکم محکومیت اقدام کند.
۲. **لغو قرار تعویق صدور حکم:** اگر کسی که در مورد او قرار تعویق صدور حکم صادر شده است، در مدت تعویق، مرتکب جرم موجب حد، قصاص، جنایات عمدی موجب دیه یا تعزیر تا درجه هفت شود، دادگاه نسبت به لغو قرار تعویق اقدام و حکم محکومیت صادر خواهد کرد. همچنین اگر این فرد دستورات دادگاه را در مدت تعویق اجرا ننماید دادگاه می‌تواند برای یک بار تا نصف مدت مقرر در قرار، به مدت تعویق

اضافه یا حکم محکومیت صادر کند. (ماده ۴۴ ق.م.ا) بنابراین اگر مرتکب در مدت تعویق بیش از یک بار اقدام به عدم اجرای دستورات پیش‌بینی شده نماید قرار تعویق، لغو و حکم محکومیت در مورد او صادر خواهد شد.

✓ ارتکاب جرم در ایام تعویق، مشمول مقررات تکرار جرم نخواهد بود؛ زیرا تکرار جرم ناظر بر فرضی است که در مورد اتهام قبلی حکم محکومیت قبلی صادر شده باشد؛ در حالی که در قرار تعویق صدور حکم، اساساً برای متهم حکم محکومیتی صادر نمی‌شود و بنابراین ارتکاب جرم در دوران تعویق را باید مشمول مقررات تعدد جرم دانست و نه تکرار جرم.

✓ باید توجه داشت که در صورت ارتکاب جرم، دادگاه لزوماً اقدام به لغو قرار تعویق و صدور حکم با توجه به قاعده تعدد جرم می‌نماید؛ ولی در صورت عدم اجرای دستور دادگاه، قاضی برای یک بار اختیار لغو قرار تعویق و صدور حکم به مدت تعویق تا نصف مدت مقرر در قرار را دارد. در رابطه با افزایش مدت تعویق باید به دو نکته توجه نمود:

* در صورت عدم اجرای دستورات دادگاه و افزایش مدت تعویق، تجاوز از حداکثر قانونی؛ یعنی دو سال، امکان‌پذیر است و دادگاه می‌تواند تا یک سال دیگر به مدت آن بیفزاید. برای مثال اگر مدت تعویق دو سال بوده باشد، دادگاه می‌تواند آن را تا سه سال افزایش دهد.

* برخلاف امکان افزایش مدت تعویق، به کاهش مدت آن در قانون اشاره‌ای نشده است، برای مثال در فرضی که دادگاه مدت تعویق را دو سال تعیین نموده باشد ولی از رفتار متهم و میزان پای‌بندی او به دستورات دادگاه چنین برمی‌آید که اصلاح شده و مجدداً دست به ارتکاب جرم نمی‌زند، دادگاه نمی‌تواند مدت تعویق را کاهش دهد.

✓ در صورت الغای قرار تعویق و صدور حکم محکومیت، صدور قرار تعلیق اجرای مجازات ممنوع است. (تبصره ماده ۴۴ ق.م.ا) ولی این حکم قابل تسری به سایر نهادهای ارفاقی مانند تخفیف مجازات، آزادی مشروط، عفو و ... نیست.

✓ ارتکاب جنایات غیرعمدی و تعزیرات درجه هشت، موجب لغو قرار تعویق صدور حکم نخواهد شد.

ضمانت اجرای تخلف مرتکب در مدت تعویق صدور حکم محکومیت (ماده ۴۴ ق.م.ا)		
لغو قرار تعویق حکم صدور حکم محکومیت با توجه به قاعده تعدد جرم		ارتکاب جرائم موجب: ۱- حد ۲- قصاص ۳- جنایت عمدی موجب دیه ۴- تعزیر تا درجه هفت
۱- لغو قرار و صدور حکم محکومیت یا ۲- افزایش مدت تعویق تا نصف مدت مقرر در قرار	بار اول	عدم اجرای دستورات دادگاه
لغو قرار و صدور حکم محکومیت	بار دوم	

تعلیق اجرای مجازات

تعلیق اجرای مجازات عبارت است از اجرا نکردن مجازات کسی که به کیفرهای تعزیری محکوم شده است، تا چنانچه در مدت معینی پس از آن، مرتکب جرم دیگری نشود و از دستورهای دادگاه در این مدت پیروی کند، محکومیت او بی‌اثر گردد. به عبارت دیگر تعلیق اجرای مجازات عبارت است از معلق ساختن مجازات کسی که مرتکب جرم تعزیری درجه ۳ تا ۸ شده است تا به شرطی که در مدت معینی بعد از آن مجدداً مرتکب جرم نشود به کلی از مجازات معاف شود.

ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی: «در جرائم تعزیری درجه سه تا هشت دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را از یک تا پنج سال معلق نماید. دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری نیز پس از اجرای یک سوم مجازات می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، تقاضای تعلیق نماید. همچنین محکوم می‌تواند پس از تحمل یک سوم مجازات، در صورت دارا بودن شرایط قانونی، از طریق دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری تقاضای تعلیق نماید.»

● در خصوص قرار تعلیق اجرای مجازات نکات ذیل قابل توجه است:

✓ تعلیق اجرای مجازات فقط در جرائم تعزیری درجه سه تا هشت قابل اعمال است؛ بنابراین تعلیق اجرای مجازات در حدود، قصاص، دیات و تعزیرات درجه یک و دو امکان‌پذیر نیست.

- ✓ دادگاه می‌تواند در مورد تمام جرائم تعزیری (حتی درجه یک و دو) ارتكابی توسط نوجوانان، صدور حکم را به تعویق اندازد یا اجرای مجازات را معلق کند. (ماده ۹۴ ق.م.ا)
- ✓ جرائم تعزیری منصوص شرعی قابل تعلیق نیستند. (تبصره ۲ ماده ۱۱۵ ق.م.ا)
- ✓ استفاده از تعلیق اجرای مجازات برای دادگاه اختیاری است و دادگاه می‌تواند آن را در حق متهم اعمال نماید یا اعمال ننماید. اما با توجه به تبصره ۳ ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین رشاء اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ در اتهام اختلاس چنانچه مرتکب پیش از صدور کیفرخواست، تمام وجه یا مال مورد اختلاس را مسترد نماید، دادگاه مؤظف به تعلیق حبس اوست؛ مطابق تبصره مذکور: «هر گاه مرتکب اختلاس قبل از صدور کیفرخواست تمام وجه یا مال مورد اختلاس را مسترد نماید دادگاه او را از تمام یا قسمتی از جزای نقدی معاف می‌نماید و اجراء مجازات حبس را معلق ولی حکم انفصال درباره او اجراء خواهد شد.»
- ✓ در مواردی که جرمی دارای چند مجازات باشد می‌توان بعضی از آنها را به حالت تعلیق درآورد، برای مثال در فرضی که شخصی مرتکب جرمی با مجازات قانونی حبس، شلاق و جزای نقدی شود، دادگاه می‌تواند تمام شلاق و بخشی از حبس را تعلیق درآورده و در مورد جزای نقدی حکم به اجرای مجازات صادر نماید.
- ✓ تعدد جرم مانع از صدور قرار تعلیق اجرای مجازات نیست.
- ✓ تصمیم دادگاه مبنی بر تعلیق اجرای مجازات در قالب «قرار تعلیق اجرای مجازات» صورت می‌گیرد.
- ✓ مدت تعلیق اجرای مجازات از ۱ تا ۵ سال می‌باشد.
- ✓ زمان صدور قرار تعلیق اجرای مجازات:
- * ضمن صدور حکم محکومیت
- * یا پس از صدور حکم محکومیت: در این حالت دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری یا محکوم پس از اجرای یک سوم مجازات می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، تقاضای تعلیق اجرای مجازات را نماید.
- ✓ برخلاف تعلیق حین صدور حکم محکومیت که قاضی رأساً اقدام به صدور آن می‌نماید، تعلیق پس از صدور حکم مستلزم تقاضای دادستان یا قاضی اجرای احکام است، در صورتی که دادگاه تقاضای دادستان یا قاضی اجرای احکام را مورد پذیرش قرار ندهد، رد تقاضا قابل اعتراض نیست؛ ولی مانع درخواست مجدد از سوی آنان نخواهد بود.
- شرایط صدور قرار تعلیق اجرای مجازات**
۱. امکان تعلیق اجرای مجازات فقط در جرائم تعزیری درجه ۳ تا ۸ وجود دارد.
 ۲. فقدان محکومیت تعلیقی: هرگاه پس از صدور قرار تعلیق، دادگاه احراز نماید که محکوم دارای سابقه محکومیت کیفری مؤثر یا محکومیت‌های قطعی دیگری بوده است که در میان آنها محکومیت تعلیقی وجود داشته و بدون توجه به آن اجرای مجازات معلق شده است، قرار تعلیق را لغو می‌کند. دادستان یا قاضی اجرای احکام نیز موظف است در صورت اطلاع از موارد فوق، لغو تعلیق مجازات را از دادگاه درخواست نماید. (ماده ۵۵ ق.م.ا) اما در مورد یک جرم که دارای چند مجازات است، می‌توان همه مجازات‌های آن جرم را توأماً معلق ساخت، برای مثال در فرضی که جرمی دارای مجازات حبس، شلاق و جزای نقدی باشد، دادگاه می‌تواند پس از محکومیت متهم، اجرای همه آنها را به حال تعلیق درآورد که در این صورت با گذشت مدت تعلیق و رعایت شرایط قانونی، از همه محکومیت‌ها رفع اثر خواهد شد.
 ۳. عدم لغو قرار تعویق صدور حکم: در صورتی که نسبت به اتهامی قبلاً قرار تعویق صدور حکم صادر شده باشد؛ اما به دلیل ارتکاب جرم یا عدم تبعیت از دستورات دادگاه، قرار تعویق صدور حکم لغو شده باشد، دادگاه نمی‌تواند نسبت به همان اتهام، قرار تعلیق اجرای مجازات صادر نماید. در واقع قرارهای تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات نسبت به یک اتهام، قابل جمع نبوده
 ۴. برای صدور قرار تعلیق اجرای مجازات جمع شرایط ذیل الزامی است:
- * در نظر گرفتن وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب
- * احراز یکی از جهات تخفیف مندرج در بندهای هشت‌گانه ماده ۳۸ ق.م.ا.

- * پیش‌بینی اصلاح مرتکب.
 - * فقدان سابقه محکومیت کیفری مؤثر با لحاظ ماده ۲۵ ق.م.ا، مگر آن که مهلت‌های مندرج در ماده ۲۵ ق.م.ا سپری شده و اعاده حیثیت صورت گرفته باشد
 - * جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران آن.
 - ✓ جهات تخفیف مندرج در بندهای هشت‌گانه ماده ۳۸ ق.م.ا: (۱) گذشت شاکی یا مدعی خصوصی ۲- همکاری مؤثر متهم ۳- حالت برانگیختگی و انگیزه شرافتمندانه ۴- اعلام و اقرار متهم ۵- ندامت، حسن سابقه و یا وضع خاص متهم ۶- کوشش متهم پس از جرم ۷- خفیف بودن زیان واردشده به بزه‌دیده یا نتایج زیان‌بار جرم ۸- مداخله ضعیف شرکاء یا معاون در وقوع جرم
 - ✓ محکومیت مؤثر، محکومیتی است که محکوم را به تبع اجرای حکم، بر اساس ماده (۲۵) این قانون از حقوق اجتماعی محروم می‌کند. (تبصره ماده ۴۰ ق.م.ا)
 - ✓ دادگاه نمی‌تواند قرار تعلیق اجرای مجازات را به صورت غیابی صادر کند. عدم امکان صدور این قرار به طور غیابی به دلیل ضرورت أخذ تعهد کتبی در هر دو شکل قرار تعلیق اجرای مجازات اعم از ساده و مراقبتی است.
- موارد عدم امکان تعلیق اجرای مجازات (ممنوعیت صدور قرار تعلیق اجرای مجازات)**
۱. حدود (مفهوم مخالف ماده ۴۶ ق.م.ا)
 ۲. قصاص (مفهوم مخالف ماده ۴۶ ق.م.ا)
 ۳. دیات (مفهوم مخالف ماده ۴۶ ق.م.ا)
 ۴. تعزیرات درجه ۱ و ۲ (مفهوم مخالف ماده ۴۶ ق.م.ا)
 ۵. تعزیرات منصوص شرعی (تبصره ۲ ماده ۱۱۵ ق.م.ا)
 ۶. تمام مجازات جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور (اما در جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور در صورت همکاری مؤثر مرتکب در کشف جرم و شناسایی سایر متهمان، تعلیق بخشی از مجازات بلامانع است. (تبصره الحاقی ماده ۴۷ ق.م.ا به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳)
 ۷. خرابکاری در تأسیسات آب، برق، گاز، نفت و مخابرات
 ۸. جرائم سازمان‌یافته
 ۹. سرقت مسلحانه یا مقرون به آزار
 ۱۰. آدم‌ربایی
 ۱۱. اسیدپاشی
 ۱۲. قدرت‌نمایی و ایجاد مزاحمت با چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر
 ۱۳. جرائم موضوع مواد ۶۳۹ ق.م.ا تعزیرات (تأسیس یا اداره مراکز فساد و فحشا یا تشویق مردم به این جرائم یا فراهم نمودن موجبات آن) و ۶۴۰ ق.م.ا تعزیرات (تولید، توزیع، انتشار، واردات، صادرات، نمایش، تصدی یا واسطه تجارت نوشته یا طرح، گراور، نقاشی، تصاویر، مطبوعات، اعلانات، علایم، فیلم، نوار سینما و یا بطور کلی هر چیز که عفت و اخلاق عمومی را جریحه‌دار نماید)
 ۱۴. تشکیل یا اداره مراکز فساد و فحشا
 ۱۵. قاچاق عمده مواد مخدر یا روانگردان
 ۱۶. قاچاق عمده مشروبات الکلی
 ۱۷. قاچاق عمده سلاح و مهمات
 ۱۸. قاچاق انسان
 ۱۹. تعزیر بدل از قصاص نفس

۲۰. معاونت در قتل عمدی

۲۱. معاونت در محاربه

۲۲. معاونت در افساد فی الارض

۲۳. جرائم اقتصادی، با موضوع جرم بیش از یکصد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال از قبیل: ۱- رشاء و ارتشاء ۲- اختلاس ۳- اِعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال توسط مجرم یا دیگری ۴- مداخله وزراء و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری ۵- تبانی در معاملات دولتی ۶- اخذ پورسانت در معاملات خارجی ۷- تعدیات مأموران دولتی نسبت به دولت ۸- جرائم گمرکی ۹- قاچاق کالا و ارز ۱۰- جرائم مالیاتی ۱۱- پولشویی ۱۲- تصرف غیرقانونی در اموال عمومی یا دولتی (البته تعلیق مجازات کلاهبرداری و کلیه جرائم در حکم کلاهبرداری و جرائمی که مجازات کلاهبرداری درباره آنها مقرر شده یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می‌شود بلامانع است همچنین تعلیق در شروع به جرائم فوق، بلامانع است. (تبصره الحاقی ماده ۴۷ ق.م.ا به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳)

۲۴. جرائم: ۱- ساخت مشروبات الکلی ۲- خرید مشروبات الکلی ۳- فروش مشروبات الکلی ۴- در معرض فروش قرار دادن مشروبات الکلی ۵- حمل مشروبات الکلی ۶- نگهداری مشروبات الکلی ۷- در اختیار قرار دادن مشروبات الکلی غیرقابل تعلیق اجرای مجازات می‌باشد. (تبصره ۳ ماده ۷۰۳ ق.م.ا تعزیرات)

✓ شروع به جرائم موارد ۱ تا ۲۳ فوق غیر قابل تعلیق اجرای مجازات می‌باشد.

موارد عدم امکان تعلیق اجرای مجازات مندرج در قوانین خاص

۲۵. جرائم نسبت به آمران به معروف و ناهیان از منکر: مطابق ماده ۷ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر: «مجازات اشخاصی که مبادرت به اعمال مجرمانه نسبت به آمر به معروف و ناهی از منکر نمایند، قابل تخفیف و یا تعلیق نیست و صدور حکم مجازات قابل تعویق نمی‌باشد.»

۲۶. اسیدپاشی: مطابق ماده ۳ قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن مصوب ۱۳۹۸/۷/۲۱: «در مورد جرائم موضوع این قانون و شروع به آن، مقررات مربوط به ... تعلیق .. مجازات قابل اعمال نیست.»

۲۷. صدور چک از حساب مسدود: مطابق ماده ۱۰ قانون صدور چک «هر کس با علم به بسته بودن حساب بانکی خود مبادرت به صدور چک نماید عمل وی در حکم صدور چک بی‌محل خواهد بود و به حداکثر مجازات مندرج در ماده ۷ (۲ سال حبس) محکوم خواهد شد و مجازات تعیین شده غیرقابل تعلیق خواهد بود.»

۲۸. جزای نقدی در قاچاق کالا و ارز: مطابق ماده ۷۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز «جزای نقدی مقرر در این قانون از سوی مرجع رسیدگی کننده قابل تعلیق و تخفیف نیست»

۲۹. مجازات‌های حبس و شلاق در جرائم قاچاق کالاهای ممنوعه، حرفه‌ای و سازمان یافته: مطابق ماده ۷۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز: «... مجازات‌های حبس و شلاق در جرائم قاچاق کالاهای ممنوعه، حرفه‌ای و سازمان یافته موضوع این قانون نیز قابل تعلیق نمی‌باشد.» مطابق تبصره ۴ ماده ۲۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز: «مشروبات الکلی، اموال تاریخی فرهنگی، تجهیزات دریافت از ماهواره به طور غیرمجاز، آلات و وسایل قمار و آثار سمعی و بصری مبتذل و مستهجن از مصادیق کالای ممنوع است»

۳۰. اخلال در نظام اقتصادی کشور: مطابق تبصره ۵ ماده ۲ قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور: «هیچ یک از مجازات‌های مقرر در این قانون قابل تعلیق نبوده و همچنین اعدام و جزای مالی و محرومیت و انفصال دائم از خدمات دولتی و نهادهای از طریق محاکم قابل تخفیف یا تقلیل نمی‌باشد»

۳۱. جرائم مربوط به مواد مخدر و روان گردان: مطابق ماده ۴۵ قانون مبارزه با مواد مخدر الحاقی ۱۳۹۶: «در مورد جرائم موضوع این قانون که مجازات حبس بیش از پنج سال دارد در صورتی که حکم به حداقل مجازات قانونی صادر شود، جز در مورد مصادیق تبصره ماده (۳۸)، مرتکب از تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط و سایر نهادهای ارفاقی به استثنای عفو مقام معظم رهبری مذکور در بند (۱۱) اصل یکصد و دهم (۱۱۰) قانون اساسی بهره‌مند نخواهد شد و در صورتی که حکم به مجازات بیش از حداقل مجازات قانونی صادر شود دادگاه می‌تواند بخشی

از مجازات حبس را پس از گذراندن حداقل مجازات قانونی به مدت پنج تا ده سال تعلیق کند.» (تبصره ماده ۳۸ قانون فوق): «کلیه محکومینی که پس از صدور حکم به نحوی با نیروی انتظامی یا سازمان عمل‌کننده همکاری نمایند و اقدام آنها منجر به کشف شبکه‌ها گردد دادگاه صادرکننده رأی می‌تواند با تقاضای نیروی انتظامی و یا سازمان عمل‌کننده بر اساس اسناد مربوطه، مجازات وی را ضمن اصلاح حکم سابق‌الصدور تا نصف تخفیف دهد.» با توجه به حکم این ماده، تعلیق مجازات میان مرتکبین جرائم مواد مخدر با سایر جرائم دارای چند تفاوت است: ۱- اولاً تعلیق مجازات در جرائم مربوط به مواد مخدر حین صدور حکم امکان‌پذیر نیست؛ در حالی که در سایر جرائم امکان صدور قرار تعلیق مجازات حین صدور حکم محکومیت یا حین اجرای مجازات وجود دارد، زیرا تعلیق مجازات در جرائم مواد مخدر لزوماً پس از سپری شدن بخشی از مجازات امکان‌پذیر است بدین صورت که تعلیق مجازات حین اجرای مجازات در جرائم مواد مخدر پس از گذشت حداقل مجازات قانونی و در سایر جرائم پس از گذشت یک سوم از دوران محکومیت امکان‌پذیر است ۲- ثانیاً مدت تعلیق در جرائم مربوط به مواد مخدر ۵ تا ۱۰ سال است در حالی که در سایر جرائم ۱ تا ۵ سال است.

✓ مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۹۲/۸۴۷ مورخ ۱۳۹۲/۵/۷: «با توجه به اینکه مقنن در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ضابطه‌ای برای تشخیص و ملاک «قاچاق عمده» تعیین ننموده است در نتیجه تشخیص مصداق آن به عهده قاضی رسیدگی‌کننده است که با توجه به اوضاع و احوال پرونده از قبیل میزان، نحوه بسته‌بندی و ... مشخص می‌گردد. با توجه به نحوه نگارش بند (ت) ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قید «عمده» مشروبات الکلی، سلاح و مهمات را نیز در برمی‌گیرد.»

✓ رأی وحدت رویه شماره ۷۷۸ مورخ ۱۳۹۸/۳/۲۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور: «نظر به این که حسب مستفاد از بند الف ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، جرائم مذکور در ماده ۷۰۲ اصلاحی قانون مجازات اسلامی داخل در عنوان قاچاق نیست، بنابراین از شمول بند ت ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی (قابل تعلیق نبودن قاچاق عمده مشروبات الکلی) خارج است. از این رو اجرای مجازات این جرائم با رعایت شرایط ماده ۴۶ قانون اخیر قابل تعلیق است» البته مطابق ماده ۷۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ در هیچ یک از جرائم مندرج در این قانون، جزای نقدی قابل تعلیق نیست.

آثار تعلیق اجرای مجازات

۱. آثار تعلیق اجرای مجازات در مدت تعلیق اجرای مجازات

✓ با صدور قرار تعلیق، اجرای مجازات معلق می‌ماند؛ قرار تعلیق اجرای مجازات، تنها مانع مجازات می‌باشد و نسبت به موارد زیر فاقد تأثیر است:

* حقوق بزه‌دیده: تعلیق اجرای مجازات محکوم نسبت به حق مدعی خصوصی تأثیری ندارد و حکم پرداخت خسارت یا دیه در این موارد اجرا می‌شود. (ماده ۵۱ ق.م.ا)؛ به عبارت دیگر برخلاف قابلیت اجرای جزای نقدی، امکان تعلیق دیه، اُرش و ضرر و زیان ناشی از جرم وجود ندارد.

* اقدامات تأمینی و تربیتی: قرار تعلیق اجرای مجازات تأثیری بر اقدامات تأمینی و تربیتی ندارد؛ برای مثال قرار تعلیق مانع ضبط اموالی که برای ارتکاب جرم مورد استفاده قرار گرفته یا در نتیجه آن تحصیل شده است، نمی‌باشد.

* روابط استخدامی: در مواردی که به موجب قوانین اداری و استخدامی، محکومیت کیفری موجب انفصال است در صورت تعلیق، محکومیت معلق، موجب انفصال نمی‌گردد، مگر آنکه در قانون تصریح یا قرار تعلیق لغو شود. (تبصره ماده ۵۳ ق.م.ا) آنچه موجب قطع همکاری با سازمان مربوطه می‌شود، محکومیت قطعی است، نه محکومیت معلق؛ یعنی اداره یا سازمان مربوطه نمی‌تواند به دلیل محکومیت تعلیقی مانع حضور مرتکب در آن اداره یا سازمان شود، مگر آن که قرار تعلیق لغو و محکومیت تعلیقی به محکومیت لازم‌الاجرا تبدیل شود و یا اینکه در قوانین به این مطلب تصریح شده باشد که علاوه بر محکومیت‌های کیفری قطعی، محکومیت‌های کیفری تعلیقی موجب انفصال کارمند از آن اداره یا سازمان خواهد شد.

✓ مطابق ماده ۴۹ ق.م.ا: «... کسی که اجرای حکم مجازات وی به طور کلی معلق شده است، اگر در بازداشت باشد فوری آزاد می‌گردد.» البته در تعویق صدور حکم نیز أخذ تأمین کیفری، اختیاری است و همان گونه که در تبصره ۲ ماده ۴۱ ق.م.ا نیز آمده است: «دادگاه می‌تواند

در این مورد تأمین مناسب اخذ نماید» اما در تعلیق اجرای مجازات، بحث اخذ تأمین کیفری اساساً منتفی است؛ همچنین به موجب ماده ۲۵۱ ق.آ.د.ک قرار تأمین صادره قبلی ملغی‌الآثر می‌شود و لذا بر حسب مورد وثیقه مسترد و کفیل از مسؤولیت مبرا می‌شود.

✓ در صورت تعلیق اجرای مجازات، قاضی اجرای احکام کیفری، محکوم‌علیه را احضار و در صورت عدم حضور بدون عذر موجه، جلب می‌کند و با حضور محکوم‌علیه، دستور یا دستورهای دادگاه، چگونگی اجراء و ضمانت عدم رعایت آنها را به وی تفهیم و ابلاغ می‌نماید. (ماده ۵۵۱ ق.آ.د.ک)

✓ تأثیر تعلیق در مجازات تبعی، آنچه محکوم‌علیه را از حقوق اجتماعی محروم می‌سازد، محکومیت قطعی است نه محکومیت معلق؛ در محکومیت معلق به محض پایان مدت تعلیق، آثار محکومیت کیفری مرتکب زایل می‌شود؛ در حالی که در محکومیت قطعی پس از اجرای مجازات، باید مهلت‌های مقرر در قانون سپری گردد تا مجازات تبعی از بین برود. به طور کلی، تعلیق مجازات اصلی شامل مجازات‌های تکمیلی و تبعی هم می‌شود و این مجازات‌ها نیز به حالت تعلیق درمی‌آیند و پس از پایان دوره تعلیق، این مجازات‌ها به کلی لغو خواهند شد. البته در مواردی که مجازات تکمیلی، جنبه تأمینی و تربیتی داشته باشند (مانند توقیف وسایل ارتکاب جرم) تعلیق مجازات اصلی، تأثیری در مجازات تکمیلی نداشته و مجازات تکمیلی به اجرا درمی‌آید.

۲. آثار تعلیق اجرای مجازات پس از اتمام مدت تعلیق اجرای مجازات

✓ هرگاه محکوم از تاریخ صدور قرار تا پایان مدت تعلیق، مرتکب جرم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت نشود، محکومیت تعلیقی بی‌اثر می‌شود. (ماده ۵۴ ق.م.ا)

✓ ارتکاب جرائم فوق، علاوه بر لغو قرار تعلیق اجرای مجازات، تکرار جرم نیز محسوب می‌شود و دادگاه می‌بایست به جرم جدید با رعایت مقررات تکرار جرم، مجازات مرتکب را تشدید نماید.

✓ ارتکاب جرائم غیرعمدی درجه یک تا هفت و همچنین ارتکاب جرائم درجه هشت، موجب لغو قرار تعلیق اجرای مجازات نمی‌گردد.

انواع تعلیق اجرای مجازات (ماده ۴۸ ق.م.ا)

تعلیق اجرای مجازات یا به شکل ساده یا مراقبتی است:

۳. **تعلیق ساده:** در این نوع تعلیق، مجازات محکوم‌علیه در مدت معین و به شرط عدم ارتکاب جرائم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت تعلیق می‌شود.

۴. **تعلیق مراقبتی:** در این نوع تعلیق، علاوه بر شرایط تعلیقی ساده، مرتکب متعهد می‌گردد دستورات و تدابیر مقرر شده به وسیله دادگاه را در مدت تعلیق رعایت کند، یا به موقع اجرا گذارد. در این حالت محکوم‌علیه ملزم به انجام تعهدات پیش‌بینی شده در مواد ۴۲ و ۴۳ ق.م.ا در دوران تعلیق اجرای مجازات است. این بحث از ماده ۴۸ و مفهوم ماده ۵۰ ق.م.ا قابل استنباط است.

• تدابیر و دستورات همراه با قرار تعلیق مراقبتی اجرای مجازات (مواد ۴۸ و ۴۲ ق.م.ا)

- * حضور به موقع در زمان و مکان تعیین شده توسط مقام قضائی یا مددکار اجتماعی ناظر
- * ارائه اطلاعات و اسناد و مدارک تسهیل کننده نظارت بر اجرای تعهدات محکوم برای مددکار اجتماعی
- * اعلام هرگونه تغییر شغل، اقامتگاه یا جابه جایی در مدت کمتر از پانزده روز و ارائه گزارشی از آن به مددکار اجتماعی
- * کسب اجازه از مقام قضائی به منظور مسافرت به خارج از کشور
- ✓ تدابیر فوق الزامی هستند و جنبه حصری دارد.
- ✓ تدابیر مذکور به صورت عام مجموعی تمامی آن‌ها باید رعایت شود.
- ✓ تدابیر یادشده می‌تواند از سوی دادگاه همراه با برخی تدابیر معاضدتی از قبیل معرفی مرتکب به نهادهای حمایتی باشد. (تبصره ماده ۴۲ ق.م.ا) این تدابیر معاضدتی جنبه حصری نداشته و تعیین نوع آن بستگی به تشخیص دادگاه دارد (الزامی نیست).

✓ قانونگذار نسبت به عدم رعایت تدابیر مراقبتی فوق، ضمانت‌اجرایی در نظر نگرفته است و به نظر می‌رسد عدم رعایت این تدابیر، موجب لغو قرار تعلیق اجرای مجازات نخواهد شد؛ برای مثال در صورتی که متهم بدون کسب اجازه از مقام قضایی به کشور دیگر سفر کند، نمی‌توان به صرف مسافرت، قرار تعلیق را لغو نمود.

● **الزام مرتکب به یک یا چند موارد از دستورات زیر با نظر قاضی در مدت تعلیق اجرای مجازات، (مواد ۵۰ و ۴۳ ق.م.ا) با لحاظ شرایط جرم ارتكابی و وضعیت زندگی مرتکب به نحوی که برای او و خانواده‌اش اختلال عمده ایجاد نکند:**

- * حرفه‌آموزی یا اشتغال به حرفه‌ای خاص
- * اقامت یا عدم اقامت در مکان معین
- * درمان بیماری یا ترک اعتیاد
- * پرداخت نفقه افراد واجب‌النفقه
- * خودداری از تصدی کلیه یا برخی از وسایل نقلیه موتوری
- * خودداری از فعالیت حرفه‌ای مرتبط با جرم ارتكابی یا استفاده از وسایل مؤثر در آن
- * خودداری از ارتباط و معاشرت با شرکا یا معاونان جرم یا دیگر اشخاص از قبیل بزه‌دیده به تشخیص دادگاه
- * گذراندن دوره یا دوره‌های خاص آموزش و یادگیری مهارت‌های اساسی زندگی یا شرکت در دوره‌های تربیتی، اخلاقی، مذهبی، تحصیلی یا ورزشی.

✓ دستورات فوق، جنبه حصری دارد.

✓ تحمیل سایر محدودیت‌ها بر متهم، مغایر با قانون است، قانونگذار در رابطه با الزام دادگاه به تصریح این دستورات در رأی و آثار عدم رعایت آن، تعیین تکلیف ننموده است، ولی از نظر اجرایی نمی‌توان به صرف یک دستور شفاهی، از متهم انتظار اجرای آن را به طور دقیق داشت.

✓ مسئولیت نظارت بر اجرای صحیح تدابیر تظارتی با مددکار اجتماعی است و مسئولیت نظارت بر اجرای صحیح دستورات فوق با قاضی اجرای احکام است.

✓ دستورات فوق، قابل جمع بوده و بنا به تشخیص دادگاه، متهم موظف به اجرای یک یا چند مورد از این دستورات است، بدیهی است، دادگاه در تعیین این دستورات می‌بایست شرط تناسب را رعایت نماید و با توجه به جرم ارتكابی، خصوصیات مرتکب و شرایط زندگی او به نحوی که در زندگی وی یا خانواده‌اش اختلال اساسی و عمده ایجاد نکند، اقدام به تعیین آنها می‌نماید.

ضمانت اجرای تخلف مرتکب در مدت تعلیق اجرای مجازات

۱. **افزایش مدت تعلیق:** در صورت عدم اجرای دستورات دادگاه، دادگاه صادرکننده حکم قطعی می‌تواند به درخواست دادستان یا قاضی اجرای احکام:

* در مرتبه اول یک تا دو سال به مدت تعلیق اضافه یا قرار تعلیق را لغو می‌نماید.

* در مرتبه دوم، قرار تعلیق لغو و مجازات اجرا می‌شود.

۲. **لغو قرار تعلیق اجرای مجازات:** اگر کسی که در مورد او قرار تعلیق اجرای مجازات صادر شده است، در مدت تعلیق، مرتکب جرم موجب حد، قصاص، جنایات عمدی موجب دیه یا تعزیر تا درجه هفت شود، دادگاه نسبت به لغو قرار تعلیق اقدام و دستور اجرای حکم معلق به همراه حکم اخیر صادر کرده و مراتب را به دادگاه صادرکننده قرار تعلیق اعلام می‌کند.

✓ ارتکاب جرم در ایام تعلیق، مشمول مقررات تعدد جرم نخواهد بود؛ زیرا تعدد جرم ناظر بر فرضی است که در مورد اتهام قبلی حکم محکومیت قبلی صادر نشده باشد؛ در حالی که در قرار تعلیق اجرای مجازات، اساساً برای متهم حکم محکومیتی صادر می‌شود و بنابراین ارتکاب جرم در دوران تعلیق را باید مشمول مقررات تکرار جرم دانست و نه تعدد جرم.

✓ ارتکاب جنایات غیرعمدی و تعزیرات درجه هشت، موجب لغو قرار تعلیق اجرای مجازات نخواهد شد.
✓ رأی وحدت رویه شماره ۶۷۱ مورخ ۱۳۸۳/۹/۱۷: «رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور ماده ۳۳ قانون مجازات اسلامی، الغای قرار تعلیق اجرای مجازات، جرم را در صورت ارتکاب بزه جدید در مدت تعلیق، موکول بر این دانسته است که جرم جدید مستوجب محکومیت مذکور در ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی باشد. نظر به اینکه بزه فرار از خدمت، برای بار دوم، در شمار شرایط مندرج در ماده ۲۵ قانون مرقوم نیست، لذا لغو قرار تعلیق اجرای حکم مجازات در این مورد فاقد مبنای قانونی است»

ضمانت اجرای تخلف مرتکب در مدت تعلیق اجرای مجازات (مواد ۵۰ و ۵۴ ق.م.ا)		
دادگاه اقدام به لغو قرار تعلیق و دستور اجرای حکم معلق به همراه حکم اخیر با توجه به قاعده تکرار جرم صادر کرده و مراتب را به دادگاه صادرکننده قرار تعلیق اعلام می‌کند.		ارتکاب جرائم موجب: ۱- حد ۲- قصاص ۳- جنایت عمدی موجب دیه ۴- تعزیر تا درجه هفت
۱- یک تا دو سال به مدت تعلیق اضافه یا قرار تعلیق را لغو می‌نماید.	بار اول	عدم اجرای دستورات دادگاه
۲- لغو قرار تعلیق و اجرای حکم معلق	بار دوم	
لغو قرار تعلیق و اجرای حکم معلق		

قرار تعلیق تعقیب و قرار تعلیق اجرای مجازات

قرار تعلیق اجرای مجازات با قرار تعلیق تعقیب (موضوع ماده ۸۱ ق.آ.د.ک) متفاوت است؛ تعلیق تعقیب به مقام قضایی این امکان را می‌دهد تا به جای تعقیب و پیگیری امر کیفری، موقتاً ادامه رسیدگی را به حال تعلیق درآورد تا چنانچه متهم در ایام تعلیق تعقیب از دستورات مقام قضایی پیروی کرده و مجدداً مرتکب جرم نشود، پرونده کیفری را مختومه سازد. در واقع، قرار تعلیق تعقیب راهکاری است که به موجب آن اساساً فرآیند دادرسی کیفری به جریان نمی‌افتد و در همان ابتدای امر، تصمیم بر مختومه شدن پرونده گرفته می‌شود؛ در حالی که قرار تعلیق اجرای مجازات ابزاری است که قاضی در خاتمه رسیدگی و پس از صدور حکم محکومیت قطعی، به آن متوسل می‌شود و به جای اجرای مجازات، تصمیم بر تعلیق مجازات می‌گیرد؛ میان قرار تعلیق تعقیب و قرار تعلیق اجرای مجازات از جهات دیگری تفاوت وجود دارد:

تفاوت قرار تعلیق اجرای مجازات با قرار تعلیق تعقیب	
قرار تعلیق اجرای مجازات	قرار تعلیق تعقیب
در جرائم تعزیری درجه ۳ تا ۸ صادر می‌شود	در جرائم تعزیری درجه ۶ تا ۸ صادر می‌شود
مدت قرار ۱ تا ۵ سال است	مدت قرار ۶ ماه تا ۲ سال است
در صورت عدم اجرای دستورات دادگاه برای مرتبه نخست می‌توان تا دو سال به مدت آن اضافه کند.	در صورت عدم اجرای دستورات مقام قضایی حکمی در قانون پیش‌بینی نشده است.
لزوماً از سوی قاضی دادگاه صادر می‌شود	حسب مورد از سوی دادستان یا قاضی دادگاه صادر می‌شود؛ یعنی در جرائم درجه ۶ که در دادسرا مطرح می‌شود، دادستان و در جرائم درجه ۷ و ۸ که مستقیماً در دادگاه مطرح می‌شود، قاضی دادگاه اقدام به صدور قرار تعلیق تعقیب می‌نماید.
قطعی و غیرقابل اعتراض است	ظرف ۱۰ روز قابل اعتراض در مرجع صالح است؛ منظور از مرجع صالح در مواردی که دادستان این قرار را صادر می‌کند، دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به اصل جرم را دارد و در مواردی که دادگاه آن را صادر می‌کند، دادگاه تجدیدنظر استان است.
بحث تأمین کیفری منتفی است	در صورت ضرورت، مقام قضایی اقدام به صدور قرار تأمین کیفری متناسب می‌نماید
حسب مورد به طور ساده یا مراقبتی صادر می‌شود، قرار تعلیق مراقبتی همراه با یک یا چند مورد از دستورات مقرر در ماده ۸۱ است و قرار تعلیق ساده مرتکب بی‌قید و شرط آزاد می‌شود.	لزوماً همراه با یک یا چند مورد از دستورات مقرر در ماده ۸۱ ق.آ.د.ک است.
در صورت استنکاف از دستورات دادگاه در مرتبه نخست قرار لغو یا به مدت آن اضافه می‌شود.	در صورت استنکاف از دستورات مقام قضایی قرار در همان مرتبه نخست لغو می‌شود و افزایش مدت قرار منتفی است.
ارتکاب جرائم مستوجب حد، قصاص و تعزیرات عمدی درجه ۱ تا ۷ موجب لغو قرار می‌شود.	ارتکاب جرائم مستوجب حد، قصاص و تعزیرات عمدی و غیرعمدی درجه ۱ تا ۷ موجب لغو قرار می‌شود.
نیازمند موافقت مرتکب نیست و دادگاه بنا به صلاحدید خود، مجازات مرتکب را معلق می‌نماید.	مستلزم اخذ موافقت متهم است و در صورتی که متهم با صدور قرار موافق نباشد، نمی‌توان تعقیب او را معلق ساخت.

تفاوت تعویق صدور حکم با تعلیق اجرای مجازات	
تعویق صدور حکم	تعلیق اجرای مجازات
امکان تعویق صدور حکم فقط در جرائم تعزیری درجه ۶ تا ۸ وجود دارد.	امکان تعلیق اجرای مجازات فقط در جرائم تعزیری درجه ۳ تا ۸ وجود دارد.
نسبت به کل مجازات‌های مورد حکم، تعویق صدور حکم، اعمال می‌شود.	نسبت به قسمتی از مجازات یا یکی از مجازات‌های مورد حکم، تعلیق اجرای مجازات اعمال می‌شود.
مدت قرار تعویق صدور حکم ۶ ماه تا ۲ سال می‌باشد.	مدت قرار تعلیق اجرای مجازات از ۱ تا ۵ سال می‌باشد.
در صورت ارتکاب جرم، دادگاه اقدام به لغو قرار تعویق و صدور حکم با توجه به قاعده تعدد جرم می‌نماید	در صورت ارتکاب جرم، دادگاه اقدام به لغو قرار تعلیق و دستور اجرای حکم معلق به همراه حکم اخیر با توجه به قاعده تکرار جرم صادر کرده و مراتب را به دادگاه صادرکننده قرار تعلیق اعلام می‌کند.
در صورت عدم اجرای دستورات دادگاه، دادگاه می‌تواند برای یک بار تا نصف مدت مقرر در قرار، به مدت تعویق افزوده یا نسبت به صدور حکم محکومیت اقدام کند.	در صورت عدم اجرای دستورات دادگاه، دادگاه صادرکننده حکم قطعی می‌تواند به درخواست دادستان یا قاضی اجرای احکام: ۱- در مرتبه اول یک تا دو سال به مدت تعلیق اضافه یا قرار تعلیق را لغو می‌نماید. ۲- در مرتبه دوم، قرار تعلیق لغو و مجازات اجرا می‌شود.

تفاوت قرار تعویق صدور حکم با قرار تعلیق اجرای مجازات در رابطه با افزایش مدت قرار یا لغو آن، به دلیل عدم اجرای دستورات دادگاه	
قرار تعویق صدور حکم	قرار تعلیق اجرای مجازات
لغو یا افزایش مدت تعویق صدور حکم مستقیماً از سوی دادگاه انجام می‌گیرد	لغو یا افزایش مدت تعلیق اجرای مجازات، مستلزم درخواست دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری است و ظاهراً دادگاه رأساً چنین حقی ندارد.
افزایش مدت تعویق تا نصف مقرر در قرار خواهد بود، برای مثال اگر مدت تعویق یک سال بوده باشد حداکثر تا شش ماه می‌توان به آن اضافه نمود.	افزایش مدت تعلیق برای یک سال و تا دو سال امکان‌پذیر می‌باشد، برای مثال اگر مدت تعلیق یک سال بوده باشد می‌توان آن را به سه سال افزایش داد.
قانونگذار علی‌رغم افزایش مدت تعویق، از کاهش مدت آن سخنی به میان نیاورده است.	در مورد تعلیق اجرای مجازات، علاوه بر افزایش مدت تعلیق به کاهش آن نیز اشاره کرده است. (مطابق ماده ۵۵۲ ق.آ.د.ک)

ماده ۵۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری: «هرگاه محکوم علیه پس از سپری شدن حداقل شش ماه از مدت تعلیق اجرای مجازات، به طور مستمر حسن اخلاق و رفتار نشان دهد، قاضی اجرای احکام کیفری، مراتب را با پیشنهاد کاهش مدت تعلیق یا لغو تمام یا برخی از دستورهای تعیین شده به دادگاه صادرکننده حکم اعلام می‌کند. دادگاه در وقت فوق العاده در مورد پیشنهاد قاضی اجرای احکام کیفری تصمیم می‌گیرد.»

نظام نیمه آزادی

نظام نیمه آزادی یکی از راهکارهای کاهش جمعیت زندان‌ها و حضور مرتکب در جامعه برای اصلاح و بازپروری اوست که به موجب آن، مرتکب ساعاتی از محکومیت خود را در زندان سپری می‌کند و ساعاتی دیگر را خارج از زندان به انجام خدمات و فعالیت‌های تعیین شده از سوی دادگاه

می‌پردازد، تا با این شیوه هم مجازات خود را تحمّل کرده باشد و هم از تبعات سوئی که به دلیل حضور دائم در محیط زندان و دوری از جامعه به بار می‌آید، در امان بماند.

ماده ۵۶ قانون مجازات اسلامی: «نظام نیمه آزادی، شیوه‌ای است که بر اساس آن محکوم می‌تواند در زمان اجرای حکم حبس، فعالیت‌های حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، درمانی و نظایر اینها را در خارج از زندان انجام دهد. اجرای این فعالیت‌ها زیر نظر مراکز نیمه آزادی است که در سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی تأسیس می‌شود»

✓ فعالیت‌های مندرج در ماده ۵۶ ق.م.ا. حصری می‌باشد و منظور از عبارت «و نظایر اینها» در ماده ۵۶ ق.م.ا. سایر اقداماتی است در ماده ۵۷ ق.م.ا. به آنها اشاره شده است.

✓ منظور از «یک فعالیت» در ماده فوق یک نوع خاص از همان دسته است، مثلاً یک نوع فعالیت شغلی، یک نوع فعالیت آموزشی و ... بنابراین دادگاه می‌تواند مرتکب را هم به فعالیت شغلی وادار نماید و هم به فعالیت آموزشی، اما تحمیل دو فعالیت شغلی مختلف بر او ممنوع است.

✓ زندان‌ها با توجه به شیوه‌های اجرای مجازات حبس، به چهار بخش تقسیم می‌شوند؛ مطابق تبصره ۱ ماده ۵۱۳ ق.آ.د.ک: «زندان‌ها به زندان بسته، نیمه‌باز، مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال و مراکز اقدامات تأمینی و تربیتی از جمله کانون اصلاح و تربیت برای اطفال و نوجوانان تقسیم می‌شود.»

✓ در ماده ۱۱ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ در مورد جرائم خاص نظامیان نیز نهادی تحت عنوان «حبس توأم با خدمت» را مورد پیش‌بینی قرار داده است، که تا حدّی مشابه با نظام نیمه آزادی می‌باشد؛ مطابق این ماده: «دادگاه‌های نظامی می‌توانند به درخواست محکوم‌علیه و پیشنهاد دادستان و رعایت مقررات مربوط به زندان باز و نیمه باز مدت حبس وی را که بیش از یک سال نباشد به حبس با خدمت تبدیل نمایند. در این صورت محکومان مذکور به یگان مربوط یا مراکزی که نیروهای مسلح برای خدمت تعیین می‌کنند معرفی شده و پس از پایان خدمت روزانه در بازداشتگاه یگان یا مرکزی که تعیین شده نگهداری می‌شوند»

ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی: «در حبس‌های تعزیری درجه پنج تا هفت دادگاه صادرکننده حکم قطعی می‌تواند مشروط به گذشت شاکي و سپردن تأمین مناسب و تعهد به انجام یک فعالیت شغلی، حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی یا درمان اعتیاد یا بیماری که در فرایند اصلاح یا جبران خسارت وارد بر بزه‌دیده مؤثر است، محکوم را با رضایت خود او، تحت نظام نیمه آزادی قرار دهد. همچنین محکوم می‌تواند در طول دوره تحمّل مجازات در صورت دارا بودن شرایط قانونی، صدور حکم نیمه آزادی را تقاضا نماید و دادگاه موظف به رسیدگی است.

تبصره - مقررات این ماده در مورد حبس‌های تعزیری درجه دو، درجه سه و درجه چهار، در صورت گذراندن یک‌چهارم مدت حبس قابل اعمال است. (الحاقی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳)

✓ حکم نیمه آزادی ممکن است هم‌زمان با صدور حکم، در مورد کل دوران حبس یا در زمان اجرای مجازات، صادر گردد.

✓ در رابطه با اینکه برای اعطای نظام نیمه آزادی پس از صدور حکم محکومیت، چه مدّت از مجازات باید بگذرد، تصریحی وجود ندارد و ظاهراً به نظر می‌رسد حتی دادگاه یک روز پس از محکومیت متّهم نیز می‌تواند، حکم به نیمه آزادی صادر نماید.

✓ در مواردی که دادگاه بخواهد هم‌زمان با صدور حکم محکومیت اقدام به صدور حکم نیمه آزادی نماید، رأساً تصمیم‌گیری می‌کند؛ ولی در صورتی که بخواهد حین اجرای مجازات چنین تصمیمی را اتخاذ کند، مستلزم پیشنهاد دادستان یا قاضی اجرای احکام است.

✓ صدور حکم نیمه آزادی از اختیارات دادگاه صادرکننده حکم قطعی می‌باشد.

✓ با توجه به قسمت اخیر ماده ۹۰ ق.م.ا. امکان صدور حکم نیمه آزادی در مورد اطفال و نوجوانانی که به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت محکوم شده‌اند، وجود دارد؛ مطابق قسمت اخیر ماده ۹۰ ق.م.ا: «این امر مانع استفاده از آزادی مشروط و سایر تخفیفات قانونی با تحقق شرایط آنها نیست»

✓ از شرط گذشت شاکي خصوصی، در می‌یابیم که صدور حکم نیمه آزادی فقط در جرائم غیرقابل گذشت امکان‌پذیر است؛ زیرا در جرائم قابل گذشت با گذشت شاکي خصوصی قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود و دیگر نوبت به حکم نیمه آزادی نمی‌رسد.

✓ نظام نیمه آزادی تنها نهاد ارفاقی است که لازمه استفاده از آن سپردن تأمین کیفری مناسب است^۷، صدور قرار تأمین کیفری با هدف بازگشت به موقع مرتکب به زندان، انجام می‌گیرد و نه با هدف تضمین اجرای دستورات و فعالیت‌های مورد نظر دادگاه؛ بنابراین ضبط تأمین کیفری به دلیل استنکاف محکوم علیه از اجرای فعالیت‌هایی که از سوی دادگاه تعیین شده است، امکان‌پذیر نیست و تنها زمانی می‌توان تأمین کیفری را ضبط نمود که مرتکب در زمان تعیین شده، حضور نیابد.

✓ در مواردی که حکم نیمه آزادی هم‌زمان با صدور حکم محکومیت قطعی صادر می‌شود، مرجع صدور قرار تأمین کیفری دادگاه صادرکننده حکم محکومیت قطعی است؛ اما در مواردی که حکم نیمه آزادی پس از صدور حکم محکومیت و حین اجرای مجازات صادر می‌شود، مرجع صدور قرار تأمین کیفری، قاضی اجرای احکام کیفری می‌باشد. (مطابق ماده ۵۵۴ ق.آ.د.ک)

✓ اصولاً دادگاه در استفاده از نهادهای ارفاقی به تشخیص خود عمل می‌کند و موافقت مرتکب نقشی در تصمیم دادگاه ایفا نمی‌کند؛ اما استثنائاً در «نظام نیمه آزادی، آزادی توأم با نظارت الکترونیکی و خدمات عمومی رایگان به عنوان یکی از جایگزین‌های حبس» موافقت قبلی مرتکب ضروری است و در صورتی که مرتکب با اتخاذ این تصمیمات موافق نباشد، مجازات حبس به اجرا گذاشته می‌شود؛ همچنین صرف موافقت مرتکب برای استفاده از نظام نیمه آزادی کفایت نمی‌کند و مرتکب باید تعهد بدهد که فعالیت‌های تعیین شده از سوی دادگاه را به درستی اجرا می‌نماید.

✓ صدور حکم نیمه آزادی، منافاتی با اجرای مجازات‌های تکمیلی و تبعی نداشته و در صورت پایان مدّت نیمه آزادی، مرتکب برای مدّت معین از حقوق اجتماعی محروم خواهد شد.

شرایط صدور حکم نیمه آزادی

۳. نظام نیمه آزادی در مورد محکومین به حبس‌های تعزیری درجات ۲ تا ۷ قابل اعمال است:

- * در مورد محکومین به حبس‌های تعزیری درجه ۵ تا ۷ هم‌زمان با صدور حکم محکومیت قابل اعمال است. (ماده ۵۷)
- * در مورد محکومین به حبس‌های تعزیری درجه ۲ تا ۴ پس از گذراندن یک چهارم مجازات‌های حبس قابل اعمال است. (تبصره الحاقی ماده ۵۷ ق.م.ا به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳)

۴. برای اعمال نظام نیمه آزادی جمع شرایط ذیل الزامی است:

- * گذشت شاکی خصوصی
- * سپردن تأمین مناسب
- * تعهد به انجام یک فعالیت شغلی، حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی، درمان اعتیاد یا بیماری که در فرآیند اصلاح یا جبران خسارت بزه‌دیده مؤثر باشد.
- * رضایت محکوم علیه به دریافت نظام نیمه آزادی.

آزادی مشروط

آزادی مشروط فرصت و مجالی است که دادگاه صادرکننده حکم پیش از پایان دوره محکومیت به محکومان در حبس می‌دهد تا چنانچه اگر در طول مدّتی که دادگاه تعیین می‌کند از خود رفتاری پسندیده نشان دهند و دستورهای دادگاه را به موقع اجرا گذارند از آزادی مطلق برخوردار شوند. هدف از آزادی مشروط امکان اصلاح بزه‌کار و محدودسازی آثار منفی حبس بر بزه‌کاران است.

ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی: «در مورد محکومیت به حبس تعزیری، دادگاه صادرکننده حکم می‌تواند در مورد محکومان به حبس بیش از ده سال پس از تحمل نصف و در سایر موارد پس از تحمل یک سوم مدت مجازات به پیشنهاد دادستان یا قاضی اجرای احکام با رعایت شرایط زیر حکم به آزادی مشروط را صادر کند:

^۷ در قرار تعویق صدور حکم دادگاه به تشخیص خود و نه لزوماً اقدام به اخذ تأمین کیفری می‌نماید.

الف - محکوم در مدت اجرای مجازات همواره از خود حُسن اخلاق و رفتار نشان دهد.
ب - حالات و رفتار محکوم نشان دهد که پس از آزادی، دیگر مرتکب جرمی نمی‌شود.
پ - به تشخیص دادگاه محکوم تا آنجا که استطاعت دارد ضرر و زیان مورد حکم یا مورد موافقت مدعی خصوصی را بپردازد یا قراری برای پرداخت آن ترتیب دهد.

ت - محکوم پیش از آن از آزادی مشروط استفاده نکرده باشد.

انقضای مواعد فوق و همچنین مراتب مذکور در بندهای (الف) و (ب) این ماده پس از گزارش رئیس زندان محل به تأیید قاضی اجرای احکام می‌رسد. قاضی اجرای احکام موظف است مواعد مقرر و وضعیت زندانی را درباره تحقق شرایط مذکور بررسی و در صورت احراز آن، پیشنهاد آزادی مشروط را به دادگاه تقدیم نماید»

● در خصوص آزادی مشروط نکات ذیل قابل توجه است:

✓ آزادی مشروط فقط در حبس‌های تعزیری اعمال می‌شود.

✓ صدور حکم آزادی مشروط منوط به پیشنهاد دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری است.

✓ آزادی مشروط نهادی اختیاری است که در اختیار دادگاه صادرکننده حکم می‌باشد؛ به عبارت دیگر مرجع صدور حکم آزادی مشروط دادگاه صادرکننده حکم قطعی است (اعم از بدوی یا تجدیدنظر) رأی وحدت رویه شماره ۷۳۱ مورخ ۱۳۹۲/۸/۲۸ هیات عمومی دیوان عالی کشور: «مقررات مربوط به پیشنهاد آزادی مشروط، ناظر به اجرای احکام قطعی و لازم‌الاجراست و اظهارنظر قانونی در خصوص مورد هم علی‌الاصول با دادگاه صادرکننده حکم قطعی (اعم از بدوی یا تجدیدنظر) خواهد بود همچنان که در مقررات نیمه آزادی موضوع ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز این امر مورد تصریح قرار گرفته است»

✓ تعدّد جرم، مانع صدور حکم آزادی مشروط نیست؛ بنابراین دو محکومیت در یک دادنامه در صورتی که حبس باشد، می‌تواند مشمول ماده ۵۸ ق.م.ا گردد.

✓ امکان اعطای آزادی مشروط در اطفال و نوجوانان نیز در صورت تحقق شرایط وجود دارد. در این خصوص ماده ۹۰ ق.م.ا چنین مقرر داشته است: «... این امر مانع استفاده از آزادی مشروط و سایر تخفیفات قانونی با تحقق شرایط آنها نیست.»

✓ تصمیم دادگاه مبنی بر آزادی مشروط در قالب «حکم آزادی مشروط» صورت می‌گیرد.

شرایط صدور حکم آزادی مشروط

۱. فقط در حبس‌های تعزیری اعمال می‌شود.

۲. تحمّل بخشی از مجازات حبس:

* در حبس‌های تعزیری بیش از ۱۰ سال، مستلزم تحمّل نصف مدّت محکومیت می‌باشد.

* در حبس‌های تعزیری ۱۰ سال و کمتر از آن، مستلزم تحمّل یک‌سوم مدّت محکومیت می‌باشد.

۳. برای صدور حکم آزادی مشروط جمع شرایط ذیل الزامی است:

* محکوم در مدت اجرای مجازات همواره از خود حُسن اخلاق و رفتار نشان دهد.

* حالات و رفتار محکوم نشان دهد که پس از آزادی، دیگر مرتکب جرمی نمی‌شود.

انقضای مواعد مذکور در ماده ۵۸ ق.م.ا (تحمّل نصف مجازات در مورد محکومان به حبس بیش از ده سال و تحمّل یک‌سوم مجازات در سایر موارد) و همچنین مراتب مذکور در بندهای فوق (الف و ب) این ماده پس از گزارش رئیس زندان محل، به تأیید قاضی اجرای احکام کیفری می‌رسد. قاضی اجرای احکام کیفری موظف است مواعد مقرر و وضعیت زندانی را در خصوص تحقق شرایط مذکور بررسی و در صورت احراز آن، پیشنهاد آزادی مشروط را تقدیم دادگاه نماید.

* به تشخیص دادگاه، محکوم تا آنجا که استطاعت دارد ضرر و زیان مورد حکم یا مورد موافقت مدعی خصوصی را بپردازد یا قراری برای پرداخت آن ترتیب دهد.

* محکوم قبلاً از آزادی مشروط استفاده نکرده باشد.

✓ صدور حکم آزادی مشروط منوط به پیشنهاد دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری است. پس از آن که حسن اخلاق زندانی در مدت اجرای حبس به تأیید قاضی اجرای احکام رسید و از تحقق شروط آزادی مشروط اطمینان حاصل کرد نام او را در شمار محکومان واجد شروط آزادی مشروط به دادگاه صادرکننده حکم پیشنهاد می‌کند. دادگاه اختیار دارد که درخواست آزادی مشروط را قبول یا رد کند و به این حکم دادگاه هیچ گونه اعتراضی وارد نیست؛ زیرا آزادی مشروط حقی نیست که دادگاه مکلف به اعطای آن باشد. رد درخواست آزادی مشروط مانع از درخواست مکرر نیست.

✓ با توجه به اطلاق کلام قانونگذار در ماده ۵۸ ق.م.ا استفاده از آزادی مشروط در کلیه محکومیت‌های به حبس تعزیری حتی حبس تعزیری درجه یک و تعزیرات منصوص شرعی امکان‌پذیر است. نکته مهمی که باید توجه شود؛ این است که رأی وحدت رویه شماره ۷۶۴ - ۱۳۹۶/۸/۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، آزادی مشروط را در محکومیت به حبس ابد تعزیری را غیرقابل صدور می‌داند؛ اما در حال حاضر با توجه به ماده ۳ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، مجازات حبس ابد تعزیری نسخ و به حبس تعزیری درجه یک تبدیل شده است؛ بنابراین رأی وحدت رویه فوق نسخ شده است.

✓ رد درخواست آزادی مشروط همچون رد درخواست عفو و تعلیق اجرای مجازات، قابل اعتراض نیست؛ اما رد این درخواست از سوی دادگاه صادرکننده حکم قطعی، مانع درخواست مجدد آن نخواهد بود.

✓ ملاک برای استفاده از آزادی مشروط، مجازات قضایی یا مجازات مقرر در دادنامه است، نه مجازاتی که در قانون برای آن جرم تعیین شده است؛ برای مثال در فرضی که مجازات قانونی جرمی ۲۰ سال حبس بوده اما دادگاه با رعایت کیفیات مخففه، حکم به ۸ سال حبس داده باشد، برای استفاده از آزادی مشروط باید یک‌سوم از مدت محکومیت سپری شود، نه نصف آن، البته در این مورد صدور قرار تعلیق اجرای مجازات ممنوع است؛ زیرا همان گونه که بیان شد در تعلیق مجازات برخلاف آزادی مشروط به مجازات قانونی توجه می‌شود که ۲۰ سال حبس مجازات درجه ۲ محسوب می‌شود و صدور قرار تعلیق اجرای مجازات در جرائم تعزیری درجه یک و دو ممنوع است.

✓ به طور کلی در مجازات‌های تکمیلی، تبعی، نظام نیمه آزادی و آزادی مشروط ملاک اعمال مجازات قضایی و در سایر موارد مانند تعلیق اجرای مجازات، معاونت در جرم، شروع به جرم و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی و... ملاک مجازات قانونی است.

✓ حکم آزادی مشروط لزوماً پس از صدور حکم محکومیت داده می‌شود چرا که استفاده از آزادی مشروط مستلزم اجرای قسمتی از مجازات حبس است، بدین صورت که محکومان به بیش از ۱۰ سال حبس پس از تحمل نصف مجازات و محکومان به ۱۰ سال حبس و کمتر از آن، پس از تحمل یک‌سوم مجازات می‌توانند از آزادی مشروط استفاده کنند.

✓ بر اساس بند (ت) ماده ۵۸ ق.م.ا استفاده قبلی از آزادی مشروط مانع استفاده مجدد از آن است؛ به عبارت دیگر کلیه افراد در طول زندگی خود، تنها برای یک بار می‌توانند از آزادی مشروط استفاده کنند. البته سابقه محکومیت‌های قبلی به حبس، مانع استفاده از آزادی مشروط نیست، زیرا ممکن است شخصی سابقه چند فقره محکومیت به حبس را داشته؛ اما تا کنون از آزادی مشروط استفاده ننموده باشد، که در این صورت صدور حکم آزادی مشروط برای او، با منع قانونی مواجه نیست.

✓ سابقه استفاده قبلی از دیگر نهادهای ارفاقی، مانع استفاده از آزادی مشروط نیست، برای مثال اگر برای شخصی سابقاً قرار تعویق صدور حکم صادر شده، اما به دلیل تخلف، قرار تعویق نقض و حکم محکومیت صادر شده باشد، دادگاه می‌تواند با رعایت سایر شرایط قانونی حکم به آزادی مشروط دهد.

موارد عدم امکان آزادی مشروط (ممنوعیت صدور حکم آزادی مشروط)

حکم آزادی مشروط مختص محکومان به حبس تعزیری است منظور از محکومان به حبس تعزیری، کسانی هستند که مجازات اصلی آنها زندان بوده است با توجه به این مطلب صدور حکم آزادی مشروط در مورد محکومان زیر ممنوع است:

۱. حبس حدی: در مورد محکومان به حبس در جرائم حدی استفاده از آزادی مشروط امکان‌پذیر نیست:
 - * سرعت حدی در مرتبه سوم موضوع ماده ۲۷۸ ق.م.ا
 - * «مجازات مُسک ... (در قتل) ... حد است. حد، مشمول مقررات آزادی مشروط یا مقررات دیگر که خاص مجازات‌های تعزیری یا بازدارنده است نمی‌گردد» (نظریه مشورتی شماره ۷/۱۱ - ۱۳۸۱/۱/۱۵)
 - * مجازات حبس محارب که به مجازات نفی بلد (تبعید) محکوم شده و بر طبق رویه قضایی باید این مدت را در حبس سپری کند حبس در تبعید نیز مجازات حدی محسوب شده است.
 ۲. حبس بدل از مجازات تکمیلی: مطابق ماده ۲۴ ق.م.ا، در صورتی که محکوم علیه از اجرای مجازات تکمیلی، امتناع نماید، برای بار نخست تا یک سوم به مدت آن افزوده و برای بار دوم، مجازات تکمیلی لغو و به حبس یا جزای نقدی درجه هفت یا هشت تبدیل می‌شود. در صورت محکومیت به حبس، امکان استفاده از آزادی مشروط وجود نخواهد داشت؛ زیرا این حبس نه به عنوان مجازات اصلی، بلکه به عنوان جایگزین مجازات تکمیلی تعیین شده است.
 ۳. حبس ناشی از عدم تأدیه دیون: مطابق ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴: «اگر استیفای محکوم به از طُرُق مذکور در این قانون ممکن نگردد محکوم علیه به تقاضای محکوم له تا زمان اجرای حکم یا پذیرفته شدن ادعای اعسار او یا جلب رضایت محکوم له حبس می‌شود.» همان گونه که ملاحظه می‌شود، زندانی شدن محکوم علیه در این فرض نه از جهت مجازات اصلی بلکه به دلیل عدم پرداخت دیون است و بنابراین استفاده از آزادی مشروط در آن امکان‌پذیر نیست.
 ۴. حبس بدل از جزای نقدی: مطابق ماده ۵۲۹ ق.آ.د.ک در صورتی که محکومان به جزای نقدی بیشتر از یک میلیون پانصد هزار تومان، قادر به پرداخت جزای نقدی نبوده یا از پرداخت آن امتناع نمایند، به حبس محکوم می‌شوند و به ازای هر روز حبس، بدل از جزای نقدی چهل هزار تومان از مبلغ جزای نقدی، کسر می‌شود. در مورد این محکومان نیز استفاده از آزادی مشروط ممنوع است؛ زیرا مجازات اصلی آنان جزای نقدی بوده است نه زندان.
 ۵. اسید پاشی: مطابق ماده ۳ قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن مصوب ۱۳۹۸/۷/۲۱: «در مورد جرائم موضوع این قانون و شروع به آن، مقررات مربوط به آزادی مشروط ... قابل اعمال نیست.»
 ۶. جرائم مواد مخدّری که مجازات قانونی آن بیش از پنج سال حبس است و دادگاه حکم به حداقل صادر می‌کند: برای مثال در فرضی که مجازات جرم ۱۰ تا ۱۵ سال حبس باشد دادگاه حکم به ۱۰ سال حبس صادر نماید، استفاده از آزادی مشروط ممنوع است؛ مطابق تبصره ماده ۴۵ قانون مبارزه با مواد مخدّر الحاقی ۱۳۹۶: «در مورد جرائم موضوع این قانون که مجازات حبس بیش از پنج سال دارد در صورتی که حکم به حداقل مجازات قانونی صادر شود، جز در مورد مصادیق تبصره ماده (۳۸)، مرتکب از تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط و سایر نهادهای ارفاقی به استثنای عفو مقام معظم رهبری مذکور در بند (۱۱) اصل یکصد و دهم (۱۱۰) قانون اساسی بهره‌مند نخواهد شد»
- مدّت آزادی مشروط**
- ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی**: «مدّت آزادی مشروط شامل بقیه مدت مجازات می‌شود، لکن دادگاه می‌تواند مدّت آن را تغییر دهد و در هر حال آزادی مشروط نمی‌تواند کمتر از یک سال و بیشتر از پنج سال باشد جز در مواردی که مدّت باقیمانده کمتر از یک سال باشد که در این صورت مدت آزادی مشروط معادل بقیه مدت حبس است.» مدّت زمان آزادی مشروط ۱ تا ۵ سال است، برای مثال در فرضی که مرتکب به ۲۰ سال حبس محکوم شده باشد، دادگاه می‌تواند پس از گذشت نیمی از مدّت حبس (۱۰ سال)، نسبت به باقیمانده مدّت حبس حکم آزادی مشروط مثلاً برای ۳ سال صادر کند، چنانچه در طول مدّت ۳ سال، مرتکب شرایط قانونی را رعایت نماید، به طور کامل و قطعی از زندان آزاد می‌شود. در رابطه با اینکه آیا می‌توان مدّت آزادی مشروط را بیش از ۵ سال یا کمتر از ۱ سال تعیین نمود، باید توجه داشت که هرچند تغییر مدّت آزادی مشروط، در قانون مورد پیش‌بینی قرار گرفته است؛ اما این تغییر باید در حدود مقرر در آن باشد و نباید از حداقل یا حداکثر آن کمتر یا بیشتر شود، هر چند استثنائاً در بعضی موارد، قانونگذار صدور حکم آزادی مشروط برای بیش از ۵ سال یا کمتر از ۱ سال را مورد پیش‌بینی قرار داده است:
- * کمتر از ۱ سال: در مواردی که مدّت باقیمانده حبس، کمتر از ۱ سال باشد، حکم به آزادی مشروط برای کمتر از ۱ سال امکان‌پذیر است؛ برای مثال در محکومیت به ۱ سال حبس تعزیری، صدور حکم آزادی مشروط پس از گذشت یک سوم از مدّت مجازات (یعنی ۴ ماه) امکان‌پذیر

است، که در این صورت مدت آزادی مشروط، کمتر از ۱ سال خواهد بود و دادگاه باید ۸ ماه باقیمانده از مجازات را به عنوان مدت آزادی مشروط تعیین نماید.

* **بیشتر از ۵ سال:** در حکم آزادی مشروط نیز همچون قرارهای تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات، دادگاه می‌تواند مرتکب را ملزم به رعایت دستورات مقرر در دادگاه نماید که در صورت استتکاف مرتکب در مرتبه اول، یک تا دو سال به مدت آزادی مشروط اضافه می‌شود که در چنین حالتی ممکن است، مدت آزادی مشروط از حداکثر قانونی، فراتر رود؛ برای مثال اگر مدت آن ۵ سال بوده باشد، حداکثر تا ۷ سال می‌توان آن را افزایش داد.

آثار حکم آزادی مشروط

در زمان آزادی مشروط، محکوم‌علیه موقتاً از تحمل باقیمانده مدت مجازات حبس معاف می‌گردد. اگر مجازات اصلی دارای مجازات تبعی باشد، این مجازات جریان خواهد داشت. مجازات تکمیلی مانند اقامت اجباری در محل معین نیز همچنان به قوت خود باقی است. زندانی آزادشده از همان حمایت‌هایی که سازمان زندان‌ها و انجمن حمایت از زندانیان، پس از خروج هر زندانی مراعات می‌کنند، برخوردار می‌شود.

• **الزام مرتکب به یک یا چند موارد از دستورات زیر با نظر قاضی در آزادی مشروط:** (مواد ۶۰ و ۴۳ ق.م.ا) با لحاظ شرایط جرم ارتكابی و وضعیت زندگی مرتکب به نحوی که برای او و خانواده‌اش اختلال عمده ایجاد نکند:

- * حرفه‌آموزی یا اشتغال به حرفه‌ای خاص
- * اقامت یا عدم اقامت در مکان معین
- * درمان بیماری یا ترک اعتیاد
- * پرداخت نفقه افراد واجب‌النفقه
- * خودداری از تصدی کلیه یا برخی از وسایل نقلیه موتوری
- * خودداری از فعالیت حرفه‌ای مرتبط با جرم ارتكابی یا استفاده از وسایل مؤثر در آن
- * خودداری از ارتباط و معاشرت با شرکا یا معاونان جرم یا دیگر اشخاص از قبیل بزه‌دیده به تشخیص دادگاه
- * گذراندن دوره یا دوره‌های خاص آموزش و یادگیری مهارت‌های اساسی زندگی یا شرکت در دوره‌های تربیتی، اخلاقی، مذهبی، تحصیلی یا ورزشی.

✓ دستورات فوق، جنبه حصری دارد.

✓ در آزادی مشروط، دادگاه مکلف است آثار امتناع از اجرای دستورات یا ارتكاب جرم جدید را در حکم قید و به متهم تفهیم نماید.

✓ تحمیل سایر محدودیت‌ها بر متهم، مغایر با قانون است، قانونگذار در رابطه با الزام دادگاه به تصریح این دستورات در رأی و آثار عدم رعایت آن، تعیین تکلیف ننموده است، ولی از نظر اجرایی نمی‌توان به صرف یک دستور شفاهی، از متهم انتظار اجرای آن را به طور دقیق داشت.

✓ مسئولیت نظارت بر اجرای صحیح دستورات فوق با قاضی اجرای احکام است.

✓ دستورات فوق، قابل جمع بوده و بنا به تشخیص دادگاه، متهم موظف به اجرای یک یا چند مورد از این دستورات است، بدیهی است، دادگاه در تعیین این دستورات می‌بایست شرط تناسب را رعایت نماید و با توجه به جرم ارتكابی، خصوصیات مرتکب و شرایط زندگی او به نحوی که در زندگی وی یا خانواده‌اش اختلال اساسی و عمده ایجاد نکند، اقدام به تعیین آنها می‌نماید.

ضمانت اجرای تخلف مرتکب در مدت آزادی مشروط

۱. **افزایش مدت آزادی مشروط:** در صورت عدم اجرای دستورات دادگاه:

* در مرتبه اول ۱ تا ۲ سال به مدت آزادی مشروط افزوده می‌شود.

* در مرتبه دوم، باقیمانده حبس به اجرا درمی‌آید.

۲. لغو آزادی مشروط: اگر کسی که در مورد او حکم آزادی مشروط صادر شده است، در مدت آزادی مشروط، مرتکب جرم موجب حد، قصاص، جنایات عمدی موجب دیه یا تعزیر تا درجه هفت شود، علاوه بر مجازات جرم جدید، مدت باقیمانده محکومیت نیز به اجرا در می‌آید. ✓
مدتی که در آزادی مشروط گذشته جزء مدت محکومیت محسوب نخواهد شد. ✓
ارتکاب جرم در مدت آزادی مشروط مشمول مقررات تکرار جرم است. ✓
ارتکاب جنایات غیرعمدی و تعزیرات درجه هشت، موجب لغو قرار تعلیق اجرای مجازات نخواهد شد. ✓

ضمانت اجرای تخلف مرتکب در مدت آزادی مشروط (مواد ۶۱ ق.م.ا)		
ارتکاب جرائم موجب: ۱- حد ۲- قصاص	علاوه بر مجازات جرم جدید، مدت باقیمانده محکومیت نیز به اجرا در می‌آید.	۳- جنایت عمدی موجب دیه ۴- تعزیر تا درجه هفت
عدم اجرای دستورات دادگاه	بار اول	در مرتبه اول ۱ تا ۲ سال به مدت آزادی مشروط افزوده می‌شود.
	بار دوم	باقیمانده حبس به اجرا در می‌آید.

تفاوت تعلیق اجرای مجازات با آزادی مشروط	
تعلیق اجرای مجازات	آزادی مشروط
در قالب قرار تعلیق اجرای مجازات صادر می‌شود	در قالب حکم آزادی مشروط صادر می‌شود
در کلیه جرائم تعزیری درجه ۳ تا ۸ اعمال می‌شود	در کلیه حبس‌های تعزیری اعمال می‌شود
در تعزیرات منصوص شرعی غیرقابل اعمال است	در تعزیرات منصوص شرعی قابل اعمال است
به مجازات قانونی جرم توجه می‌شود	به مجازات قضایی توجه می‌شود (مجازات مقرر در دادنامه)
حین صدور حکم یا حین اجرای حکم صادر می‌شود	پس از صدور حکم محکومیت و اجرای قسمتی از مجازات صادر می‌شود
در صورت عدم اجرای دستورات دادگاه در مرتبه اول لغو یا به مدت آن اضافه می‌شود	در صورت عدم اجرای دستورات دادگاه در مرتبه اول به مدت آن اضافه می‌شود
قرارهای تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات، قابل جمع نیستند و در صورت لغو قرار تعویق صدور حکم، صدور قرار تعلیق اجرای مجازات منتفی است.	لغو قرار تعویق صدور حکم مانع استفاده از آزادی مشروط نخواهد بود و دادگاه می‌تواند پس از لغو قرار تعویق، با رعایت سایر شرایط مقرر در قانون حکم آزادی مشروط را صادر نماید.
مستلزم فقدان سابقه محکومیت کیفری مؤثر است	مستلزم فقدان سابقه محکومیت کیفری مؤثر نیست
صدور قرار تعلیق اجرای مجازات برای دفعات متعدد امکان‌پذیر است	صدور حکم آزادی مشروط، در مورد هر فرد تنها برای یک بار امکان‌پذیر است.
هم‌زمان با تعلیق مجازات اصلی، مجازات تکمیلی و تبعی به حالت تعلیق در می‌آیند.	تصمیم دادگاه در مجازات اصلی مؤثر است و تأثیری در مجازات اصلی و تبعی ندارد.
به محض خاتمه دوران تعلیق، مجازات تبعی ساقط می‌شود	مجازات تبعی به قوت خود باقی است و پس از گذشت مدت‌های مقرر در قانون، از زمان اتمام مدت آزادی مشروط رفع می‌شود.

آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی (ماده ۶۲ ق.م.ا)

آزادی با استفاده از روش‌های نظارت الکترونیکی یکی از روش‌های نوین در عرصه حقوق کیفری است که برای کنترل جمعیت زندان‌ها و جلوگیری از آثار زیان‌باری که در نتیجه اجرای حبس بر مرتکب و دولت تحمیل می‌شود، مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ بر مبنای این روش، مرتکب به جای تحمّل دوران محکومیت خود در زندان، با سیستم‌های الکترونیکی (مانند میچ‌بند الکترونیکی) تحت کنترل قرار می‌گیرد تا در محدوده‌ای که دادگاه تعیین می‌کند، مجازات حبس خود را سپری کند.

ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی: «در جرائم تعزیری از درجه پنج تا درجه هشت، دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر در تعویق مراقبتی، محکوم به حبس را با رضایت وی در محدوده مکانی مشخص تحت نظارت سامانه (سیستم)‌های الکترونیکی قرار دهد.

تبصره ۱- دادگاه در صورت لزوم می‌تواند محکوم را تابع تدابیر نظارتی یا دستورهای ذکرشده در تعویق مراقبتی قرار دهد.

تبصره ۲- مقررات این ماده در مورد حبس‌های تعزیری درجه دو، درجه سه و درجه چهار نیز پس از گذراندن یک چهارم مجازات‌های حبس قابل اعمال است. (الحاقی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳)

تبصره ۳- قوه قضائیه می‌تواند برای اجرای تدابیر نظارتی موضوع این ماده یا سایر مقرراتی که به موجب آن متهم یا محکوم تحت نظارت الکترونیکی قرار می‌گیرد، با نظارت سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور از ظرفیت بخش خصوصی استفاده کند. آیین‌نامه اجرایی این تبصره توسط معاونت حقوقی قوه قضائیه با همکاری مرکز آمار و فناوری و سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد. (الحاقی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳)

✓ ملاک برای امکان استفاده از آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی مجازات قانونی است، نه مجازات قضایی.

✓ در مواردی که مجازات قانونی جرم، حبس تعزیری درجه هشت است، دادگاه مؤلف به تعیین مجازات جایگزین حبس می‌باشد و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی منتفی است؛ مگر در مواردی که به دلایلی (مانند جرائم علیه امنیت یا داشتن اتهامات متعدد) امکان تعیین مجازات جایگزین حبس وجود نداشته باشد.

✓ استفاده از آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی مستلزم رضایت قبلی مرتکب است و در صورتی که مرتکب با اتخاذ چنین تصمیمی موافق نباشد، مجازات حبس اجرا می‌شود.

✓ استفاده از آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی، مستلزم وجود شرایط مقرر در تعویق مراقبتی است؛ بنابراین آزادی همراه با نظارت الکترونیکی همچون قرار تعویق صدور حکم مستلزم وجود جهات تخفیف و فقدان سابقه محکومیت کیفری مؤثر است.

✓ در تعزیرات منصوص شرعی استفاده از آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی ممنوع است.

✓ یکی دیگر از شروط استفاده از آزادی توأم با نظارت الکترونیکی، سپردن وثیقه است؛ وثیقه یکی از قرارهای تأمین کیفری است که با هدف جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و تضمین حقوق بزه‌دیده صادر می‌شود. البته با توجه به ماده ۹ آیین‌نامه اجرایی «مراقبت‌های الکترونیکی» مصوب رئیس قوه قضائیه، به نظر می‌رسد وثیقه در اینجا ماهیتی جدا از تأمین کیفری داشته باشد و هدف از اخذ آن جبران خسارت وارده به تجهیزات (نه تضمین حقوق بزه‌دیده) است؛ تا در صورتی که به تجهیزات مزبور آسیبی وارد شود، خسارت از محل وثیقه جبران گردد.

✓ دادگاه باید محلّ مراقبت را در رأی خود تعیین نماید تا مأمور مراقبت مرکز با مراجعه به محلّ تعیین‌شده و رعایت نکات فنی، اقدام به نصب تجهیزات نماید؛ در صورتی که اجرای تمام یا بخشی از مراقبت الکترونیکی مربوط به حوزه قضایی دیگری باشد، قاضی مربوطه با اعطای نیابت قضایی اجرای آن را از حوزه دیگر درخواست می‌نماید. البته با توجه به ماده ۲۲ آیین‌نامه اجرایی تغییر محلّ مراقبت از سوی دادگاه پس از پیشنهاد قاضی اجرای احکام یا شورای طبقه‌بندی زندانیان، امکان‌پذیر است، در صورتی که تقاضای مزبور، رد شود، هر دو ماه یک بار مجدداً می‌توان اقدام به طرح آن نمود.

شرایط اعطای آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی

۶. این نحوه آزادی در مورد محکومین به حبس‌های تعزیری درجه ۲ تا ۸ قابل اعمال است:

- * در مورد محکومین به حبس‌های تعزیری درجه ۵ تا ۸ هم‌زمان با صدور حکم محکومیت قابل اعمال است (ماده ۶۲)
- * در مورد محکومین به حبس‌های تعزیری درجه ۲ تا ۴ پس از گذراندن یک‌چهارم مجازات‌های حبس قابل اعمال است. (تبصره الحاقی ماده ۶۲ ق.م.ا به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳)
۷. محدوده مکانی تحت نظارت باید مشخص گردد.
۸. این نحوه آزادی مستلزم اخذ رضایت محکوم علیه است.
۹. برای اعمال این نوع آزادی شرایط مقرر در تعویق مراقبتی باید احراز گردد. (مواد ۴۰ و ۴۱ ق.م.ا)
۱۰. در طول مدت نظارت، محکوم علیه می‌تواند تابع تدابیر نظارتی مربوط به قرار تعویق مراقبتی گردد. (ماده ۴۲ ق.م.ا)
- افراد مشمول تحت مراقبت الکترونیکی** (ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی مراقبت‌های الکترونیکی مصوب ۱۳۹۷/۴/۱۰ رئیس قوه قضاییه)
- افرادی که ممکن است حسب تصمیم مرجع ذیصلاح تحت مراقبت الکترونیکی قرار گیرند شامل مواردی از قبیل:
۱. متهمان مشمول بند چ ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲
 ۲. محکومان مشمول ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ (و تبصره ۲ ماده ۶۲ ق.م.ا)
 ۳. زندانیان تحت نظام نیمه آزادی و شاغل در مراکز حرفه‌آموزی؛
 ۴. افرادی که به موجب قانون یا تصمیم مرجع قضایی تحت مراقبت بوده یا از ورود یا خروج از محدوده معینی منع شده‌اند، از قبیل:
 ۵. سایر موارد پیش‌بینی شده در قوانین و مقررات، می‌باشد.

تفاوت نظام نیمه آزادی با آزادی مشروط با آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی		
نظام نیمه آزادی	آزادی مشروط	آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی
مجازات قضایی ملاک است	مجازات قضایی ملاک است	مجازات قانونی ملاک است
در تعزیرات منصوص شرعی قابل اعمال است	در تعزیرات منصوص شرعی قابل اعمال است	در تعزیرات منصوص شرعی قابل اعمال نیست
مستلزم فقدان سابقه محکومیت کیفری مؤثر نیست	مستلزم فقدان سابقه محکومیت کیفری مؤثر نیست	مستلزم فقدان سابقه محکومیت کیفری مؤثر است
هم‌زمان با صدور حکم محکومیت یا پس از آن قابل صدور است	پس از صدور حکم محکومیت و سپری شدن قسمتی از مجازات صادر می‌شود	هم‌زمان با صدور حکم محکومیت یا پس از آن قابل صدور است

مواد مرتبط قانون آیین دادرسی کیفری با جهت تأخیر مجازات

اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، قرار تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی

ماده ۵۵۱: «در صورت تعلیق اجرای مجازات، قاضی اجرای احکام کیفری، محکوم علیه را احضار و در صورت عدم حضور بدون عذر موجه، جلب می‌کند و با حضور محکوم علیه، دستور یا دستورهای دادگاه، چگونگی اجراء و ضمانت عدم رعایت آنها را به وی تفهیم و ابلاغ می‌نماید.»

ماده ۵۵۲: «هرگاه محکوم علیه پس از سپری شدن حداقل شش ماه از مدت تعلیق اجرای مجازات، به طور مستمر حسن اخلاق و رفتار نشان دهد، قاضی اجرای احکام کیفری، مراتب را با پیشنهاد کاهش مدت تعلیق یا لغو تمام یا برخی از دستورهای تعیین شده به دادگاه صادرکننده حکم اعلام می‌کند. دادگاه در وقت فوق‌العاده در مورد پیشنهاد قاضی اجرای احکام کیفری تصمیم می‌گیرد.

تبصره: در صورت عدم پذیرش پیشنهاد از سوی دادگاه، قاضی اجرای احکام کیفری می‌تواند هر دو ماه یک بار مجدداً اجرای این ماده را به دادگاه پیشنهاد نماید.»

ماده ۵۵۳: «در جرائم مشمول نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی، قاضی اجرای احکام کیفری می‌تواند پس از وصول گزارش شورای طبقه‌بندی زندان و نظریه مددکاران اجتماعی معاونت اجرای احکام کیفری، مبنی بر آنکه اجرای یک فعالیت شغلی یا حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی و یا درمان پزشکی، از سوی محکوم‌علیه در خارج از محیط زندان، در فرآیند اصلاح وی و یا جبران ضرر و زیان بزه‌دیده مؤثر است، به دادگاه صادرکننده حکم، پیشنهاد اجرای نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی را طبق مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی دهد و مطابق تصمیم این دادگاه اقدام کند.

ماده ۵۵۴: «قاضی اجرای احکام کیفری، پس از موافقت دادگاه با پیشنهاد موضوع ماده فوق، با أخذ تأمین متناسب از محکوم‌علیه، دستور اجرای تصمیم دادگاه را صادر و مراتب را به زندان اعلام می‌کند.

ماده ۵۵۵: «صدور قرار تعلیق اجرای مجازات، حکم آزادی مشروط، قرار تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی طبق مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی و دستور یا دستورهای قاضی اجرای احکام کیفری، آثار عدم تبعیت محکوم‌علیه یا متهم از آنها و نیز آثار ارتکاب جرم جدید به شاکی یا مدعی خصوصی ابلاغ می‌شود. چنانچه محکوم‌علیه یا متهم در مدت مزبور بدون عذر موجه از دستور یا دستورهای قاضی اجرای احکام کیفری تبعیت نکند، یا مرتکب جرم عمدی شود، شاکی یا مدعی خصوصی می‌تواند مراتب را به قاضی اجرای احکام کیفری برای اجرای مقررات مربوط اعلام کند.

ماده ۵۵۶: «محکوم‌علیه یا متهم مکلف است حسب مورد در طول دوره تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، تعویق صدور حکم و نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی، امکان نظارت مأمور مراقبتی را به شیوه‌ای که قاضی اجرای احکام کیفری مشخص می‌نماید، فراهم آورد و هرگونه اقدامی از قبیل تغییر شغل یا محل اقامت، که اجرای کامل نظارت را با دشواری مواجه می‌سازد از قبل به اطلاع قاضی اجرای احکام کیفری برساند.»

ماده ۵۵۸: «چنانچه اقامتگاه اشخاص مشمول تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی، درحوزه قضایی دیگری غیر از حوزه قضایی دادگاه صادرکننده رأی باشد، اشخاص مذکور می‌توانند اجرای تصمیم مذکور را در محل اقامت خود تقاضا نمایند. در این صورت قاضی مجری حکم با اعطای نیابت به قاضی اجرای احکام حوزه اقامت آنان، تمامی دستورهای دادگاه و واحد اجرای احکام و شرایط مقرر در رأی را به قاضی مجری نیابت اعلام می‌نماید و موارد مذکور، تحت نظارت قاضی مرجوع‌الیه اجراء می‌شود.»

جهات تأخیر اجرای مجازات					
جمع‌بندی	تعویق صدور حکم	تعليق اجرای مجازات	نظام نیمه آزادی	آزادی مشروط	نظارت الکترونیکی
نوع و درجه جرم	جرائم تعزیری درجه ۶ تا ۸	جرائم تعزیری درجه ۳ تا ۸	حبس‌های تعزیری درجه ۲ تا ۷	کلیه حبس‌های تعزیری	جرائم تعزیری درجه ۲ تا ۸
مدت	۶ ماه تا ۲ سال	۱ تا ۵ سال	طی دوره تحمل مجازات	۱ تا ۵ سال	طی دوره تحمل مجازات
نوع مجازات	مجازات قانونی	مجازات قانونی	مجازات قضایی	مجازات قضایی	مجازات قانونی
فقدان سابقه محکومیت کیفری مؤثر	✓	✓	×	×	✓
در تعزیرات منصوص شرعی	×	×	✓	✓	×
احراز یکی از جهات تخفیف	✓	✓	×	×	✓

جهات سقوط مجازات

مجازات اصولاً با اجرای آن ساقط می‌شود؛ ولی غیر از اجرای مجازات، عوامل دیگری نیز باعث سقوط مجازات می‌شوند این موارد عبارتند از: ۱- فوت محکوم علیه، ۲- عفو ۳- نسخ قانون، ۴- گذشت متضرر از جرم ۵- مرور زمان، ۶- توبه بزهکار

فوت محکوم علیه

با فوت محکوم علیه مجازات ساقط می‌شود. اقتضای اصل شخصی بودن مجازات این است که با گسیختن رشته حیات بزهکار، اجرای مجازات متوقف شود.

قاعده سقوط مجازات با فوت محکوم علیه ناظر به تمامی مجازات‌های حدی، قصاص و تعزیرات حتی جزای نقدی می‌باشد. فقط دیه با فوت محکوم علیه ساقط نخواهد شد.

فوت محکوم علیه تأثیری بر اقدامات تأمینی (عینی) مانند ضبط اشیای خطرناک که وسیله جرم بوده و یا بر اثر جرم تحصیل شده است، ندارد؛ دادگاه باید در این باره تصمیم بگیرد و یا دستور دهد که اشیای ضبط شده را از دسترس عموم مردم دور نگه دارند و یا آنها را نابود نمایند.

فوت بزهکار در مراحل مختلف دادرسی

- فوت متهم در مرحله تعقیب، باعث صدور قرار موقوفی تعقیب می‌شود.
- سقوط دعوای عمومی یا مجازات بر اثر فوت در این موارد قابل تصور است:

۱. فوت متهم قبل از تعقیب و رسیدگی

در این صورت نهاد تعقیب، حتی اگر اعلام و گزارش رسمی نیز به عمل آمده باشد، نه می‌تواند و نباید تعقیب را ادامه دهد و باید دستور بایگانی اقدامات احتمالی انجام شده از سوی ضابط دادگستری را صادر کند.

۲. فوت متهم در جریان تعقیب و رسیدگی

در مواردی که تعقیب متهم شروع شده ولی منجر به صدور حکم اعم از محومیت یا برائت نشده است، مرجع تحقیق یا رسیدگی مکلف به صدور قرار موقوفی تعقیب است؛ در این باره مقامات قضایی مذکور مکلفند نسبت به فک تأمین اخذشده، اعم از تأمین خواسته و یا وثیقه، ضمن صدور قرار موقوفی تعقیب اقدام کنند.

۳. فوت محکوم علیه قبل از سپری شدن مهلت شکایت از حکم

در مواردی که تعقیب منجر به صدور حکم یا قرار در زمان محکوم علیه گردیده، اما محکوم علیه قبل از سپری شدن مهلت اعتراض تجدیدنظرخواهی یا فرجام‌خواهی فوت کند:

* چنانچه حکم بر برائت متهم صادر شده باشد، این حکم قطعی است.

* در صورتی که حکم، مبنی بر محومیت متهم و از «احکام غیرقطعی» باشد، فوت متهم مانع قطعی شدن حکم می‌شود و آثار محاکمه و حکم از بین می‌رود؛ چنانچه متهم محکوم به پرداخت جزای نقدی یا ضبط اموال شده باشد، امکان اخذ جزای نقدی یا ضبط اموال از وراثت متوفی به علت این که حکم صادره فاقد اعتبار گردیده، وجود ندارد.

۴. فوت محکوم علیه پس از شکایت از حکم محکومیت

اگر فوت بعد از صدور حکم بدوی، ولی مؤخر بر اعتراض محکوم علیه غایب و یا بعد از تقاضای رسیدگی تجدیدنظرخواهی و فرجام‌خواهی اتفاق بیفتد، دادگاهی که مشغول رسیدگی است پس از اطلاع باید با صدور قرار موقوفی تعقیب، سقوط دعوای عمومی را اعلام کند.

۵. فوت محکوم علیه پس از صدور حکم قطعی

چنانچه محکوم علیه پس از صدور حکم محکومیت قطعی فوت کند، اگر چه چنین حکمی هنوز دارای اعتبار است، نمی‌تواند اجرا شود.

فوت محکوم علیه در صورت پرداخت دیه

با فوت محکوم علیه در جنایات، حسب مورد دیه به یکی از روش‌های ذیل پرداخت خواهد شد:

۱. با فوت محکوم علیه در قتل عمدی و سقوط قصاص و عدم وجود اموالی برای محکوم جهت پرداخت دیه: دیه از عاقله او دریافت می‌شود و در صورت فقدان عاقله یا عدم تمکن آنها دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود (ماده ۴۳۵ ق.م.ا).
۲. با فوت محکوم علیه در جنایات عمدی مادون نفس و سقوط قصاص عضو و عدم وجود اموالی برای محکوم جهت پرداخت دیه: دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود. (ماده ۴۳۵ ق.م.ا).
۳. با فوت محکوم علیه در جنایات‌های شبه‌عمد و در جنایات‌های خطای محض که جانی مؤظف به پرداخت دیه است و اموال او کفایت پرداخت نکند: دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود. (مواد ۴۷۴ و ۴۷۵ ق.م.ا).

عفو

عفو به معنی بخشیدن متهم البته نه از جانب شاکی که می‌شود رضایت بلکه این بخشش از طرف جامعه است که اقدام به آن از جانب جامعه توسط نمایندگان آن یا شخص رهبری صورت می‌گیرد.

عفو به معنای اقدامی است که با تصویب نهادهای حکومتی اعم از نهاد رهبری، مجلس قانونگذاری به منظور موقوف ماندن تعقیب متهمان و یا بخشودن تمام یا قسمتی از مجازات محکومان به اجرا درمی‌آید. این تعریف عام اسست و شامل هر دو عفو خصوصی و عمومی می‌شود.

عفو ۲ نوع است: ۱- عفو خصوصی ۲- عفو عمومی

بخشودگی یا عفو خصوصی

عفو خصوصی تصمیمی است که به ابتکار و با پیشنهاد قوه قضاییه و موافقت عالی‌ترین مقام اجرایی کشور یعنی رهبری گرفته می‌شود و به موجب آن تمام یا قسمتی از مجازات محکومان بخشوده و یا به مجازات خفیف‌تری تبدیل می‌گردد. عفو در این معنی به موجب بند ۱۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۹۶ قانون مجازات اسلامی از اختیارات مقام رهبری است که در رد یا قبول آن مختار است.

در مورد عفو خصوصی نکات ذیل قابل توجه است:

✓ عفو خصوصی شامل اکثر مجازات‌های تعزیری می‌گردد.

- ✓ مجازات‌های قصاص، دیه و جبران خسارت زیان‌دیده به دلیل آن که جزء حقوق الناس تلقی می‌شود، به طور کلی مشمول عفو نمی‌شود.
- ✓ در جرائم موجب حدود به جز قذف، با توبه مرتکب بعد از اثبات جرم از طریق اقرار او، مقام قضایی می‌تواند از طریق رئیس قوه قضاییه از مقام رهبری درخواست عفو مجرم را نماید (مواد ۲۱۹ و ۱۱۴ ق.م.ا).
- ✓ در سرقت حدی موجب حبس ابد (مرتبه سوم تکرار سرقت موجب حد) اگر مرتکب حین اجرای مجازات توبه کند و مقام رهبری آزادی او را مصلحت بداند، با عفو ایشان از حبس آزاد می‌شود؛ همچنین مقام رهبری می‌تواند مجازات او را به مجازات تعزیری دیگری تبدیل نماید. (تبصره ۲ ماده ۲۷۸ ق.م.ا)
- ✓ اعطای عفو در جرائم قابل گذشت و حق الناس جایز نبوده و صرفاً در جرائم دارای جنبه عمومی (غیر قابل گذشت) امکان اعمال دارد و مجازات‌های قصاص و دیه از شمول عفو مستثنی هستند.
- ✓ عفو خصوصی می‌تواند تمام مجازات‌ها اعم از اصلی، تکمیلی و تبعی را که در دادگاه‌های عمومی و اختصاصی (دادگاه انقلاب، دادگاه ویژه روحانیت و دادگاه نظامی) صادر شده است را شامل شود.
- ✓ اصولاً عفو خصوصی مجازات‌های تبعی را از بین نمی‌برد؛ مگر اینکه خلافش تصریح شده باشد.
- ✓ علی‌القاعده، اقدامات تأمینی که متناسب با حالت خطرناک بزهکار و به موجب حکم دادگاه اتخاذ می‌گردد، نباید مورد عفو قرار گیرد؛ ولی در قوانین موضوعه چون بسیاری از اقدامات تأمینی با عنوان مجازات درج شده‌اند که گاه اصلی، گاه تکمیلی و گاه تبعی‌اند، از شمول عفو مستثنی نگردیده‌اند.
- ✓ عفو خصوصی شامل آن دسته از اقدامات تربیتی و یا درمانی، نظیر نگهداری اطفال بزهکار در کانون‌های اصلاح و تربیت و یا نگهداری بزهکاران دیوانه در بیمارستان‌های روانی نمی‌شود.
- ✓ عفو خصوصی از موجبات عدم اجرای مجازات است. لذا اگر مرتکب پس از عفو مجدداً مرتکب جرمی شود محکومیت سابق او از لحاظ اعمال مقررات تکرار جرم، سابقه محسوب می‌شود برخلاف اعمال عفو عمومی.
- ✓ تدابیری که مجازات به معنای اخص تلقی نمی‌شود، مانند مجازات‌های انتظامی، اداری، جریمه‌های مالیاتی، هزینه‌های دادرسی و خسارت مدنی نیز هیچ‌گاه موضوع عفو قرار نمی‌گیرند.
- ✓ با توجه به ماده ۹۸ ق.م.ا که مقرر داشته است: «عفو همه آثار محکومیت را منتفی می‌کند، لکن تأثیری در پرداخت دیه و جبران خسارت زیان‌دیده ندارد»، لازم به ذکر است که عفو خصوصی موجب زوال محکومیت جزایی نیست (مگر اینکه خلاف آن تصریح شده باشد)؛ بنابراین محکومیت جزایی مزبور در صورت تکرار جرم از جهات تشدید مجازات محسوب می‌شود. این امر از تبصره ۳ ماده ۲۵ ق.م.ا نیز قابل برداشت است که چنین مقرر داشته است: «در عفو، اثر تبعی محکومیت پس از گذشت مدت‌های فوق از زمان عفو ... رفع می‌شود».
- ✓ عفو خصوصی تنها پس از صدور حکم محکومیت قطعی میسر است و همچنین حکم محکومیت باید لازم‌الاجرا باشد. قانونگذار نیز با به کار بردن کلمه محکومان در ماده ۹۶ ق.م.ا به این امر تأکید کرده است.
- ✓ احکام غیابی و قابل تجدیدنظر چون لازم‌الاجرا نیستند و ممکن است با اعتراض محکوم علیه از اعتبار بیافتند قابل عفو نخواهد بود.
- ✓ اجرای مجازات با درخواست عفو متوقف می‌شود؛ همچنان که در مورد محکومیت به مجازات اعدام، به موجب آیین‌نامه کمیسیون عفو و بخشودگی، با درخواست عفو، اجرای حکم بنا به دستور رئیس کمیسیون عفو تا اعلام نتیجه به تأخیر خواهد افتاد.
- ✓ عفو خصوصی برخلاف عفو عمومی جنبه شخصی دارد؛ به این معنی که به هر یک از محکومان، منفرداً و مستقلاً اعطا می‌شود.
- ✓ عفو خصوصی به محض صدور حکم محکومیت قطعی لازم‌الاجرا، بنا به درخواست محکوم علیه و وجود شرایط، قابل اعطاء است.
- ✓ تعلیق اجرای مجازات، قانوناً مانع از اعطای عفو نیست.
- ✓ در صورتی که جهات استحقاق محکوم علیه احراز گردد، استفاده مکرر از عفو، بلامانع است.
- ✓ اختیار محکوم علیه در رد یا قبول عفو، بی‌تأثیر و بلکه تبعیت از آن الزامی است؛ زیرا عفو یا تخفیف مجازات محکومان، از حقوق عمومی محسوب می‌شود.

✓ لغو حکم آزادی مشروط یا لغو قرار تعلیق اجرای حکم مانع استفاده از عفو نمی‌شود (نظریه مشورتی شماره ۸۴۵۱/۷ مورخ ۱۳۷۴/۱/۱۹).
✓ اعطای عفو یا بخشودگی منوط به درخواست است.

✓ اشخاص زیر می‌توانند درخواست عفو را پیشنهاد کنند: (ماده ۶ آیین‌نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومین مصوب ۱۳۸۷)

۱. رئیس دادگستری مربوط.

۲. دادستان مربوط.

۳. قاضی ناظر زندان مربوط.

۴. رئیس زندان مربوط.

۵. محکوم‌علیه.

۶. پدر و مادر و همسر و فرزندان محکوم‌علیه

✓ اجرای احکام اعدام و حدود شرعی که زمینه عفو را از بین می‌برد با ثبت درخواست عفو تا اعلام نظر قطعی کمیسیون مرکزی و معلوم شدن نتیجه درخواست عفو، متوقف می‌شود (تبصره ماده ۸ آیین‌نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومین مصوب ۱۳۸۷)

استفاده از عفو خصوصی مستلزم تقاضای محکوم‌علیه یا سایر اشخاص فوق از کمیسیون‌های استانی می‌باشد که تقاضای عفو را مورد بررسی قرار داده و در صورت پذیرش، آن را به کمیسیون مرکزی در تهران ارسال می‌کنند تا کمیسیون مذکور پس از بررسی و پذیرش این تقاضا آن را نزد رئیس قوه قضاییه بفرستند. در رابطه با طرح تقاضای عفو در کمیسیون‌های عفو و بخشودگی، بایستی به چند نکته توجه نمود:

✓ در صورتی که تقاضای عفو فاقد شرایط مقرر در آیین‌نامه مذکور باشد، طرح تقاضا در کمیسیون‌های فوق، امکان‌پذیر نیست، ولی امکان پیشنهاد آن از سوی رئیس قوه قضاییه به طور جداگانه وجود دارد؛ مطابق ماده ۲۰ آیین‌نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومین مصوب ۱۳۸۷: «چنانچه عفو محکومین فاقد برخی از شرایط، ضرورت یابد، رئیس قوه قضاییه می‌تواند عفو آنان را به طور جداگانه و با ذکر علل مرجح پیشنهاد کند.»

✓ رد تقاضای عفو از سوی کمیسیون‌های مزبور قابل اعتراض نیست، ولی تنها امکان طرح مجدد تقاضای عفو از سوی محکوم‌علیه یا دیگر اشخاص مقرر در آیین‌نامه وجود خواهد داشت؛ مطابق ماده ۲۸ آیین‌نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومین مصوب ۱۳۸۷: «برای محکومینی که تقاضای عفو آنان از طرف کمیسیون‌ها رد شده، طرح مجدد درخواست عفو صرفاً برای يك نوبت دیگر با رعایت شرایط این آیین‌نامه بلامانع است»

✓ استفاده قبلی از عفو مانع طرح تقاضای مجدد عفو، در کمیسیون‌های مزبور نیست؛ برای مثال در فرضی که مجازات بیست سال حبس با استفاده از عفو، به هشت سال تبدیل شده باشد، پس از سپری شدن یک‌چهارم از مدت باقیمانده (دو سال) مجدداً می‌توان درخواست عفو نمود.

✓ تقاضای عفو در کمیسیون‌های مزبور اصولاً فاقد اثر تعلیقی است؛ ولی با توجه به ماده ۵۰۴ ق.آ.د.ک پذیرش رئیس قوه قضاییه دارای چنین اثری بوده و اجرای مجازات تا زمان اعلام نظر رهبری متوقف خواهد شد. استثنائاً در مجازات‌های سالب حیات قابل عفو (مجازات‌های حدی) با توجه به ماده ۵۴۲ ق.آ.د.ک صرف تقاضای عفو برای یک مرتبه و حداکثر تا دو ماه اجرای مجازات را متوقف می‌سازد.

✓ در مورد محکومان به حبس، حتی پذیرش رئیس قوه قضاییه نیز اجرای رأی را متوقف نمی‌سازد و محکوم‌علیه باید تا زمان موافقت رهبری در زندان بماند.

شرایط عفو، تخفیف و تبدیل مجازات (ماده ۲۵ آیین‌نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومین مصوب ۱۳۸۷)

۱. رعایت سیاست‌ها و تدابیر مندرج در این آیین‌نامه. (منظور آیین‌نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومین می‌باشد)

۲. محکومین به اعدام که مجازاتشان با استفاده از عفو به حبس ابد تبدیل شده، در صورت تحمل حداقل ده سال حبس از تاریخ عفو قبلی

۳. عفو محکومین به حبس ابد پس از تحمل ده سال حبس.

۴. محکومین به حبس ابد که حبس آنان به پانزده سال تقلیل یافته، پس از گذشت پنج سال از تاریخ عفو قبلی

۵. محکومین غیر از حبس ابد در صورت تحمل یک‌سوم باقی‌مانده حبس از تاریخ عفو قبلی

✓ محکومانی که حبس آنان قبلاً مشمول عفو، تخفیف و تبدیل مجازات قرار گرفته و به جهت جزای نقدی در زندان به سر می‌برند و عاجز از پرداخت می‌باشند، در صورت احراز سایر جهات عفو، مورد عفو قرار می‌گیرند. (تبصره ماده ۲۴ آیین‌نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومین مصوب ۱۳۸۷)

شرایط اعمال عفو رهبری در مورد عفو مجدد محکومین	
محکومین به اعدام که مجازاتشان با استفاده از عفو به حبس ابد تبدیل شده	در صورت تحمل حداقل ۱۰ سال حبس از تاریخ عفو قبلی، می‌توانند تقاضای عفو کنند.
محکومین به حبس ابد	پس از تحمل ۱۰ سال حبس، می‌توانند تقاضای عفو کنند.
محکومین به حبس ابد که حبس آنان به ۱۵ سال تقلیل یافته	پس از گذشت ۵ سال از تاریخ عفو قبلی، می‌توانند تقاضای عفو کنند.
محکومین غیر از حبس ابد	در صورت تحمل یک‌سوم باقی‌مانده حبس از تاریخ عفو قبلی، می‌توانند تقاضای عفو کنند.

موارد زیر مشمول عفو، تخفیف و تبدیل مجازات نمی‌شوند (ماده ۲۶ آیین‌نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومین مصوب ۱۳۸۷)

۱. قاچاقچیان حرفه‌ای.
۲. موارد حق الناس.
۳. سرقت مسلحانه.
۴. تجاوز و زنای به عنف.
۵. مصادیق مهم جرائمی از قبیل: جاسوسی، محاربه، قاچاق سلاح و مهمات، اختلاس، ارتشا و آدم‌ربایی.
۶. محکومین به جرائم مستوجب حد شرعی اعدام و رجم مانند زنای محصنه و لواط مشروط بر اینکه جرم آنان با شهادت شهود عادل ثابت شده باشد.

✓ حرفه‌ای بودن و تعیین مصادیق مهم مقرر در این ماده به تشخیص رئیس قوه قضاییه است. (تبصره ماده ۲۶ آیین‌نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومین مصوب ۱۳۸۷)

✓ این موارد (هرگاه کسی به زنا، لواط، تفخیز، مساحقه و شرب خمر که موجب حد است، اقرار کند و پس از اقرار توبه نماید) از شمول آیین‌نامه کمیسیون عفو و بخشودگی مصوب ۱۳۸۷ خارج است (ماده ۲۷ آیین‌نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومین مصوب ۱۳۸۷)

✓ برای محکومینی که تقاضای عفو آنان از طرف کمیسیون رد شده، طرح مجدد درخواست عفو صرفاً برای یک نوبت دیگر با رعایت شرایط آیین‌نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومین بلامانع است. (ماده ۳۰ آیین‌نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومین مصوب ۱۳۸۷)

✓ لازم به ذکر است که با تصویب آیین‌نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومین در ۱۳۸۷/۹/۱۲ به موجب ماده ۳۱ آیین‌نامه فوق‌الذکر، آیین‌نامه کمیسیون عفو و بخشودگی مصوب ۱۳۷۷/۹/۱۹ و آیین‌نامه کمیسیون عفو، تخفیف و تبدیل مجازات مصوب ۱۳۸۷/۵/۱۶ ملغی شده است.

آثار عفو خصوصی

عفو خصوصی، اجرای مجازات را متوقف می‌سازد، در نتیجه محکوم‌علیه از تحمل تمام یا بخشی از مجازات معاف می‌گردد. علی‌الاصول، معافیت از تمام یا بخشی از مجازات اصلی، تأثیری بر مجازات‌های تکمیلی و تبعی ندارد، مگر آن که در متن عفو تصریح شده باشد. همچنین، در تعلیق اجرای مجازات، همواره مجازات نخستین ملاک اعطای تعلیق قرار می‌گیرد و نه مجازاتی که به موجب عفو تخفیف یافته است.

عفو خصوصی نسبت به حقوق زیان‌دیدگان از جرم، اثری ندارد؛ زیرا ضرر و زیان ناشی از جرم از حقوق خصوصی اشخاصی محسوس می‌شود که با محو مجازات، کماکان قابل مطالبه است. اثر عفو خصوصی آنی است؛ یعنی به محض اعطای آن چنانچه حکم محکومیت به اجرا در نیامده باشد، مانع از اجرای آن می‌شود و اگر در جریان اجرا باشد، موقوف‌الاجرا خواهد ماند. عفو قسمتی از مجازات، سبب سقوط جزئی و محو آن می‌گردد.

قابل ذکر است که در مورد اعطای عفو خصوصی تفاوتی میان مجازات‌ها نیست، بخشودگی نسبت به هر فردی علی‌حده اعطا می‌شود؛ معنای این مطلب آن است که بخشودگی به طور کلی اعطا نمی‌شود و در مورد هر کس که محکوم به مجازات است باید (رئیس قوه قضاییه) پیشنهاد نماید و فرمان عفو نسبت به همان شخص صادر شود. شرط دیگر بخشودگی آن است که محکومیت به مجازات به موجب حکم قطعی دادگاه صالح باشد؛ بنابراین مادام که محکومیت متهم قطعی نشده، نمی‌توان وی را مشمول بخشودگی کرد.

عفو خصوصی در مناسبت‌های خاص از جمله اعیاد ملی و مذهبی اعمال می‌شود

قوه قضاییه در هر یک از مناسبت‌های زیر می‌تواند پیشنهاد عفو دهد:

(ماده ۲۳ آیین‌نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومین مصوب ۱۳۸۷)

۱. ولادت حضرت رسول اکرم (ص) ۱۲ تا ۱۷ ربیع‌الاول.
۲. مبعث حضرت رسول اکرم (ص) ۲۷ رجب.
۳. ولادت حضرت امیرالمومنین (ع) ۱۳ رجب.
۴. ولادت حضرت فاطمه زهرا (س) و ویژه عفو محکومین نسوان (بانوان) ۲۰ جمادی‌الثانی.
۵. ولادت حضرت امام حسین (ع) ۳ شعبان.
۶. ولادت حضرت قائم (عج) ۱۵ شعبان.
۷. عید سعید فطر، اول شوال.
۸. عید سعید قربان،
۹. ۱۰ ذی‌حجه.
۱۰. عید سعید غدیر، ۱۸ ذی‌حجه.
۱۱. سالروز پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، ۲۲ بهمن.
۱۲. عید نوروز، اول فروردین.
۱۳. سالروز جمهوری اسلامی، ۱۲ فروردین.
۱۴. سالروز حماسه فتح خرمشهر و ویژه عفو محکومین نیروهای مسلح، ۳ خرداد. (الحاقی ۱۳۸۸/۴/۳)
۱۵. سالروز حقوق بشر اسلامی و کرامت انسانی ۱۴ مرداد.
۱۶. سایر مناسبت‌هایی که مقام معظم رهبری موافقت فرمایند.

عفو عمومی

عفو عمومی از وسایل ازاله محکومیت جزایی است؛ بنابراین هرگاه تعقیب شروع نشده باشد و عفو عمومی صادر شود، از آن به بعد تعقیب شروع نخواهد شد و اگر شروع شده باشد، متوقف می‌ماند و چنانچه تعقیب به محکومیت منتهی شده باشد، محکومیت از بین می‌رود. عفو عمومی عام است و شامل یک طبقه یا طبقات معین از مجرمان می‌شود و اعطاء آن در صلاحیت قانونگذار (مجلس شورای اسلامی) است.

ماده ۹۷ قانون مجازات اسلامی: «عفو عمومی که به موجب قانون در جرائم موجب تعزیر اعطاء می‌شود، تعقیب و دادرسی را موقوف می‌کند. در صورت صدور حکم محکومیت، اجرای مجازات موقوف و آثار محکومیت نیز زائل می‌شود.»

✓ عفو عمومی به موجب قانون اعطاء می‌شود.

✓ عفو عمومی در جرائم موجب تعزیر اعطاء می‌شود؛ بنابراین در حدود، قصاص و دیات قابل اعطاء نیست.

- ✓ از اطلاق عبارت «جرائم موجب تعزیر» و عدم ممنوعیت قانونی، چنین برمی‌آید که عفو عمومی در کلیه تعزیرات، اعم از منصوص و غیرمنصوص امکان‌پذیر است.
- ✓ عفو عمومی، تعقیب و دادرسی را موقوف می‌کند و بر اساس آن قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود.
- ✓ عفو عمومی در صورت صدور حکم محکومیت، اجرای مجازات را متوقف و آثار محکومیت را نیز زایل خواهد کرد و موجب صدور قرار موقوفی اجرای مجازات می‌شود.
- ✓ عفو عمومی از قواعد مربوط به نظم عمومی است، در نتیجه غیرقابل امتناع است.
- ✓ عفو عمومی از قواعد آمره و الزامی است، در نتیجه غیرقابل تراضی است.
- ✓ عفو عمومی رافع حق خصوصی، مسئولیت مدنی یا انتظامی نیست.
- ✓ عفو عمومی برخلاف بخشودگی (عفو خصوصی) جنبه نوعی دارد؛ یعنی موضوع آن افعال مجرمانه گروهی از بزهکاران است، بدون آن که شخصیت آنان در نظر گرفته شود.
- ✓ عفو عمومی به منزله اسقاط اعتبار قانون کیفری و مباح جلوه دادن اعمال مشمول عفو نیست.
- ✓ عفو عمومی مانع از تعقیب بزهکاران است و چنانچه تعقیب شروع شده باشد، موقوف می‌گردد؛ اگر تعقیب متهم منجر به صدور حکم محکومیت کیفری شود، موجب زوال محکومیت خواهد شد.
- ✓ عفو عمومی ممکن است شامل تمام یا قسمتی از مجازات محکومان گردد.
- ✓ اگر عفو نسبت به قسمتی از مجازات باشد، آثار کیفری حکم باقی می‌ماند. در مواردی که عفو عمومی قسمتی از مجازات را شامل شود، تعقیب متهم تا صدور حکم قطعی قابل اجرا ادامه می‌یابد.
- ✓ گاه عفو عمومی شامل افراد معینی می‌شود و یا افراد خاصی از آن محروم می‌گردند. (عفو عمومی شخصی در مقابل عفو عمومی واقعی به ویژگی افراد مشمول عفو توجه ندارد، بلکه به نوع جرم توجه دارد)
- ✓ عفو ممکن است مقید یا مطلق باشد؛ برای مثال تحویل اسلحه و مهمات در مهلت مقرر، شرط معافیت از تعقیب کیفری و عفو مقید محسوب می‌شود و عفو متخلفان از مقررات صنفی، عفو عمومی مطلق محسوب می‌شود.
- ✓ آثار قانونی عفو از تاریخ تصویب نسبت به گذشته است؛ یعنی عفو عمومی شامل جرائمی می‌شود که قبل از وضع قانون به وقوع پیوسته است. عفو عمومی نسبت به آینده اثر ندارد.
- ✓ شرط اصلی اعمال عفو عمومی، ارتکاب جرم پیش از تصویب قانون عفو عمومی است. اگر کسی پس از تاریخ تصویب قانون عفو عمومی مرتکب جرم شود تعقیب و مجازات خواهد شد.
- ✓ عفو عمومی هم در مرحله تعقیب و هم در مرحله رسیدگی و هم در مرحله اجرا اعطاء می‌شود و اثر اعمال عفو از تاریخ اعطاء (در این مورد تصویب) نسبت به گذشته است لذا عفو عمومی نسبت به آینده تأثیری ندارد.

حدود عفو عمومی

- ✓ عفو عمومی عموماً به اقدامات کیفری به معنی خاص محدود می‌شود و تدابیر دیگر از جمله اقدامات تأمینی و تربیتی را شامل نمی‌شود.
- ✓ عفو عمومی شامل محکومیت‌های انتظامی که منشأ آن رفتار مجرمانه است، نمی‌شود.
- ✓ عفو عمومی تأثیری در حقوق زیان‌دیدگان از جرم ندارد؛ بنابراین مرتکب جرم باید آن را جبران نماید.
- ✓ عفو عمومی شامل دیه نیز نمی‌شود.
- ✓ عفو، همه آثار محکومیت را منتفی می‌کند لکن تأثیری در پرداخت دیه و جبران خسارت زیان‌دیده ندارد. (ماده ۹۸ ق.م.ا)

آثار عفو عمومی

آثار عفو عمومی پیش از محکومیت قطعی

- ✓ دعوای عمومی را ساقط می‌کند.

- ✓ اگر متهم تحت تعقیب قرار نگرفته باشد، تعقیب کیفری پس از آن هیچ وقت شروع نخواهد شد.
- ✓ اگر تعقیب شروع شده باشد و منتهی به صدور حکم نشده باشد، تعقیب موقوف می‌گردد.
- ✓ عفو با ثبوت تقصیر معنی پیدا می‌کند و درباره کسانی که جرم آنها محرز و مسلم نیست، بی‌معناست؛ بنابراین در مرحله کشف باید دلایل قوی مبنی بر وقوع جرم علیه کسی که به ارتکاب آن متهم است، وجود داشته باشد. کسی که از اتهام بری است و یا احتمال برائت او وجود دارد، قابل عفو نیست.
- ✓ در عفو خصوصی محکومیت جزایی مفروض است؛ ولی در عفو عمومی محکومیت جزایی ضروری نیست؛ عفو عمومی حتی قبل از تعقیب جزایی هم مؤثر است.

آثار عفو عمومی پس از محکومیت قطعی

- با عفو عمومی محکومیت زایل می‌گردد، نتایج زوال محکومیت عبارتند از:
- ✓ سقوط مجازات اصلی و نیز سقوط مجازات‌های تکمیلی و تبعی
- ✓ توقف اجرای مجازات در صورت اجرای محکومیت کیفری و موقوف ماندن مجازات تبعی.
- ✓ محسوب نشدن محکومیت مذکور در صورت تکرار جرم
- ✓ عدم تأثیر محکومیت مذکور در اعطای آزادی مشروط و تعلیق اجرای مجازات
- ✓ حذف محکومیت از سابقه محکومیت کیفری

تفاوت عفو خصوصی با عفو عمومی	
عفو خصوصی	عفو عمومی
وصف مجرمانه به قوت خود باقی است و تنها مجازات یا قسط شده یا کاهش می‌یابد.	عنصر قانونی جرم را زایل می‌کند و در واقع با تصویب قانون عفو، آن رفتار دیگر جرم تلقی نمی‌شود
آثار تبعی به قوت خود باقی است	با توجه به زوال وصف مجرمانه، آثار تبعی هم زایل می‌شود
فقط شامل محکومان می‌شود و قرار موقوفی اجرای مجازات صادر می‌شود.	شامل متهمان و شامل محکومان می‌شود، برای متبهمان قرار موقوفی تعقیب و برای محکومان قرار موقوفی اجرای مجازات صادر می‌شود.
علاوه بر جرائم تعزیری در جرائم حدی قابل اعطاء است؛ مگر آن دسته از جرائمی که طبق آیین‌نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومین مصوب ۱۳۸۷ اعطای عفو خاص در آنها ممنوع باشد.	فقط در جرائم تعزیری منصوص یا غیرمنصوص اعطاء می‌شود
اگر مرتکب پس از عفو مجدداً مرتکب جرمی شود چون دارای سابقه محکومیت است، مقررات تکرار جرم اعمال می‌شود.	اگر مرتکب پس از عفو مجدداً مرتکب جرمی شود چون سابقه محکومیت زایل می‌گردد، مقررات تکرار جرم اعمال نمی‌شود.

نسخ قانون

نسخ در لغت به معنی باطل کردن یا برانداختن چیزی است. در اصطلاح حقوق، نسخ قانون عبارت است از اسقاط اعتبار یک قانون (توسط کسی که اختیار قانونی این کار را دارد) به وسیله قانون دیگر قانون اخیر را ناسخ و قانون نخست را منسوخ می‌گویند. یکی دیگر از عوامل سقوط مجازات نسخ قانون است که در ماده ۹۹ ق.م.ا بدین شرح پیش‌بینی شده است: «نسخ قانون، تعقیب و اجرای مجازات را موقوف می‌کند. آثار نسخ قوانین کیفری به شرح مندرج در ماده (۱۰) این قانون است.»

ماده ۱۰ ق.م.ا در خصوص عطف بماسبق نشدن قوانین لاحق کیفری است. مگر در موارد استثنایی که از جمله موارد استثنایی که قانون لاحق عطف بماسبق می‌شود، عملی را در که در گذشته (زمان وقوع) جرم بوده است، دیگر جرم نمی‌دانند.

ماده ۱۰ ق.م.ا دو مقطع زمانی را در خصوص نسخ قانون سابق در نظر گرفته است:

۱. **قبل از صدور حکم قطعی، قانون سابق نسخ گردد:** اگر قبل از صدور حکم قطعی، قانون سابق نسخ گردد مرتکب دیگر قابل تعقیب نخواهد بود.

۲. **بعد از صدور حکم قطعی، قانون سابق نسخ گردد:** اگر بعد از صدور حکم قطعی، ۳ فرض قابل تصوّر خواهد بود:

* حکم قطعی صادر گردیده ولی اجرا نشده باشد: دیگر مجازات اجرا نخواهد شد.

* حکم قطعی صادر گردیده و در جریان اجرا باشد: اجرای مجازات متوقف شده و هیچ گونه اثری بر آن بار نخواهد شد.

* حکم قطعی صادر گردیده و به موقع اجرا گذاشته شده باشد: آثار محکومیت و اجرای آن زایل خواهد شد؛ بنابراین نسخ قانون بعد از صدور حکم قطعی سبب سقوط مجازات می‌شود.

انواع نسخ: نسخ بر ۲ نوع است:

۱. **نسخ صریح:** قانون‌گذار نسخ قانون را صریحاً اعلام می‌کند.

۲. **نسخ ضمنی:** در صورتی که میان دو قانون سابق و لاحق تعارض باشد به نحوی که مانع اجرای هم‌زمان هر دو آن‌ها گردد. در مورد نسخ قانون نکات ذیل قابل توجّه است:

✓ نسخ قانون جزا به علت اینکه منجر به امحای آثار قانونی جرم می‌شود و به شکل نسخ موضوعی عمل می‌کند، نه نسخ شخصی؛ بنابراین اثر آن به شرکا و معاونان جرم نیز تسری می‌یابد.

✓ با نسخ قانون و عطف آن به گذشته، پیگرد کیفری متهم موقوف می‌شود؛ ولی جبران خسارت زیان دیده از جرم در دادگاه حقوقی قابل مطالبه است.

✓ نسخ قانون تأثیری در دیه، ارش و ضرر و زیان ناشی از جرم نداشته و حقوق خصوصی بزه‌دیده کماکان به قوت خود باقی است.

✓ با طوال وصف رفتار مجرمانه، اجرای احکام ضبط اشیاء و اموالی که که وسیله ارتکاب جرم بوده و یا از ارتکاب جرم تحصیل شده است نیز منتفی است؛ مگر آن که در زمره اشیاء و اموالی باشد که دادگاه باید درباره آنها تصمیم بگیرد.

✓ با زوال وصف مجرمانه، در صورت نسخ قانون جزا، آثار و مجازات تبعی هم منتفی خواهد شد و در صورتی که پس از اجرای مجازات، قانون نسخ شود، حقوق اجتماعی محکوم علیه فوراً به او اعاده می‌شود.

گذشت شاکی خصوصی در جرائم قابل گذشت

یکی دیگر از مواردی که در قانون مجازات به عنوان سقوط مجازات پیش‌بینی شده، گذشت شاکی است. البته باید در نظر داشت، گذشت شاکی (متضرر از جرم) در همه جرائم سبب سقوط مجازات نمی‌شود؛ بلکه گذشت در جرائم تعزیری قابل گذشت، باعث موقوفی تعقیب یا سقوط مجازات می‌شود؛ بنابراین در یک تقسیم‌بندی جرائم به ۲ گروه تقسیم می‌شود.

۱. **جرائم قابل گذشت:** جرائمی می‌باشند که شروع و ادامه تعقیب و رسیدگی و اجرای مجازات، منوط به شکایت شاکی و عدم گذشت وی است. (تبصره ۱ ماده ۱۰۰ ق.م.ا)

✓ حداقل و حداکثر مجازات‌های حبس تعزیری درجه چهار تا درجه هشت مقرر در قانون برای جرائم قابل گذشت به نصف تقلیل می‌یابد. (تبصره ماده ۱۰۴ ق.م.ا الحاقی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳)

۲. **جرائم غیرقابل گذشت:** جرائمی می‌باشند که شکایت شاکی و گذشت وی در شروع به تعقیب و رسیدگی و ادامه آنها و اجرای مجازات تأثیری ندارد. (تبصره ۲ ماده ۱۰۰ ق.م.ا)

✓ اصل بر غیرقابل گذشت بودن جرائم است و قابل گذشت بودن جرائم استثناء بوده و نیاز به تصریح دارد.

● جرائم قابل گذشت

۱. جعل در اسناد عادی، ماده ۵۳۶ ق.م.ا تعزیرات
۲. تحصیل سند یا نوشته با سوءاستفاده از ضعف نفس اشخاص غیررشید، ماده ۵۹۶ ق.م.ا تعزیرات
۳. توهین ساده، ماده ۶۰۸ ق.م.ا تعزیرات
۴. توهین به کارمندان (مانند کارمندان دولتی و شهرداری‌ها) در حین انجام وظیفه یا به سبب آن، ماده ۶۰۹ ق.م.ا تعزیرات
۵. سقط جنین، ماده ۶۲۲ ق.م.ا تعزیرات
۶. امتناع از طفل سپری شده به وی، ماده ۶۳۲ ق.م.ا تعزیرات
۷. رها کردن طفل یا شخصی که قادر به محافظت از خود نیست، در محل خالی از سکنه، ماده ۶۳۳ ق.م.ا تعزیرات
۸. ایجاد مزاحمت تلفنی، ماده ۶۴۱ ق.م.ا تعزیرات
۹. تدلیس در نکاح، ماده ۶۴۷ ق.م.ا تعزیرات
۱۰. افشای اسرار حرفه‌ای، ماده ۶۴۸ ق.م.ا تعزیرات
۱۱. گرفتن سند یا نوشته یا مهر یا امضاء از دیگری با تهدید و اکراه و یا با قهر و جبر، ماده ۶۶۸ ق.م.ا تعزیرات
۱۲. تهدید دیگران، ماده ۶۶۹ ق.م.ا تعزیرات
۱۳. سوءاستفاده از سفید مهر یا سفیدامضاء، ماده ۶۷۳ ق.م.ا تعزیرات
۱۴. خیانت در امانت، ماده ۶۷۴ ق.م.ا تعزیرات
۱۵. آتش زدن اشیاء منقول متعلق به دیگران، ماده ۶۷۶ ق.م.ا تعزیرات
۱۶. تخریب عمدی اشیاء منقول و غیرمنقول، ماده ۶۷۷ ق.م.ا تعزیرات
۱۷. کشتن، مسموم کردن، تلف یا ناقص کردن عمدی و بدون ضرورت حیوان حلال گوشت متعلق به دیگری یا حیواناتی که شکار آنها توسط دولت ممنوع است، ماده ۶۷۹ ق.م.ا تعزیرات
۱۸. سوزاندن یا اتلاف عمدی اسناد تجاری و غیرتجاری غیردولتی، ماده ۶۸۲ ق.م.ا تعزیرات
۱۹. چراندن محصول دیگری، تخریب باغ و خراب یا قطع یا دور کردن محصول دیگری، ماده ۶۸۴ ق.م.ا تعزیرات
۲۰. قطع یا از بین بردن اصله نخل خرما بدون مجوز قانونی، ماده ۶۸۵ ق.م.ا تعزیرات
۲۱. تصرف عدوانی و مزاحمت و ممانعت از حق نسبت به املاک متعلق به اشخاص خصوصی، ماده ۶۹۰ ق.م.ا تعزیرات
۲۲. تصرف به قهر و غلبه ملک دیگری، ماده ۶۹۲ ق.م.ا تعزیرات
۲۳. تصرف عدوانی، مزاحمت یا ممانعت از حق مجدداً پس از محکومیت قطعی به خلع ید از مال غیرمنقول یا محکومیت به رفع مزاحمت یا ممانعت از حق، ماده ۶۹۳ ق.م.ا تعزیرات
۲۴. ورود غیرمجاز به منزل دیگری، ماده ۶۹۴ ق.م.ا تعزیرات
۲۵. افترای قولی، ماده ۶۹۷ ق.م.ا تعزیرات
۲۶. نشر اکاذیب، ماده ۶۹۸ ق.م.ا تعزیرات
۲۷. افترای عملی، ماده ۶۹۹ ق.م.ا تعزیرات
۲۸. هجو کردن دیگران، ماده ۷۰۰ ق.م.ا تعزیرات
۲۹. صدمه بدنی غیرعمدی بر اثر نقض قوانین راهنمایی و رانندگی که باعث نقصان یا ضعف دائم یکی از اعضای بدن شود، ماده ۷۱۶ ق.م.ا تعزیرات
۳۰. صدمات بدنی غیرعمدی بر اثر نقض قوانین راهنمایی و رانندگی، ماده ۷۱۷ ق.م.ا تعزیرات
۳۱. تغییر یا تحریف فیلم یا صوت با تصویر دیگری و انتشار آن، ماده ۷۴۴ ق.م.ا تعزیرات

۳۲. سرقت موضوع مواد ذیل، به شرطی که ارزش مال مورد سرقت بیش از دویست میلیون (۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال نباشد و سارق فاقد سابقه مؤثر کیفری باشد:

- * سرقت تعزیری، ماده ۶۵۶ ق.م.ا تعزیرات
 - * کیف‌زنی و جیب‌بری، ماده ۶۵۷ ق.م.ا تعزیرات
 - * سرقت تعزیری ساده، ماده ۶۶۱ ق.م.ا تعزیرات
 - * مال دیگری را بر باید و عمل او مشمول سرقت نباشد، ماده ۶۶۵ ق.م.ا تعزیرات
۳۳. انتقال مال غیر و کلاهبرداری در صورتی که مبلغ بیش از یک میلیارد ریال نباشد.
۳۴. جرائم در حکم کلاهبرداری و مواردی که مجازات کلاهبرداری اعمال می‌شود و کلاهبرداری محسوب می‌شود؛ مانند کلاهبرداری در شرکت‌های تجاری یا تقاضای ثبت ملک غیر
۳۵. کلیه جرائم تعزیری درجه ۵، ۶، ۷ و ۸ ارتكابی توسط افراد زیر ۱۸ سال در صورت داشتن بزه‌دیده قابل گذشت می‌باشد.
۳۶. شروع به جرم و معاونت در جرائم، قابل گذشت نیز، جرم قابل گذشت می‌باشد.
۳۷. مجازات حبس ابد برای اکراه‌کننده مشروط به وجود شرایط عمومی قصاص در اکراه‌کننده و حق اولیای دم می‌باشد و قابل گذشت و مصالحه است. (ماده ۳۷۶ ق.م.ا)

• جرائم قابل گذشت در قوانین خاص

۱. جرم ترک انفاق، ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱، ماده ۵۳ قانون مذکور: «هرکس با داشتن استطاعت مالی، نفقه زن خود را در صورت تمکین او ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب‌النفقه امتناع کند به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود. تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت گذشت وی از شکایت در هر زمان تعقیب جزایی یا اجرای مجازات موقوف می‌شود.»
۲. جرائم مذکور در قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵/۴/۱۶، ماده ۱۲ قانون صدور مذکور: «هرگاه قبل از صدور حکم قطعی، شاکی گذشت نماید و یا اینکه متهم وجه چک و خسارت تاخیر تادیه را نقداً به دارنده آن پرداخت کند، یا موجبات پرداخت وجه چک و خسارت مذکور (از تاریخ ارائه چک به بانک) را فراهم کند یا در صندوق دادگستری یا اجراء ثبت تودیع نماید مرجع رسیدگی قرار موقوفی صادر خواهد کرد. صدور قرار موقوفی تعقیب در دادگاه کیفری مانع از آن نیست که دادگاه نسبت به سایر خسارت مورد مطالبه رسیدگی و حکم صادر کند.»
۳. انتشار هر نوع مطلب مشتمل بر تهمت یا افتراء یا فحش و الفاظ رکیک یا نسبت‌های توهین‌آمیز و نظایر آن توسط مطبوعات، ماده ۳۰ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۲، ماده ۳۰ قانون مطبوعات: «انتشار هر نوع مطلب مشتمل بر تهمت یا افتراء یا فحش و الفاظ رکیک یا نسبت‌های توهین‌آمیز و نظایر آن نسبت به اشخاص ممنوع است. مدیر مسئول جهت مجازات به محاکم قضایی معرفی می‌گردد، و تعقیب جرائم مزبور موکول به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت استرداد شکایت تعقیب در هر مرحله‌ای که باشد متوقف خواهد شد.»
۴. مواد ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸ و ۱۰۹ قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰/۱۲/۲۶، ماده ۱۱۱ قانون ثبت اسناد و املاک: «در مورد مواد قبل تعقیب متهم موکول بشکایت مدعی خصوصی است.»
۵. جرائم مذکور در قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸/۱۰/۱۱، ماده ۳۱ قانون مذکور: «تعقیب بزه‌های مذکور در این قانون با شکایت شاکی خصوصی شروع و با گذشت او موقوف می‌شود.»
۶. جرائم مذکور در قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲/۱۰/۶، ماده ۱۲ قانون مذکور: «تعقیب بزه‌های مذکور در این قانون منوط به شکایت شاکی خصوصی است و با گذشت او تعقیب یا اجرای حکم موقوف می‌شود.»

گذشت در جرائم موجب حد

✓ گذشت در جرائم موجب حد فاقد اثر است؛ مگر حد قذف و حد سرقت با اعمال شرایط قانونی.

● **گذشت در حد قذف:** جرم قذف جزء جرائم قابل گذشت می‌باشد؛ زیرا به استناد ماده ۲۵۵ ق.م.ا. حد قذف حق الناس است و تعقیب و اجرای مجازات منوط به مطالبه مقذوف است. در صورت گذشت مقذوف در هر مرحله، حسب مورد تعقیب، رسیدگی و اجرای مجازات موقوف می‌شود. همچنین در هر مرحله از مراحل تعقیب، هرگاه مقذوف و در صورت فوت وی، ورثه او گذشت کند، رسیدگی و اجرا ساقط می‌شود (بند پ ماده ۲۶۱ ق.م.ا)

● **گذشت در سرقت حدی:**

✓ در صورت عدم وجود ۳ شرط ذیل از جانب مالک و به عبارت دیگر گذشت مالک حد سرقت اجرا نمی‌شود؛ بنابراین سرقت حدی جرم قابل گذشت می‌باشد:

* صاحب مال از سارق نزد مرجع قضائی شکایت کند.

* صاحب مال قبل از اثبات سرقت سارق را نبخشد.

* مال مسروق قبل از اثبات جرم به ملکیت سارق در نیاید.

✓ در صورتی که سرقت حدی به هر علت از جمله گذشت مالک اجرا نشود، مرتکب به مجازات تعزیری مقرر در ماده ۲۷۶ ق.م.ا تعزیرات محکوم خواهد، این مجازات غیرقابل گذشت می‌باشد.

از جمله شرایطی که سرقت حدی، موجب اجرای حد می‌شود آن است که صاحب مال از سارق نزد مرجع قضایی شکایت کرده باشد و قبل از اثبات سرقت، سارق را نبخشیده باشد یا قبل از اثبات جرم، مال را به مالکیت سارق درنیاورده باشد؛ بنابراین سرقت موجب حد قبل از رفع شرایط فوق، در نزد قاضی قابل گذشت بوده و اگر یکی از شرایط فوق محقق نشده باشد، حسب مورد سرقت مشمول یکی از سرقت‌های تعزیری خواهد بود و بعد از اثبات سرقت موجب حد، گذشت صاحب مال مُسْقَط حد نخواهد بود. (بندهای د، ذ، ز ماده ۲۶۸ و ۲۷۶ ق.م.ا)

گذشت در جرائم موجب قصاص نفس و عضو

✓ جرائم موجب قصاص جزء حق الناس بوده و اجرای آن نیاز به مطالبه صاحب حق دارد، در نتیجه قابل گذشت می‌باشد.

✓ در صورتی که قصاص به هر علت از جمله گذشت صاحب حق اجرا نشود، مرتکب با توجه به جنبه عمومی جرم به مجازات تعزیری مقرر در مواد ۶۱۲ و ۶۱۴ ق.م.ا تعزیرات محکوم خواهد، این مجازات غیرقابل گذشت می‌باشد.

✓ صاحب حق قصاص در هر مرحله از مراحل تعقیب، رسیدگی یا اجرای حکم می‌تواند به طور مجانی یا با مصالحه، در برابر حق یا مال گذشت کند. (ماده ۳۴۷ ق.م.ا)

✓ گذشت یا مصالحه، پیش از صدور حکم یا پس از آن، موجب سقوط حق قصاص است. (ماده ۳۶۳ ق.م.ا)

✓ رجوع از گذشت پذیرفته نیست. اگر مجنی‌علیه یا ولی دم، پس از گذشت، مرتکب را قصاص کند، مستحق قصاص است. (ماده ۳۶۴ ق.م.ا)

✓ در صورتی که قصاص نفس به هر علت از جمله گذشت صاحب حق اجرا نشود؛ به استناد ماده ۶۱۲ ق.م.ا تعزیرات مرتکب به ۳ تا ۱۰ سال حبس محکوم می‌شود. بنابراین در جرم قتل عمد مجازات قصاص، جزء مجازات‌های قابل گذشت است؛ ولی اگر قصاص به هر علت اجرا نشود مجازات تعزیری آن غیرقابل گذشت است.

✓ در قتل و سایر جنایات عمدی، مجنی‌علیه می‌تواند پس از وقوع جنایت و پیش از فوت، از حق قصاص گذشت کرده یا مصالحه نماید و اولیای دم و وارثان نمی‌توانند پس از فوت او، حسب مورد، مطالبه قصاص یا دیه کنند، لکن مرتکب به تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود. (که این مجازات تعزیری غیرقابل گذشت می‌باشد) (ماده ۳۶۵ ق.م.ا)

✓ اگر مجنی‌علیه یا همه اولیای دم، پیش از قصاص یا در حین اجرای آن از قصاص مرتکب گذشت کنند، قصاص متوقف می‌شود و آنان ضامن خساراتی که در حین اجرای قصاص به مرتکب رسیده است، نمی‌باشند و اگر برخی از آنان گذشت نمایند یا مصالحه کنند، خواهان قصاص باید پیش از اجرای قصاص، سهم آنها را حسب مورد به آنان یا مرتکب بپردازد. (ماده ۴۳۳ ق.م.ا)

گذشت در جرائم موجب دیه

✓ محکومیت‌های موجب پرداخت دیه قابل گذشت است؛ زیرا نیاز به درخواست صاحب حق دارد و با مصالحه و گذشت او ساقط می‌شود.

- ✓ در جنایت شبه عمدی، خطای محض و جنایت عمدی که قصاص در آن جایز یا ممکن نیست، در صورت درخواست مجنی‌علیه یا ولی دم دیه پرداخت می‌شود مگر به نحو دیگری مصالحه شود. (ماده ۴۵۰ ق.م.ا)
- ✓ دیه، حسب مورد حق شخصی مجنی‌علیه یا ولی دم است و احکام و آثار مسؤولیت مدنی یا ضمان را دارد. ذمه مرتکب جز با پرداخت دیه، مصالحه، ابراء و تهاتر، بری نمی‌گردد. (ماده ۴۵۲ ق.م.ا)

شرایط تحقق گذشت

۱. **اهلیت:** گذشت متضرر از جرم، حق محسوب می‌شود و صاحب حق در صورتی می‌تواند حق خود را استیفا کند که اهلیت داشته باشد.
۲. **منجز بودن گذشت:** گذشت متضرر از جرم نباید مشروط و مقید باشد.
۳. **بقای گذشت:** عدول از گذشت مسموع نخواهد بود، لذا با گذشت شاکی خصوصی شکایت مجدد او پذیرفته نیست؛ ولی باید توجه داشت، عدم استماع شکایت به موضوعی که از آن گذشت شده محدود است و شامل آثار و عوارض بعدی جرم نمی‌شود.

آثار گذشت

- ✓ با گذشت متضرر از جرم (در جرائم قابل گذشت) اجرای حکم قطعی مجازات موقوف و آثار حکم مرتفع می‌گردد؛ بنابراین گذشت متضرر از جرم با زوال محکومیت کیفری، آثار آن را نیز از بین می‌برد.
- ✓ گذشت متضرر از جرم تأثیری بر اقدامات تأمینی از جمله اقدامات درمانی نسبت به بزهکاران غیرمسئول و خطرناک، اقدامات تربیتی نسبت به اطفال بزهکار و نیز اقدامات تأمینی عینی مانند ضبط اشیاء و وسایل جرم و یا حاصل از جرم ندارد.
- ✓ گذشت شاکی از تعقیب کیفری متهم و مجازات محکوم‌علیه، به منزله گذشت از دعوی خصوصی و ضرر و زیان ناشی از جرم نیست. البته اگر اعلام گذشت شاکی خصوصی مطلق باشد بعداً نمی‌تواند مدعی باشد، ولی اگر گذشت شاکی فقط از حق کیفری باشد، بعداً حق مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم را خواهد داشت.
- ✓ در صورتی که پس از گذشت شاکی، در نتیجه همان جرم، خسارت جدیدی به بار آید، قضیه مشمول اعتبار امر مختومه نشده و امکان شکایت مجدد وجود دارد. برای مثال مطابق ماده ۳۰۰ ق.م.ا: «اگر مجنی‌علیه به تصور اینکه جنایت وارده بر او به قتل منجر نمی‌شود و یا اگر به قتل منجر شود قتل، عمدی محسوب نمی‌شود، قصاص کند یا گذشت یا مصالحه بر دیه یا غیر آن نماید و بعد از آن، جنایت واقع شده، به نفس سرایت کند و به فوت مجنی‌علیه منجر شود، هرگاه قتل مشمول تعریف جنایات عمدی باشد، قاتل به قصاص نفس محکوم می‌شود و چنانچه عضو مرتکب، قصاص شده یا با او مصالحه شده باشد، ولی دم باید قبل از قصاص نفس، دیه عضو قصاص شده یا وجه‌المصالحه را به وی بپردازد؛ لکن اگر جنایت مشمول تعریف جنایات عمدی نگردد، به پرداخت دیه نفس، بدون احتساب دیه عضو قصاص شده یا وجه‌المصالحه اخذ شده، محکوم می‌شود»

اعلام گذشت در فرض تعدد متضررین از جرم

- ماده ۱۰۲ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه متضررین از جرم، متعدد باشند تعقیب جزایی با شکایت هر یک از آنان شروع می‌شود ولی موقوفی تعقیب، رسیدگی و اجرای مجازات موکول به گذشت تمام کسانی است که شکایت کرده‌اند.
- ✓ برای مثال در صورتی که متضررین از جرم ۷ نفر باشند و ۴ نفر شکایت کنند، برای متوقف شدن تعقیب همه ۴ نفر باید گذشت کنند و قرار موقوفی تعقیب صرفاً نسبت به همین ۴ نفر دارای اعتبار امر مختومه است و در صورتی که آن ۳ نفر دیگر قصد پیگیری حق خود را داشته باشند، شکایت آنها پذیرفته می‌شود، چرا که قرار صادره با توجه به تغییر اصحاب دعوا نسبت به این افراد فاقد اعتبار امر مختومه است.
 - تبصره - حق گذشت، به وراثت قانونی متضرر از جرم، منتقل و در صورت گذشت همگی وراثت حسب مورد تعقیب، رسیدگی یا اجرای مجازات موقوف می‌گردد.
 - ✓ با توجه به آن وراثت، همگی نماینده یک بزه‌دیده هستند، موقوف شدن تعقیب یا مجازات، منوط به گذشت همه آنان است و صرفاً گذشت وراثتی که شکایت کرده‌اند، کفایت نمی‌کند.

✓ در جرائم قابل گذشت، طرح شکایت مقید به مهلت‌های مقرر در ماده ۱۰۶ ق.م.ا است؛ اما گذشت مقید به مهلت نیست، ناگفته نماند با توجه به ماده ۱۰۶ ق.م.ا مهلت وراثت برای طرح شکایت، ظرف ۶ ماه از تاریخ فوت بزه‌دیده است.

گذشت مشروط یا معلق

ماده ۱۰۱ قانون مجازات اسلامی: «گذشت باید منجز باشد و به گذشت مشروط و معلق در صورتی ترتیب اثر داده می‌شود که آن شرط یا معلق علیه تحقق یافته باشد. همچنین عدول از گذشت، مسموع نیست.

تبصره ۱- گذشت مشروط یا معلق مانع تعقیب، رسیدگی و صدور حکم نیست، ولی اجرای مجازات در جرائم قابل گذشت منوط به عدم تحقق شرط یا معلق علیه است. در این صورت، محکوم علیه با قرار تأمین مناسب آزاد می‌شود.»

گاهی شاکی گذشت خود را مشروط یا معلق به امری می‌کند، که قبلاً تحقق یافته است، هرچند این گذشت ظاهراً مشروط یا معلق است ولی به دلیل تحقق شرط یا معلق علیه بایستی آن را منجز به شمار آورد. برای مثال در فرضی که شاکی به متهم بگوید: «گذشت می‌کنم به شرط آن که بدهی‌ات را بپردازی» در حالی که چند روز قبل متهم بدهی‌اش را پرداخت نموده است، چنین گذشتی منجز به شمار می‌رود و موجب موقوف شدن تعقیب یا مجازات خواهد شد. اما در فرضی که شرط یا معلق علیه واقعاً محقق نشده و منوط به آینده باشد، گذشت فاقد تأثیر است و تعقیب، تحقیق، رسیدگی و صدور رأی انجام می‌گیرد؛ اما اجرای آن تا زمان تحقق شرط یا معلق علیه، موقتاً متوقف می‌شود.

شرط سپردن تأمین کیفری در تبصره فوق، لازمه محکوم علیه از زندان است، نه شرط توقف اجرای مجازات، در واقع به صرف گذشت مشروط یا معلق اجرای مجازات متوقف می‌شود، ولی در صورت سپردن تأمین کیفری مناسب، علاوه بر توقف مجازات، محکوم علیه از زندان نیز آزاد می‌شود.

عدول از گذشت

عدول از گذشت مسموع نیست. (انصراف از گذشت پذیرفته نمی‌شود) به همین دلیل در صورتی که ولی دم پس از گذشت، اقدام به قصاص قاتل نماید، خودش قصاص می‌شود؛ مطابق ماده ۳۶۴ ق.م.ا: «رجوع از گذشت پذیرفته نیست. اگر مجنی علیه یا ولی دم، پس از گذشت، مرتکب را قصاص کند، مستحق قصاص است» برخلاف عدم امکان عدول از گذشت، عدول از شرط امکان‌پذیر است و در صورتی که گذشت مشروط یا معلق باشد، در فاصله میان گذشت و تحقق شرط یا معلق علیه، شاکی از شرط صرف‌نظر کرده و خواستار اجرای مجازات شود، مجازات باید به اجرا گذاشته شود. مطابق ماده ۳۶۱ ق.م.ا: «اگر مجنی علیه یا ولی دم، گذشت و اسقاط حق قصاص را مشروط به پرداخت وجه المصلاحه یا امر دیگری کند، حق قصاص تا حصول شرط، برای او باقی است.»

در مواردی که شاکی گذشت خود را منوط به امر غیرمشروع یا غیرممکن نماید، به این شرط ترتیب اثر داده نشده و مجازات فوراً به اجرا گذاشته می‌شود.

سکوت یا عدم حضور شاکی یا مدعی خصوصی در دادسرا یا دادگاه را نمی‌توان به منزله گذشت و انصراف از حق خود انگاشت، همان گونه در رأی وحدت رویه شماره ۵۲۵ - ۱۳۶۸/۱/۲۹ چنین ذکر شده است: «تا زمانی که گذشت روجه از تعقیب شکایت جزایی احراز نشود دعوی کیفری قابل رسیدگی خواهد بود» هرچند به نظر می‌رسد برای احراز گذشت، تشریفات خاصی نظیر ثبت گذشت در دفاتر اسناد رسمی، گذشت نزد مقام قضایی یا ضابطان دادگستری و ... لازم نباشد و همین که گذشت برای مقام قضایی مسجل شود؛ برای موقوفی تعقیب یا مجازات کفایت می‌کند.

قیم اتفاقی

تبصره ۲ ماده ۱۰۱: «تأثیر گذشت قیم اتفاقی، منوط به تأیید دادستان است.»

با توجه به ماده ۷۰ ق.آ.د.ک قیم موقت یا اتفاقی در صورتی تعیین می‌شود که بزه‌دیده‌ی جرائم قابل گذشت به دلایلی مانند حجر یا بیهوشی قادر به طرح شکایت نباشد و فاقد ولی یا قیم بوده یا به آنها دسترسی نبوده یا خودشان مرتکب آن جرم شده باشند (مانند ترک انفاق فرزند که لزوماً از سوی ولی ارتکاب می‌یابد) قانونگذار در تبصره ۲ ماده ۱۰۱ ق.م.ا، در راستای مصلحت بزه‌دیده، گذشت قیم را منوط به موافقت دادستان دانسته است، ولیکن این حکم قابل تسری به ولی یا قیم نیست و گذشت افراد مزبور نیازمند موافقت دادستان نیست.

ماده ۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری: «در مواردی که تعقیب کیفری، منوط به شکایت شاکی است و بزه‌دیده، محجور می‌باشد و ولی یا قیم نداشته یا به آنان دسترسی ندارد و نصب قیم نیز موجب فوت وقت یا توجه ضرر به محجور شود، تا حضور و مداخله ولی یا قیم یا نصب قیم و همچنین در صورتی که ولی یا قیم خود مرتکب جرم شده یا مداخله در آن داشته باشد، دادستان شخصی را به‌عنوان قیم موقت تعیین و یا خود امر کیفری را

تعقیب می‌کند و اقدامات ضروری را برای حفظ و جمع‌آوری ادله جرم و جلوگیری از فرار متهم به عمل می‌آورد. این حکم در مواردی که بزه‌دیده، ولی و یا قیم او به عللی از قبیل بیهوشی قادر به شکایت نباشد نیز جاری است.»

ماده ۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری: «در مواردی که تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی است، اگر بزه‌دیده طفل یا مجنون باشد و ولی قهری یا سرپرست قانونی او با وجود مصلحت مولی علیه اقدام به شکایت نکند، دادستان موضوع را تعقیب می‌کند. همچنین در مورد بزه‌دیدگانی که به عللی از قبیل معلولیت جسمی یا ذهنی یا کهولت سن، ناتوان از اقامه دعوی هستند، دادستان موضوع را با جلب موافقت آنان تعقیب می‌کند. در این صورت، در خصوص افراد محجور، موقوف‌شدن تعقیب یا اجرای حکم نیز منوط به موافقت دادستان است»

اعلام گذشت در جرائم تعزیری غیرقابل گذشت و قابل گذشت

اعلام گذشت در جرائم قابل گذشت

ماده ۱۰۰ ق.م.ا: «در جرائم تعزیری قابل گذشت، گذشت شاکی یا مدعی خصوصی حسب مورد موجب موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات است» مطابق ماده ۱۰۰ ق.م.ا اعلام گذشت در جرائم قابل گذشت در ۲ مقطع زمانی قابل فرض است:

- **اعلام گذشت در جرائم قابل گذشت قبل از صدور حکم قطعی:** در این صورت به استناد ماده ۱۰۰ ق.م.ا و بند ب ماده ۱۳ ق.آ.د.ک قرار موقوفی تعقیب یا رسیدگی صادر می‌شود.

✓ اعلام گذشت در جرائم قابل گذشت قبل از صدور حکم قطعی، سبب صدور قرار موقوفی تعقیب متهم و به تبع آن سبب سقوط مجازات (عدم اجرای مجازات) می‌شود.

- **اعلام گذشت در جرائم قابل گذشت بعد از صدور حکم قطعی:** در این صورت به استناد ماده ۱۰۰ ق.م.ا قرار موقوفی اجرای مجازات صادر می‌شود.

✓ اعلام گذشت در جرائم قابل گذشت بعد از صدور حکم قطعی، سبب سقوط مجازات (عدم اجرای مجازات) می‌شود.

اعلام گذشت در جرائم غیرقابل گذشت

اعلام گذشت در جرائم غیرقابل گذشت، سبب سقوط مجازات نمی‌شود، ولی می‌تواند در میزان مجازات مؤثر باشد.

اعلام گذشت در جرائم غیرقابل گذشت در ۲ مقطع زمانی قابل فرض است:

- **اعلام گذشت در جرائم غیرقابل گذشت قبل از صدور حکم قطعی:** در این صورت اعلام گذشت می‌تواند سبب تخفیف مجازات شود (اعمال کیفیات مخفیه)

- **اعلام گذشت در جرائم غیرقابل گذشت بعد از صدور حکم قطعی:** در این صورت اعلام گذشت می‌تواند سبب تجدیدنظر در میزان مجازات شود و دادگاه در صورت اقتضا، مجازات را تخفیف دهد.

ماده ۴۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری: «هرگاه شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم غیرقابل گذشت، پس از قطعی شدن حکم از شکایت خود صرف‌نظر کند، محکوم علیه می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، درخواست کند در میزان مجازات او تجدیدنظر شود. در این صورت، دادگاه به درخواست محکوم علیه در وقت فوق العاده و با حضور دادستان یا نماینده او با رعایت مقررات ماده (۳۰۰) این قانون، رسیدگی می‌کند و مجازات را در صورت اقتضاء در حدود قانون تخفیف می‌دهد یا به مجازاتی که مناسب‌تر به حال محکوم علیه باشد، تبدیل می‌کند. این رأی قطعی است.»

اعلام گذشت در جرائم تعزیری غیرقابل گذشت و قابل گذشت	
اعلام گذشت در جرائم قابل گذشت	
قبل از صدور حکم قطعی	قرار موقوفی تعقیب یا رسیدگی صادر می‌شود.
بعد از صدور حکم قطعی	قرار موقوفی اجرای مجازات صادر می‌شود.
اعلام گذشت در جرائم غیرقابل گذشت	
قبل از صدور حکم قطعی	اعلام گذشت می‌تواند سبب تخفیف مجازات شود (اعمال کیفیات مخفیه)
بعد از صدور حکم قطعی	اعلام گذشت می‌تواند سبب تجدیدنظر در میزان مجازات شود و دادگاه در صورت اقتضا، مجازات را تخفیف دهد.

مرور زمان

مرور زمان عبارت است از گذشت مدتی که پس از آن، از دیدگاه قانونی، اعلام شکایت یا تعقیب و تحقیق و رسیدگی به دعوی عمومی و سرانجام اجرای مجازات ممکن نیست. پس از آن متهم دیگر قابل تعقیب نخواهد بود، همچنین حکم قابل اجرا نخواهد بود. آثار مرور زمان جزایی قهرآ و به حکم قانون جریان پیدا می‌کند.

ویژگی‌های مرور زمان

- ✓ از قواعد آمره و ناظر بر نظم عمومی و غیرقابل تراضی طرفین است.
- ✓ قابل طرح در هر مرحله از دادرسی می‌باشد.
- ✓ غیرقابل اسقاط از جانب طرفین است.
- ✓ مرور زمان فقط در جرائم موجب تعزیر پذیرفته شده است؛ لذا در جرائم موجب حد و قصاص و دیه پذیرفته نشده است.

انواع مرور زمان

مرور زمان ۴ نوع است: ۱- مرور زمان شکایت ۲- مرور زمان تعقیب ۳- مرور زمان صدور حکم ۴- مرور زمان اجرای مجازات

مرور زمان شکایت

در مرور زمان شکایت، با گذشت مدتی از تاریخ اطلاع از وقوع جرم یا برطرف شدن مانع و یا فوت بزه‌دیده و عدم شکایت، دیگر شکایت کیفری قابل استماع نخواهد بود.

ماده ۱۰۶ قانون مجازات اسلامی: «در جرائم تعزیری قابل گذشت هرگاه متضرر از جرم در مدت یک سال از تاریخ اطلاع از وقوع جرم، شکایت نکند، حق شکایت کیفری او ساقط می‌شود، مگر اینکه تحت سلطه متهم بوده یا به دلیلی خارج از اختیار، قادر به شکایت نباشد که در این صورت مهلت مزبور از تاریخ رفع مانع محاسبه می‌شود. هرگاه متضرر از جرم قبل از انقضای مدت مذکور فوت کند و دلیلی بر صرف نظر وی از طرح شکایت نباشد هر یک از ورثه وی در مهلت شش ماه از تاریخ وفات حق شکایت دارد. تبصره - غیر از مواردی که شاکی تحت سلطه متهم بوده، در صورتی به شکایت وی یا ورثه او رسیدگی می‌شود که جرم موضوع شکایت طبق ماده (۱۰۵) این قانون مشمول مرور زمان نشده باشد.»

- ✓ مرور زمان شکایت در جرائم تعزیری پذیرفته شده است؛ بنابراین در جرائم موجب حدود، قصاص و دیات جریان ندارد.
- ✓ مرور زمان شکایت در همه جرائم تعزیری جریان ندارد، بلکه در جرائم تعزیری قابل گذشت جریان دارد؛ بنابراین شامل جرائم تعزیری قابل گذشت نمی‌شود.

✓ در جرائم تعزیری قابل گذشت، اگر متضرر از جرم در مدت یک سال از تاریخ اطلاع از وقوع جرم، شکایت نکند، حق شکایت کیفری او ساقط می‌شود. **استثنا:**

- * متضرر از جرم تحت سلطه متهم باشد.
- * متضرر از جرم به دلیلی خارج از اختیار، قادر به شکایت نباشد.

- ✓ در صورت فوت شاکی قبل از انقضاء مهلت مرور زمان شکایت: اگر دلیلی بر صرف‌نظر کردن او از طرح شکایت نباشد؛ هر یک از ورثه در مهلت شش ماه از تاریخ فوت حق شکایت خواهند داشت.
- ✓ شروع مرور زمان شکایت از تاریخ اطلاع متضرر از وقوع جرم یا برطرف شدن مانع و یا فوت بزه‌دیده می‌باشد.
- ✓ در صورتی که متضرر از جرم تحت سلطه متهم بوده یا به دلیلی خارج از اختیار، قادر به شکایت نباشد مهلت یک ساله مرور زمان شکایت از تاریخ رفع مانع محاسبه می‌شود.
- ✓ با توجه به تبصره ماده فوق مهلت یک ساله فوق، مختص مواردی است که مدت مرور زمان تعقیب مقرر در ماده ۱۰۵ ق.م.ا منقضی نشده باشد؛ بدین ترتیب مرور زمان شکایت با مهلت‌های مقرر در ماده ۱۰۵ ق.م.ا هم‌پوشانی داشته و در صورت سپری شدن مهلت‌های مقرر در ماده ۱۰۵ ق.م.ا دیگر امکان طرح شکایت وجود ندارد. برای مثال در فرضی که شخصی به تازگی متوجه شود که دیگری ۶ سال قبل، نسبت به او مرتکب یک جرم درجه ۶ شده است؛ حق طرح شکایت نخواهد داشت؛ زیرا با توجه به بند (ت) ماده ۱۰۵ ق.م.ا مهلت مرور زمان تعقیب در جرائم تعزیری درجه ۶، ظرف ۵ سال از تاریخ وقوع جرم می‌باشد که در این فرض، این مهلت سپری شده است.
- ✓ مرور زمان شکایت در قوانین خاص مانند، قانون صدور چک نیز پیش‌بینی شده است؛ بدین صورت که قانونگذار در ماده ۱۱ قانون صدور چک دو مهلت ۶ ماهه در نظر گرفته است؛ اگر دارنده چک ظرف ۶ ماه از تاریخ صدور چک، برای وصول آن به بانک مراجع نکند و یا ظرف ۶ ماه از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت شکایت ننماید، دیگر شکایت کیفری وی قابل استماع نخواهد بود.

مرور زمان تعقیب و مرور زمان صدور حکم

در صورتی که از تاریخ وقوع جرم یا از تاریخ آخرین اقدام تعقیبی مدت زمانی که قانونگذار در نظر گرفته است، سپری شود و در این فاصله هیچ اقدام تعقیبی انجام نشود و یا این که منتهی به صدور حکم قطعی نشده باشد، دیگر امکان تعقیب و محاکمه متهم وجود نخواهد داشت؛ به عبارت دیگر در این فرض تعقیب به عمل نیامده و مجرم محکومیت جزایی پیدا نکرده است.

مرور زمان بیان‌شده در ماده ۱۰۵ ق.م.ا ۲ فرض دارد:

۱. مرور زمان از تاریخ وقوع جرم (مرور زمان تعقیب)

۲. مرور زمان از تاریخ آخرین اقدام تعقیبی (مرور زمان صدور حکم)

✓ به استناد مواد ۱۰۵ و تبصره ۲ ماده ۱۱۵ ق.م.ا مرور زمان تعقیب و صدور حکم در جرائم تعزیری غیرمنصوص شرعی اعم از قابل گذشت و غیرقابل گذشت پذیرفته شده است. بنابراین در جرائم موجب حدود، قصاص، دیات و تعزیرات منصوص شرعی پذیرفته نشده است

ماده ۱۰۵ قانون مجازات اسلامی: «مرور زمان، در صورتی تعقیب جرائم موجب تعزیر را موقوف می‌کند که از تاریخ وقوع جرم تا انقضای مواعد زیر تعقیب نشده یا از تاریخ آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی تا انقضای این مواعد به صدور حکم قطعی منتهی نگردیده باشد:

الف - جرائم تعزیری درجه یک تا سه با انقضای پانزده سال

ب - جرائم تعزیری درجه چهار با انقضای ده سال

پ - جرائم تعزیری درجه پنج با انقضای هفت سال

ت - جرائم تعزیری درجه شش با انقضای پنج سال

ث - جرائم تعزیری درجه هفت و هشت با انقضای سه سال

✓ منظور از آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی، اقدامی است که مقامات قضایی در اجرای یک وظیفه قانونی از قبیل احضار، جلب، بازجویی، استماع اظهارات شهود و مطلعان، تحقیقات یا معاینه محلی و نیابت قضایی انجام می‌دهند. (تبصره ۱ ماده ۱۰۵ ق.م.ا)

✓ در مورد صدور قرار اناطه، مرور زمان تعقیب از تاریخ قطعیت رأی مرجعی که رسیدگی کیفری منوط به صدور آن است، شروع می‌شود. (تبصره ۲ ماده ۱۰۲ ق.م.ا) به عبارت دیگر با صدور قرار اناطه، تا هنگام صدور رأی قطعی از مرجع صالح، تعقیب متهم، معلق و پرونده به‌صورت موقت بایگانی می‌شود. (ماده ۲۱ ق.آ.د.ک) مدتی که پرونده به‌صورت موقت بایگانی می‌شود، جزء مواعد مرور زمان محسوب نمی‌شود. (تبصره ۳ ماده ۲۱ ق.آ.د.ک)

- ✓ در مواردی که تعقیب یک امر جزایی موکول به اجازه مراجع معین یا منوط به رسیدگی و تعیین تکلیف موضوع خاص در مراجع صالح دیگر باشد، جریان مرور زمان متوقف می‌گردد. تعلیق مرور زمان و مدتی که تعقیب جزایی به علل مذکور معلق می‌ماند جزء مدت مرور زمان محسوب نمی‌شود. علل تعلیق مرور زمان موانعی است که از اجرای مجازات جلوگیری می‌نماید و مادام که علل مزبور رفع نشده است، جریان مرور زمان معلق است. این علل گاهی عبارت است از حوادث طبیعی و اجتماعی، مانند جنگ، سیل و غیره می‌باشد؛ گاهی علل مزبور موانع قضایی می‌باشند مانند تعلیق اجرای مجازات، لزوم اجرای مجازات دیگری قبل از مجازات منظور.
- ✓ در صورتی که متهم در مدت تعلیق به اتهام ارتکاب یکی از جرائم مستوجب حد، قصاص یا تعزیر درجه هفت و بالاتر مورد تعقیب قرار گیرد و تعقیب وی منتهی به صدور کیفرخواست گردد و یا دستورهای مقام قضایی را اجراء نکند، قرار تعلیق، لغو و با رعایت مقررات مربوط به تعدد، تعقیب به عمل می‌آید و مدتی که تعقیب معلق بوده است، جزء مدت مرور زمان محسوب نمی‌شود. (تبصره ۱ ماده ۸۱ ق.آ.د.ک)
- ✓ اگر هیچ اقدام تعقیبی انجام نشده باشد، مبدأ محاسبه مرور زمان تعقیب، تاریخ وقوع جرم است.
- ✓ اگر اقدامات تعقیبی انجام شده باشد، مبدأ محاسبه مرور زمان تعقیب از تاریخ آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی خواهد بود.
- ✓ در صورت فقدان نص مخالف، روز ارتکاب جرم، جزء مدت مرور زمان محسوب نمی‌شود.
- ✓ فردای آخرین روز مدت مرور زمان تعقیب، نخستین فرصت برای صدور قرار موقوفی تعقیب است.
- ✓ مرور زمان جرائم به عادت از تاریخ ارتکاب آخرین عملی که برای تحقق جرم ضرورت دارد، شروع می‌شود. به عبارت دیگر انجام آخرین عمل تشکیل دهنده جرم به عادت، مبدأ مرور زمان است.
- ✓ مبدأ مرور زمان جرم ثبت ملک غیر، از روزی شروع می‌شود که ملک به نام متقاضی در دفتر املاک ثبت می‌گردد، نه تاریخ انقضای مدت اعتراض. (رای وحدت رویه ۴۲۵۳ - ۱۳۳۸/۹/۱۳)
- ✓ مبدأ مرور زمان جرم افترا از تاریخ قطعیت عجز از اثبات و ثبوت کذب شکایت شاکی است، نه صرف اعلام شکایت و اسناد بزه. (رای وحدت رویه ۲۲۸ - ۱۳۴۹/۸/۲۰)
- ✓ در جرائم مستمر تا مادامی که جرم در حال ادامه یافتن است، امکان طرح شکایت وجود دارد، برای مثال در فرضی که شخصی از ۱۰ سال قبل، نفقه همسر خود را نمی‌پردازد، زوجه می‌تواند برای مطالبه نفقه گذشته اقدام به طرح شکایت نماید. مطابق نظریه مشورتی ۷/۹۵/۷۹۶ مورخ ۱۳۹۵/۴/۲: «سقوط حق شکایت کیفری مذکور در ماده ۱۰۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، منصرف به جرائم آنی است، نه جرائم مستمر؛ بنابراین در جرائمی نظیر ترک انفاق و تصرف عدوانی، مادام که مرتکب در حال ارتکاب عنصر مادی جرم است، حق تعقیب کیفری برای شاکی و متضرر از جرم، کماکان باقی است و مشمول مرور زمان تعقیب شکایت به استناد ماده مرقوم در فوق نمی‌گردد»
- ✓ ابتدای مرور زمان در مورد جرم مستمر، زمانی است که استمرار جرم قطع شده است. در جرائم مستمر مرور زمان از روزی آغاز می‌شود که رفتار مجرمانه پایان یافته باشد.
- ✓ در جرم خیانت در امانت، مبدأ مرور زمان، تاریخ مطالبه مال مورد امانت و انکار امین است، نه تاریخ تودیع مال نزد امین.
- ✓ در جرم کلاهبرداری، هرگاه توسل به وسایل متقلبانه سبب شده باشد که مال به کلاهبردار یا نماینده او تسلیم شود، مبدأ مرور زمان محاسبه می‌شود.
- ✓ مبدأ مرور زمان در جرم مرگب، تاریخ تحقق آخرین جزء آن، که سبب کامل شدن جرم می‌شود، خواهد بود.
- ✓ جرائم تجاوز به اراضی ملی و تصرف عدوانی، از جرائم مستمر می‌باشند، لذا تا وقتی که تصرف ادامه دارد، مشمول مرور زمان نخواهد شد. (رای وحدت رویه ۶۵۹ - ۱۳۸۱/۳/۷)
- ✓ مرور زمان تعقیب انتظامی قضات از تاریخ وقوع تخلف و یا آخرین اقدام تعقیبی سه سال است. (تبصره ماده ۲۵ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰/۷/۱۷)

مبدأ مرور زمان تعقیب در انواع جرائم	
نوع جرم	مبدأ مرور زمان تعقیب
جرم آنی	فردای روز ارتکاب جرم
جرم مستمر	از لحظه قطع استمرار
جرم به عادت	از تاریخ آخرین عمل تشکیل دهنده جرم به عادت
جرم مرکب	از تاریخ تحقق آخرین جزء جرم، که سبب کامل شدن آن می‌شود.

مرور زمان اجرای مجازات

سپری شدن مدت زمانی که قانونگذار از زمان صدور حکم قطعی در نظر گرفته است، که در این صورت دیگر حکم صادره قابلیت اجرا نخواهد داشت؛ به عبارت دیگر در فرض مرور زمان اجرای مجازات، تعقیب به عمل آمده و مجرم محکوم شده است، ولی مجازات اجرا نگردیده است. مرور زمان اجرای مجازات موجب معافیت محکوم علیه از مجازات است، ولی محکومیت به سبب آن زایل نمی‌گردد.

ماده ۱۰۷ قانون مجازات اسلامی: «مرور زمان، اجرای احکام قطعی تعزیری را موقوف می‌کند و مدت آن از تاریخ قطعیت حکم به قرار زیر است:

الف - جرائم تعزیری درجه یک تا سه با انقضای بیست سال

ب - جرائم تعزیری درجه چهار با انقضای پانزده سال

پ - جرائم تعزیری درجه پنج با انقضای ده سال

ت - جرائم تعزیری درجه شش با انقضای هفت سال

ث - جرائم تعزیری درجه هفت و هشت با انقضای پنج سال»

✓ اگر اجرای تمام یا بقیه مجازات موکول به گذشتن مدت یا رفع مانعی باشد، مرور زمان از تاریخ انقضای آن مدت یا رفع مانع محاسبه می‌شود.
(تبصره ۱ ماده ۱۰۷ ق.م.ا)

✓ مرور زمان اجرای احکام دادگاه‌های خارج از کشور درباره اتباع ایرانی در حدود مقررات و موافقت‌نامه‌های قانونی، مشمول مقررات این ماده است. (تبصره ۲ ماده ۱۰۷ ق.م.ا)

✓ مرور زمان اجرای مجازات به استناد ماده ۱۰۷ ق.م.ا در جرائم تعزیری اعم از قابل گذشت و غیرقابل گذشت و اعم از منصوص و غیرمنصوص شرعی پذیرفته شده است.

✓ در مرور زمان اجرای مجازات، مدت مرور زمان بدون توجه به محاسبه جهات تخفیف و تشدید مورد محاسبه قرار می‌گیرد.

✓ ملاک برای محاسبه مدت مرور زمان اجرای مجازات، مجازات مقرر در قانون است.

✓ مرور زمان اجرای مجازات، فقط شامل جرائم تعزیری می‌شود؛ بنابراین شامل جرائم موجب حدود، قصاص و دیات نمی‌شود.

✓ مرور زمان اجرای مجازات، مانع اجرای مجازات می‌شود، ولی آثار محکومیت به قوت خود باقی است.

✓ مرور زمان، موجب امحای محکومیت نمی‌شود، بلکه فقط مجازات به مرحله اجرا گذاشته نمی‌شود؛ بنابراین با سقوط مجازات اصلی (تعزیری) مجازات تکمیلی نیز ساقط می‌گردد؛ ولی مرور زمان تأثیری بر محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی ندارد. این محرومیت‌ها پس از مرور زمان در مدت زمان مقرر (ماده ۲۵ ق.م.ا) همچنان تدوام می‌یابد.

✓ هرگاه اجرای مجازات، شروع ولی به هر علت قطع شود، تاریخ شروع مرور زمان، تاریخ قطع اجرای مجازات است. (ماده ۱۰۸ ق.م.ا)

✓ در مواردی که بیش از یک نوبت قطع شود شروع مرور زمان از تاریخ آخرین انقطاع است، مگر اینکه اجرای مجازات بر اثر رفتار عمدی محکوم قطع شده باشد که در این صورت مرور زمان اعمال نمی‌شود. (ماده ۱۰۸ ق.م.ا)

✓ اگر جریان مرور زمان قطع گردد، مدت قبلی به حساب نمی‌آید.

- ✓ هرگاه در مورد یک شخص به موجب حکم یا احکامی، محکومیت‌های قطعی متعدّد صادر شود، شروع به اجرای هر یک از محکومیت‌ها، نسبت به دیگر محکومیت‌ها، قاطع مرور زمان است. (ماده ۱۱۰ ق.م.ا)
- ✓ در مورد تعلیق اجرای مجازات، در صورت لغو قرار تعلیق مبدأ مرور زمان، تاریخ لغو قرار تعلیق اجرای حکم است. (ماده ۱۱۱ ق.م.ا)
- ✓ در مورد اعطای آزادی مشروط در صورت لغو حکم آزادی مشروط، مبدأ مرور زمان، تاریخ لغو حکم آزادی مشروط است. (ماده ۱۱۱ ق.م.ا)
- ✓ قطع مرور زمان، مطلق است و نسبت به کلیه شرکا و معاونان اعم از آنکه تعقیب شده یا نشده باشند، اعمال می‌شود هر چند تعقیب فقط درباره یکی از آنها شروع شده باشد. (ماده ۱۱۲ ق.م.ا)
- ✓ شروع به اجرای حکم در مورد برخی از شرکا یا معاونان جرم قاطع مرور زمان نسبت به دیگر محکومان است. (ماده ۱۱۲ ق.م.ا)
- ✓ موقوف شدن تعقیب، صدور حکم یا اجرای مجازات، مانع از استیفای حقوق مدّعی خصوصی نیست و متضرّر از جرم می‌تواند دعوای خصوصی را در مرجع صالح اقامه نماید.
- ✓ دستور کلی دادستان مبتی بر رسیدگی به پرونده‌ها، قاطع مرور زمان نیست.
- ✓ تعقیب متهم در دادگاه حقوقی برای پرداخت ضرر و زیان مدّعی خصوصی، قاطع مرور زمان دعوای کیفری نیست.
- ✓ دستور مدیردفتر دادگاه قاطع مرور زمان نیست.
- ✓ در مواردی که قانوناً تعقیب امر جزایی موکول به اجازه مراجع معین یا منوط به رسیدگی به تعیین تکلیف موضوع خاص در مرجع صالح دیگری باشد، مرور زمان متوقف و مدّتی که تعقیب جزایی به علل مذکور معلق مانده، جزء مدّت مرور زمان محسوب نمی‌شود.

تخصیص اطلاق مواد ۱۰۵، ۱۰۶ و ۱۰۷ ق.م.ا با ماده ۱۰۹ ق.م.ا

جرائم ذیل مشمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات نمی‌شوند:

- الف - جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور
- ب - جرائم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر
- پ - جرائم اقتصادی در صورتی که میزان مبلغ جرم ارتكابی بیش از یک میلیارد ریال باشد، شامل:

۱. کلاهبرداری،
۲. رشا و ارتشا،
۳. اختلاس،
۴. اعمال نفوذ برخلاف حق و مقرّرات قانونی در صورت تحصیل مال توسط مجرم یا دیگری،
۵. مداخله وزراء و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری،
۶. تبانی در معاملات دولتی،
۷. اخذ پورسانت در معاملات خارجی،
۸. تعدّیات مأمورین دولتی نسبت به دولت،
۹. جرائم گمرکی،
۱۰. قاچاق کالا و ارز،
۱۱. جرائم مالیاتی،
۱۲. پولشویی،
۱۳. اخلال در نظام اقتصادی کشور،
۱۴. تصرّف غیرقانونی در اموال عمومی یا دولتی

علل تعلیق مرور زمان

- ۱- علل عملی تعلیق مرور زمان ۲- علل حقوقی (قضایی) مرور زمان

علل عملی تعلیق مرور زمان

منظور بروز موانعی است که از آن به قوه قاهره یا فورس مازور تعبیر می‌شود. با این همه جنگ و اشغال نظامی فقط در صورتی از عوامل تعلیق مرور زمان محسوب می‌شوند که دادگستری بر اثر آنها از کار افتاده و قادر به انجام وظیفه نباشد.

علل حقوقی (قضایی) مرور زمان

منظور موانعی است که امکان تعقیب را از دادسرا یا نهاد تعقیب مشابه، طبق ضوابط قانونی موجود سلب می‌کند؛ مثل اناطه، مصونیت پارلمانی، بازداشت متهم در خارج از کشور، کسب مجوز و تعلیق قاضی متهم به ارتکاب جرم

احراز مرور زمان تعقیب جرم یا اجرای حکم قطعی، مانع صلاحیت مراجع قضایی در رسیدگی به ضرر و زیان ناشی از جرم و سایر دعاوی حقوقی نیست. ماده ۱۱۳ ق.م.ا در این خصوص چنین مقرر داشته است: «موقوف شدن تعقیب، صدور حکم یا اجرای مجازات، مانع از استیفای حقوق مدعی خصوصی نیست و متضرر از جرم می‌تواند دعاوی خصوصی را در مرجع صالح اقامه نماید.»

ماده ۲۰ ق.آ.د.ک. نیز در این خصوص چنین مقرر داشته است: «سقوط دعاوی عمومی موجب سقوط دعاوی خصوصی نیست. هرگاه تعقیب امر کیفری به جهتی از جهات قانونی موقوف یا منتهی به صدور قرار منع تعقیب یا حکم برائت شود، دادگاه کیفری مکلف است، در صورتی که دعاوی خصوصی در آن دادگاه مطرح شده باشد، مبادرت به رسیدگی و صدور رأی نماید.»

در تعلیق مرور زمان، مدتی که قبل از حدوث علت تعلیق سپری شده به حساب می‌آید؛ به این معنی که هرگاه پس از رفع علت مزبور همچنان مجازات اجرا نشود، برای احتساب مرور زمان مدت قبل از حدوث علت منظور می‌گردد؛ اما چنانچه مرور زمان قطع شود؛ مدتی که تا آن وقت که مرور زمان قطع شده، بعداً به حساب نخواهد آمد.

آثار مرور زمان

محکومیت جزایی که مشمول مرور زمان شده است، برای تشخیص و تکرار جرم لحاظ نمی‌گردد؛ بنابراین هرگاه کسی که محکومیت جزایی داشته ولی به علت مرور زمان، اجرا نشده است و مجدداً مرتکب جرم گردد، مشمول تکرار جرم نخواهد بود.

مرور زمان اجرای مجازات، به حقوق شاکی خصوصی لطمه‌ای وارد نمی‌کند.

محرومیت از حقوق اجتماعی و همچنین ممنوعیت از اقامت در محلی و یا اجبار به اقامت در محلی به حال خود باقی خواهد بود.

مبدأ انواع مرور زمان‌های کیفری	
مبدأ مرور زمان شکایت	از تاریخ اطلاع از وقوع جرم در موارد تحت سلطه بودن شاکی یا عدم امکان شکایت به دلیل مانع خارجی: از تاریخ رفع مانع در صورت فوت شاکی قبل از انقضاء مرور زمان شکایت: ۶ ماه از تاریخ فوت شاکی
مبدأ مرور زمان تعقیب	از تاریخ وقوع جرم در مورد صدور قرار اناطه: مرور زمان تعقیب از تاریخ قطعیت رأی مرجعی که رسیدگی کیفری منوط به صدور آن است شروع می‌شود.
مبدأ مرور زمان صدور حکم	از تاریخ آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی
مبدأ مرور زمان اجرای مجازات	از تاریخ قطعیت حکم کیفری در صورت وجود مانع خارجی در اجرای حکم یا در صورت لزوم گذشت، مدتی برای اجرای حکم، اجرای آن شروع شده است: از تاریخ انقضاء آن مدت یا از تاریخ رفع مانع در صورت قطع شدن اجرای مجازاتی که اجرای آن شروع شده است: تاریخ قطع اجرای مجازات است. در صورت قطع اجرای مجازات بیش از یک مرتبه: از تاریخ آخرین انقطاع است. در مورد تعلیق اجرای مجازات، در صورت لغو قرار تعلیق: تاریخ لغو قرار تعلیق اجرای حکم است. در مورد اعطای آزادی مشروط در صورت لغو حکم آزادی مشروط: تاریخ لغو حکم آزادی مشروط است.

مواعد مرور زمان کیفری تعقیب و مرور زمان صدور حکم و مرور زمان اجرای مجازات		
مدت مرور زمان تعقیب و صدور حکم	درجه جرم	مدت مرور زمان اجرای مجازات
۱۵ سال	درجه ۱ تا ۳	۲۰ سال
۱۰ سال	درجه ۴	۱۵ سال
۷ سال	درجه ۵	۱۰ سال
۵ سال	درجه ۶	۷ سال
۳ سال	درجه ۷ و ۸	۵ سال

توبه بزهکار

توبه به معنی بازگشتن از گناه و دست کشیدن از کار زشت است. توبه یکی از نهادهای تربیتی اسلامی است که اثر آن در پیشگیری از جرم انکارناپذیر است. منشأ توبه احساس ندامت و پشیمانی است که خود نشان تحوّل باطنی مرتکب و قرینه‌ای بر اصلاح‌پذیری اوست. توبه مُسَقِّط مجازات، توبه‌ای است که باید برای قاضی دادگاه احراز شود و ثابت شود که مرتکب تظاهر به توبه نکرده است، وگرنه بازخواست دارد. از این رو، شرط پذیرفتن توبه این است که تا پیش از قطعیت حکم، مرتکب دلیل خود را مبنی بر خودداری از ارتکاب جرم به مقام قضایی ارائه کند. توبه را قانونگذار در بعضی از جرائم پذیرفته است، مخصوصاً جرائمی که جنبه حق‌اللهمی دارد، لیکن بر حسب زمان تحقق توبه، آثار کیفری متفاوتی بر آن بار کرده است.

اثر توبه بر مجازات جرائم

اثر توبه بر جرائم موجب حد

ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی: «در جرائم موجب حد به استثنای قذف و محاربه هرگاه متهم قبل از اثبات جرم، توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، حد از او ساقط می‌گردد. همچنین اگر جرائم فوق غیر از قذف با اقرار ثابت شده باشد، در صورت توبه مرتکب حتی پس از اثبات جرم، دادگاه می‌تواند عفو مجرم را توسط رئیس قوه قضائیه از مقام رهبری درخواست نماید.

تبصره ۱- توبه محارب قبل از دستگیری یا تسلط بر او موجب سقوط حد است.

تبصره ۲- در زنا و لواط هرگاه جرم به عُنْف، اکراه و یا با اغفال بزه‌دیده انجام گیرد، مرتکب در صورت توبه و سقوط مجازات به شرح مندرج در این ماده به حبس یا شلاق تعزیری درجه شش یا هر دو آنها محکوم می‌شود.»

در جرائم موجب حد زیر در صورتی که متهم قبل از اثبات جرم توبه کند و ندامت اصلاح او برای قاضی دادگاه محرز شود حد از او ساقط می‌گردد:

۱. زنا به شرط آنکه به عُنْف، اکراه و یا اغفال بزه‌دیده انجام نگیرد.

۲. لواط به شرط آنکه به عُنْف، اکراه و یا اغفال بزه‌دیده انجام نگیرد.

۳. تفخیز

۴. مساحقه

۵. قوادی

۶. سب‌النبی

۷. مصرف مُسکر

۸. سرقت حدّی

۹. بغی

۱۰. افساد فی‌الأرض

- ✓ اگر جرائم فوق با اقرار ثابت شده باشد و متهم توبه کند، دادگاه می‌تواند عفو مجرم را توسط رئیس قوه قضاییه از مقام رهبری درخواست کند؛ ولی اگر جرم با شهادت شهود ثابت شده باشد و مرتکب پس از آن توبه کند، این توبه بی‌تأثیر است و حد بر مرتکب جاری می‌شود.
- ✓ مطابق تبصره ۱ ماده فوق: «توبه محارب قبل از دستگیری یا تسلط بر او موجب سقوط حد است»، تفاوت حکم این تبصره با ماده ۱۱۶ ق.م.ا به زمان وقوع توبه برمی‌گردد؛ در یکی توبه پیش از دستگیری یا تسلط بر مرتکب است که در این موارد مجازات با توبه ساقط می‌شود و در دیگری پس از دستگیری یا تسلط بر او که در این موارد مجازات با توبه ساقط نمی‌شود.
- ✓ محکومیت به مجازات نفی‌بلد (یکی از مجازات‌های چهارگانه محاربه) تا زمانی که محارب توبه نکند پایانی برای آن متصور نیست (ماده ۲۸۴ ق.م.ا).
- ✓ در سرقت حدی، سارق که در مرتبه سوم به حبس ابد محکوم شده، اگر حین اجرای مجازات توبه کند ممکن است با عفو رهبری از حبس آزاد شود و یا به صلاحدید او مجازات حبس به مجازات تعزیری دیگری تبدیل شود (تبصره ۲ ماده ۲۷۸ ق.م.ا).
- ✓ در صورتی که جرائم زنا و لواط به عُنْف، اکراه و یا اغفال بزه‌دیده انجام گیرد، با توبه مرتکب پیش از اثبات جرم، حد ساقط می‌شود و به مجازات حبس یا شلاق تعزیری درجه شش یا هر دو آنها جایگزین می‌گردد. (تبصره ۲ ماده ۱۱۴ ق.م.ا).
- ✓ حد کذب با توبه مرتکب ساقط نمی‌شود و با گذشت شاکی، چه مرتکب توبه کرده باشد یا توبه نکرده باشد، تعقیب کیفری موقوف و در صورت محکومیت مجازات ساقط می‌گردد.

اثر توبه بر جرائم موجب قصاص

ماده ۱۱۶ قانون مجازات اسلامی: «قصاص، ... با توبه ساقط نمی‌گردد»

- ✓ مجازات قصاص با توبه ساقط نمی‌گردد، اما در مورد تعزیر بدل از قصاص (موضوع مواد ۶۱۲ و ۶۱۴ ق.م.ا) توبه مرتکب مورد پذیرش قرار می‌گیرد.

اثر توبه بر جرائم موجب دیه

ماده ۱۱۶ قانون مجازات اسلامی: «دیه، ... با توبه ساقط نمی‌گردد»

اثر توبه بر جرائم تعزیری

اثر توبه بر جرائم تعزیری به ۲ دسته تقسیم می‌شود

۱. جرائم تعزیری درجه ۱ تا ۵: در صورت احراز توبه در این جرائم، دادگاه می‌تواند مقررات راجع به تخفیف مجازات را اعمال نماید.
 ۲. جرائم تعزیری درجه ۶ تا ۸: در صورت احراز توبه در این جرائم، به نحوی که ندامت و اصلاح مرتکب برای قاضی محرز شود، مجازات ساقط می‌شود؛ تفاوتی نمی‌کند که توبه قبل از دستگیری باشد یا بعد از آن.
- ✓ مقررات راجع به توبه درباره کسانی که مقررات تکرار جرائم تعزیری در مورد آنها اعمال می‌شود، جاری نمی‌گردد. (تبصره ۱ ماده ۱۱۵ ق.م.ا).
 - ✓ مقررات راجع به توبه، درباره کسانی که مرتکب جرائم تعزیری منصوص شرعی شده‌اند، جاری نخواهد بود. (تبصره ۲ ماده ۱۱۵ ق.م.ا).
 - ✓ نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه شماره ۲۱۱۵/۹۶/۷ مورخ ۱۳۹۶/۹/۱۲: تعزیرات منصوص شرعی به تعزیراتی گفته می‌شود که در شرع مقدس اسلام برای یک عمل حرام، نوع و مقدار «کیفر» مشخص شده باشد.
- بنابراین توبه در این موارد پذیرفته نمی‌شود و اثر ندارد:

۱. حد کذب
 ۲. حد محاربه، مگر اینکه قبل از دستگیریو تسلط بر او توبه کند.
 ۳. قصاص
 ۴. دیات
 ۵. جرائم تعزیری منصوص شرعی
 ۶. تکرار جرم، در جرائم تعزیری
- در مورد توبه نکات و مواد ذیل قابل توجه است:

- ✓ ماده ۱۱۷ ق.م.ا: «در مواردی که توبه مرتکب، موجب سقوط یا تخفیف مجازات می‌گردد، توبه، اصلاح و ندامت وی باید احراز گردد و به ادعای مرتکب اکتفاء نمی‌شود. چنانچه پس از اِعمال مقررات راجع به توبه، ثابت شود که مرتکب تظاهر به توبه کرده است سقوط مجازات و تخفیفات در نظر گرفته شده مُلغی و مجازات اجراء می‌گردد. در این مورد چنانچه مجازات از نوع تعزیر باشد مرتکب به حداکثر مجازات تعزیری محکوم می‌شود»
- ✓ همان گونه که ملاحظه می‌شود مطابق ماده فوق رأی دادگاه در رابطه با توبه مشمول قاعده فراغ دادرس نبوده و در صورت احراز تظاهر به توبه، سقوط یا تخفیف مجازات، لغو خواهد شد، از سوی دیگر تظاهر به توبه از جهات تشدید الزامی مجازات‌های تعزیری محسوب می‌شود و دادگاه مکلف است که حکم به حداکثر مجازات قانونی بدهد، البته به دلیل عدم منع قانونی صدور حکم به حداکثر مجازات قانونی، منافاتی با تخفیف آن نخواهد داشت.
- ✓ ماده ۱۱۸ ق.م.ا: «متهم می‌تواند تا قبل از قطعیت حکم، ادله مربوط به توبه خود را حسب مورد به مقام تعقیب یا رسیدگی ارائه نماید»
- ✓ احراز توبه با قاضی دادگاه است و توبه مرتکب در مرحله تحقیقات مقدماتی و پیش از صدور حکم قطعی فاقد اعتبار و تأثیر است و موقوف ساختن تعقیب به این جهت نادرست می‌باشد. مطابق نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه شماره ۷/۹۲/۱۲۹۱ مورخ ۱۳۹۲/۷/۱: «چنانچه متهم قبل از اثبات جرم توبه کند و اصلاح وی برای قاضی محرز شود، حد از او ساقط می‌شود، بنابراین احراز توبه مرتکب جرم با قاضی محکمه است و بازپرس حق مداخله ندارد، لکن در صورت احراز توبه، بازپرس باید پرونده را با صدور قرار مجرمیت (جلب دادرسی) و کیفرخواست به دادگاه ارسال دارد تا اقدام مقتضی معمول گردد.»
- ✓ ماده ۱۱۹: «چنانچه دادستان مخالف سقوط یا تخفیف مجازات باشد، می‌تواند به مرجع تجدیدنظر اعتراض کند.»
- ✓ در صورتی که توبه مرتکب از سوی دادگاه مورد پذیرش قرار نگیرد، مرتکب حق اعتراض به این تصمیم دادگاه نخواهد داشت؛ اما در صورت پذیرش توبه امکان تجدیدنظرخواهی از سوی دادستان وجود دارد.
- ✓ مرجع تجدیدنظرخواهی در ماده فوق اعم از دادگاه تجدیدنظر استان یا دیوان عالی کشور است؛ یعنی چنانچه در جرائم موضوع ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک دادستان به پذیرش توبه معترض باشد، باید در دیوان عالی کشور اقدام به فرجام‌خواهی نماید و در سایر جرائم باید در دادگاه تجدیدنظر استان اقدام به تجدیدنظرخواهی نماید.
- ✓ از ظاهر ماده ۱۱۹ ق.م.ا چنین برمی‌آید که شاکی در این موارد فاقد حق تجدیدنظرخواهی است.

قاعده درأ (تُدْرَأُ الْحُدُودُ بِالشَّبَهَاتِ)

درأ در لغت به معنای دفع کردن، ساقط کردن یا تعطیل کردن و در اصطلاح به معنای دفع و سقوط مجازات در صورت بروز شبهه است قاعده درأ در قواعد فقه جزایی بیانگر این است که، هرگاه وقوع جرم و یا انتساب آن به متهم و یا مسؤولیت و استحقاق مجازات وی به جهتی، محل تردید و مشکوک باشد، به موجب این قاعده، بایستی جرم و مجازات را منتفی دانست.

شرایط اعمال قاعده درأ

۱. ایجاد شبهه در وقوع جرم یا در شرایط وقوع جرم و یا شرایط مسؤولیت کیفری.
 ۲. عدم وجود دلیل بر نفی شبهه مذکور.
- ماده ۱۲۰ ق.م.ا: «هرگاه وقوع جرم یا برخی از شرایط آن و یا هریک از شرایط مسؤولیت کیفری مورد شبهه یا تردید قرار گیرد و دلیلی بر نفی آن یافت نشود حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود.»
- ماده ۱۲۱ ق.م.ا: «در جرائم موجب حد به استثنای محاربه، افساد فی الارض، سرقت و قذف، به صرف وجود شبهه یا تردید و بدون نیاز به تحصیل دلیل، حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود.»
- آیا تعارضی بین مواد ۱۲۰ و ۱۲۱ قانون مجازات اسلامی وجود دارد یا خیر؟

نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه شماره ۷/۹۳/۳۲۰۳ مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۷: «دو ماده ۱۲۰ و ۱۲۱ مجازات اسلامی ۱۳۹۲، تعارضی با هم ندارند، با این توضیح که ماده ۱۲۰، درخصوص اعمال قاعده در خصوص کلیه جرائم اعم از تعزیری و .. می‌باشد که اگر در این موارد یعنی در وقوع جرائم یا برخی از شرایط آن و یا هر یک از شرایط مسؤولیت کیفری مورد شبهه یا تردید قرار گیرد و دلیلی بر نفی آن یافت نشود حسب مورد جرم ثابت نمی‌شود، و ماده ۱۲۱ قانون مذکور، در مقام بیان اعمال قاعده در خصوص جرائم موجب حد است به جزء موارد استثناء شده در این ماده در سایر جرائم موجب حد به محض ایجاد تردید و شبهه بدون نیاز به تحصیل دلیل، حد منتفی می‌گردد.»

اصولاً قاعده در قاعده ماهوی بوده که اعمال آن در فرض بروز شبهه صورت می‌گیرد و شبهه نیز موجب تزلزل در رکن روانی (معنوی) و در نتیجه عدم تحقق جرم می‌گردد از این رو در مقام اعمال قاعده در مقام قضایی باید حسب مورد اقدام به صدور قرار منع تعقیب یا حکم برائت نماید. تفسیر شک به نفع متهم یکی از آثار فرض برائت و تفسیر مضیق قوانین جزایی به شمار می‌رود که با توجه به آن، قاضی موظف است شک خود را به نفع متهم تفسیر نموده و او را تبرئه نماید، بی‌آنکه نیازی به تحقیق بیشتر باشد؛ اما استثنائاً در چهار جرم حدی (محاربه، افساد فی الارض، قذف و سرقت حدی) صرف تحقق شبهه موجب عدم اثبات جرم یا شرایط آن نمی‌شود و قاضی مکلف است در این زمینه به تحقیق و تحصیل دلیل بپردازد و چنانچه پس از آن دلیلی بر مجرمیت متهم به دست نیآورد، او را تبرئه نماید. در مواردی که جرم با همه شرایط آن و همین‌طور شرایط مسؤولیت کیفری محقق باشد ولی در ارتباط با شرایط تشدید مجازات شک و تردید باشد در این صورت قاعده در نسبت به اصل جرم قابل اعمال نیست ولی نسبت به تشدید مجازات قابل اعمال خواهد بود.

اقدامات تأمینی و تربیتی

تدابیری که برای مقابله با حالت خطرناک بزهکار که به موجب حکم دادگاه اتخاذ می‌شود. حالت خطرناک نیز حالتی است که به دلیل اقتران عوامل جرم‌زدا اعم از فردی و اجتماعی نوعی حالت آمادگی برای ارتکاب جرم در بزهکار پدید می‌آورد.

اقدامات تأمینی عینی و شخصی

اقدامات تأمینی عینی: این اقدامات دفاع جامعه را در برابر بعضی از اشیاء که ممکن است خطرهایی برای او پدید آورد، تأمین می‌کند. این اشیاء بسیار متنوع‌اند، مانند سکه قلب، اسلحه، اسناد مجعول، مواد خوراکی فاسد، مواد مخدر، اماکن فساد که با بستن و تعطیل کردن آن‌به موجب رأی دادگاه گاه اقدامی کیفری نیز محسوب می‌شود. دادگاه مکلف است در هر صورت وضع اشیاء مذکور را تعیین کند که یا ضبط یا معدوم و یا مسترد گردد.

اقدامات تأمینی شخصی: اقدامات تأمینی شخصی جامعه را در برابر رفتار دسته‌ای از بزهکاران که مجازات آنان بیهوده است، مصون می‌دارد؛ این بزهکاران عبارتند از:

- **نارسیدگان روانی:** یعنی دیوانگان، داروبارگان (معتادان) و در همین ردیف ولگردان و متکدیان. اقدامات تأمینی نسبت به این گروه از بزهکاران همواره جنبه حمایتی و کمک‌رسانی دارد. مانند بازگیری معتادان به مواد مخدر و یا الکل، درمان دیوانگان و بازپروری ولگردان و توان بخشی متکدیان در مؤسسه‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی وابسته به زندان.
- **بزهکاران خردسال و نوجوان:** یعنی کسانی که عموماً اصلاح‌پذیرند و بیش از دیگران قابلیت تغییر رفتار را دارند. اقدامات تأمینی در رابطه با این بزهکاران از نوع تربیتی و مدرسانی است. قوانین کشور، اجرای تصمیم‌های تربیتی دادگاه‌ها را در مواردی با سپردن اطفال بزهکار به قانون اصلاح و تربیت و با نظارت دادرس مقرر کرده است.
- **بزهکاران گوناگون دیگر:** بزهکارانی که وضع و حالت آنان اقتضاء می‌کند از بعضی فعالیت‌های اجتماعی به موجب حکم دادگاه محروم بمانند، مانند رانندگان بی احتیاط که بارها در حین رانندگی حادثه آفریده‌اند و این وضع، جز با محرومیت آنان از رانندگی چاره‌پذیر نیست. (ماده ۴۱ آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی مصوب ۱۸ خرداد ۱۳۸۴ هیأت وزیران)

طبقه‌بندی اقدامات تأمینی و تربیتی بر اساس شیوه‌ها

۱. **اقدامات حمایتی:** بعضی بزهکاران همان‌قدر که نیاز به تربیت دارند به حمایت‌های انسانی و اخلاقی نیز نیازمندند. حمایت‌های مذکور بیش از هر جا در محیط خانواده که پیوندهای عاطفی همچنان استحکام دارد، مقدور است. از این رو، «تسلیم (اطفال بزهکار) به والدین یا

اولیاء یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان» (بند الف ماده ۸۸ ق.م.ا) یکی از اقدامات حمایتی به شمار می‌رود که در نظام کیفری کشور ما منحصر به فرد است.

۲. اقدامات تربیتی: یکی از اقدامات تربیتی رایج نگهداری اطفال بزهکار در قانون اصلاح و تربیت است. اقدام مذکور شامل آموزش و پرورش طفل در محیط مذکور و گاه در محیط باز یعنی خارج از قانون توأم با نظارت است. یکی دیگر از اقدامات تربیتی «فرستادن طفل به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه‌آموزی» است. چنانچه دادگاه مصلحت بداند می‌تواند برای انجام این کار از والدین یا اولیاء یا سرپرستان قانونی طفل یا نوجوان تعهد بگیرد. (تبصره بند الف ماده ۸۸ ق.م.ا)

الزام به تحصیل (بند ژ ماده ۲۳ ق.م.ا) که در تکمیل مجازات اصلی مورد حکم دادگاه قرار می‌گیرد، نیز اقدامی تربیتی محسوب می‌شود که درباره مجرمان بزرگسال اتخاذ می‌شود.

همچنین بعضی از دستورهای دادگاه مانند حرفه‌آموزی (بند الف ماده ۴۳ ق.م.ا) و یا گذراندن دوره یا دوره‌های خاص آموزش و یادگیری مهارت‌های اساسی زندگی یا شرکت در دوره‌های تربیتی، اخلاقی، مذهبی، تحصیلی یا ورزشی (بند ح ماده ۴۳ ق.م.ا) در ضمن تعویق صدور حکم و یا تعلیق اجرای مجازات یا اعطای آزادی مشروط در زمره اقدامات تربیتی به شمار می‌رود.

۳. اقدامات درمانی: تجربه نشان می‌دهد که ارتکاب جرم در بین گروهی از بزهکاران ناشی از بیماری‌ها و ابتلاء به عادت‌هایی است که درمان یا ترک آن بیش از هر اقدامی اولویت دارد. از این رو، نگهداری و درمان دیوانگان تا رفع حالت خطرناک در محل مناسب یا مرکز روان درمانی بهزیستی (تبصره ۲ ماده ۱۵۰ ق.م.ا) و یا نگهداری بزهکاران معتاد به مواد مخدر در اردوگاه‌های بازپروری معتادین (تبصره ۳ ماده ۱۵ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر اصلاحی مرداد ۱۳۸۹) و گاه در ضمن اجرای مجازات حاکمی از برتری اقدامات مذکور نسبت به مجازات‌ها است. از جمله دیگر اقدامات درمانی، دستور دادگاه مبنی بر مراجعه محکوم‌علیه به بیمارستان یا درمانگاه برای درمانی بیماری یا ترک اعتیاد خود در مدت تعویق صدور حکم (بند پ ماده ۴۳ ق.م.ا) و یا در ضمن تعلیق اجرای محکومیت (ماده ۴۸ ق.م.ا) و یا در مدت آزادی مشروط محکوم‌علیه است. (ماده ۶۰ ق.م.ا)

۴. اقدامات مراقبتی: نظارت بر رفتار و مراقبت از بزهکاران عموماً با شیوه‌های دیگر به ویژه با نگهداری آنان در محیط‌های بسته آمیخته است. ولی، گاه قانونگذار حسن اجرای اقدام تأمینی را در گروه مراقبت از بزهکار در محیط‌های باز ممکن می‌داند. از این رو بزهکار را به اشکال گوناگون موظف می‌سازد که این مراقبت را بپذیرد. برای مثال، محکومان به اقامت اجباری که ناگزیر به محل اقامت جدید می‌روند باید حضور خود را به مقام‌های قضایی یا انتظامی محل اقامت اطلاع دهند و در زمان‌های تعیین شده خود را به مقامات مذکور معرفی نمایند (ماده ۴ آیین‌نامه راجع به اجرای مجازات‌های تکمیلی)

در دهه‌های اخیر، بهره‌برداری از فناوری‌های جدید، شیوه مراقبت از مجرمان را به طور محسوسی تغییر داده است. استفاده از سامانه‌های الکترونیکی یکی از شیوه‌هایی است که به مقامات اجرایی اجازه می‌دهد محکوم‌علیه را در محدوده‌های مکانی مشخص تحت نظارت قرار دهند.

۵. اقدامات بازدارنده: این اقدامات عموماً برای اجتناب از نزدیک شدن و فراهم آوردن عناصر جرم‌زا اعم از بیرونی یا درونی اتخاذ می‌گردد. ضبط بعضی اشیاء خطرناک و یا معدوم نمودن بعضی مواد زیان‌بار از جمله اقدامات بازدارنده محسوب می‌شود. بعضی از ممنوعیت‌ها مانند خودداری از ارتباط و معاشرت با اشخاصی که دادگاه معاشرت با آنها را برای محکوم‌علیه مضر تشخیص می‌دهد (بند چ ماده ۴۳ ق.م.ا) و یا خودداری از اقامت در مکان معین (بند ب ماده ۴۳ ق.م.ا) و نیز خودداری از فعالیت حرفه‌ای مرتبط با جرم ارتكابی (بند ج ماده ۴۳ ق.م.ا) و یا به طور کلی منع اقامت در نقطه یا نقاط معین با این هدف در قوانین کیفری آمده است که دادگاه بتواند حالت خطرناک یا وضعی که بزهکار را در معرض جرم دیگری در آینده قرار می‌دهد، خنثی می‌کند.

طبقه‌بندی اقدامات تأمینی و تربیتی بر اساس موضوع

۱. اقدامات تأمینی بدنی: اقدامات درمانی گاه مستلزم تجویز دارو و یا بعضی مداخله‌های پزشکی است که با هدف سلامت بزهکار به طور ضرورت بر جسم و روان شخص اثر می‌گذارد. درمان بزهکاران دیوانه و یا ترک دادن معتادان به مواد مخدر به شیوه‌ای که توانمندی و شایستگی‌های دیگر انسانی آنها به خطر نیفتد، مسأله حدود مداخله پزشکان را در رفع حالت خطرناک پیش‌بینی می‌کند. در نظام حقوقی

کشور ما تضمین‌های کافی در اجرای این قبیل اقدامات تأمینی همانند اجرای مجازات برای حفظ حقوق بزهکاران وجود ندارد و اساساً رابطه بین بزهکار بیمار و نیازمند درمان و پزشک معالج او روشن نیست.

۲. **اقدامات تأمینی سالب و محدودکننده آزادی:** اقدامات تأمینی را می‌توان از نظر حدود آزادی‌ها و میزان برخورداری محکوم‌علیه از آن، به اقدامات تأمینی سالب آزادی و اقدامات تأمینی محدودکننده آزادی تقسیم کرد.

● **اقدامات تأمینی سالب آزادی:** اجرای این نوع اقدامات مستلزم نگاهداری مجرمان مسؤول و غیرمسؤول در مؤسسات خاص با برنامه‌ای متفاوت با محیط‌های زندان است؛ زیرا در اجرای این اقدامات، اصولاً سلب آزادی محکوم‌علیه مقصود قانونگذار نیست. بنابراین مدت‌های نگهداری محکومان در این مؤسسات تابع ضرورت‌های اصلاحی- تربیتی، مراقبتی و درمانی است.

* **نگهداری مجرمان مجنون در مراکز روان‌درمانی:** رفع مسؤولیت کیفری از بزهکار مبتلا به جنون مانع از آن نیست که اگر دادگاه تشخیص دهد برای پیشگیری از ارتکاب جرم نگاهداری یا درمان بزهکار در مراکز روان‌درمانی لازم است، حکم به نگهداری او بدهد. آنچه چنین تصمیمی را مستدل می‌سازد، همانا حلت خطرناک او است. همین حکم در مورد بزهکارانی که پس از ارتکاب جرم به جنون مبتلا شده‌اند نیز جاری است و نگاهداری آنها در مراکز روان‌درمانی منوط به دستور دادگاه است. مراکز اقدام تأمینی به طور خاص برای نگاهداری این قبیل از مجرمان تاکنون تأسیس نشده است. از این رو، در قوانین کیفری گاه از مراکز روان‌درمانی بهزیستی و گاه از محل مناسب برای نگاهداری مجرمان سخن به میان آمده است. نگاهداری بزهکاران خطرناک خود نوعی اقدام دفاع اجتماعی است. ولی اقدام درمانی که گاه مستلزم نگاهداری بزهکاران خطرناک در این قبیل مؤسسه‌های است بیش از دفع خطر به زوال آن توجه دارد.

* **نگاهداری معتادان به مواد مخدر:** معتادان مکلفند با مراجعه به مراکز مجاز دولتی، غیردولتی یا خصوصی اعتیاد خود را ترک کنند. معتادانی که به این تکلیف قانونی عمل نمایند از تعقیب کیفری معافند و گر نه مجرم‌اند (ماده ۱۵ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر اصلاحی مرداد ۱۳۸۹) و با دستور مقام قضایی برای مدت یک تا سه ماه در مراکز دولتی و مجاز درمان و کاهش آسیب نگهداری می‌شوند. تمدید مدت برای یک دوره سه ماهه دیگر با درخواست مراکز مذکور بلامانع است (ماده ۱۶ اصلاحی قانون مبارزه با مواد مخدر مرداد ۱۳۸۹)

معتادان قرار است در مراکزی به نام اردوگاه‌های بازپروری معتادین درمان و نگهداری شوند. در کنار معتادان، گروه دیگری از بزهکاران قرار دارند که ارتکاب جرائم آنها ناشی از اعتیاد است. منطق حکم می‌کند که این گروه از بزهکاران پیش از اجرای مجازات برای درمان و ترک اعتیاد به این مراکز اعزام شوند و مدت درمان جزو مدت محکومیت آنها محسوب شود.

* **نگهداری اطفال و نوجوانان در قانون اصلاح و تربیت اطفال:** قانون اصلاح و تربیت مرکزی است که نگاهداری، تهذیب و تربیت اطفال و نوجوانان بزهکار کمتر از هجده سال تمام را بر عهده دارد (ماده ۱۷ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب آذر ۱۳۸۴).

قانون اصلاح و تربیت دارای سه قسمت است:

۱. قسمت نگاهداری موقت که اختصاص به متهمانی دارد که دادگاه هنوز درباره آنها هنوز تصمیم نگرفته است.
۲. قسمت اصلاح و تربیت که اختصاص به اطفالی دارد که دادگاه به موجب قانون، نگاهداری آنان را به منظور تأدیب و تربیت ضروری تشخیص داده است.
۳. زندان که بزهکاران بیش از پانزده سال به تشخیص دادگاه، در آن نگاهداری می‌شوند.

در هر یک از این قسمت‌ها اطفال به فراخور سن، استعداد و آگاهی از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بهره‌مند می‌شوند و یا به تحصیل یا کارآموزی می‌پردازند. (ماده ۲۹ آیین‌نامه اجرایی سازمان قانون اصلاح و تربیت مصوب مهر ۱۳۴۷)

در مورد اطفالی که مدت توقف آنها در قسمت اصلاح و تربیت و یا زندان بیش از ۶ ماه استدر آخرین ماه توقف اجازه داده استکه با تأیید دادگاه روزها در خارج از قانون نزد کارفرمای مورد اعتماد کار کنند و یا در آموزشگاهی که مورد موافقت قانون باشد تحصیل نمایند و

شب‌ها به کانون مراجعت کنند. به جز در این مورد؛ در مجموع، اجرای اقدامات اصلاحی و تربیتی در این کانون‌ها منوط به نگاهداری اطفال شده است. به عبارت دیگر اجرای تدابیر تربیتی را قانونگذار مستلزم محروم کردن آنان از آزادی دانسته است.

● **اقدامات تأمینی محدودکننده آزادی:** اقدامات تأمینی محدودکننده آزادی به موجب ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی از قرار ذیل است؛ به کار بردن لفظ «مجازات» برای این قبیل اقدامات تأمینی که جنبه بازدارنده و خنثی‌کننده قوی دارد، بی‌مناسبت نیست؛ زیرا اتخاذ تدابیر مذکور اگر به قصد رفع حالت خطرناک نباشد، فقط محدود کردن آزادی‌های فردی و مجازات به شمار می‌رود:

* **اقامت اجباری در محل معین:** اجبار به اقامت در محل معین، نیز تابع احکام منع از اقامت در محل معین است؛ با این تفاوت که فهرست محل‌هایی را که به لحاظ شرایط سیاسی، امنیتی و اجتماعی برای اقامت اجباری و همچنین تبعید و نفی‌بلد مناسب نیست، پس از تصویب شورای عالی امنیت ملی و اعلام آن به قوه قضاییه به مراجع قضایی ابلاغ می‌کنند، تا هر نقطه دیگر کشور را که صلاح دیدند، انتخاب کنند (تبصره ماده ۱۳۵ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام کیفری)

* **منع از اقامت در محل یا محل‌های معین:** اگر دادگاه بزهکار را در محل معینی مضر و خطرناک تشخیص دهد برای پیشگیری از رویدادهای احتمالی می‌تواند او را برای مدتی از ماندن و رفت و آمد در آن محل منع کند. این مدت بیش از ۲ سال نیست و اگر چنانچه محکوم‌علیه در مدت اجرای مجازات مفاد حکم را رعایت نکند «دادگاه صادرکننده حکم به پیشنهاد قاضی اجرای احکام برای بار اول مدت مجازات تکمیلی مندرج در حکم را تا یک‌سوم افزایش می‌دهد و در صورت تکرار، بقیه مدت محکومیت را به حبس یا جزای نقدی درجه هفت یا هشت تبدیل می‌کند» (ماده ۲۴ ق.م.ا)

* **منع از اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین:** در مباحث آتی توضیح خواهیم داد.

* **منع از خروج اتباع ایران از کشور:** اتباع ایرانی ممکن است به دلایل گوناگون از خروج کشور منع شوند؛ گاه از خروج تبعه ایرانی از کشور به دلیل بدهی قطعی مالیاتی و اجرای دادگستری و ثبت اسناد و یا تخلف از انجام تعهدات ارزی و یا بدهی به بانک‌ها ممانعت به عمل می‌آید (ماده واحده لایحه قانونی ممنوعیت خروج بدهکاران بانک‌ها مصوب اردیبهشت ۱۳۵۹ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران) که این محدودیت عموماً در راستای حفظ حقوق بستانکاران و الزام مدیون به انجام دادن تعهدات خود تحمیل می‌شود. گاه به موجب اعلام کتبی مقامات قضایی، مأموران مستقر در مبادی خروجی دستور دارند از خروج کسانی که به علتی تحت تعقیب کیفری‌اند جلوگیری کنند که در صورت دستگیری وظیفه دارند متهم را نزد مقام قضایی حاضر کنند. گاه این ممنوعیت به سبب ارتکاب جرائمی مانند تکدی، ولگردی، سرقت، کلاهبرداری و یا هر عنوان دیگری است که در این فرض نیز قانونگذار صدور گذرنامه را برای این اشخاص ممنوع کرده است (ماده واحده قانون اصلاح ماده ۱۶ قانون گذرنامه مصوب اسفند ۱۳۵۱، مصوب آبان ۱۳۶۲)، در نتیجه تبعه ایرانی نمی‌تواند از کشور خارج شود.

* **اخراج بیگانگان از کشور:** بیگانه‌ای که به مجازات محکوم شده باشد ممکن است پس از اجرای مجازات برای مدتی و یا برای همیشه از اقامت در ایران محروم گردد. این حکم دادگاه همانند منع از اقامت در محل یا محل‌های معین آثار مشابهی از حیث پیشگیری از وقوع جرائم احتمالی دارد.

۳. **اقدامات تأمینی مالی:** مهم‌ترین اقدام تأمینی مالی، ضبط اشیاء و بستن مؤسسه است که گاه موجبات زیان مالی محکوم‌علیه را فراهم می‌کند. ضبط اشیای خطرناک و بستن مؤسسه افزون بر جنبه تأمینی واجد خصیصه کیفری است.

● **ضبط اشیاء:** به موجب ماده ۲۱۵ قانون مجازات اسلامی، اشیاء و اموالی که دلیل یا وسیله ارتکاب جرم بوده و یا در نتیجه جرم حاصل شده و وجود آنها مایه تشویش اذهان یا مخل نظم عمومی یا آسایش مردم باشد بر حسب قرار و یا حکم مرجع قضایی، دستور ضبط آنها صادر می‌شود. دادگاه می‌تواند دستور دهد که اشیای ضبط‌شده را از دسترس عموم خارج و یا آنها را نابود کنند.

ضبط اشیای خطرناک در قانون مجازات اسلامی، مجازات محکوم‌علیه محسوب نمی‌شود، بلکه جنبه کاملاً عینی دارد، یعنی دور از دسترس قرار دادن اشیایی که ممکن است بار دیگر به عنوان وسیله جرم به کار رود و یا وجود آنها تهدیدی علیه نظم عمومی و یا خطرناک باشد. از این رو، اشیای مذکور به حکم دادگاه ضبط می‌شود ولو آنکه هیچ کس را نتوان تعقیب یا محکوم کرد. برای مثال ضبط آلات و اسباب

مخصوص قماربازی (ماده ۷۰۹ ق.م.ا تعزیرات) و یا ضبط و نابود کردن کالاهای تقلبی (تبصره ۲ بند ح ماده ۱۸ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب خرداد ۱۳۳۴ با اصلاحات و الحاقات بعدی)، به این دلیل که از اشیای مذکور استفاده مشروع نمی‌توان کرد اقدام تأمینی تلقی می‌گردد و حکم به آن قابل تخفیف و تعلیق نیست.

● **بستن و ضبط مؤسسه:** هر مؤسسه‌ای که دخیل در ارتکاب جرم باشد، مثلاً به قصد تولید یا توزیع مواد مخدر و یا به منظور فساد یا فحشا دایر شده باشد (بند الف ماده ۶۳۹ ق.م.ا تعزیرات) به دستور دادگاه و در ضمن صدور حکم به مجازات، بسته می‌شود. منظور از مؤسسه هر نوع مکانی است که به کار تولید، خرید و فروش، عرضه خدمات اختصاص یافته است؛ مانند دفاتر شرکت‌ها، بنگاه‌ها و به طور کلی واحدهای صنفی، صنعتی، تجاری، خدماتی و یا محل مسکونی که برای انبار کردن، تولید یا توزیع مواد مخدر آماده و مهیا شده‌اند. به این دلیل این مکان‌ها ممکن است نفع دولت ضبط شوند (ماده ۱۳ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب آبان ۱۳۷۶ با اصلاحات بعدی).

۴. **اقدامات تأمینی منع از اشتغال به کسب یا شغل یا حرفه:** در صورتی که کسی به سبب اشتغال به شغل حرفه یا کار معینی مرتکب جرم شود و اشتغال به آن کار یا حرفه یا شغل منوط به اجازه مقامات رسمی باشد، یعنی مستلزم اخذ جواز کار یا پروانه کسب، حرفه یا کار باشد و اوضاع و احوال و روحیه متهم از حالت خطرناک او حکایت کند، دادگاه می‌تواند در ضمن حکم محکومیت دستور منع اشتغال به شغل، حرفه یا کار مذکور را برای مدتی بیشینه تا ۲ سال صادر کند.

۵. **اقدامات تأمینی سالب حق:** اگر کسی به علت تخطی یا تجاوز از وظایفی که قانونگذار ایفای آن را به داشتن صلاحیت یا شایستگی‌هایی شرط کرده که لازمه حسن اجرای چنین وظایفی است، محکومیت کیفری پیدا کند و دادگاه او را برای انجام دادن وظایف مذکور، ناصالح تشخیص دهد. حکم به محرومیت محکوم علیه از داشتن این سمت خواهد داد. برای مثال هرگاه ثابت شود که راننده یا متصدی وسیله موتوری به هنگام وقوع جرم در اثنای رانندگی مست بوده یا گواهینامه نداشته یا زیاده‌تر از سرعت مقرر حرکت می‌کرده است، دادگاه می‌تواند افزون بر محکومیت کیفری، مرتکب را برای مدت یک تا پنج سال از حق رانندگی یا تصدی وسیله موتوری محروم کند (ماده ۷۱۸ ق.م.ا تعزیرات) گاه این محرومیت از حق رانندگی الزامی است؛ برای مثال قانونگذار حمل چوب و هیزم و زغال حاصل از درختان جنگلی را بدون پروانه حمل از سازمان جنگلبانی ممنوع اعلام کرده و راننده خاطی را علاوه بر مجازات مقرر به محرومیت از حق رانندگی از دو ماه تا یک سال تهدید نموده است (تبصره ۳ ماده ۴۸ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب مرداد ۱۳۴۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی)؛ مثال دیگر محرومیت از حق قیمومت است. قیمومت سمت کسی است که از طرف دادگاه اداره امور مربوط به اموال و حقوق مالی محجوران به او سپرده شده است. به موجب ماده ۱۲۴۸ قانون مدنی، هرگاه قیم در امور مربوط به اموال مولی علیه خیانت بورزد و یا نسبت به شخص او تعدی کند و یا به اتهام جرائمی مانند سرقت، منافیات عفت به موجب حکم دادگاه محکوم شود از سمت خود معزول می‌گردد. اصولاً پیشینه محکومیت کیفری به اتهام ارتکاب جرائمی مانند سرقت، خیانت در امانت، کلاهبرداری، اختلاس، هتک ناموس یا منافیات عفت و تعدی نسبت به اطفال مانع از تصدی قیمومت است (ماده ۱۲۳۱ ق.م) به عبارت دیگر محرومیت از حق قیمومت از آثار تبعی محکومیت کیفری به اتهام ارتکاب بعضی از جرائم محسوب می‌شود.

۶. **انتشار حکم:** گاه منافع عمومی جامعه یا منافع خصوصی اشخاص ایجاب می‌کند که دادگاه صادرکننده حکم، دستور انتشار حکم را پس از قطعیت اعم از محکومیت یا برائت در رسانه‌ها صادر نماید. انتشار حکم برائت متهم به تقاضای ذی‌نفع و به هزینه خود او بیش از بیش به جبران خسارت‌هایی که احتمالاً اعلام جرم به اموال و حیثیت متقاضی وارد کرده است، نظر دارد. انتشار حکم به عنوان اقدام تأمینی بدون محکومیت متهم ممکن نیست.

طبقه‌بندی اقدامات تأمینی و تربیتی بر اساس ماهیت

۱. **قضایی:** حکم اقدام تأمینی همواره به استناد قانون و از طریق دادگاه صالح صادر می‌شود. تاکنون هر آنچه درباره اقدامات تأمینی گفتیم و به شرح یکایک آنها پرداختیم درباره آن دسته اقداماتی بود که مراجع قضایی اختیار صدور آن را یافته‌اند.

۲. **اداری:** مراجع اداری نیز به موجب قانون، اختیاراتی کسب کرده‌اند که به اتکال آن، گاه به تصمیماتی دست می‌زنند که هدف آن پیشگیری از وقوع جرم در آینده است. تنظیم فهرست جامعی از این تصمیمات به دلیل پراکندگی آنها شاید آسان نباشد. لیکن برای آشنایی با ماهیت تصمیمات مذکور به نمونه‌هایی از آن در ذیل اشاره می‌کنیم:

● **درمان اجباری بیماری‌های آمیزشی:** به موجب ماده ۷ قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و بیماری‌های واگیردار (مصوب خرداد ۱۳۲۰ با الحاقات بعدی) بهداری وظیفه دارد اشخاصی را که به مناسبت پیشیه خود ممکن است باعث انتشار بیماری‌های آمیزشی شوند مجبور کند که در روزهای معین در بنگاه‌های مخصوص بهداری، نزد پزشکانی که بهداری معین می‌نماید برای درمان حاضر شوند و در صورتی که مشخص شود بیماری‌های آنها در مرحله واگیری است تا صدور گواهی تندرستی از ادامه کار منع کند. امتناع از دستورهای پزشکی و ادامه کار بدون تحصیل گواهی، جرم است و متخلف به هشت روز تا دو ماه حبس تأدیبی و ۵۱ تا ۵۰۰ ریال و یا یکی از این دو کیفر محکوم می‌شود. گذشته از آن، به نظر می‌رسد که با توجه به افزایش احتمال بیماری ایدز از راه آمیزش جنسی، به روز رسانی این قانون نیز ضروری است.

● **منع خروج از کشور**

ماده ۱۶ قانون گذرنامه مصوب اسفند ۱۳۵۱ (اصلاحی مصوب آبان ۱۳۶۲) و تبصره یک آن به کمیسیون مرکب از نمایندگان وزارت امور خارجه، وزارت دادگستری، وزارت کشور، شهربانی جمهوری اسلامی و وزارت اطلاعات اجازه داده است که درباره وضع کسانی که در خارج از کشور به سبب تکدی و یا ولگردی و یا ارتکاب سرقت و کلاهبرداری و یا به هر عنوان دیگر دارای سوء شهرت باشند رسیدگی کند و چنانچه وضع این اشخاص را مطابق با قانون تشخیص دهد با محروم کردن از داشتن گذرنامه از خروج آنان از کشور جلوگیری کند. این محرومیت مقید به زمان نیست. در هر حال مرجع اعتراض به رأی کمیسیون دیوان عدالت اداری است.

● **انفصال از خدمات دولتی:** در بند (ه) آیین‌نامه تعزیرات حکومتی امور گندم، آرد و نان (مصوب شهریور ۱۳۶۶ با اصلاحات کمیسیون منتخب مجمع تشخیص مصلحت نظام) با عنوان تعزیر کارمندان دولت مشمول این آیین‌نامه، مقرر گردیده در تمام مواردی که تخلفات و جرائم موضوع این آیین‌نامه را کارمند دولت، مرتکب شود برای بار اول علاوه بر جریمه به انفصال موقت خدمت از سه ماه تا یک سال و در صورت تکرار به انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم می‌گردد.

هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان که قانوناً بر رفتار اداری کارمندان و عملکرد آنان نظارت دارد، نهاد اجرایی دیگری است که صالح به رسیدگی به تخلفات کارمندان بر اساس شکایت افراد یا گزارش مدیران ادارات دولتی است. این هیأت می‌تواند بر حسب نوع تخلف، کارمند خاطی را به موجب ماده قانون رسیدگی به تخلفات اداری (مصوب ۷ آذر ۱۳۷۲) به طور موقت از یک ماه تا یک سال و یا به طور دائم از خدمات دولتی منفصل کند.

● **توقف و منع فعالیت:** سازمان حفظات محیط زیست قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست (مصوب خرداد ۱۳۵۳ با اصلاحات بعدی) وظیفه حفظ و بهبود و بهسازی محیط زیست و پیشگیری و ممانعت از هر نوع آلودگی را به عهده دارد. در اجرای این وظیفه سازمان مذکور اختیار دارد، در مواردی که کار و فعالیت کارخانه‌ها یا کارگاه‌ها با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا می‌کند، پس از اخطار به صاحبان یا مسئولان آنها از ادامه کار و فعالیت مؤسسات مذکور ممانعت کند (ماده ۱۱).

● **تعطیل مؤسسه:** وزارت بهداری (وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی) به موجب قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی (مصوب خرداد ۱۳۳۴ با اصلاحات و الحاقات بعدی) وظیفه دارد بر ایجاد مؤسساتهای پزشکی مانند بیمارستان‌ها، زایشگاه‌ها، درمانگاه‌ها و ... نظارت و پروانه بهره‌برداری صادر نماید. بر طبق ماده ۳ قانون مذکور هر کس بدون داشتن پروانه رسمی پزشکی، داروسازی، دندان پزشکی به فنون مزبور اشتغال ورزد و یا بدون اخذ پروانه از وزارت بهداری اقدام به تأسیس یکی از مؤسسات پزشکی نماید یا پروانه خود را به دیگری واگذار کند و یا پروانه دیگری را مورد استفاده قرار دهد، محل کار او از طرف وزارت بهداشت تعطیل و به جریمه نقدی محکوم می‌شود. در ماده ۴ همین قانون آمده است، چنانچه مؤسسات پزشکی و دارویی توسط افراد فاقد صلاحیت، اداره شود علاوه بر تعطیلی مؤسسه، صاحب پروانه برای بار اول تا یک سال و برای دفعات بعد هر بار تا دو سال از بهره‌برداری مجدد محروم می‌شود، محرومیت مذکور نیز بر اساس تصمیم وزارت بهداشت است.

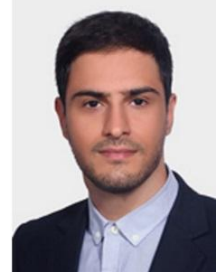
● **انتشار حکم:** سازمان تعزیرات حکومتی حسب مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام از نهادهای قوه مجریه و شعب تعزیرات حکومتی در شمار مراجع اختصاصی اداری به حساب می‌آیند. این شعب به تخلفات موضوع قانون تعزیرات حکومتی رسیدگی می‌کند و شامل شعب

بدوی و تجدیدنظر است. تخلفات موضوع قانون تعزیرات حکومتی، یک رشته جرائمی است مربوط به فعالیت‌های اقتصادی؛ مانند گران‌فروشی، کم‌فروشی، احتکار و عرضه کالا خارج از شبکه توزیع. ماده ۴ این قانون (مصوب اسفند ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام با اصلاحات بعدی)، ضمن تعریف جرم احتکار، حسب دفعات ارتکاب جرم مجازات‌هایی همچون جریمه نقدی، قطع تمام یا قسمتی از سهمیه و خدمات دولتی و نصب پارچه در محل واحد به عنوان مُحْتَكِر مقرر نموده است. در تشدید مجازات‌ها، ماده مذکور اعلام کرده است که چنانچه برای بار چهارم جرم احتکار تکرار شود، پروانه واحد متخلف لغو و از طریق رسانه‌های گروهی به عنوان محتکر به مردم معرفی می‌شود.

اگر در حین مطالعه با موارد سهو قلم و یا خطاهای انسانی دیگر که ما از آن غافل مانده‌ایم، مواجه شدید؛ از طریق ایمیل mollakarimi.omid@gmail.com با ما در میان بگذارید تا اصلاح نماییم. در نگارش بعضی از قسمت‌های این جزوه از کتاب «حقوق جزای عمومی دکتر اردبیلی» و کتاب «حقوق جزای عمومی آقای ساولانی» و کتاب «دوره پیشرفته حقوق جزای عمومی و اختصاصی دکتر بهداد کامفر» و کتاب «حقوق جزای عمومی دکتر شادی عظیم‌زاده» کمک گرفته‌ایم.

اینستاگرام شخصی: @omid_mollakarimi

آخرین به‌روزرسانی جزوه: ۱۴۰۲



امید ملاکریمی هستم؛ به حواسِ پرتِ متولد دهه ۶۰ توو تهران! ارزش اصلی من در زندگی، کمک به دیگران و تأثیرگذاری بر زندگی آنهاست. به یادگیری و اشتراک گذاشتن آموخته‌هایم با دیگران علاقه‌ی زیادی دارم. البته همه تلاشم را می‌کنم تا روش‌هایی را که به افزایش کیفیت یادگیری کمک می‌کنند یاد بگیرم و بعد از افزودن تجربیات خودم، آنها را به دیگران هم انتقال بدهم. در حوزه آموزش و نویسندگی در رشته حقوق با روش «ساده‌نویسی» و «به کار بردن مثال‌های روان» متفاوتم! من به این جمله ایمان دارم: «اگر موفقیت بیشتری می‌خواهی باید به دیگران کمک کنی تا به موفقیت بیشتری دست یابند.»

داستان من: بعد از اینکه لیسانسم رو گرفتم مثل خیلی از دانش آموخته‌های حقوق وارد دوره کارشناسی ارشد شدم؛ البته باید بگم که به کار ثابت هم داشتم که ماهانه به حقوق ثابت از اوون می‌گرفتم. رفته رفته به این نتیجه رسیدم که اگر بخوام اینجوری ادامه بدم دست آخر بعد از دریافت مدرک کارشناسی ارشد و یا حتی دکتری در بهترین حالت می‌خوام به کارمند سطح بالا توو به اداره بشم که نهایتاً به حقوق خوب دریافت کنم. شاید برای خیلی‌ها رسیدن به به حقوق کارمندی خوب نقطه اوج آرزوهاشون محسوب بشه اما من رسیدن به به حقوق ثابت خوب رو مطلوب نمی‌دیدم. همیشه دوست داشتم مثل قهرمانای این فیلما به آدمایی که توو موقعیت‌های بد قرار گرفتن کمک کنم و با کلی غرور و کمال رضایت از مفید بودن خودم به نفس عمیق بکشم و بگم «تونستم!». از این فیلما که بگذریم ذات زندگی آدمیزاد اینه که باید بجنگه و از «یه جا نشستن» یا همون «صبح به صبح کارت زدن توو به محیط اداری» فراری باشه. خلاصه اواخر اسفند ماه بود که تصمیم گرفتم عطای حقوق ثابت را به لقایش ببخشم و از اول فروردین شروع کنم به خوندن! البته این اشتیاق سوزان باید اول اول توو خود آدم ایجاد بشه و حتی اگر دوستان و اطرافیان با تمسخر بهت بگن: «تو که کار ثابت داری، می‌خوای بشینی و بخونی که چی!»، یا بگن: «صد و ده هزار تا شرکت می‌کنن و نهایتاً سه هزار تا ور می‌دارن و تو بدون سهمیه عمراً شانس نداری!» اطمینان نداشتم که به موفقیت برسم اما با خودم عهد کردم که اول فروردین «بسمه‌الله» بگم و با همه توانم پیش برم؛ البته قبلش از خانواده‌ام خواستم که توو این مسیر کمک کنن و این هشت ماه به کم توقع و انتظارشون رو از من کم کنن. من ریسک شیرین بلندپروازانه‌ای رو آغاز کرده بودم؛ خلاصش کنم برات: «با وجود تمام ترسی که از شکست داشتم، از تصمیم‌ام راضی بودم!». جمله به بنده‌ی خدا اوومد توو ذهنم که می‌گفت اگر آرزوت اینه که به ماشین بخری، اول برو به جاسوئیچی برای ماشینی که توو رو بایه تهیه کن و یقین داشته باش که به ماشینه می‌رسی! منم بدون معطلی، رفتم یک سنجاق سینه کوچولو که رووش آرم کانون رو داره و وکیل‌های کانون همیشه روی گت یا مانتوشون می‌زنن تهیه کردم. تا شروع کردم کمک‌های خدا رو دیدم که یکی یکی برام می‌اومد. مثلاً با مسؤل به کتابخونه صحبت کردم و با وجود اینکه ساعت کار اوونجا تا ۶ بعد از ظهر بود بهم گفت: می‌تونی با نگرهبان مجموعه هماهنگ کنی و تا ۱۱ شب هم از کتابخونه استفاده کنی! خلاصه اینکه ایمان داشتم اگر امروز زحمت بکشم فردا از نتیجه و میوه شیرین اوون زحمات بهره‌مند می‌شم؛ به فرموده قرآن: «فان مع العسر، یُسرا». خوشحالم از اینکه که امروز که این متن رو نوشتم در وضعیتی هستم که در تمامی آزمون‌های حقوقی (وکالت، قضاوت، ارشد، دکتری) قبول شدم و به عضویت «هیأت علمی» رسیدم و می‌خوام متنم رو با به جمله تموم کنم: «تووی سکوت تلاش کن و اجازه بده صدای موفقیت همه جا بیپچه!»

چشم‌انتظار خواندن داستان موفقیت‌تان هستم!

به امید موفقیت تو؛ امید ملاکریمی

پایان گفتار ما: حمد و سپاس مخصوص پروردگار جهانیان است

Telegram Channel: @OmidMollakarimi E-mail: mollakarimi.omid@gmail.com Instagram: @vekalatyar web: mollakarimi.ir

به شماره همراه ۰۹۳۵۲۲۱۳۱۷۵ از طریق پیام‌رسان‌ها پیام ارسال نمایید و جزوات آزمون‌های حقوقی را از ما بخواهید!